

سیری در جنگ ایران و عراق

مسائل استعماری و تحلیلی



مؤلف: دکتر سید علی حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق

نویسنده:

محمد درودیان

ناشر چاپی:

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق جلد ۴
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۲۱	پیشگفتار چاپ پنجم
۲۳	مقدمه
۲۷	جنگ در آستانه سال ۶۶
۲۷	اشاره
۲۹	بازتاب تحولات سیاسی - نظامی جنگ در سال ۶۵
۳۳	تلاش ایران برای بهره برداری از موقعیت برتر
۳۹	بررسی مواضع امریکا و شوروی (سابق)
۳۹	اشاره
۴۳	امریکا
۵۵	شوروی
۶۶	گسترش جنگ در خلیج فارس
۶۶	زمینه های تشدید بحران در خلیج فارس و گسترش حضور امریکا در منطقه
۶۹	واکنش امریکا و توافق با کویت برای اسکورت نفتکشها
۸۴	حمله عراق به ناو امریکایی استارک
۸۸	بررسی واکنشهای احتمالی ایران و تصویب اسکورت نفتکشها در کنگره امریکا
۹۷	واکنش شوروی نسبت به حضور امریکا در منطقه
۱۰۰	آغاز اسکورت نفتکشها و برخورد کشتی امریکایی با مین
۱۰۹	تصویب قطعنامه ۵۹۸
۱۲۶	تداوم درگیری در خلیج فارس با از سرگیری حملات هوایی عراق
۱۳۰	تلاشهای سیاسی ایران

۱۳۲	از سرگیری مجدد حملات عراق
۱۳۵	اصابت موشک به کویت
۱۳۷	رویارویی ایران و امریکا در خلیج فارس
۱۳۹	حمله امریکا به کشتی ایران اجر
۱۴۵	عملیات خفجی
۱۴۷	تداوم درگیری ایران و امریکا در خلیج فارس
۱۵۱	اصابت موشک به کشتی امریکا
۱۵۴	حمله امریکا به سکوی نفتی ایران
۱۶۰	اصابت موشک به اسکله الاحمدی کویت
۱۶۶	تحریم اقتصادی ایران
۱۶۸	جنگ در غرب کشور و آزادسازی حلبچه
۱۶۸	اشاره
۱۷۱	عملیات کربلای ۱۰
۱۷۱	اشاره
۱۷۲	موقعیت منطقه
۱۷۲	استعداد و آرایش دشمن
۱۷۴	طرح مانور عملیات
۱۷۶	در آستانه عملیات
۱۷۷	اجرای عملیات
۱۸۱	طرح ریزی و اجرای عملیات در مرحله جدید
۱۸۳	عملیات فتح ۵
۱۸۳	اشاره
۱۸۳	بازتاب عملیات کربلای ۱۰
۱۸۵	از ماووت تا حلبچه
۱۸۷	عملیات نصر ۴
۱۸۷	اشاره

۱۸۷	موقعیت منطقه
۱۸۸	طرح مانور
۱۸۸	اجرای عملیات
۱۹۱	عملیات نصر ۷
۱۹۱	اشاره
۱۹۱	موقعیت منطقه
۱۹۱	طرح مانور
۱۹۲	اجرای عملیات
۱۹۲	عملیات نصر ۸
۱۹۲	اشاره
۱۹۳	طرح مانور
۱۹۳	اجرای عملیات
۱۹۴	عملیات بزرگ بیت المقدس ۲
۱۹۴	اشاره
۱۹۶	موقعیت منطقه
۱۹۶	طرح مانور
۱۹۷	وضعیت دشمن
۱۹۷	اجرای عملیات
۲۰۰	عملیات بیت المقدس ۳
۲۰۰	اشاره
۲۰۱	تلاشها و اقدامات دشمن
۲۰۲	تلاش برای اجرای عملیات
۲۰۳	تغییر در طرح مانور عملیات
۲۰۴	طرح مانور عملیات
۲۰۵	اجرای عملیات
۲۰۹	عملیات والفجر ۱۰، آزاد سازی حلبچه

۲۰۹	اشاره
۲۱۰	موقعیت منطقه
۲۱۰	تأسیسات نظامی، اقتصادی و شهرها
۲۱۲	سابقه عملیاتی منطقه
۲۱۳	آماده سازی منطقه
۲۱۴	اهداف عملیات
۲۱۴	سازمان رزم
۲۱۵	طرح مانور
۲۱۶	شرح عملیات
۲۱۸	مرحله ی دوم عملیات
۲۱۹	مرحله ی سوم عملیات
۲۲۰	مرحله ی چهارم و پنجم عملیات
۲۲۰	نحوه ی تبلیغات و اعلام عملیات
۲۲۱	اقدامات و واکنش دشمن
۲۲۳	تلفات دشمن و غنائم
۲۲۳	بازتاب عملیات والفجر ۱۰
۲۲۴	انعکاس چهارمین مرحله از جنگ شهرها
۲۲۷	واکنش رسانه های خبری
۲۳۰	بازتاب بمباران شیمیایی حلبچه در رسانه های خارجی
۲۳۶	نتیجه گیری
۲۴۲	درباره مرکز

آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق جلد ۴

مشخصات کتاب

سرشناسه : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

عنوان و نام پدیدآور : آغاز تا پایان : بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه ساری تهاجم عراق تا آتش بس / محمد درودیان؛ نظارت بهاءالدین شیخ الاسلامی؛ ویرایش مهدی انصاری، احمد نصرتی.

مشخصات نشر : تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۲۲۳ ص.

فروست : سیری در جنگ ایران و عراق؛ ۶.

شابک : ۴۸۰۰۰ ریال : ۷-۵۸-۶۳۱۵-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت : چاپ قبلی: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۳.

یادداشت : چاپ هفدهم.

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷

شناسه افزوده : درودیان، محمد، ۱۳۳۸ -

شناسه افزوده : شیخ الاسلامی، بهاءالدین، ۱۳۳۰ -، ناظر

شناسه افزوده : انصاری، مهدی، ۱۳۳۴ -، ویراستار

شناسه افزوده : نصرتی، احمد، ۱۳۴۲ -، ویراستار

شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

شناسه افزوده : سیری در جنگ ایران و عراق؛ [ج] ۶.

رده بندی کنگره : DSR۱۶۰۰/س۲س۹ ج. ۶. ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۳۰۴۱۵

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

سال ۱۳۶۶ از سال های پرماجرای جنگ ایران و عراق است. در این سال اقدامات عراق برای بین المللی کردن جنگ و درگیر کردن شیخ نشین های خلیج فارس، با تشدید حمله به نفتکش ها و ناچاری جمهوری اسلامی از مقابله به مثل، بحران خلیج فارس را شدت بخشید و رودررویی مستقیم ایران و امریکا را در پی داشت. در این سال تلاش ابرقدرت ها برای خاتمه جنگ بدون طرف پیروز، به تصویب قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل منجر شد.

از سوی دیگر، در این سال جبهه اصلی نبرد از جنوب به شمال غرب انتقال یافت و عملیات های متعددی در این منطقه به اجرا درآمد که مهم ترین آنها عملیات گسترده والفجر ۱۰ در منطقه حلبچه بود. در پی موفقیت این عملیات، رژیم عراق کوشنده ترین سلاح های شیمیایی را در حجم بسیار و در سطحی وسیع به کار گرفت و فاجعه حلبچه را سبب شد.

کتاب «شلمچه تا حلبچه» چهارمین جلد از مجموعه «سیری در جنگ ایران و عراق» است که در آن وقایع سیاسی و نظامی این سال پرماجرا تجزیه و تحلیل شده است. این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۷۶ چاپ و منتشر شد و شورای مرکزی چهارمین دوره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس سال های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ آن را مورد تقدیر قرار داد.

کتاب «شلمچه تا حلبچه» در سال های ۱۳۸۱، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۴ تجدید چاپ شد که با اتمام نسخه های چاپ چهارم برای با پنجم چاپ و منتشر می شود تا در دسترس علاقه مندان و محققان قرار گیرد.

گفتنی است مجموعه شش جلدی «سیری در جنگ ایران و عراق» شامل: خونین شهر تا خرمشهر (جلد ۱)، خرمشهر تا فاو (جلد ۲)، فاو تا شلمچه (جلد ۳)، شلمچه تا حلبچه (جلد ۴)، پایان جنگ (جلد ۵)، آغاز تا پایان (جلد ۶) به طور کامل منتشر شده و در دسترس عموم قرار گرفته است.

نکته قابل توجه پژوهشگران اینکه مرکز مطالعات مجموعه دیگری را با عنوان «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق» منتشر کرده است که در این مجموعه به نحوی عمیق تر و با توجه به جنبه های استراتژیک، به تجزیه و تحلیل جنگ پرداخته شده است. از این مجموعه تاکنون سه جلد (ریشه های تهاجم، جنگ بازیابی ثبات، تنبیه متجاوز) منتشر شده است. علاقه مندان برای مطالعه و تحقیق بیشتر درباره دوره ای از جنگ که موضوع کتاب حاضر است، می توانند به کتاب «تنبیه متجاوز» مراجعه نمایند.

امید است با یاری حق جل و علا دست اندرکاران این مرکز بتوانند با انتشار گوشه ای از حقایق این واقعه عظیم، سهمی در حفظ و نشر دستاوردها و آثار آن داشته باشند.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه

۱۳۸۶

ص: ۱۳

شلمچه تا حلبچه «چهارمین کتاب از مجموعه شش جلدی» سیری در جنگ ایران و عراق است. در این کتاب رخدادهای سیاسی و نظامی جنگ در حد فاصل عملیات های کربلای ۵ (دی ۱۳۶۵) و والفجر ۱۰ (اسفند ۱۳۶۶) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بدون تردید، روند جنگ در این مرحله، در عین آن که برآیند تحولات ناشی از فتح فاو بود، عملاً زمینه ها و مقدمات خاتمه یافتن آن را فراهم ساخت. بنابراین، اهمیت بررسی اوضاع و دشواری های سال پایانی جنگ و تأثیراتش در نحوه اختتام آن، یکی از مهم ترین مسائلی است که ضرورت تبیین و تدوین کتاب حاضر را تا اندازه ای توضیح می دهد.

کتاب «شلمچه تا حلبچه» بر پایه ی واقعیت ها و رخدادهای سیاسی و نظامی جنگ طی مقطع زمانی مذکور، در سه فصل تنظیم شده است. فصل نخست کتاب با عنوان «جنگ در آستانه سال ۶۶» به بررسی تحولات جنگ در سال ۶۵ و تأثیر آن بر اتخاذ رهیافت جدید ایران و عراق همراه با تشریح مواضع امریکا و شوروی (پیشین)، اختصاص یافته است. اصولاً توضیحات مندرج در این فصل، زمینه ها و بستر اصلی شکل گیری روند جدید جنگ را در سال ۱۳۶۶ ترسیم می کند.

زمینه های گسترش بحران در خلیج فارس، با تشدید حملات عراق به پایانه های نفتی و نفت کش های ایران و مقابله به مثل جمهوری اسلامی،

مدخل مباحث فصل دوم کتاب است که تحت عنوان «گسترش جنگ در خلیج فارس» تنظیم شده است. عراقی ها با تکیه بر برتری هوایی و با بهره برداری از فضای شدیداً متشنج حاکم بر روابط امریکا و ایران، تهاجمات خود را با هدف «بین المللی کردن جنگ»، گسترش دادند. واکنش ایران در مورد اقدامات عراق، به درخواست کویت از امریکا برای اسکورت نفت کش های این کشور منجر شد. نگرانی امریکا از عواقب و پیامدهای پذیرش درخواست کویت و بحث های مناقشه آمیزی که میان کنگره و دولت امریکا در گرفت، سبب شد تا در مرحله نخست، امریکا از اجابت این درخواست خودداری کند. ارائه این پیشنهاد به شوروی (پیشین) و موافقت روس ها با اجازه دادن سه نفت کش به کویت، سبب گردید تا امریکا سرانجام پرچم خود را بر فراز نفت کش های کویت به اهتزاز در آورد.

تصویب قطع نامه ۵۹۸ در شورای امنیت سازمان ملل، تنها به فاصله یک روز قبل از آغاز اسکورت نفت کش ها، نمایانگر تلاش امریکا جهت کسب مجدد ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق بود. تلاش های دیپلماتیک ایران در مورد صدور قطع نامه ۵۹۸ و حضور قدرت مندان سپاه پاسداران در عرصه دریا برای مقابله با تهاجمات عراق و سیاست باجگیرانه امریکا در خلیج فارس، فصل جدیدی از درگیری میان ایران و امریکا را در منطقه خلیج فارس گشود. مراحل درگیری میان دو کشور در ماه های شهریور و مهر سال ۱۳۶۶، همراه با بررسی نتایج و بازتاب های آن، بخش های پایانی فصل دوم کتاب را تشکیل می دهند.

کلید تلاش های نظامی ایران در سال ۱۳۶۶ در فصل سوم کتاب تحت عنوان «جنگ در غرب کشور و آزادسازی حلبچه» مورد بررسی قرار گرفته است. عملیات های کربلای ۱۰، فتح ۵ نصر ۴ و نصر ۷ گرچه در نیمه نخست سال ۱۳۶۶ انجام گرفت که از نظر زمانی بر رخدادهای خلیج فارس تقدم دارد، لیکن به دلیل سنخیت آن و از همه مهم تر تأثیر این سلسله عملیات در شکل گیری و اجرای استراتژی جدید ایران در منطقه

غرب کشور، کلیه مباحث نظامی در این فصل تشریح و تجزیه و تحلیل شده است.

به رغم موانع و دشواری هایی که برای اجرای عملیات در فصل زمستان، روی ارتفاعات صعب العبور وجود داشت، تداوم جنگ در منطقه غرب کشور با اجرای عملیات های نصر ۸ و بیت المقدس ۲ و ۳ در پاییز و زمستان ۱۳۶۶، نشان دهنده ی مشکلات و پیچیدگی های حاکم بر جنگ بود. در واقع، «بن بست در جنوب» (۱) دو راه حل فرا روی فرماندهان سپاه که مسئولیت جنگ را برعهده داشتند، قرار داده بود. راه حل نخست، «ابراز ناتوانی از ادامه جنگ بود.» چنان که تلویحا برخی مشوق این نظر و در انتظار اظهار آن از سوی سپاه بودند. «تلاش برای شکستن بن بست جنگ با گرفتن زمان از دشمن» راه حل دومی بود که سپاه با در نظر گرفتن کلیه ملاحظات مبنی بر ادامه جنگ، انتخاب کرد.

مشکلات و دشواری های جنگ روی ارتفاعات در فصل زمستان، همراه با هوشیاری دشمن در مورد اهداف قوای نظامی ایران برای تصرف استان سلیمانیه، منجر به مسدود شدن راه کارها شد. در نتیجه پیدایش این وضعیت، عملیات والفجر ۱۰ برای منطقه حلبچه طرح ریزی شد و در موقعیتی که تهران در زیر حملات موشکی عراق قرار داشت، به اجرا درآمد.

تهاجم شیمیایی عراق به مردم حلبچه با «گاز سیانور» به مثابه یک «فاجعه انسانی» و قتل عام بی رحمانه مردم بی دفاع، واکنش گسترده ای را در رسانه های خارجی به دنبال داشت که در پایان فصل سوم تشریح شده است.

ص: ۱۶

۱-۱. پس از عملیات کربلای ۸ کلیه راه کارها برای اجرای عملیات در منطقه جنوب مسدود شد. در عین حال، در تمام این مدت و تا ماه های پایانی سال ۱۳۶۶، تلاش برای شکستن بن بست در جنوب ادامه داشت و حتی منجر به طرح ریزی عملیات در منطقه فاو شد. ولی بنا به دلایلی، از آن نتیجه ای حاصل نشد.

کتاب حاضر همانند سایر کتاب هایی که مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ منتشر کرده است، با بهره برداری از حاصل زحمات کلیه راویان و محققین این مرکز که با تلاش های صادقانه خود در گردآوری مجموعه بی نظیر و ارزشمند منابع تحقیقاتی جنگ ایران و عراق مشارکت داشته اند تدوین شده است. این مرکز مراتب سپاس و تشکر خود را از این عزیزان و نیز کلیه برادرانی که در تهیه و انتشار این کتاب نقش داشته اند، ابراز می دارد.

همچنین لازم است از زحمات فراوان و توجهات بی شائبه ی سرلشکر محسن رضایی، تیمسار علی شمخانی و سرتیپ غلامعلی رشید که با ارائه نظریات کارشناسانه ی خویش در جهت تکمیل و پربار شدن کتاب، این مرکز را یاری کردند، تشکر و قدردانی شود.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

تابستان ۱۳۷۶

ص: ۱۷

جمهوری اسلامی با کسب پیروزیهای نظامی در سال ۶۵ همراه با مقاومت در برابر حامیان عراق، موازنه‌ی سیاسی - نظامی جنگ را به سود خود تغییر داد. در این روند، موقعیت برتر ایران نشان دهنده برخورداری کشور از قابلیت‌های لازم برای تغییر توازن جنگ و «ثبیت» آن به سود خود بود. اصولاً وضعیت ناشی از این برتری هسته‌ی اصلی نگرانی حامیان منطقه‌ای و جهانی عراق را تشکیل داده و در عین حال مانع از نادیده گرفتن درخواست‌های برحق ایران نیز بود.

در این میان، افزایش نقش امریکا و شوروی برای کنترل اوضاع و تأثیرگذاری بر روند تحولات سیاسی و نظامی جنگ با هدف «تحت تأثیر قرار دادن موقعیت برتر ایران» و در نتیجه فراهم سازی مقدمات پایان بخشیدن به جنگ، مشخصه‌ی جنگ در سال ۶۵ و سپس در سال ۶۶ بود. آنگاه اقداماتی که در این مسیر انجام گرفت منشاء تحولاتی شد که در خاتمه بخشیدن به جنگ نقش و تأثیر بسزایی داشت.

نتایج ناشی از این رخدادها و تحولات، پرسش‌های گوناگونی در بطن خود دارند که پاسخ به آنها می‌تواند چارچوب و ماهیت روند تحولات «جنگ در

سال ۶۶ را آشکار نماید. مثلاً این سؤالات می توانند مطرح گردند که ایران و عراق به عنوان طرفین درگیر در جنگ، هر یک چه استراتژیها و راه‌حلهایی را برای تغییر و یا تثبیت اوضاع فراروی خود داشتند؟ و قدرتهای بزرگ چه نقشی را در فرآیند تحولات جنگ و برای تغییر اوضاع به سود خود ایفا می کردند؟

در پاسخ به سؤالا اجمالاً می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- عراق برای رهایی از فشارهای روز افزون، تلاش خود را بر مبنای بین‌المللی کردن جنگ با حمله به نفتکشها و مراکز صدور نفت و همچنین تأسیسات صنعتی و اقتصادی ایران متمرکز کرد. ضمن آنکه برای عراق افزایش توان نظامی جهت مقابله مؤثر در برابر تهاجمات ایران و اقدامات آفندی در صورت آمادگی شرایط، مرکز ثقل هر نوع اقدام محسوب می شد.

۲- ایران به موازات تلاشهای نظامی در جبهه‌های نبرد، با بهره‌برداری از موقعیت برتر نظامی، تلاشهای دیپلماتیک خود را حول محور قطعنامه ۵۹۸ افزایش داد.

۳- امریکا برای کنترل و مهار اوضاع به منظور خاتمه بخشیدن به جنگ، فشار خود را بر ایران افزایش داد. بدین ترتیب که ضمن گسترش حضور نیروهایش در منطقه، تلاشهای دیپلماتیک خود را در چارچوب سازمان ملل به منظور تصویب قطعنامه ۵۹۸ آغاز کرد.

۴- اتحاد جماهیر شوروی (سابق) با بهره‌برداری از اوضاع متشنج منطقه و تشتت حاصله در سیاست منطقه‌ای امریکا، با اجاره دادن ۳ فروند نفتکش به کویت، برای نخستین بار مقدمات حضور خود را در منطقه‌ی خلیج فارس فراهم کرد. همچنین روابط دیپلماتیک خود را با ایران، عراق و کشورهای منطقه بهبود بخشیده و گسترش داد.

رفتار عراق و حامیانش و اهداف و سیاستهای آنها بدین معنا بود که دنیا حاضر به پذیرش موقعیت برتر ایران و تأمین حقوق این کشور در برابر عراق به

عنوان متجاوز نیست. لذا عدم تمکین جمهوری اسلامی نسبت به اهداف و سیاستهای قدرتهای بزرگ، منجر به افزایش فشارهای همه جانبه آنان به ایران، با هدف تعدیل مواضع این کشور و تسهیل در پایان بخشیدن به جنگ شد.

اکنون به منظور توصیف و تجزیه و تحلیل رخدادهای جنگ در سال ۶۶، بر پایه ی این فرض که روند تحولات جنگ در این سال متأثر از پیروزیهای سیاسی - نظامی ایران در سال ۶۵ می باشد؛ در ادامه ی بحث، ضمن بررسی بازتاب تحولات سیاسی - نظامی جنگ در سال ۶۵، تلاش ایران برای بهره برداری از موقعیت برتر و مواضع امریکا و شوروی (پیشین) در برخورد با مسائل جنگ و همچنین با ایران و عراق را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

بازتاب تحولات سیاسی - نظامی جنگ در سال ۶۵

تثبیت مناطقی که ایران تصرف کرده بود و ناتوانی عراق برای بازپس گیری این مناطق، به عنوان یکی عوامل اساسی و مؤثر در ارزیابی ضعف و ناتوانی نظامی و روحی نیروهای عراق و متقابلاً برتری قوای نظامی ایران، مورد توجه ناظرین و کارشناسان نظامی قرار گرفت. این روند و تردید نسبت به توانایی نظامی عراق برای مهار تهاجمات مشابه و متوالی ایران، همانند آنچه که در فو انجام گرفت، بیشترین نگرانی را در کشورهای غربی و حتی شوروی پدید آورد. (۱) ماهیت این تحولات و فرایند آن سبب گردید که احتمال دستیابی ایران به پیروزی و شکست عراق مورد توجه قرار گیرد.

«برای اولین بار، [اوضاع جنگ] این احتمال را که این طرف حقیقتاً بر دیگری پیروز شود، مطرح ساخته است.» (۲).

تغییر توازن به سود ایران و تأثیرات ناشی از این وضعیت، سبب گردید تا بسیاری از تحلیل گران نظامی و دیپلماتهای غربی، پیدایش این وضعیت را سرآغاز تغییر و تحول در مواضع امریکا و شوروی (پیشین) ارزیابی کنند. در

ص: ۲۰

۱- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

۲- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

این زمینه نول آبرواتور نوشت:

«اکنون بسیاری از کشورهای غربی و شوروی، باطمینان از پیروزی امکان پذیر ایران، در برنامه های استراتژیک خود، به ناچار تجدید نظر کرده اند. تعادل قوا به نحوی قاطع به نفع ایران به هم خورده است.»

این نشریه سپس در مورد پیامدهای پیروزی ایران بر منطقه و جهان سه احتمال را مطرح می کند:

«نخستین نظریه، دورنمایی فاجعه آمیز را مجسم می سازد. دومین فرضیه احتمال پیدایش وضعی شبیه لبنان در عراق است و سومین فرضیه، احتمال رستاخیز اسلام پیشرو و نوین است.» (۱).

در این میان، ابهام نسبت به آینده و احتمال به هم خوردن تعادل قوا در منطقه، به عنوان عواقب و پیامدهای ناشی از تحولات اخیر، مورد تأکید قرار گرفت. ماهنامه ی لوموند دیپلماتیک نیز در صورت پیروزی ایران، سه سناریو را در مورد عراق محتمل و قابل پیش بینی می داند:

«شکست نظامی کامل عراق، فلج شدن تدریجی حکومت عراق ناشی از قطع کمکهای مالی غرب که به فکر آینده روابط با ایران هستند و بالاخره سرنگونی رژیم بغداد.»

این نشریه در ادامه می نویسد:

«در هر سه مورد، این جمهوری اسلامی ایران است که شرایط خود را برای صلح و حتی سلطه جویی بر عراق تحمیل کرده و بدینسان داده های منطقه ای و بین المللی را دگرگون خواهد کرد. در آن صورت ایران اراده خود را بر کشورهای خلیج فارس تحمیل کرده و بر سازمان اوپک استیلاء خواهد یافت. سیاست نفتی را تغییر شکل داده و شماری از کشورهای عربی مانند مصر و اردن را در انزوا قرار خواهد داد.» (۲).

همراه با اظهار نگرانی و اضطراب رسانه ها و محافل خبری و تحلیلی نسبت

ص: ۲۱

۱- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

۲- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

به آینده، اظهارات رسمی میتران، رئیس جمهور فرانسه، در مورد نتایج حاصله از پیروزی ایران نیز حائز اهمیت است:

«پیروزی ایران در این جنگ به مثابه پیروزی تندروهای اسلامی خواهد بود که می تواند ثبات کل جهان عرب و مدیترانه را به هم بزند.» (۱).

همچنین از طرف این تحلیل گران راه حلهایی برای مقابله با پیامدهای احتمالی ناشی از پیروزی ایران ارائه می شد. چنانکه نشریه فیگارو در این زمینه سه راه حل پیش بینی و ارائه می کند:

«۱- امریکا در پرتو مساعدت و همکاری اردن و مصر یک کمک لجستیکی قوی به عراق خواهد رسانید.

۲- اتحاد شوروی فشارهایی را به تهران وارد خواهد کرد.

۳- آخرین راه حل ممکن نیز به عنوان راه حل اضطراری آن است که قدرتهای بزرگ با محاصره نفت ایران در تنگه هرمز، ایران را از درآمدهای مالی محروم سازند.» (۲).

در واقع، روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ به ویژه در سالهای ۶۵ و ۶۶ نشان دهنده ی این واقعیت است که تمهیدات فراوانی در زمینه های سیاسی، اقتصادی و نظامی، به منظور مقابله با ایران و مهار نتایج ناشی از پیروزی نهایی آن بر عراق، طرحریزی و اجرا شد. حامیان جهانی و منطقه ای عراق دو راه حل فرا روی خود داشتند. نخست اینکه با «پذیرش موقعیت برتر ایران و ارائه امتیاز به این کشور»، شرایط لازم را برای پایان بخشیدن به جنگ فراهم نمایند که طبیعتاً تحولات ناشی از این امر، با توجه به ماهیت جنگ و دلایل تحمیل آن به ایران مردود شناخته شده بود. آنتونی پارسونز، سفیر وقت انگلیس در سازمان ملل به روشنی این مسئله را بیان داشته است:

«هیچ کس مایل به پیروز شدن ایران انقلابی، این به هم زننده وضع موجود در منطقه و زیر پا گذارنده حقوق و عرف بین المللی نیست.» (۳).

ص: ۲۲

۱- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

۲- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

۳- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

در واقع، نتایج مترتب بر پیروزی ایران، مهمترین عامل بازدارنده در ارائه ی امتیاز به ایران و فراهم سازی مقدمات پایان بخشیدن به جنگ بود. در نتیجه، ضمن اجتناب از تأمین نظریات و خواسته های برحق ایران، راه حل دوم، مبنی بر «تشدید فشار به ایران»، با هدف تحلیل تدریجی توان اقتصادی و تضعیف موقعیت سیاسی و نظامی این کشور پیگیری شد. هسته مرکزی این تلاش معطوف بر «تغییر موازنه در جنگ» به عنوان لازمه ی خاتمه ی فوری جنگ از طریق سیاسی بود. چنین پیش بینی می شد که با مخدوش کردن اعتماد ایران به کسب پیروزی در عملیات و تغییر نحوه ی دریافتهای این کشور از امکان دستیابی به پیروزی در جنگ، مقدمات پایان بخشیدن به جنگ فراهم خواهد شد. چنانکه واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا بیان کرده بود، ماهیت تلاشهای جدید و هدف از اعمال آنها ناامید کردن از دست یابی به پیروزی بود.

«اکنون ما با نوعی جنگ رو به رو هستیم که هدف آن از بین بردن امید است.» (۱).

بر این اساس، تغییر روند جنگ از وضعیت فرسایشی به وضعیت تهاجمی، به عنوان یک تحول اساسی طرح ریزی شد. چون پس از فتح خرمشهر در سال ۶۱، استراتژی دفاعی عراق، با هدف فرسایشی کردن جنگ پیگیری می شد. لیکن پیروزیهای حاصله از سوی ایران و تغییر توازن در جنگ به سود این کشور، به منزله ی شکست استراتژی پیشین و ضرورتاً نیازمند اتخاذ رهیافت نظامی تهاجمی تر بود. در این باره یکی از محققین می نویسد:

«تحركات جدید منطقه ای و بین المللی مرتبط با جنگ بر رهیافت نظامی تهاجمی تر نسبت به وضعیت فرسایشی موجود جنگ تأکید می کرد.» (۲).

افزایش حمایت از عراق و تقویت توان نظامی این کشور، در همین چارچوب به نحو گسترده و چشمگیری تشدید شد که نتایج و ثمرات آن در ماههای پایانی جنگ در سال ۶۷، با تغییر توازن به سود عراق آشکار شد.

ص: ۲۳

۱- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

۲- ۱۰. مأخذ شماره ۱.

بر مبنای چنین حمایت‌های همه جانبه ای این امیدواری و انتظار وجود داشت که عراق با اتخاذ رهیافت نظامی تهاجمی تر، علاوه بر مقاومت و پایداری در برابر تهاجمات نظامی جمهوری اسلامی، از توانایی لازم برای بازپس گیری مناطقی که ایران تصرف کرده برخوردار شود.

نظر به اینکه پافشاری ایران بر احقاق حقوق خود و ادامه جنگ، بر پایه ی توانایی نظامی آن برای انجام عملیات و همچنین حفظ و نگهداری مناطق متصرفه بود؛ چنین پیش بینی می شد که در صورت بازپس گیری این مناطق از سوی عراق و تغییر توازن در جنگ، ایران سرانجام مجبور به پذیرش خاتمه ی جنگ از طریق سیاسی خواهد شد.

بدین ترتیب جنگ در سال ۶۶، بر پایه تحولات سال ۶۵ از شرایط و مشخصه هایی برخوردار شد که در بطن خود، مقدمات پایان یافتنش را پرورش داد.

تلاش ایران برای بهره برداری از موقعیت برتر

مهمترین آثار و نتایج پیروزی جمهوری اسلامی در عملیات کربلای ۵، پیدایش این باور و اعتبار بود که ایران، بر پایه این پیروزی و توانایی هایش، قادر است حقوق حقه خود را از موضع برتر پیگیری و برای تأمین آن پافشاری کند. حتی برخی از کارشناسان مسائل ایران و جنگ نیز در ارزیابی موقعیت ایران به همین نتیجه رسیده بودند. (۱) چنانکه شهرام چوبین (عضو مؤسسه بین المللی

ص: ۲۴

۱- ۲۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۹ / ۱۰ / ۶۵، به نقل از رادیو بی بی سی، ۲۸ / ۱۰ / ۶۵.

«من فکر می کنم که آنها (ایرانیها) در مرحله جدیدی از جنگ قرار گرفته و به خود اعتماد پیدا کرده اند و این امر در سال ۱۹۸۵ و احتمالاً از سال ۱۹۸۴ در حملات مجنون و هویزه به چشم نمی خورد. آنها دلیلی نداشتند که فکر کنند که قادر به پیروزی می باشند. ولی عملیات «فاو» و «مهران» و «کربلای ۵» در سال گذشته به آنها نشان داد که به این امر قادر می باشند و هم اکنون برای کسب پیروزی عجله دارند.» (۱).

در واقع از سال ۶۴، ایران در یک روند صعودی با کسب پیروزیهای نظامی در موقعیتی قرار گرفت که ضمن برخورداری از اعتماد به نفس، برای پیگیری و پافشاری بر تأمین خواسته های خود تعجیل داشت. بدیهی است که تأکید بر مفهوم «اعتماد به نفس» و «تعجیل در کسب پیروزی» در تحلیل فوق، ناظر بر موقعیت کلی ایران در جنگ و متقابلاً ضعف و ناتوانی ارتش عراق بود. چنانکه روزنامه فیگارو با ارزیابی موقعیت عراق در همین زمینه می نویسد:

«شش ماه پیش از بغداد برای مقاومت در برابر این جنگ فرسایشی نیرومندتر از تهران به نظر می رسید، امروز نیروهای صدام حسین از حرکت بازمانده و در حال عقب نشینی هستند و روحیه ایشان ضعیف شده است.» (۲).

ایران برای بهره برداری از «موقعیت برتر»، علاوه بر آمادگی برای عملیات نظامی، (۳) تلاش دیپلماتیک بر پایه ی پیروزی نظامی در عملیات کربلای ۵ را آغاز کرد. در همین چارچوب آقای هاشمی رفسنجانی، فرمانده عالی جنگ، در مصاحبه با خبرنگاران خارجی در پاسخ به سؤال خبرنگار انگلیسی مبنی بر

ص: ۲۵

۱- ۲۲. در این زمینه در صفحات قبل توضیح داده شد ولی لازم به ذکر است که در مورد سیاست ایران در خلیج فارس، آقای هاشمی در تاریخ ۵ / ۱۱ / ۶۵ رسماً اعلام کرد: «ایران در این اندیشه نیست که جنگ با عراق را به دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس گسترش بدهد.»

۲- ۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۵ / ۱ / ۶۶.

۳- ۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۶ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو بی بی سی، ۲۵ / ۲ / ۶۶.

احتمال تغییرات سیاسی در رژیم عراق و پیگیری حقوق ایران از مجراهای سیاسی می گوید:

«محال نیست؛ البته ما معمولاً هر حمله ای که می کنیم مدتی صبر می کنیم شاید حامیان عراق توجه بکنند و حقوق ما با فشار آنها داده شود. حالا هم مایوس نیستیم که چنین چیزی بشود.» (۱).

آقای هاشمی در ادامه پاسخ به مسئله ای اشاره می کند که بیانگر علت پافشاری جمهوری اسلامی بر اجرای عملیات نظامی می باشد:

«ولی تجربه پنج - شش سال گذشته نشان داده که اگر زور پشت کار نباشد و اگر آنها ترسی از ادامه جنگ نداشته باشند، تسلیم نمی شوند.» (۲).

فرمانده عالی جنگ همچین با اشاره به تجربه ی نحوه ی پایان مخاصمه و جنگ در میان سایر کشورها اظهار می دارد:

«جاهای دیگر هم این طوری نشان داده، وقتی که جنگ تمام شد، دیگر هیچ کس حاضر نیست حق دیگری را با مذاکره بدهد.» (۳).

برابر این توضیحات، پیگیری و تحقق خواسته های سیاسی ایران تنها بر پایه ی پیروزی در جبهه ی نظامی و برخورداری از موضع برتر، امکان پذیر بود. طبیعتاً در چنین اوضاعی، تأکید و پافشاری ایران بر تأمین خواسته های حقه ی خود، همراه با برخورداری از آمادگی نظامی به منظور اجرای عملیات، امری ضروری و در عین حال منطقی بود. آقای هاشمی در همین مصاحبه در پاسخ به سؤال خبرنگار روزنامه آساهی ژاپن درباره عملیات کربلای ۵ و علت خاتمه آن می گوید:

«در مورد عملیات کربلای ۵ می توان گفت که همه عملیات های ما، ماهیت نظامی ندارند. برخی اهداف سیاسی دارند و این عملیات به اهدافش رسید. اگر «همه شرایط» برای حمله ی بزرگ مناسب باشد آن را شروع می کنیم.»

ص: ۲۶

۱-۲۵. روزنامه جمهوری چاپ ترکیه در این زمینه می نویسد: «زمانی که موضع گیری اخیر شورای امنیت سازمان ملل برای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق با اتخاذ سیاست منزوی کردن ایران از جانب امریکا و شوروی به عنوان یک مسئله مشترک توأم گردید، آشکار شد که در روزهای آینده اقدامات به عمل آمده در مورد زیر فشار قرار دادن رژیم (امام) خمینی برای پذیرش صلح، سرعت بیشتری خواهد گرفت.» (اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۲۳۹، ۲۰ / ۳ / ۶۶، روزنامه جمهوری چاپ ترکیه، ۲۷ / ۲ / ۶۶).

۲-۱۶. پیشین.

۳-۱۷. پیشین.

سپس ایشان در خصوص آمادگی برای پایان بخشیدن به جنگ اضافه می کند:

«در مورد تلاشهایی که در مورد آتش بس صورت می گیرد، از اول گفته ایم اگر قبول دارند جنگ را صدام شروع کرده و دادگاهی تشکیل شود و متجاوز به مجازات برسد، ما حاضریم.» (۱).

همچنین آقای هاشمی در همین مصاحبه، با توجه به سؤالات خبرنگاران خارجی در مورد نتایج جنگ در سال ۶۵ که به عنوان سال سرنوشت ساز تعیین شده بود بر این مسئله تأکید می کند که:

«ما گفتیم که امسال (۶۶) سال بهره برداری از ضرباتی است که در سال گذشته بر پیکر ماشین جنگی عراق وارد کردیم.» (۲).

در توضیح همین مفهوم، آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه تهران اظهار می دارد:

«اینکه ما سال گذشته را «سرنوشت ساز» گفتیم، این بود که در این سال روند جنگ را تعیین خواهیم کرد و امروز سرنوشت جنگ مشخص شده است. شرایطی پیش آمده که همه دنیا دارند به جانشین سازی صدام و حزب بعث فکر می کنند و عراق از شرایط دفاع متحرک به وضعی افتاد که دیگر دفاع ندارد.» (۳).

تشریح و توضیح مفهوم عملیات سرنوشت ساز، گرچه با تأخیر انجام شد، لیکن ضروری بود. زیرا با طرح این شعار در آغاز سال ۶۵ و عدم توضیح درباره ی آن، جو عمومی کشور بر این باور قرار گرفت که جنگ در همین سال با پیروزی نظامی، به پایان خواهد رسید. بنابراین، عدم توضیح این مفهوم از یک سو و از سوی دیگر عدم اختتام جنگ این سؤال و ابهام را به وجود آورده بود که دستاورد جنگ در سال ۶۵ چه بود؟ و در سال ۶۶ ایران بر چه اساسی و با چه هدفی جنگ را ادامه می دهد؟

ص: ۲۷

۱- ۱۸. روزنامه اطلاعات، ۱ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۹. روزنامه کیهان، ۱ / ۲ / ۶۶.

۳- ۲۰. روزنامه کیهان، ۱۵ / ۱ / ۶۶.

در نتیجه تشریح این مفهوم از سوی فرمانده عالی جنگ در نماز جمعه، این مسئله را خاطرنشان ساخت که پیروزیهای نظامی در سال ۶۵، به منظور متقاعد ساختن حامیان عراق به اقدام برای تغییر و تحول در رژیم عراق بوده و هم اکنون نیز کلیه تلاشهای نظامی و سیاسی ایران، به منظور تحقق همین مفهوم پیگیری و اجرا می شود. کلیه تلاشهایی که بدین منظور انجام گرفت، بازتابهای مختلفی را به همراه داشت، چنانکه یکی از کارشناسان مسائل ایران و جنگ می گوید:

«من تصور می کنم که رژیم [ایران] به این واقع بینی دست یافته که تا جنگ پیامدهای اساسی از خود باقی نگذاشته، زمانهای بیشتری را به آن اختصاص ندهد. بنابراین، من فکر می کنم در واقع تلاشهای جدیدی را در آن مبذول داشته و مایل است که حملات بسیاری از این قبیل را، حتی اگر در حال حاضر پیروزی بر بصره برایش مؤثر نباشد، انجام دهد.» (۱).

اما در چنین اوضاعی، گسترش درگیری در خلیج فارس (۲) از سوی عراق و متعاقب آن افزایش حضور امریکا در خلیج فارس و تهدیداتی که نسبت به ایران صورت گرفت، دقیقا نشانگر این بود که امریکا، با نادیده گرفتن موقعیت برتر ایران و تأمین حقوق حقه ی این کشور، همچنان حمایت از عراق و فشار بر ایران را ادامه خواهد داد.

در واقع افزایش حضور امریکاییها در منطقه، با هدف مقابله با تغییرات احتمالی ناشی از برتری ایران و تداوم پافشاری این کشور بر تحقق خواسته های سیاسی خود صورت می گرفت و جمهوری اسلامی این موضوع را کاملا درک می کرد. به همین دلیل، در آستانه سال ۶۶، امام خمینی با هشدار نسبت به «از

ص: ۲۸

۱- ۲۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۹ / ۱۰ / ۶۵، به نقل از رادیو بی بی سی، ۲۸ / ۱۰ / ۶۵.
۲- ۲۲. در این زمینه در صفحات قبل توضیح داده شد ولی لازم به ذکر است که در مورد سیاست ایران در خلیج فارس، آقای هاشمی در تاریخ ۵ / ۱۱ / ۶۵ رسماً اعلام کرد: «ایران در این اندیشه نیست که جنگ با عراق را به دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس گسترش بدهد.»

دست دادن زمان» درباره ی ماهیت تلاشهای صلح طلبی قدرتهای بزرگ فرمودند: «باید هوشیار باشیم و گول اینها را نخوریم.» سپس تأکید فرمودند:

«ما نباید به این جنایتکار (صدام) مهلت بدهیم تا خودش را مجهز بکند و دوباره به شرارت دست بزند.» (۱).

اظهارات امام، همراه با تشدید تنش میان ایران و امریکا که عمدتاً متأثر از گسترش حضور امریکا در خلیج فارس به حمایت از عراق بود، سبب گردید رادیو لندن طی تحلیلی در مورد جو حاکم بر ایران چنین قضاوت نماید:

«در حال حاضر، فضای جنگ جویی که بر تهران مستولی است، نشان می دهد که ایران آمادگی برای صلحی که همراه با سقوط دولت یعنی عراق نباشد، ندارد.» (۲).

بدین ترتیب با پیدایش موقعیت جدید که تماماً حاکی از افزایش فشار به ایران برای پذیرش صلح بود، (۳) گر چه امیدواریهای ایران برای دستیابی به امتیازات سیاسی قابل توجه جهت پایان بخشیدن به جنگ تا اندازه ای کم رنگ شد. لیکن در عین حال تداوم جنگ در سال ۶۶ بر پایه این امیدواری پیگیری می شد که با اتکاء بر کسب پیروزی نظامی در صحنه نبرد و تلاشهای دیپلماتیک، حامیان جهانی و منطقه ای عراق برای ارائه امتیاز به ایران متقاعد شوند و تلاشهای دیپلماتیک ایران در سازمان ملل بر حول محور قطعنامه ۵۹۸ به سرانجام مطلوبی منتهی شود.

ص: ۲۹

۱- ۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۵ / ۱ / ۶۶.

۲- ۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۶ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو بی بی سی، ۲۵ / ۲ / ۶۶.

۳- ۲۵. روزنامه جمهوری چاپ ترکیه در این زمینه می نویسد: «زمانی که موضع گیری اخیر شورای امنیت سازمان ملل برای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق با اتخاذ سیاست منزوی کردن ایران از جانب امریکا و شوروی به عنوان یک مسئله مشترک توأم گردید، آشکار شد که در روزهای آینده اقدامات به عمل آمده در مورد زیر فشار قرار دادن رژیم (امام) خمینی برای پذیرش صلح، سرعت بیشتری خواهد گرفت.» (اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۲۳۹، ۲۰ / ۳ / ۶۶، روزنامه جمهوری چاپ ترکیه، ۲۷ / ۲ / ۶۶).

تلاش عراق به منظور گسترش درگیری در خلیج فارس و مقابله به مثل ایران، موجبات افزایش نگرانی کشورهای منطقه و قدرتهای بزرگ را فراهم ساخت (۱).

پیدایش موقعیت جدید سبب گردید تشدید فشار به ایران و تلاش برای ممانعت از پیروزی ایران بر عراق، با افزایش حمایت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی از عراق، به عنوان منطق حاکم بر رفتار و عملکرد کشورهای منطقه و قدرتهای بزرگ، بیش از گذشته خودنمایی کند. در این زمینه روزنامه کیزائی از ژاپن می نویسد:

«جنگ ایران و عراق در ماههای اخیر به نفع ایران در جریان است و اگر چه دو ابرقدرت اعلام کرده اند که در جنگ بی طرف هستند، ولی در وضعیت فعلی جنگ، تصمیم به بلوکه کردن ایران گرفته اند. دو ابرقدرت می کوشند در جنگ از پیروزی ایران علیه عراق جلوگیری کنند.» (۲).

سپس همین روزنامه در توضیح تلاش دو ابرقدرت برای حمایت از عراق، به سفر هیأت بلندپایه شوروی (پیشین) به سرپرستی یکی از اعضاء (۳) کمیته مرکزی حزب کمونیست به بغداد و ملاقات با صدام که منجر به تجدید پیمان ۱۵ ساله شوروی و عراق شد، اشاره می کند. همچنین سفر ریچارد مورفی، فرستاده ویژه ی ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا به بغداد را نیز خاطر نشان می سازد.

پیدایش موقعیت جدید و جوروانی و تبلیغاتی حاکم بر رسانه ها و محافل خبری، ناظر بر این معنی بود که ایران، نه تنها برای دستیابی به «امتیازات

ص: ۳۰

۱- ۲۶. روزنامه فیگارو در این زمینه می نویسد: دو ابرقدرت برای یک بار هم که شده در برابر خطر بزرگی قرار گرفته اند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۳۰ / ۲ / ۶۶، به نقل از فیگارو، ۲۹ / ۲ / ۶۶).

۲- ۲۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۱ / ۶۶.

۳- ۲۸. پتروفسکی معاون وزیر امور خارجه شوروی ریاست این هیأت را برعهده داشت. در این زمینه در صفحات بعد توضیحات بیشتری ارائه خواهد شد.

سیاسی» در وضعیت کاملاً دشواری قرار گرفته است، بلکه برای «حفظ وضع موجود» نیز معضلات بسیاری را فرا روی خود خواهد داشت. به عبارت دیگر، ایران در برابر فرصتها، محدودیتها و خطراتی قرار گرفته بود که تصمیم گیری برای گذر از این وضعیت بسیار دشوار به نظر می رسید. تحلیل روزنامه گاردین در این زمینه قابل توجه است:

«ایران هر قدر در جنگ پیشرفت می کند، در صحنه بین المللی منزوی تر می شود. نمونه بسیار واضح آن، جبهه گیری واقعی امریکا و شوروی، از یک سو به منظور هماهنگی و از سوی دیگر برای رقابت، در کنار عراق است.» (۱).

در واقع ارتقاء موقعیت برتر ایران، بر خطرهای و نگرانیها و در نتیجه ضرورت تشدید فشار به ایران می افزود. چنانکه همکاری امریکا و شوروی و حمایت از عراق به نحو چشمگیری افزایش یافته و در رسانه های خبری نیز منعکس می شد. نشریه ی تایمز چاپ لندن در این زمینه می نویسد:

«برداشتهای امریکا و شوروی، دلواپسی آنها را برای مهار کردن نبرد از طریق آنچه مقامات ایران آن را فرصت طلبی به منظور گسترش نفوذ ابرقدرتها در منطقه ی نفت خیز خلیج فارس می نامند، آشکار می سازد. اخیراً مسکو و واشنگتن، هر دو موضع مطلوبتری را نسبت به عراق و جهان عرب، اتخاذ کرده اند.» (۲).

موضع مشترک امریکا و شوروی در حمایت از عراق و تأکید بر پایان بخشیدن به جنگ سبب گردید دو ابرقدرت برای نخستین بار احتمال دستیابی به تفاهم (۳) را مورد تأکید قرار دهند:

ص: ۳۱

۱- ۲۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۹ / ۲ / ۶۶، به نقل از روزنامه گاردین.

۲- ۳۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو امریکا، ۳۱ / ۱ / ۶۶.

۳- ۳۱. فارین ریپورت در این زمینه می نویسد: «علائم روشنی حاکی از آنند که ایالات متحده و شوروی در مورد چگونگی مقابله با تهدید اخیر ایران به تفاهمی دست یافته اند.» (اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد اسلامی. «بررسی مطبوعات جهان» شماره ۱۲۳۷، ۱ / ۲ / ۶۶ فارین ریپورت چاپ لندن، ۱۲ / ۱ / ۶۶).

«امریکا و شوروی به سوی نوعی همکاری گام بر می دارند که نتیجه نهایی آن، ممکن است اقدام مشترک برای پایان بخشیدن به جنگ بی پایان ایران و عراق باشد و یا حداقل آنکه، دخالت دو ابرقدرت، از پیروزی ایران بر عراق در صحنه جنگ جلوگیری کند.» (۱).

متعاقب همین وضعیت، برابر برخی از گزارشها، امریکاییها یک هیأت بلندپایه را برای ارائه پیشنهاد به مسکو فرستادند. (۲) همچنین مارگارت تاچر، نخست وزیر وقت انگلیس برای بحث و گفتگو با میخائیل گورباچف، رهبر شوروی (پیشین)، در مورد طرحها و نظریات مربوط به خاتمه ی جنگ، راهی مسکو شد. جفری هاو، وزیر خارجه وقت انگلیس نیز پس از ملاقات با وزیر خارجه ی شوروی، بر توافق طرفین نسبت به حمایت از تلاشهای سازمان ملل تأکید کرد. ضمن آنکه شوروی (پیشین) و فرانسه نیز در پاریس جلساتی سری تشکیل دادند. (۳).

بنابر گزارشهای منتشره، روسها ضمن موافقت با «متوقف شدن جنگ» و «تعیین مجازات» برای طرف مخالف اجرای آتش بس، اعمال «تحریم» را در گرو حصول توافق بین تمامی اعضای شورای امنیت دانستند. (۴) در واقع مخالفت روسها با تحریم و مشروط کردن آن، عمدتاً به منظور مقابله با کسب ابتکار عمل از سوی امریکاییها بود. موضعگیری روسها را در این زمینه رئیس بخش خلیج فارس در وزارت خارجه شوروی چنین اعلام کرد:

«شوروی پیشنهاد امریکا در مورد بررسی مشترک مسأله ی جنگ عراق ایران را رد کرده است (۵) و اعتقاد دارد این اقدام باید به صورت جمعی

ص: ۳۲

-
- ۱- ۳۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۳۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو اسرائیل، ۳۰ / ۲ / ۶۶.
 - ۲- ۳۳. مایکل آرماکاست و کیل وزارت خارجه امریکا، همراه با چند پیشنهاد در فروردین سال ۶۶ عازم مسکو شد، لیکن نتوانست موافقت مسکو را به دست آورد.
 - ۳- ۳۴. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه شماره ۱۲۲۸، ۲۳ / ۱ / ۶۶ مجله ی المستقبل به قلم عبدالکریم ابوالنصر.
 - ۴- ۳۵. پیشین.
 - ۵- ۳۶. به دلایل این موضع گیری در مبحث بعد اشاره خواهد شد.

منابع دیپلماتیک در سازمان ملل نیز اعلام کردند که پنج قدرت بزرگ در شورای امنیت درباره نخستین مرحله از این سناریو مبنی بر پایان بخشیدن به جنگ به توافق رسیده اند، ولی لازمه موفقیت در این زمینه، کنار گذاشتن اختلاف در مورد مرحله دوم این طرح است که عمدتاً شامل محروم ساختن ایران از منابع دریافت تجهیزات نظامی با اعمال «تحریم» می باشد. (۲) در حالی که این تحریم پس از پیروزی انقلاب و شروع جنگ ادامه داشت. تفاهم (۳) و همکاری امریکا و شوروی و برخی از کشورهای اروپایی نسبت به خاتمه بخشیدن به جنگ از طریق مذاکره، اگر چه نشانه ی نوعی اجماع بین المللی و هماهنگی ضمنی برای پایان بخشیدن (۴) به جنگ بود، لیکن اختلافات موجود نسبت به «نحوه اعمال تحریم و ابعاد آن» و همچنین موضع گیری و حساسیت شوروی (پیشین) در مورد افزایش حضور نیروی امریکا در خلیج فارس، سبب گردید تا هر یک از دو قدرت برای کسب ابتکار عمل در جنگ اقدامات جداگانه ای را انجام دهند که در ادامه ی بحث به آن اشاره خواهد شد.

ص: ۳۳

۱- ۳۷. روزنامه ی کیهان، ۳ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو امریکا، ۲ / ۲ / ۶۶.

۲- ۳۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۳ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری فرانسه در نیویورک.

۳- ۳۹. پروفیسور ویتانن ناوریکن کارشناس امور خاورمیانه در مصاحبه با مجله عربی التضامن می گوید: «من باید بگویم نوعی تفاهم بین ما و غرب به وجود آمده، زیرا جنگ نگرانی آنها را برانگیخته است» (نماینده گی امام در سپاه «رویدادها» بولتن شماره ۱۴۳ - ۱۵ / ۲ / ۶۶).

۴- ۴۰. روزنامه ایندیندنت چاپ لندن در مورد هماهنگی ضمنی امریکا و شوروی برای پایان بخشیدن به جنگ می نویسد: «تحول جالب توجه این است که به نظر می رسد سیاستهای پشت پرده ی امریکا و شوروی برای رسیدن به یک هدف مشترک است، آنها قطعاً با هماهنگی قبلی وارد عمل نشده اند، اما به نظر می رسد سیاست آنها به موازات هم حرکت می کند و به احتمال زیاد، هدف آنها یکی است و آن خاتمه ی جنگ خلیج (فارس) می باشد.».

تداوم و گسترش دامنه جنگ ایران و عراق و تضعیف تدریجی عراق در اثر حملات پی در پی ایران، همراه با «گسترش نهضت اسلام خواهی» در خاورمیانه، منافع امریکا را در منطقه با خطر جدی مواجه ساخت. ناتوانی امریکا برای پایان بخشیدن به جنگ و برقراری صلح بادوام در منطقه خاورمیانه، با پایان دادن به کلیه مناقشات و درگیریها، مقدمات شکل گیری استراتژی جدید امریکا را فراهم ساخت. (۱) در این استراتژی توجه مجدد به ایران و پذیرش اهمیت و نقش محوری ایران در ثبات یا بی ثباتی منطقه و تهدید منافع امریکا مورد شناسایی و تأکید قرار گرفت:

«ایران چه از هم گسیخته باشد و چه بیش از حد نیرومند، می تواند ثبات تمامی خاورمیانه و بویژه آن کشورهای میانه روی عرب و دوستان ما را که ثبات و استقلالشان اهمیتی برای امریکا دارد، تهدید کند.» (۲).

در چارچوب این استراتژی، تلاش برای برقراری رابطه با ایران منجر به شکل گیری ماجرای موسوم به مک فارلین در بهار سال ۶۴ شد. بعدها رونالد ریگان رئیس جمهور وقت امریکا در مورد ماهیت این «ابتکار سیاسی محرمانه» و دلیل اتخاذ آن گفت:

«بدون همکاری ایران، ما قادر به خاتمه بخشیدن به جنگ خلیج فارس نیستیم و بدون ایران، امکان برقراری صلح بادوام در خاورمیانه وجود ندارد.» (۳).

ریگان همچنین در بخش دیگری از سخنان خود درباره ی اهداف دراز مدت امریکا در خاورمیانه گفت:

«اهداف دراز مدت امریکا در خاورمیانه این بوده است که به استقلال ایران

ص: ۳۴

۱- ۸۱. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری کویت.

۲- ۸۲. پیشین.

۳- ۸۳. روزنامه ی اطلاعات، ۲۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری دولتی عراق.

در قبال سلطه شوروی یاری نماید و خاتمه شرافتمندانه ای را برای جنگ خونین ایران و عراق تحقق بخشد و صدور خرابکاری و تروریسم به منطقه را متوقف سازد.»

وی در ادامه سخنان خود مهمترین مانع تحقق اهداف امریکا را چنین توضیح داد:

«یک مانع بر سر راه این اهداف، عدم مذاکره و قطع ارتباط بین ما یعنی ایران و امریکا بود. به خاطر اهمیت استراتژیک ایران و نفوذ این کشور در جهان اسلام است که ما در جستجوی یک رابطه بهتر بین کشورهای خود (ایران و امریکا) برآمدم.» (۱).

در واقع هسته مرکزی سیاستهای جدید امریکا در خاورمیانه و خلیج فارس، بر پایه روابط و مناسبات نوین میان ایران و امریکا تنظیم شده بود. این مسئله، ضمن روشن ساختن اهمیت برقراری رابطه با ایران برای امریکا، تبعات و زیانهای ناشی از افشای ماجرای مک فارلین و شکست آن را نیز روشن می سازد. در واقع، ناکامی امریکا در برقراری روابط پایدار و با ثبات با ایران، منجر به درهم ریختن سیاست خاورمیانه ای امریکا و ایجاد تشتت در سیاست خارجی این کشور شد. به عبارت دیگر در این ماجرا لطمات و زیانهای وارده به «حیثیت و اعتبار امریکا» (۲) بیش از هر امر دیگری اجرای سیاستهای امریکا در خاورمیانه را با مشکلات و دشواریهای اساسی مواجه ساخت.

با پیدایش وضعیت جدید و افزایش تنش در مناسبات امریکا با عراق و ایران، توانایی امریکا برای کسب ابتکار عمل در جنگ عمیقا تضعیف شد.

ص: ۳۵

۱- ۸۴. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۲ / ۶۶، به نقل از آسوشیتد پرس.

۲- ۸۵. پیشین، به نقل از رادیو لندن.

ضمن اینکه گسترش دامنه‌ی جنگ و افزایش نفوذ و فعالیت‌های شوروی (پیشین) نیز بر مشکلات و موانع موجود بر سر راه تحقق اهداف و سیاست‌های امریکا افزود. در چنین وضعی، به نظر می‌رسید امریکاییها برای کسب ابتکار عمل نیازمند طرح ریزی جدید می‌باشند، چنانکه مجله اشپیگل چاپ آلمان به نقل از منابع مصری، خبری را مبنی بر طرح ریزی امریکا برای دخالت احتمالی این کشور در جنگ ایران و عراق منتشر ساخت. (۱) گرچه این خبر را بلافاصله مقامات امریکایی تکذیب کردند (۲) ولی در عین حال امریکاییها وجود برخی نقشه‌های احتمالی را برای مداخله، در صورت پیروزی ایران و تهدید متحدین امریکا در خلیج فارس، انکار نکردند. (۳).

رفتار ایران در خلیج فارس در پاسخ به تهاجمات عراق به نفتکشها، مورد توجه امریکاییها بود و چنین تحلیل می‌شد که در صورت عدم دستیابی ایران به پیروزی نظامی در عملیات کربلای ۵، ممکن است فشار ایران به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس افزایش یابد. (۴) پایه همین تحلیل، چارلز ردمن سخنگوی وزارت خارجه امریکا تلویحا خطاب به ایران اعلام کرد:

«به نظر ما، این حملات به کشتیرانی در خلیج فارس، امکان بروز سوء تفاهم یا اشتباه محاسبه‌ای را که موجب گسترش دامنه‌ی جنگ شود، افزایش می‌دهد.» (۵).

چند روز بعد جورج شولتز وزیر خارجه وقت امریکا نیز اعلام کرد:

«ما مکررا به ایران هشدار داده ایم که هرگونه گسترش دامنه جنگ به مثابه تهدیدی عمده علیه منافع امریکا تلقی می‌شود.» (۶).

از سوی برخی تحلیلگران موضع گیری امریکا همراه با برخی اقدامات سیاسی این کشور و نیز تحرکات ناوگان دریایی آن، به منزله نادیده گرفتن تلویحی ایران (۷) تلقی می‌شد. ضمن اینکه، تحرکات ناوگان دریایی امریکا در دریای مدیترانه، با توجه به گروگانگیری در لبنان، به منزله هشدار به

ص: ۳۶

-
- ۱- ۸۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶۶ / ۲ / ۲۶، به نقل از رادیو بی بی سی، ۶۶ / ۲ / ۲۵.
 - ۲- ۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶۶ / ۲ / ۳۰، به نقل از شبکه تلویزیونی سی بی اس امریکا.
 - ۳- ۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶۶ / ۳ / ۱، به نقل از رادیو امریکا، ۶۶ / ۲ / ۳۰.
 - ۴- ۴۹. پیشین، به نقل از روزنامه‌ی تایمز، ۶۵ / ۱۰ / ۲۹.
 - ۵- ۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶۵ / ۱۱ / ۲، به نقل از خبرگزاری یونایتد پرس، ۶۵ / ۱۱ / ۱.
 - ۶- ۵۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶۵ / ۱۱ / ۱۰، به نقل از خبرگزاری رویتر، ۶۵ / ۱۱ / ۹.
 - ۷- ۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶۵ / ۱۱ / ۱۱، به نقل از هرالد تریبون، ۶۵ / ۱۱ / ۱۰.

گروگانگیرها بود، چنانکه سخنگوی وزارت دفاع امریکا رسماً اعلام کرد:

«عملیات نظامی امریکا در دریای مدیترانه به گروگانگیرهای جدید در لبنان ارتباط دارد.» (۱).

رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح امریکا نیز در همین زمینه اعلام کرد:

«حرکات نیروی دریایی امریکا در دریای مدیترانه و خلیج فارس، چیزی بیش از تدابیر احتیاطی نیست.» (۲).

اعلام این مواضع از سوی مقامات رسمی امریکا، عمدتاً متعاقب افزایش تحرکات ناوگان دریایی آن کشور در دریای مدیترانه و خلیج فارس و به منظور پایان بخشیدن به هر گونه شائبه ای مبنی بر تغییر سیاست امریکا انجام گرفت.

«سیاست امریکا در قبال جنگ ایران و عراق تغییر نکرده و امریکا خواهان عدم پیروزی هر یک از طرفین جنگ است.» (۳).

اعلام چنین مواضعی، تصریح در مخالفت و بی توجهی کامل امریکا نسبت به موقعیت برتر ایران و خواسته های سیاسی این کشور و مقابله با پیروزی احتمالی ایران بود. (۴) به همین دلیل، این مواضع آشکارا به سود عراق ارزیابی می شد. ضمن اینکه امریکاییها، برابر اظهارات واینبرگر، وزیر دفاع وقت این کشور، به هیچ وجه معتقد نبودند که موجودیت رژیم عراق در خطر است، لیکن بر این نظر بودند که امریکا باید تمامی تلاش خود را برای برقراری صلح به کار برد. (۵) بنابراین اظهارات، برخلاف تحلیل رسانه ها مبنی بر سقوط رژیم عراق، امریکاییها روند تحولات جنگ را به منزله تهدید موجودیت رژیم عراق ارزیابی نمی کردند. در نتیجه، این پرسش به وجود می آید که تغییر مواضع

ص: ۳۷

۱- ۵۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۶ / ۱۱ / ۶۵، به نقل از رادیو امریکا، ۱۵ / ۱۱ / ۶۵.

۲- ۵۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۲ / ۱۱ / ۶۵، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۱ / ۱۱ / ۶۵.

۳- ۵۵. روزنامه رسالت، ۲ / ۱۲ / ۶۵، به نقل از روزنامه ملیت چاپ ترکیه.

۴- ۵۶. وزیر دفاع وقت امریکا در همان زمان در مصاحبه با شبکه تلویزیونی ای بی. اس اعلام کرد: «ایالات متحده مایل نیست که رژیم تهران در جنگ با عراق پیروز شود.» (واحد مرکزی خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، «بولتن رادیوهای بیگانه» ۶ / ۱ / ۶۶ - رادیو ایران ۳ / ۱ / ۶۶).

۵- ۵۷. روزنامه رسالت، ۲۸ / ۱۲ / ۶۵.

امریکا متأثر از چه عواملی بوده و چارچوب و خط مشی کلی سیاست این کشور در برخورد با جنگ ایران و عراق از چه مشخصه ها و ویژگی‌هایی برخوردار بوده است؟

متعاقب افشای ماجرای مک فارلین و تنش در روابط امریکا با عراق، سیاست خارجی امریکا دچار تشنگ و نابسامانی شد. (۱) گسترش دامنه ی جنگ همراه با تزلزل سیاست خارجی امریکا وضعیت دشواری را فراروی امریکاییها قرار داد. طبعاً در این موقعیت، پایان بخشیدن به جنگ براساس تلاشها و ابتکار عمل امریکا، تنها عاملی بود که می توانست جراحات وارده بر سیاست خارجی این کشور را ترمیم کند. تحقق این مسئله نیز به سادگی امکان پذیر نبود، چون از یک سو برخورداری ایران از موقعیت برتر و از سوی دیگر بی اعتمادی عراق نسبت به ماهیت تلاشهای امریکا، مانع از موفقیت این کشور بود. در این اثنا، طه یاسین رمضان در مصاحبه با مجله الدستور چاپ انگلستان با انتقاد از مواضع امریکا و متهم ساختن این کشور به تجهیز ایران می گوید:

«موضع دولت امریکا پر از تضاد است، زیرا امریکاییها ظاهراً وانمود می کنند مخالف ادامه جنگ هستند ولی در واقع ایران را به سلاح مجهز می نمایند و این امر در نوع خود مبین انحطاط اخلاق سیاسی است.» (۲) (۳).

بعد از ماجرای مک فارلین، امریکاییها در آغاز تلاشهای خود ضمن تغییر موضع آشکار به سود عراق، تدابیری را به منظور افزایش فشار به ایران اتخاذ کردند. در این میان، اظهارات برخی از مقامات امریکایی در مورد تجارب

ص: ۳۸

۱- ۵۸. نگاه کنید به کتاب از «فاو تا شلمچه»، از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۳.

۲- ۵۹. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه شماره ۱۲۲۹، ۲۹ / ۱ / ۶۶ به نقل از الدستور، ۱۰ / ۱ / ۶۶.

۳- ۶۰. این موضع گیری رژیم عراق در حقیقت نوعی بزرگ نمایی برای کسب امتیاز بیشتر از امریکاییها بود. چون عراقیها به خوبی می دانستند که امریکا هیچ گونه کمک تسلیحاتی به ایران نمی کند و تنها در ماجرای مک فارلین آن هم برای روشن کردن چراغ سبز، محموله ای را به ایران ارسال داشته که در مقابل سیل اسلحه ای که در اختیار عراق قرار می داد قطره ای نیز محسوب نمی شد.

حاصله از معاملات ایران و امریکا در چارچوب ماجرای مک فارلین و تجدید نظر در این خط مشی و ارائه تحلیل جدید از اوضاع داخلی ایران، حائز اهمیت است:

«با توجه به اهمیت استراتژیک ایران باید قبل از اینکه ما روابط دلخواه با این کشور پیدا کنیم، حکومتی کاملاً متفاوت در ایران بر سر کار آید. (۱) فکر برقراری روابط با عناصر میانه رو در جمهوری اسلامی وهم و خیالی بیش نیست.» (۲).

این تحلیل ناظر بر این معنا بود که از این پس، امریکاییها به جای تلاش برای برقراری رابطه با جمهوری اسلامی، تشدید فشار به ایران را به منظور پایان بخشیدن به جنگ دنبال خواهند کرد. به عبارت دیگر، علاوه بر تغییر سیاست امریکا در برخورد با ایران، سیاست امریکا در مورد جنگ نیز تغییر یافته و بر روی خاتمه ی جنگ متمرکز شد. یکی از کارشناسان مسائل ایران و منطقه در این باره می گوید:

«کابینه ریگان، استراتژی صلح را تا ژانویه ۱۹۸۷ یعنی هنگامی که سقوط بصره بعید شد) به طور جدی دنبال نمی کرد.» (۳).

در همین چارچوب امریکا به منظور کسب ابتکار عمل، دو اقدام اساسی را در دستور کار خود قرار داد که عمدتاً شامل: گسترش حضور در خلیج فارس و

ص: ۳۹

۱- ۶۱. در همین زمینه، مدتی بعد مروین دایمل، عضو دمکرات مجلس امریکا مطالبی را بیان کرد که پس از درج آن در روزنامه بوستون کلپ، در تاریخ ۲۳ / ۲ / ۶۶ از رادیو امریکا پخش شد. وی ضمن تأیید این مسئله که نمی توان ایران را نادیده گرفت و با انتقاد از سیاستهای امریکا می گوید: «سیاست کنونی امریکا نسبت به سیاست قبلی این کشور در برابر ایران چیز بهتری نیست و همین هم هست که نگرانی عمیق به وجود می آورد. به جای چنین سیاستی، می توان جبهه ای که حاکی از همدلی با ایرانیان باشد و تلاش آنان را برای آزادی در نظر گیرد، به وجود آورد. این بدان معنا نیست که امریکا باید بلافاصله از مجاهدین حمایت و آنان را به عنوان کنتراهای شرق علم کند...» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۴ / ۲ / ۶۶ - رادیو امریکا ۲۳ / ۲ / ۶۶).

۲- ۶۲. واحد مرکزی خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، بولتن «رادیوهای بیگانه»، ۶ / ۱ / ۶۶، رادیو ایران، واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا، ۳ / ۱ / ۶۶.

۳- ۶۳. نشریه نمایندگی دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل، شماره ۱۱، ۱ / ۸ / ۶۹، به نقل از کتاب نه شرقی نه غربی اصل بنیادین سیاست خارجی جمهوری اسلامی، نوشته روح الله کارگر رضانی، از انتشارات دانشگاه یل امریکا.

اسکورت نفتکشها و سازماندهی و رهبری تلاش بین المللی به منظور تصویب قطعنامه ۵۹۸ بود. ریگان رئیس جمهور وقت امریکا، در اسفند سال ۶۵، ضمن صدور بیانیه و درخواست برای پایان یافتن فوری جنگ، از جورج شولتز وزیر خارجه وقت امریکا خواست تا رهبری تلاشهای بین المللی را به منظور وادار ساختن جمهوری اسلامی ایران به مذاکره برعهده گیرد. ریگان در بیانیه خود با حمایت از پیشنهاد عراق برای خاتمه جنگ، عملیات سرسختانه ای را به منظور ممانعت از ارسال هر گونه سلاح به ایران، مورد تأکید قرار داد و مسؤولیت آن را به ادروینکس معاون وزیر خارجه امریکا سپرد. (۱) واینبرگر بر پایه همین بیانیه اعلام کرد:

«امریکا نمی خواهد که ایران در جنگ با عراق برنده شود. ما کاملاً آماده ایم برای رفت و آمد دریایی و تضمین آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز، آنچه را که لازم است انجام دهیم.» (۲).

متقابلاً آقای هاشمی رفسنجانی فرمانده ی عالی جنگ، بر پایه درک و تحلیلی که نسبت به ماهیت سیاستهای خصومت آمیز جدید امریکا داشت بلافاصله اعلام کرد:

«اگر امریکا بخواهد در خلیج فارس مداخله کند، امنیتش در همه جای دنیا به خطر خواهد افتاد.» (۳).

ایشان ضمن بی اعتبار شمردن سیاست امریکا حتی در میان نزدیکترین دوستان و دست نشانده گانش مانند شاه اردن و رژیم مصر، در مورد برخوردهای امریکا با ایران اظهار داشت:

«آنها مدتی به ما پیغام دادند که ما ایران را یک کشور مهم می دانیم و انقلاب اسلامی را به رسمیت شناخته ایم. شما تروریست نیستید، ما حاضریم کوتاه بیاییم و از این قبیل صحبتها. وقتی که شروع شد ما دیدیم که از همان اول دروغ گفته اند.» (۴).

ص: ۴۰

۱- ۶۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۹ / ۱۲ / ۶۵، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

۲- ۶۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۳ / ۱ / ۶۶، به نقل از واینبرگر، ۲ / ۱ / ۶۶.

۳- ۶۶. روزنامه های یومیه ۴ / ۱ / ۶۶، آقای هاشمی رفسنجانی.

۴- ۶۷. روزنامه ی رسالت ۱۵ / ۱ / ۶۶، خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۱۴ / ۱ / ۶۶.

ایران که تصور می کرد به لحاظ برخورداری از مواضع برتر، قادر به تحمیل اراده و خواسته های سیاسی خود بر صدام و حامیان این کشور می باشد، با ملاحظه مواضع جدید امریکا و ماهیت خصومت آمیز آن علیه ایران، تدریجا به این نتیجه و باور نزدیک شد که امریکا نه تنها مایل به ارائه ی هیچ گونه امتیاز قابل توجه به ایران نیست، (۱) بلکه فشار بر ایران را افزایش خواهد داد. (۲) در عین حال دو روز بعد، مجددا آقای هاشمی اظهاراتی را مبنی بر اعلام آمادگی برای رفع خصومت بین ایران و امریکا اعلام کرد. (۳) همچنین رئیس وقت ستاد تبلیغات جنگ مطالبی را مبنی بر آمادگی ایران برای آزادی گروگانها در لبنان اعلام کرد. (۴) در موضع گیریهای جدید ایران همچنان اعمال برخی تغییرات در کادر رهبری عراق به عنوان بخشی از شرایط ایران بر پایان بخشیدن به جنگ مطرح شد. (۵).

مجددا در اوایل اردیبهشت ماه، آقای هاشمی طی مصاحبه مطبوعاتی با نمایندگان بیش از ۷۰ رسانه خبری جهان در مورد روابط ایران و امریکا مطالبی را بیان کرد که حائز اهمیت بود. ایشان در پاسخ به خبرنگار روزنامه واشنگتن پست درباره روابط ایران و امریکا در آینده اظهار داشت:

«در مورد روابط ما با امریکا، این را مدتی پیش امام اعلام کردند و من هم

ص: ۴۱

۱-۶۸. در این مورد ضمن اینکه شواهد و قرائن آشکاری به چشم می خورد، بعضا اظهارات برخی از منابع دیپلماتیک در ملاقات با نمایندگان جمهوری اسلامی در اروپا نیز قابل توجه بود. در این زمینه یکی از دیپلماتهای اروپایی، در یک ملاقات خصوصی اظهار داشته بود که با موقعیتی که امریکا بعد از ماجرای مک فارلین داشته، خیلی مشکل است که جنگ از راه نظامی تمام شود. چون امریکا مصمم است که اجازه ندهد در جنگ طرف پیروز وجود داشته باشد.

۲-۶۹. روزنامه الاتحاد در مورد تشدید سیاستهای امریکا علیه ایران می نویسد: «امریکا دست به اجرای سیاست جدید زده است که هدف از آن وادار ساختن ایران به پایان دادن جنگش با عراق و وارد شدن به مذاکرات صلح می باشد. واشنگتن در اجرای این سیاست و وارد آوردن فشار نظامی و اقتصادی بر ایران و جلوگیری از وصول اسلحه توسط ایران، تماسهای بین المللی را جهت تشویق کشورهای دیگری که دارای روابط نظامی و اقتصادی با ایران هستند آغاز کرده است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۳ / ۱ / ۶۶ - الاتحاد ۱۲ / ۱ / ۶۶).

۳-۷۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۸ / ۱ / ۶۶، به نقل از آقای هاشمی، ۱۷ / ۱۱ / ۶۶.

۴-۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۸ / ۱ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری رویتر، ۱۷ / ۱ / ۶۶.

۵-۷۲. مأخذ شماره ی ۵۰.

مکرراً گفتیم که ما فکر نمی کنیم تا قیامت باید روابط با امریکا قطع باشد... اگر مطمئن شویم که امریکا قصد شیطنت با ما ندارد و به ما ثابت شد، حاضریم رابطه برقرار کنیم.»

سپس ایشان با اشاره به نشانه‌ی حسن نیت امریکا اظهار داشت:

«ما یک علامت گذاشته ایم برای اینکه امریکا حسن نیت خودش را ثابت بکند و آن این است که اموالی که برخلاف حق و قانون از ما در امریکا مسدود شده آزاد کند تا ما نزد مردم لبنان شفاعت کنیم که گروگانها را آزاد کنند.» (۱).

تأکید بر این مفاهیم عمدتاً ناشی از این درک و تحلیل بود که تداوم مناسبات در چارچوب ماجرای مک فارلین امکان پذیر می باشد، حال آنکه موقعیت منطقه و موضع گیری امریکا در این زمینه کاملاً تغییر کرده بود و به عبارتی، تلاش امریکا در این مسیر با ناکامی و شکست همراه شده و بهبود موقعیت مجدد امریکا، تنها در گرو حفظ پرستیژ سیاسی، به منظور تحمیل صلح بر ایران بود. (۲) در هر صورت، یکی از مقامات وزارت خارجه امریکا در پاسخ به اظهارات آقای هاشمی اعلام کرد:

«تا زمانی که ایران از تروریستها حمایت می کند، امیدی به بهتر شدن روابط دو کشور نیست.» (۳).

با پی ریزی سیاست جدید امریکا، بر تحرکات دیپلماتیک این کشور در سازمان ملل و منطقه افزوده شد. چنانکه علاوه بر سفر یک هیأت بلند پایه از اتحادیه عرب به امریکا، ریچارد مورفی، معاون وزیر خارجه امریکا در امور

ص: ۴۲

۱- ۷۳. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۱ / ۲ / ۶۶.

۲- ۷۴. چارلز دمن سخنگوی وقت وزارت خارجه امریکا رسماً اعلام کرد: «امریکا آماده است تا از تحریم بیشتر علیه ایران پشتیبانی نماید، به امید آنکه ایران وادار به قبول صلح شود.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۹ / ۲ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۸ / ۲ / ۶۶).

۳- ۷۵. دفتر سیاسی نمایندگی امام در سپاه، «رویدادها»، نشریه شماره ۱۴۳، ۱۵ / ۲ / ۶۶ به نقل از ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه امریکا در امور خاورمیانه.

خاورمیانه، عازم منطقه خاورمیانه شد. در این ملاقات موضع گیری امریکاییها بسیار قابل توجه بود.

در این سفر هیأت اتحادیه عرب بر دو موضوع تأکید داشتند: نخست آنکه اگر ایران از پذیرش قطعنامه های سازمان ملل امتناع کرد، امریکا از اعمال مجازاتهای شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران حمایت کند و دوم آنکه امریکا برای جلوگیری از رسیدن سلاح به ایران فشار بیشتری را وارد سازد و در این مرحله با متحدین امریکا طی اجلاس اقتصادی ماه آینده سران هفت کشور صنعتی غرب فعالتر عمل کند. (۱) شولتز وزیر خارجه وقت امریکا در پاسخ به درخواستهای اتحادیه عرب، این معنا را صریحا مورد تأکید قرار داد که امریکا از هیچگونه کوششی برای محروم کردن ایران از دستیابی به سلاح فروگذار نخواهد کرد وی در اظهارات خود دلیل اتخاذ چنین اقدامی را نقش و تأثیر وجود تسلیحات در ادامه جنگ ذکر کرد. (۲).

همچنین شولتز در دیدار با هیأت جامعه عرب، به منظور ایجاد اعتماد در اعراب و اجابت خواسته های آنها اعلام کرد:

«امریکا آماده است تا علیه هر کدام از طرفین جنگ که از همکاری با شورای امنیت در پایان دادن به جنگ سرباز زدند، اقدامات مؤثری به عمل آورد.» (۳).

ریگان نیز در ملاقات با هیأت اتحادیه عرب بر این مسأله تأکید ورزید که امریکا از راه حل مذاکره برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق بشدت حمایت می کند. (۴).

ریچارد مورفی فرستاده ویژه ی رئیس جمهور امریکا به منظور تشریح مواضع امریکا و کسب حمایت اعراب و در عین حال اعلام حمایت از آنها، همزمان با سفر هیأت اتحادیه عرب و متعاقب سفر معاون وزیر خارجه شوروی به منطقه، عازم منطقه خلیج فارس شد. وی در این سفر، ضمن ارائه درخواست

ص: ۴۳

۱- ۷۶. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری کویت.

۲- ۷۷. روزنامه ی رسالت، ۱۹ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری رویتر.

۳- ۷۸. روزنامه ی اطلاعات، ۲۰ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی.

۴- ۷۹. روزنامه ی اطلاعات، ۱۹ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری رویتر.

۵- ۸۰. در این زمینه در صفحات بعد توضیح لازم ارائه خواهد شد.

امریکا مبنی بر خاتمه سریع جنگ، همچنان بر تلاش امریکا برای ممانعت از پیروزی و یا شکست هر یک از طرفین درگیری تأکید کرد. همچنین از قول رئیس جمهور امریکا اعلام کرد:

«امریکا از احقاق حق دوستانش در منطقه خلیج فارس، برای دفاع از خود و نیز تعهداتش برای تضمین عبور آزادانه نفت از طریق تنگه هرمز تأکید می کند.» (۱).

نگرانی امریکا نسبت به سلب اعتماد اعراب و دیگر متحدینش و بهره برداری مسکو از این وضعیت، یکی از عوامل مؤثر در سیاستهای امریکا بود. به همین دلیل مورفی آشکارا پیام ریگان را در این زمینه مورد تأکید قرار داد و به نقل از او گفت:

«امریکا شدیداً نگران این جنگ اندوهبار است و جنگ خلیج فارس، منافع استراتژیک و همچنین ثبات و امنیت کشورهای دوستان را در منطقه تهدید می کند.» (۲).

مورفی در این سفر عازم بغداد شد و با مقامات عراقی مذاکره کرد. وی بلافاصله پس از ورود به بغداد، اعلام کرد که دولت متبوع وی در کلیه سطوح بین المللی می کوشد مذاکراتی را برای خاتمه دادن به جنگ تدارک ببیند. وی همچنین از ایران درخواست کرد تا همانند عراق که بارها آمادگی خود را برای وارد شدن به مذاکرات صلح اعلام داشته است، آمادگی خود را در این زمینه اعلام نماید. (۳).

مورفی همچنین پیام کتبی ریگان را در مورد تحولات جنگ خلیج فارس تلاشهای امریکا در شورای امنیت سازمان ملل برای پایان بخشیدن به جنگ، تسلیم صدام کرد. وی هنگام ترک بغداد به خبرنگاران گفت که دیدار با مقامات

ص: ۴۴

۱- ۸۱. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری کویت.

۲- ۸۲. پیشین.

۳- ۸۳. روزنامه ی اطلاعات، ۲۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری دولتی عراق.

عراقی مفید و سازنده بوده است. همچنین ضمن تجلیل از شجاعت عراقیها گفت که زمان آن رسیده است که این شجاعت با اعطای صلح پاداش داده شود، زمانی که پیش از این نیز فرارسیده بوده است. (۱).

در واقع، اظهارات مورفی در موقعیتی که عراق برای تشدید درگیری در خلیج فارس تلاش می کرد، به منزله تشویق و ترغیب عراق و همچنین کسب اعتماد مجدد این کشور، که با افشای ماجرای مک فارلین مخدوش شده بود، ارزیابی می شد. از جمله مواردی که مورفی در این سفر به آن اشاره کرد، تلاش امریکا برای تصویب قطعنامه ای جدید در سازمان ملل بود:

«ماسرگرم فعالیت هستیم تا در این زمینه، قطعنامه ی مؤثرتری را نسبت به قطعنامه های قبل در سازمان ملل، به تصویب برسانیم.» (۲).

با اتمام سفر منطقه ای مورفی و بازگشت هیأت اتحادیه عرب از امریکا، اظهارات وزیر خارجه، وزیر دفاع و رئیس جمهور وقت امریکا حائز اهمیت و در عین حال نمایانگر توافقات جدید مبنی بر تشدید فشار به ایران بود. شولتز اعلام کرد:

«امریکا به ایران هشدار داد که یا جنگ را پایان دهد و یا با اقدامات شدید و مقتضی رو به رو خواهد شد.» (۳).

چند روز بعد واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا اعلام کرد:

«کشورش اجازه نخواهد داد که ایران در جنگ با عراق پیروز شود. زیرا چنین تحولی برای تمام جهان فاجعه آمیز خواهد بود.» (۴).

در چنین موقعیتی، حمله عراق به ناو استارک امریکا گر چه منجر به عذرخواهی عراق و آمادگی این کشور برای پرداخت غرامت شد، ولی به نظر می رسید این اقدام صرفاً براساس یک اشتباه در محاسبه نبوده است. در عین حال این حادثه امریکا را با وضعیتی دشوار رو به رو ساخت. لیکن به جای فشار امریکا به عراق، منجر به افزایش مواضع خصمانه امریکا علیه ایران شد.

ص: ۴۵

۱- ۸۴. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۲ / ۶۶، به نقل از آسوشیتد پرس.

۲- ۸۵. پیشین، به نقل از رادیو لندن.

۳- ۸۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۶ / ۲ / ۶۶، به نقل از رادیو بی بی سی، ۲۵ / ۲ / ۶۶.

۴- ۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۳۰ / ۲ / ۶۶، به نقل از شبکه تلویزیونی سی بی اس امریکا.

چنانکه ریگان در تاریخ ۲۹ / ۲ / ۶۶ در یک سخنرانی که از رادیو امریکا پخش شد اعلام کرد:

«در حقیقت شخصیت شرور و خطاکار در این ماجرا جمهوری اسلامی ایران است.»

وی در ادامه سخنان خود گفت:

«مدتهاست دولت امریکا همراه با شماری از دیگر کشورهای جهان می کوشد با فراهم آوردن امکان انجام گفتگوهای صلح، جنگ ایران و عراق پایان یابد، اما جمهوری اسلامی ایران تاکنون از کمک به یافتن راه حلی برای فرونشاندن آتش این جنگ امتناع کرده است.» (۱).

بدین ترتیب سیاست جدید امریکا، با افزایش حضور در منطقه خلیج فارس که بعدها به اسکورت نفتکشها منتهی شد و تلاش برای تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ در سازمان ملل آغاز شد. روند جدید، با تشدید خصومت میان ایران و امریکا، سرانجام به درگیری میان دو کشور در منطقه ی خلیج فارس منتهی شد. فضا و جو حاکم بر مناسبات دو کشور ایران و امریکا همچنان به مدت یک سال به طول انجامید و بعدها با تغییر وضعیت در منطقه و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران شکل جدیدی به خود گرفت که در صفحات بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

شوروی

مقاومت مردم افغانستان، سیاست خاورمیانه ای شوروی (پیشین) را با بن بست و در نتیجه شکست و ناکامی مواجه ساخت. زیرا روسها با فرورفتن در باتلاق افغانستان از هر نوع امکان بهره برداری از خلاء حاصله در توازن قدرت در منطقه که در پی پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه پدید آمده بود، محروم و سرانجام شکست زیان آوری را متحمل شدند.

ص: ۴۶

۱- ۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱ / ۳ / ۶۶، به نقل از رادیو امریکا، ۳۰ / ۲ / ۶۶.

اقدامات شوروی به رهبری گورباچف برای رهایی از بن بست حاصله در افغانستان، با تصمیم گیری برای خروج از این کشور آغاز شد. (۱) چنین پیش بینی می شد که اعتماد از دست رفته ی شوروی، در خلال خروج از افغانستان، مجدداً به دست آمده و جبران شود.

مسکو در قبال این اقدام، در نظر داشت با توجه به مناسبات دیرینه و سنتی با عراق و سوریه، امتیازات مناسبی را در سایر بحرانهای موجود در منطقه از جمله جنگ ایران و عراق و مناقشه اعراب و اسرائیل به دست آورد. در چنین اوضاعی افشای ماجرای مک فارلین و تشتت در سیاست خارجی امریکا، بهترین فرصت (۲) را در اختیار روسها قرار داد تا بدین وسیله در خلاء ناشی از بی اعتباری امریکا در منطقه، اعتبار شوروی را در منطقه تحت رهبری گورباچف مجدداً بازیابند.

متعاقب گسترش دامنه ی جنگ و فزونی یافتن نگرانی و اضطراب کشورهای منطقه، این امکان برای شوروی فراهم شد تا با تأکید بر خاتمه ی فوری جنگ ایران و عراق، تلاشهای دیپلماتیک خود را توسعه دهد. در این روند، روسها برای حل سه مسأله بزرگ و اساسی منطقه، برگزاری سه کنفرانس بین المللی را پیشنهاد کردند. (۳) نخستین کنفرانس بین المللی برای حل و فصل اختلاف اعراب و

ص: ۴۷

۱- ۸۹. گورباچف بعدها طی مصاحبه ای اظهار داشت یک ماه قبل از انتخاب وی به عنوان دبیر کل حزب کمونیست این نتیجه حاصل شده بود که شوروی به اشغال افغانستان پایان می دهد.

۲- ۹۰. روزنامه کریستین ساینس مانیتور در این زمینه می نویسد: «شوروی سعی دارد با حداکثر بهره برداری از رسوایی اخیر امریکا در معامله با ایران و از دست رفتن اعتبار امریکا نزد اعراب، پیروزی عظیمی را در سیاست خارجی خود کسب نماید و رابطه خود را با کشورهای میانه روی عرب بهبود بخشد.» (روزنامه رسالت ۷ / ۲ / ۶۶).

۳- ۹۱. مورفی معاون وزیر خارجه امریکا در عکس العمل نسبت به پیشنهادهای شوروی اظهار داشت: «در صورتی که شوروی روابط رسمی خود را با اسرائیل تجدید نماید و به یهودیان شوروی اجازه مهاجرت بدهد، خاورمیانه به سرعت به سوی صلح پیش خواهد رفت. این قیمتی است که امریکا می خواهد مسکو در قبال حضور یافتن در یک اجلاس بین المللی در مورد خاورمیانه پردازد.» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۶ / ۱۲ / ۶۵، خبرگزاری رویتر).

اسرائیل، با عقب نشینی اسرائیل از سرزمینهای اشغالی عرب نشین و تضمین حقوق مشروع ملت فلسطین تشکیل شود. دومین کنفرانس، با هدف متوقف کردن جنگ ایران و عراق و برقراری صلح میان دو کشور، و لو با اعزام نیروهای بین المللی به جبهه ایران و عراق و تحریم و مجازات، برگزار شود (۱) و سومین کنفرانس بین المللی با هدف تأمین آزادی کشتیرانی در خلیج فارس، تنگه هرمز و تضمین امنیت آبراه نفتی در برابر هر گونه خطر با تهدید، تشکیل شود. (۲).

تحركات گسترده دیپلماتیک و سیاسی شوروی (پیشین) که به نحو بی سابقه ای در حال انجام بود سبب گردید تمایل شوروی تحت رهبری گورباچف برای به دست گرفتن ابتکار عمل با کنار گذاشتن سیاستهای انفعالی پیشین، عمیقاً مورد توجه کشورها، محافل خبری و تحلیل گران سیاسی و نظامی قرار گیرد؛ چنانکه یکی از دیپلماتهای برجسته امریکایی طی تماس با المستقبل خاطر نشان ساخت:

«وجود یک رهبر میانه رو، چون گورباچف، مایه آزار دولت امریکاست. زیرا چنین رهبری می تواند به واسطه افکار و نظریات سیاسی خود، کشورهای عربی خشمگین از سیاست امریکا در منطقه را به سوی خود جلب نماید. کاری که یک رهبر تندرو و انعطاف ناپذیر اتحاد شوروی از انجام آن عاجز است.» (۳).

همچنین یک کارشناس برجسته فرانسوی در مورد ماهیت تلاشهای

ص: ۴۸

۱- ۹۲. پتروفسکی معاون وزیر خارجه شوروی طی سفر به کشورهای منطقه، در این زمینه اعلام کرد: «اقدامات قدرتهای بزرگ جهانی باید شامل استقرار یک نیروی بین المللی در مرزهای مشترک ایران و عراق و همچنین تحریم فروش اسلحه به هر دو کشور باشد.» (روزنامه کیهان، ۲ / ۲ / ۶۶، خبرگزاری آسوشیتدپرس).

۲- ۹۳. اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، نشریه ی شماره ۱۲۳۵، ۲۹ / ۲ / ۶۶، مجله ی المستقبل چاپ فرانسه، ۱۲ / ۲ / ۶۶.

۳- ۹۴. پیشین.

«گورباچف سعی می کند از مرز بهره برداری از اشتباهات سیاست امریکا در خاورمیانه پا فراتر گذارد. گورباچف عملاً می خواهد بر این شعار ایالات متحده که می گوید جایگزینی جز خود امریکا برای امریکا در منطقه خاورمیانه وجود ندارد و دولت ریگان در همکاری با کشورهای عربی به آن تکیه می کند، خط بطلان بکشد. گورباچف سعی دارد ضمن بی اعتبار کردن این شعار امریکایی بسیاری از درهای بسته در خاورمیانه را بگشاید، به امید اینکه کشورهای عربی متوجه شوند که جایگزینی غیر از امریکا وجود دارد و ایالات متحده نه فقط ۹۹ درصد از برگها را در خاورمیانه ندارد، بلکه حتی قادر به حل بحرانهای این منطقه نیست.» (۱).

دیپلماسی و شوروی در این مقطع روی دو مسأله، شامل تردد آزاد کشتیها در خلیج فارس و خاتمه یافتن جنگ ایران و عراق متمرکز بود. (۲) طبیعتاً شوروی برای خاتمه بخشیدن به جنگ از نقش برجسته تری برخوردار شده و روسها در این زمینه دیدگاههای خاص خود را داشتند که برای تشریح و تفهیم و اجرای آن، پتروفسکی معاون وزیر خارجه خود را به منطقه گسیل داشتند. وی طی یک مصاحبه مطبوعاتی در کویت نظریات خود را در مورد از سرگیری کوششها جهت پایان دادن به جنگ ایران و عراق بیان کرد. این نظریات عبارت بودند از سازماندهی مذاکرات تحت نظارت شورای امنیت سازمان ملل متحد، تدارک یک گردهمایی در سطح وزرای امور خارجه کشورهای عضو شورای امنیت و حضور تمامی جناحهای ذینفع در جنگ در آن. وی همچنین در این مصاحبه هر گونه توافق میان شوروی و امریکا را در این زمینه تکذیب کرد. (۳).

ص: ۴۹

۱-۹۵. پیشین.

۲-۹۶. در این زمینه سفیر شوروی در مصر می گوید: «تلاش شوروی در حال حاضر متمرکز است بر یافتن راه حلی مناسب برای خاتمه دادن به جنگ عراق و ایران.» وی اضافه کرد: «این کار جزئی از استراتژی شوروی در منطقه خلیج فارس است.» (روزنامه رسالت، ۲۴ / ۲ / ۶۶ به نقل از الاتحاد).

۳-۹۷. روزنامه ی رسالت، ۳۱ / ۱ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

همچنین پتروفسکی طی مصاحبه ای مطبوعاتی در ابوظبی ضمن تأکید بر اینکه یکی از اهداف این سفر تشریح سیاستهای جدید شوروی در مورد مسائل بین المللی و منطقه ای به رهبری گورباچف بوده، خاطر نشان ساخت:

«طرح جدید شوروی به منظور ایجاد ثبات در منطقه و خلیج فارس، بر تشکیل یک کنفرانس ویژه ی بین المللی با حضور کلیه ی کشورهای ذیربط و اتخاذ موضع واحد مشترکی به منظور حمایت از کشتیرانی آزاد در خلیج فارس و دریای هند متمرکز می باشد.»

وی همچنین اضافه کرد:

«این طرح متضمن گفتگو درباره ی کاهش تعداد نیروهای دریایی موجود در منطقه و کنترل حرکت آنان نیز خواهد بود.» (۱)

نظریات شوروی که بخشی از آن در اظهارات و مصاحبه های پتروفسکی نمایان شد، عمدتاً مبتنی بر پیوستگی ثبات در خلیج فارس و آزادی کشتیرانی، با پایان بخشیدن به جنگ بود. ضمن اینکه تأکید روسها بر حضور تمامی طرفهای ذینفع و تصمیم گیری دسته جمعی و نیز مذاکره برای کاهش تعداد نیروهای خارجی مستقر در منطقه خلیج فارس از جمله مواردی بود که دقیقاً مقابل نظریات امریکا قرار داشت. در واقع، امریکاییها با هر گونه اقدام و راه حلی که منجر به کاهش و یا کم رنگ شدن نقش این کشور، به ویژه آنکه همراه با افزایش موقعیت و نقش شوروی باشد، مخالف بودند. حال آنکه چین، فرانسه و انگلیس تلویحاً از این پیشنهاد شوروی استقبال می کردند.

پتروفسکی در سفر به کویت و عراق دو تصمیم اساسی گرفت که نشان دهنده ی ابعاد و عمق سیاستهای جدید شوروی در برخورد با مسأله جنگ ایران و عراق و تردد آزاد نفتکشها در خلیج فارس بود. روسها در این سفر، در خصوص اجاره سه فروند نفتکش شوروی به کویت، به توافق رسیدند. در عراق نیز قرارداد مودت میان شوروی و عراق که در سال ۱۹۷۲ به امضاء رسیده بود،

ص: ۵۰

به مدت ۱۵ سال دیگر تمدید شد. نتایج سفر پتروفسکی به عراق و کویت از حساسیت ویژه ای برخوردار بود که بخشی از آن در رسانه های خبری انعکاس یافت. در این زمینه رادیو بی. بی. سی طی تحلیلی می گوید:

«جنگ ایران و عراق، شوروی را به صورت شریکی با اهمیت در حفظ توازن استراتژیک منطقه ی خلیج فارس در آورده است. توافق هفته گذشته اجاره سه کشتی شوروی به کویت، اهمیت کنونی نقش شوروی در خلیج فارس را تأیید کرده است... عملی شدن چنین طرحی، می تواند به عنوان نشانه ای از افزایش حضور نظامی شوروی در خلیج فارس تلقی شود.» (۱).

خبرگزاری فرانسه نیز طی تحلیلی، در مورد استراتژی جدید شوروی می گوید:

«قرارداد همکاری شوروی و عراق و بخصوص تجدید این قرارداد که در دوره ای حساس از موقعیت سیاسی منطقه صورت می گیرد، حائز اهمیت بسزایی است. روسها برای روابط دوستانه خود با رژیم عراق بهای زیادی قائل هستند. این استراتژی همواره دلیل بزرگی برای اعمال نفوذ مداوم روسها در عراق بوده است.» (۲).

این خبرگزاری افزود:

«روسها معتقدند برای یافتن جای پا در خلیج فارس و نفوذ تدریجی در آبهای این منطقه، ابتدا باید درخواست کویتهای مبنی بر اعزام کشتیهای باری و اصولاً- این گونه خواهشهای به ظاهر صلح طلبانه را لیک گویند و عمل کنند... ارزش و بهائی که روسها برای روابط خود با رژیم بعث عراق قائلند و نقشی که شوروی از آغاز جنگ در تأمین تسلیحات مورد نیاز بغداد برعهده گرفته است، در کنار عوامل دیگر از جانب کرملین، برای به دست آوردن جای پای مناسب در منطقه خلیج فارس است.» (۳).

ص: ۵۱

۱- ۹۹. معاونت سیاسی سپاه پاسداران، بولتن، «بررسی»، شماره ۸، ۴ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۰۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ۹ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۰۱. پیشین.

مجله سوری الفرسان چاپ لندن، سفر پتروفسکی را به منزله هشدار به رهبران ایران، مبنی بر اینکه راه حل نظامی کهنه شده است، ارزیابی کرده و می نویسد:

«معنای این دیدگاه آن است که از نظر شوروی، پایان جنگ خلیج فاس، گامی اساسی در راه تشکیل کنفرانس بین المللی صلح است.»^(۱).

این مجله همچنین ضمن تأکید بر افزایش نفوذ شوروی در منطقه و کاهش نفوذ امریکا طی شش ماه گذشته، به ویژه بعد از ماجرای ایران گیت، به اقدامات دیگر شوروی هم زمان با سفر پتروفسکی اشاره کرده و می نویسد:

«هم زمان بودن سفر پتروفسکی با سفر حافظ اسد به مسکو و درخواست شوروی برای از سرگرفتن روابط میان سوریه و عراق و سازمان آزادیبخش فلسطین و سوریه، دو برگ برنده شوروی در منطقه خاورمیانه است.»^(۲).

تلاش مسکو برای نزدیکی عراق و سوریه و همچنین ساف با سوریه، نشانگر عمق و گستردگی سیاست خارجی جدید شوروی در منطقه بود. در این مقطع، فشارهای وارده به عراق و سوریه، سبب گردید ابتدا نخست وزیر سوریه و طه یاسین رمضان با یکدیگر در خاک اردن ملاقات نمایند و سپس حافظ اسد و صدام حسین در حضور ولیعهد عربستان و شاه حسین با هم دیدار کنند.

در این میان، روابط مسکو - تهران نیز از کش و قوس چشمگیری برخوردار بود. بدین معنا که ایران با در نظر گرفتن موقعیت جدید مسکو و تمایل آن کشور برای خروج از افغانستان طی سفر دکتر ولایتی به مسکو،^(۳) با برگزاری کنفرانس صلح بین المللی در مورد افغانستان با حضور شوروی موافقت کرد. این موضع گیری در رسانه های خبری به منزله تغییر

ص: ۵۲

۱- ۱۰۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۹ / ۲ / ۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۱۸ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۰۳. پیشین.

۳- ۱۰۴. این سفر در تاریخ ۲۴ / ۱۱ / ۶۵ به هنگام تشدید جنگ شهرها و حملات عراق به مردم بی دفاع ایران انجام شد.

اساسی در سیاست دولت ایران در قبال افغانستان تعبیر شد. در سفر مجدد آقای ولایتی به مسکو، (۱) گرومیگو وزیر خارجه وقت شوروی، به رغم تغییر جدید در مواضع جمهوری اسلامی، به منظور تحت فشار قرار دادن ایران، از روش برخورد جمهوری اسلامی در حمایت از مجاهدین مسلمان افغانی انتقاد کرد. در ادامه همین مواضع خصمانه، پنج روز بعد، گرومیگو وزیر خارجه ی وقت شوروی (پیشین) در ملاقات با طارق عزیز وزیر خارجه ی وقت عراق، مواضع عراق را سازنده تر از مواضع ایران ذکر کرد!

در واقع، روسها بر پایه ی درکی که از موقعیت ایران داشتند و به ویژه پس از افشای ماجرای مک فارلین، اوضاع را برای فشار به ایران و اخذ امتیاز در مسأله افغانستان مساعد می پنداشتند. علاوه بر این، لازمه ی کسب اعتماد عراق و کشورهای منطقه (۲) و همچنین برخی از کشورهای اروپایی، تشدید فشار و اتخاذ مواضع خصمانه علیه ایران بود. در عین حال روسها به این امر واقف بودند که لازمه ی کسب ابتکار عمل در جنگ و حل مسأله افغانستان و همچنین مقابله با سیاستهای منطقه ای امریکا و حضور گسترده این کشور در خلیج فارس، نوعی همسویی و حمایت از مواضع ایران است. ایران نیز متقابلاً- برای مقابله با فشارهای امریکا، با استفاده از اهرم سازمان ملل و کاهش حمایت این کشور از عراق، بسیار سنجیده و با احتیاط رفتار می کرد. در چنین موقعیتی آقای هاشمی درباره ی تلاشهای امریکا برای تشدید خصومت میان ایران و شوروی اظهار داشت:

«یک بار امریکاییها به ما نقشه ای دادند که به اصطلاح خواستند

ص: ۵۳

۱- ۱۰۵. این سفر در تاریخ ۳ / ۱۲ / ۶۵ انجام شد.

۲- ۱۰۶. مجله عربی الرأی العام چاپ کویت در این موقعیت می نویسد: «مصلحت تمامی اعراب و به ویژه کشورهای خلیج فارس، در این است که امریکا را رد کرده و درهای خود را کاملاً به سوی شوروی باز نمایند.» (روزنامه ی رسالت، ۲۰ / ۲ / ۶۶).

اطلاعات سری به ما بدهند. در این نقشه جای استقرار نیروهای شوروی را در مرز مشخص کرده بودند و فلشهایی کشیده بودند که مثلاً- نیروهای شوروی از این جا وارد می شوند و به کجا می خواهند برسند. خطوط حمله و نیروهایی که قرار بود حمله کنند را مشخص کرده بودند.» (۱).

به هنگام تشدید خصومت میان ایران و امریکا چنین اظهاراتی جهت گیری خاصی داشت که روسها نیز به آن بی توجه نبودند. در عین حال، استراتژی جدید شوروی در منطقه خاورمیانه و مواضع و اقدامات آشکار این کشور علیه ایران سبب گردید موضع گیری ایران نسبت به این سیاستها اعلام شود. چنانکه رئیس جمهور وقت ایران (حضرت آیت الله خامنه ای) در خطبه های نماز جمعه اعلام کردند:

«تاکنون دولتهایی، از جمله شوروی ادعا می کردند که در جنگ بی طرف هستند و بارها این مسأله را در مذاکرات و پیامهای خود به ما بیان داشته و ارسال تسلیحات خود به عراق را در چارچوب قراردادهای گذشته توجیه می کردند. اما امروز روسها به طور واضح و علنی عدم بی طرفی خود را در منطقه نشان می دهند و علناً از دشمن ما حمایت می کنند.» (۲).

سپس ایشان ضمن غیر قابل قبول دانستن این رفتار، بر این مسأله تأکید کردند که ملت ایران هرگز این مسائل را فراموش نخواهد کرد. همچنین سخنگوی وزارت خارجه ایران اعلام کرد:

«اخیراً شوروی در مورد مسائل منطقه، از جمله تحولات خلیج فارس و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مواضعی اتخاذ کرده است که نمایانگر نوعی فرصت جویی برای افزایش نفوذ و با راضی کردن متحدان امریکا در منطقه است.» (۳).

تشدید جو عمومی در کشور و در رسانه های ارتباط جمعی علیه رفتار جدید شوروی به گونه ای بود که نماینده وزارت خارجه شوروی اعلام کرد:

ص: ۵۴

۱- ۱۰۷. روزنامه ی کیهان، ۱۷ / ۱ / ۶۶.

۲- ۱۰۸. روزنامه ی رسالت، ۱۹ / ۲ / ۶۶، به نقل از آیت الله خامنه ای در نماز جمعه ی تهران، ۱۸ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۰۹. روزنامه ی رسالت، ۱۲ / ۲ / ۶۶.

«وسائل ارتباط جمعی ایران و نیز بعضی از مقامات رسمی، اظهارات غیر دوستانه ای نسبت به اتحاد جماهیر شوروی بیان می کنند. کوششهایی می شود (۱) تا سیاست اتحاد جماهیر شوروی در قبال ایران و جنگ ایران و عراق تحریف گردیده و تاریخ روابط دو جانبه میان دو کشور ما قلب (دگرگون) شود. (۲)».

آقای هاشمی در پاسخ به گله ی نماینده وزارت خارجه شوروی و اظهار گله مندی متقابل، ضمن اعلام سیاست ایران در مورد آینده عراق بر حاکمیت یکپارچه ی ملت عراق و مخالفت با تلاشهای امریکا در منطقه، تأکید کرد:

«مهمترین مسأله ما با روسها حمایت آنها از عراق است.» (۳).

همچنین آقای هاشمی در دیدار با سفیر کوبا، با انتقاد از سیاستهای شوروی اعلام کرد:

«ما برای این حرکات شوروی تفسیر منطقی و عاقلانه ای نمی بینیم، شوروی چگونه حمایت از یک رژیم دیکتاتور و تجاوزگر همچون رژیم بعث عراق را بر حمایت از یک انقلاب عظیم ضد امپریالیستی ترجیح می دهد؟ سران شوروی اگر فکر نمی کنند که عراق به آنها وفادار می ماند در اشتباهند.» (۴).

روسها در این زمینه در چارچوب استراتژی جدید منطقه ای خود عمل می کردند و توجه چندانی به دیدگاهها و مواضع ایران نداشتند.

در مجموع، در مقایسه بین امریکا و شوروی، با توجه به وضعیت حاکم بر منطقه و گستردگی تلاشهای شوروی، موقعیت این

ص: ۵۵

۱- ۱۱۰. روزنامه سکوفسکی نووستی در این زمینه می نویسد: «در این اواخر در جراید ایران علنا به جار و جنجالی که در جهت شوروی ستیزی است دامن زده می شود.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه ویژه، ۳۱ / ۲ / ۶۶، رادیو مسکو، ۳۰ / ۲ / ۶۶).

۲- ۱۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۸ / ۲ / ۶۶، مسکو خبرگزاری تاس، ۱۷ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۱۲. روزنامه ی کیهان، ۲۳ / ۲ / ۶۶.

۴- ۱۱۳. روزنامه ی رسالت، ۲۴ / ۲ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی.

کشور (۱) مطلوبتر ارزیابی می شد. (۲) زیرا مسکو ضمن ارتباط با کلیه ی کشورهای منطقه از طرحها و پیشنهادهای نسبتاً روشن و قابل قبولی برای طرفهای ذینفع برخوردار بود و همین مسأله، مقدمات افزایش نفوذ شوروی را در منطقه فراهم ساخت. (۳).

ص: ۵۶

۱- ۱۱۴. مؤسسه بین المللی مطالعات استراتژیک لندن ضمن مقایسه ی ریگان و گورباچف می نویسد: «ریگان با لطمات شدید به نفوذ خود در منطقه خلیج فارس، خاورمیانه و امریکای مرکزی مواجه شده و به نقش آن در رهبری علیه آنچه تروریسم بین المللی نامیده می شود نیز آسیبهای جدی وارد آمده است. در عین حال موقعیت میخائیل گورباچف، حالت عکس موقعیت ریگان را دارد و رهبری قاطع وی، حاکی از خارج شدن سیاست شوروی از وضعیت سنتی آن است.»

۲- ۱۱۵. روزنامه نیویورک تایمز در این زمینه می نویسد: در حالی که امریکا درگیر رسوایی ماجرای شکست سیاست نزدیکی با جمهوری اسلامی ایران است، شوروی گامهای بلندی در جهت کسب نفوذ مجدد خود در خاورمیانه بر می دارد. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۲ / ۶۶).

۳- ۱۱۶. روزنامه نیویورک تایمز در این زمینه می نویسد: «شوروی یک رشته اقدامات دیپلماتیک را در خاورمیانه، با هدف تجدید نفوذ خود در منطقه آغاز کرده است.» (روزنامه ی جمهوری اسلامی ۲۲ / ۲ / ۶۶، خبرگزاری کویت).

زمینه های تشدید بحران در خلیج فارس و گسترش حضور امریکا در منطقه

درگیری در خلیج فارس و گسترش آن با حملات عراق به پایانه های نفت ایران در جزیره خارک در سال ۶۳ و سپس حمله به نفتکشها و کشتیهای ایران در سالهای بعد، بر پایه این تحلیل انجام گرفت که ایران مادامی که قادر به تولید و فروش نفت و سپس تهیه سلاح باشد، به جنگ ادامه خواهد داد. بنابراین، قطع صدور نفت ایران هسته مرکزی تلاشهای عراق را تشکیل می داد. گری سیک مشاور کارتر رئیس جمهوری وقت امریکا می گوید:

«عامل عمده ادامه جنگ از جانب ایران، صدور نفت توسط این کشور است و تا موقعی که نفت از ایران صادر می شود جنگ ادامه خواهد یافت. بنابراین باید جریان صدور نفت ایران را قطع کرد.» (۱).

به موازات تلاش برای قطع صدور نفت ایران، امریکا به منظور جلوگیری از دسترسی ایران به تجهیزات نظامی و سلاح، اقدامات گسترده ای را با عنوان عملیات «استانچ» آغاز کرد. توافق جهانی علیه ایران به خاطر پافشاری بر حقوق حقه خود، از مهمترین دلایل هماهنگی برای فشار به ایران و واگذاری

ص: ۵۷

میدان خلیج فارس به عراق، برای آغاز تهاجمات پی در پی بود. بعدها در گزارش کمیته روابط خارجی امریکا در مورد علت حمله عراق به نفتکشها چنین آمد:

«جنگ نفتکشها در نتیجه تمایل عراق به محدود کردن درآمد نفتی ایران و بین المللی کردن مسئله جنگ آغاز گردید.» (۱).

در همین زمینه، روزنامه گاردین علل رویکرد عراق به این اقدام را چنین ذکر می کند:

«عراق که در تابستان ۱۹۸۴ جنگ نفتکشها را آغاز کرد، دو هدف عمده را دنبال می کرد. یکی قطع صادرات نفتی ایران و خنثی کردن برتریهای رزمی ایران در جبهه ها و دیگر توسعه خطر در منطقه و جلب حمایت کشورهای عرب خلیج فارس از بغداد و در صورت لزوم، باز کردن پای دخالت ابرقدرتها در این مناقشه.» (۲).

در واقع، ناتوانی عراق در نبرد زمینی و تلاش برای خنثی سازی برتریهای رزمی ایران، محور اصلی اقدامات عراق را تشکیل می داد. فضای بین المللی و اوضاع حاکم بر منطقه زمینه های تهاجم عراق به پایانه های نفت ایران و نفتکشها را فراهم کرد. عراق چنین پیش بینی می کرد که ضمن تضعیف بنیه اقتصادی ایران، با افزایش دخالت قدرتهای بزرگ و مداخله آنها، موقعیت را برای افزایش فشار به ایران و پایان بخشیدن به جنگ فراهم خواهد کرد.

جمهوری اسلامی ایران ضمن درک روشن نسبت به ماهیت تلاشهای عراق و حمایت بین المللی نسبت به این اقدامات، به دلیل گشایش یک جبهه جدید و همچنین نیازمندی به ارز حاصله از صادرات نفت، اساسا تمایل چندانی به گسترش دامنه ی بحران در خلیج فارس نداشت. لذا همین امر منجر به سیاست «مقابله به مثل» ایران به صورت «محدود» شد. آقای هاشمی در این زمینه می گوید:

ص: ۵۸

۱- ۱۱۸. پیشین.

۲- ۱۱۹. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۲ / ۶۶.

«هنگامی یک کشتی از دشمن هدف قرار می گرفت که پیش از آن یک کشتی از ما مورد اصابت قرار گرفته بود.» (۱).

عراق دومین (۲) مرحله از جنگ نفتکشها را از آذر سال ۶۵ و متعاقب افشای ماجرای مک فارلین آغاز کرد. در این مرحله عراق به لحاظ درک و برداشتی که از ماهیت تلاشهای امریکا برای برقراری رابطه پنهانی با ایران و نیز شکست آن داشت، حملات خود را به نفتکشها از سر گرفت. مقابله به مثل ایران و افزایش احتمال گسترش دامنه جنگل، نگرانی حامیان منطقه ای و جهانی عراق را افزایش داد. در مجموع، طی مراحل مختلف، به ترتیب در سال ۱۹۸۵ تعداد ۴۷ فروند، در سال ۱۹۸۶ تعداد ۱۰۷ فروند و در سال ۱۹۸۷ تعداد ۱۸۷ فروند کشتی مورد حمله قرار گرفتند. (۳) این آمار نشان دهنده ی روند رو به گسترش درگیری در منطقه خلیج فارس بود. (۴).

نگرانی ناشی از پیدایش این وضعیت سبب گردید تا نشانه ها و علائم مداخله ی قدرتهای بزرگ در خلیج فارس آشکار شود، چنانکه برای نخستین بار، با درخواست کویت از امریکا مبنی بر اسکورت نفتکشهای این کشور در آذر سال ۱۳۶۵ آثار دیگر از مداخله بروز کرد. ابعاد و پیامدهای این امر، در آغاز امریکا را از پاسخ به درخواست کویت بازداشت. ضمن اینکه در این روند، تلاشهای میانجیگریانه ی سازمان ملل سبب گردید حملات عراق به نفتکشها متوقف شود.

سومین مرحله از جنگ نفتکشها را عراق، پس از پیروزی ایران در عملیات کربلای ۵ شروع کرد. در این مرحله، تلقی و درک عراق از وضعیت حاکم بر جنگ (برتری نظامی ایران) و اوضاع نابسامان روحی و نظامی این کشور سبب

ص: ۵۹

۱- ۱۲۰. مولانا، حمید، بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد اول، سخترانی آقای هاشمی در مراسم اختتامیه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، سال ۶۸.

۲- ۱۲۱. اولین مرحله از جنگ نفتکشها از سال ۶۳ آغاز شد و به موازات جنگ شهرها کم و بیش ادامه داشت. ولی از سال ۶۵، به دلیل موقعیت برتر ایران وارد مرحله جدیدی شد که به لحاظ افزایش شدت و گسترش دامنه و نتایج آن، به منزله مرحله ی دوم ذکر شده است.

۳- ۱۲۲. لنجافسکی، جورج، رؤسای جمهوری امریکا و خاورمیانه از ترومن تا ریگان، ترجمه ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر البرز، ۱۳۷۳، به نقل از گزارش شرکت بیمه دریایی لویذز لندن، ص ۳۵۵ - ۳۵۶.

۴- ۱۲۳. فهرست حملات عراق به کشتیهای تجاری و نفتکش طی سال ۶۶ در ضمیمه ی کتاب درج شده است.

گردید تا حملات عراق به نفتکشها و همچنین حمله به پایانه های نفت ایران، بدین منظور پی گیری و انجام شود که علاوه بر بین المللی کردن جنگ، بنیه ی اقتصادی ایران را نیز بشدت تضعیف نماید. بر همین اساس، موج جدید حملات عراق از شدت بسیاری برخوردار شد، چنانکه در ۶ ماهه اول سال ۱۹۸۷ در مجموع ۳۳۳ فروند کشتی مورد حمله قرار گرفتند. (۱).

این آمار نشان می دهد که مجموع کشتیهایی که طی ۶ ماه مورد حمله قرار گرفتند با مجموع کشتیهایی که طی ۳ سال قبل از آن از حملات آسیب دیدند، برابر است.

بنابراین، پیدایش وضعیت جدید در خلیج فارس بر اثر حملات عراق، موقعیتی را به وجود آورد که مشخصه ی آن گسترش دامنه جنگ و بین المللی شدن آن بود.

ایران در اوضاع جدید در موقعیت دشواری قرار داشت. بدین معنا که عدم مقابله به مثل، منجر به افزایش حملات عراق می شد و از سوی دیگر، هر گونه مقابله به مثل نیز زمینه را برای گسترش دامنه ی جنگ و بین المللی شدن آن فراهم می کرد. لذا همانگونه که اشاره شد، ایران استراتژی «مقابله به مثل محدود» و «ضربه در برابر ضربه» را به منظور محدود کردن تهاجمات عراق، اتخاذ کرد.

واکنش امریکا و توافق با کویت برای اسکورت نفتکشها

همانطور که پیش بینی می شد، نتایج ناشی از پیدایش وضعیت جدید در خلیج فارس و احتمال گسترش دامنه جنگ بهانه ای به دست امریکا داد تا تحت عنوان نگرانی از ادامه ی جنگ، حضور خود را در خلیج فارس توجیه نماید. ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا، بیانیه ای در این خصوص صادر کرد. مندرجات بیانیه، مبنی بر تأثیر گسترش و ادامه جنگ بر منافع استراتژیک امریکا و امنیت دوستان آن کشور در منطقه یعنی به منزله ی آشکار شدن سیاست

ص: ۶۰

امریکا در حمایت از عراق و تهدید ایران بود. در این بیانیه آمده است:

«ما در نگرانی دوستانمان در منطقه خلیج فارس مبنی بر اینکه جنگ ممکن است گسترش یابد و امنیت آنها را مورد تهدید قرار دهد، سهیم هستیم. ما گسترش جنگ را به عنوان تهدیدی علیه منافع خود و دوستانمان در منطقه تلقی می کنیم.» (۱).

آقای هاشمی، تنها یک روز پس از صدور بیانیه ریگان، در نطق قبل از دستور مجلس ضمن برملا ساختن ماهیت تلاشهای جدید امریکا در حمایت از عراق، در مورد توسعه دامنه جنگ اظهار داشت:

«مگر ما می خواستیم جنگ را توسعه دهیم؟... این شما هستید که مدام تحریک می کنید که یک حادثه ای در منطقه به وجود بیاید. آنها را تحریک می کنید که خودشان را (کشورهای منطقه) در جنگ شریک کنند. به آنها بگویید خودشان را کنار بکشند. نصیحتی که ما می کنیم این است که آنها شریک جنگ نباشند. ما با آنها رفیقیم. با آنها روابط صمیمی داریم. با آنها می توانیم برادری داشته باشیم. همکاری داشته باشیم.» (۲).

سپس ایشان با اشاره به تأثیرات افشای ماجرای مک فارلین در بی اعتبار ساختن سیاست امریکا در منطقه و تلاش برای احیاء آن اضافه می کند:

«ما حدس می زنیم که شما این حرفها را به خاطر وضع سیاسی اخیرتان می گوید.» (۳).

ایران که پیش از این خواستار حذف صدام به عنوان پیش شرط پایان بخشیدن به جنگ بود، نسبت به مواضع اخیر امریکا احساس نگرانی می کرد. متقابلاً امریکاییها نیز برای تفهیم سیاست جدید خود، مواضع نسبتاً شدیدی علیه ایران اتخاذ کردند چنانکه ریگان مجدداً ایران را تروریست نامید. روزنامه نیویورک تایمز چاپ امریکا در مورد ضرورت تصحیح سیاست امریکا و تفهیم

ص: ۶۱

۱- ۱۲۵. روزنامه ی رسالت، ۴ / ۱۱ / ۶۵، به نقل از خبرگزاری یونایتدپرس.

۲- ۱۲۶. اداره کل تندنویسی مجلس شورای اسلامی، «روزنامه رسمی»، (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی)، دور دوم جلسه ۳۶۶، ۵ / ۱۱ / ۶۵.

۳- ۱۲۷. پیشین.

آن به ایران به نقل از یک کارشناس امریکا در مسائل خاورمیانه نوشت:

«ایرانیان به دلایل فراوانی متقاعد شده اند که امریکا هیچ کاری در جلوگیری از شکست عراق نمی تواند بکند و این چیزی است که دولت ریگان باید تصحیح کند. در غیر این صورت، امریکا و متحدینش نسلها متأسف خواهند بود.» (۱).

همین کارشناس در ادامه مطلب خود، درباره ضرورت حضور امریکا در منطقه به منظور هشدار به ایران و حفظ عراق در برابر ایران، می نویسد:

«حضور قدرتمند نیروی دریایی امریکا در خلیج فارس که ایران آن را به دریاچه ای خصوصی تبدیل خواهد کرد، لازم است.» (۲).

بر پایه همین ضرورتها، امریکاییها که بیش از این به درخواست کویت برای اسکورت نفتکشها پاسخ منفی داده بودند، در برابر اظهارات وزیر خارجه کویت، (۳) پیشنهاد خود مبنی بر اسکورت نظامی نفتکشها را اعلام کردند. (۴) روزنامه نیویورک تایمز این پیشنهاد را بخشی از تصمیمات دولت امریکا برای کسب اعتبار از دست رفته این کشور در جهان عرب، پس از فروش سلاح به ایران ارزیابی کرد. (۵) در ادامه واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا، ضمن تشریح سیاست امریکا و تهدید ایران اعلام کرد:

«در صورتی که ایران بکوشد خروجی خلیج فارس را مسدود کند، در طرحهایی، بمباران این کشور با استفاده از ناوهای مستقر در منطقه پیش بینی شده است.... ما کاملا آماده هستیم برای ترافیک دریایی دائم و

ص: ۶۲

۱- ۱۲۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ۷ / ۱۲ / ۶۵.

۲- ۱۲۹. پیشین.

۳- ۱۳۰. وزیر خارجه ی کویت اعلام کرد که دو ابرقدرت باید مسؤولیتهای خود را برای حفاظت از کشتیرانی در منطقه برعهده گیرند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۵ / ۱ / ۶۶، رادیو بی بی سی ۴ / ۱ / ۶۶).

۴- ۱۳۱. رادیو امریکا در تاریخ ۵ / ۱ / ۶۶، به نقل از روزنامه نیویورک تایمز، ضمن اشاره به پیشنهاد امریکا به کویت برای حفاظت کشتیهای متعلق به کویت، در توضیح آن می گوید: «حدود یک ماه پیش از جانب کویت تقاضا شد...» کویت در واقع هم از امریکا و هم از شوروی تقاضای کمک و همراهی دریایی کرده است.

۵- ۱۳۲. روزنامه ی رسالت، ۱۰ / ۱ / ۶۶.

نیز تضمین آزادی کشتیرانی، آنچه را که لازم باشد، انجام دهیم.» (۱).

تلقی ایران از مواضع تهدید آمیز امریکا سبب گردید سخنگوی کاخ سفید اعلام نماید که ما هیچ کس را تهدید نکرده و صرفاً مواضع خود را درباره منافع استراتژیک امریکا در خلیج فارس توضیح داده ایم. (۲) روزنامه پراودا چاپ مسکو نیز ضمن بی فایده دانستن حضور دریایی امریکا در منطقه و تهدیدات فزاینده اش مبنی بر استفاده از این نیروها برای حفظ امنیت خطوط کشتیرانی نوشت:

«این اقدام امریکا برعکس بزرگترین تهدید برای خطوط کشتیرانی خلیج فارس محسوب می شود و این مسئله حتی برای متحدین امریکا نیز روشن است.» (۳).

افزایش حضور نظامی امریکا در منطقه به بهانه اسکورت نفتکشها، بازتاب نسبتاً گسترده ای را در پی داشت. چنانکه برابر اظهارات یک منبع کویتی، این کشور ضمن رد کردن درخواست امریکا و تأکید بر اینکه این مسئله به معنای تشدید تشنج در خلیج فارس می باشد، این موضوع را مورد تأکید قرار داد که کویت ترجیح می دهد نفتکشهایش با پرچم امریکا حرکت کنند تا اینکه تحت محافظت باشند. در واقع، کویتها با مشاهده بازتاب و انعکاس پیشنهاد امریکا، نسبت به مواضع قبلی خود عقب نشینی کرده و در توضیح اصل پیشنهاد امریکا اعلام کردند که آنچه کویت در صدد انجام آن بوده است، تغییر تابعیت کشتیها است و این کشور مایل به درگیری در اسکورت نظامی نفتکشها نیست. (۴).

بنابر توضیح یک منبع کویتی، اندیشه ی اسکورت نفتکشها را نخستین بار وزیر دفاع امریکا در اواخر اسفند سال ۶۵ (اوائل مارس ۱۹۸۷)، طی نامه ای به دولت کویت مطرح کرد. اما تمهید کویت، اجاره یا ثبت نفتکشهای خود به

ص: ۶۳

۱- ۱۳۳. روزنامه ی اطلاعات، ۱۰ / ۱ / ۶۶، به نقل از ان. بی. سی.

۲- ۱۳۴. روزنامه ی اطلاعات، ۱۰ / ۱ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری رویتر.

۳- ۱۳۵. روزنامه ی اطلاعات، ۱۰ / ۱ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری کویت.

۴- ۱۳۶. روزنامه ی رسالت، ۱۰ / ۱ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از منبع کویتی.

عنوان اموال یک کشور دیگر بوده است.

متعاقب تغییر موضع کویت، یک مقام امریکایی اصرار این کشور را بر تکذیب گزارشهای مربوط به درخواست کویت از امریکا برای اسکورت نظامی متأثر از تقبیح شدید این مسئله از سوی ایران ذکر کرد. (۱) همچنین روزنامه ی واشنگتن پست در توضیح پیشنهاد امریکا به کویت به این مسئله اشاره کرد که کویت از امریکا درخواست کرده بود که نفتکشهایش را در امریکا به ثبت برسانند و آنها را به عنوان نفتکش امریکایی به رسمیت بشناسند. امریکا ضمن پذیرش درخواست کویت، با در نظر گرفتن ابعاد حقوقی، دو پیشنهاد جدید را مطرح کرد. نخست آنکه نفتکشهای کویتی با پرچم امریکا حرکت کنند و دوم اینکه توسط ناوگان دریایی امریکا اسکورت شوند. در این زمینه روزنامه ی واشنگتن پست نوشت:

«اگر چه گفته می شود که کویت پیشنهادهای جدید واشنگتن را رد کرده است، اما نباید از اصل موضوع، در مورد استمدادهای عاجزانه دربار کویت از امریکا غافل شد!» (۲).

چند روز بعد، وزیر خارجه کویت با تأکید بر این مسئله که حراست از تنگه هرمز بیشتر یک مسئولیت بین المللی است تا مسئولیت کویت و سایر کشورهای منطقه، خاطر نشان ساخت که کشور متبوعش نمی تواند تلاش ابرقدرتها برای تضمین آزادی کشتیرانی را در این منطقه محکوم کند. (۳).

در عین حال، امریکا به تلاشهای خود برای گسترش حضور نظامی در منطقه ادامه داد. ضمن آنکه وزیر خارجه امریکا طی سفر به چین، برای متقاعد ساختن این کشور نسبت به ممانعت از واگذاری موشکهای کرم ابریشم به ایران، مذاکراتی به عمل آورد، لیکن موفقیتی به دست نیاورد. در این میان، رادیو امریکا درباره استقرار موشکهای ایران در تنگه هرمز که پیش از این امریکاییها در آن باب از طریق سوئیس به ایران اعتراض کرده بودند، به عنوان پوشش برای

ص: ۶۴

۱- ۱۳۷. پیشین.

۲- ۱۳۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۰ / ۱ / ۶۶.

۳- ۱۳۹. روزنامه ی کیهان، ۶ / ۱ / ۶۶، فرانس پرس، به نقل از وزیر خارجه کویت.

«استقرار اخیر موشکهای ضد کشتی ساخت چین توسط ایران در نزدیکی تنگه هرمز، موجب نگرانیهای تازه ای پیرامون نیت رهبران ایران شده است... وزارت دفاع امریکا برای اطمینان از بازماندن این آبراه به روی آمد و شد کشتیها، برنامه ریزی می کند تا به حضور دائمی نیروی دریایی امریکا در اقیانوس هند تداوم بخشد.» (۱).

بر همین اساس، وزیر دفاع امریکا به ناو هواپیمابر کیتی هاوک و رزم ناوهای متعددی که همواره آن را همراهی می کنند دستور داد به مدت سه ماه در دریای عمان و در نزدیکی تنگه هرمز باقی بمانند.» (۲).

در وضعیتی که امریکا سعی داشت وانمود کند از درخواست کویت مبنی بر اجاره نفتکشها و یا حرکت آنها با پرچم امریکا امتناع دارد و کویت نیز برای پذیرش اسکورت نظامی نفتکشها تحت فشار بود، روسها موافقت خود را با اجاره نفتکش به کویت با شرط برخورداری از تسهیلات بندری اعلام کردند. (۳) این مسئله امریکاییها را با دشواری رو به رو ساخت و سرانجام کویت در مورد اجاره سه نفتکش از شوروی، بدون در اختیار گذاردن تسهیلات بندری، با روسها به توافق رسید. رادیو بی. بی. سی طی تحلیلی در مورد بازتاب این توافق و نگرانی امریکاییها می گوید:

«نگرانی امریکا در این است که عملی شدن یک چنین طرحی می تواند بدون آنکه شوروی را از نظر سیاسی در یک نوع پیمان دفاع منطقه ای متعهد کند، به آن کشور یک نقش مهم نظامی در خلیج فارس بدهد که تاکنون فاقد آن بوده است.» (۴)

ص: ۶۵

۱- ۱۴۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۹، ۱۹ / ۱ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۸ / ۱ / ۶۶.

۲- ۱۴۱. پیشین، رادیو بی بی سی، ۱۸ / ۱ / ۶۶.

۳- ۱۴۲. سه نفتکش روسی به نام سرداران نظامی روس در جنگ جهانی دوم عبارت بودند از: مارشال باگرامیان، مارشال چخوف و مارشال مایکوپ که در اجاره کویت قرار گرفتند.

۴- ۱۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه ی شماره ۲۰، ۲۰ / ۱ / ۶۶، رادیو بی بی سی، ۱۹ / ۱ / ۶۶.

با انتشار خبر توافق کویت و شوروی، رئیس بخش مطبوعاتی وزارت خارجه شوروی در توضیح آن اعلام کرد:

«این کشور به زودی سه نفتکش ساخت این کشور را برای مدت سه سال که قابل تمدید نیز می باشد به کویت کرایه خواهد داد. براساس توافقی که در این زمینه به عمل آمده، این نفتکشها احتمالا چنانچه لازم باشد، به وسیله نیروی دریایی شوروی اسکورت خواهند شد.» (۱).

برخی از تحلیلگران چنین پیش بینی می کردند که ایران از مقابله با اقدامات شوروی خودداری خواهد کرد. حال آنکه نماینده وقت ایران در سازمان ملل رسماً اعلام کرد:

«جمهوری اسلامی ایران کشتیهای بازرگانی را با هر پرچمی که حرکت کنند متوقف ساخته و آنها را بازرسی خواهد کرد، خواه با پرچم امریکا و خواه با پرچم هر کشور دیگری حرکت کنند، هیچ تفاوتی نمی کند.» (۲).

نظر به اینکه حضور امریکا و شوروی در خلیج فارس، عمدتاً به بهانه وجود ناامنی در منطقه صورت می گرفت، لذا پس از تغییر و تحولاتی که در این زمینه صورت گرفت آقای هاشمی در نماز جمعه تهران ضمن تأکید بر این مسئله که «اربابان صدام سعی دارند به هر طریقی که شده صدام را حفظ کنند» و این مسئله را بهانه ی «حفظ امنیت منطقه» و جلوگیری از مقابله به مثل ایران قرار داده اند؛ در مورد نحوه ی تأمین امنیت منطقه، خطاب به کویت و عربستان اعلام کرد:

«اگر کویت و عربستان واقعا امنیت خلیج فارس را می خواهند، هیچ نیازی به درخواست کمک از امریکا و شوروی وجود ندارد. بلکه کافی است که این کشورها به عراق اجازه ندهند که کشتیهای نفتکش و تجاری ما را مورد حمله قرار دهد. آنگاه هیچ مقابله به مثلی از سوی ایران انجام نخواهد گرفت و امنیت خلیج فارس تأمین می شود... ما امنیت خلیج فارس را بیش

ص: ۶۶

۱- ۱۴۴. روزنامه ی رسالت ۲۶ / ۱ / ۶۶، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

۲- ۱۴۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه ی شماره ۲۳، ۲۳ / ۱ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۲ / ۱ / ۶۶، به نقل از رجایی خراسانی نماینده ی ایران در سازمان ملل.

از شما می خواهیم، زیرا امروز نیروهای ما باید در جبهه ها باشند نه در خلیج فارس. اگر در خلیج فارس شرارتی نشود، هیچ امنیتی به خطر نخواهد افتاد.» (۱).

در عین حال ایران به قدرتهای بزرگ هشدار داد که در پاسخ به تشنج آفرینی در منطقه، تنها منافع استکبار جهانی مورد تهاجم بیشتر قرار خواهد گرفت. (۲) همچنین آقای هاشمی طی مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد:

«من فکر نمی کنم که چنانچه نفت بعضی از کشورهای خلیج فارس با کشتیهای امریکا یا شوروی حمل شود مصونیت پیدا می کند. چرا که به هر حال مقابله به مثل انجام می گیرد و ما وحشتی نداریم از اینکه یک کشتی دیگری آنجا حاضر باشد.» (۳).

منطق حاکم بر رفتار و عملکرد امریکا و شوروی، تأمین امنیت در منطقه بدون توجه به منافع ایران بود. بدین معنا که به اقدامات عراق مبنی بر حمله به نفتکشهای تجاری ایران، توجهی نکرده و تنها در صورت مقابله به مثل ایران، شعارهایی را مبنی بر ضرورت تأمین امنیت عنوان می کردند. این امر حاکی از آن بود که در قاموس آنها امنیت عمدتاً مفهومی جز تأمین منافع قدرتهای بزرگ و رژیم عراق نداشت. بر همین اساس، ایران نیز ضمن تأکید بر ادامه سیاست و مقابله به مثل، بر این مسئله تأکید می کرد که در خلیج فارس یا امنیت برای همه و از جمله ایران، یا برای هیچ کس. (۴) وزارت خارجه ی ایران نیز طی اعلامیه ای با اشاره به تحولات در خلیج فارس، مواردی را مورد تأکید قرار داد و از جمله اینکه تأمین امنیت در خلیج فارس برعهده ی کشورهای منطقه است و ایران به خاطر ساحل طولانی، بیش از هر کشور دیگری خود را ملحق دانسته و به این امر اهتمام می ورزد. همچنین به این مسئله اشاره شد که پذیرش قیومیت ابرقدرتها می تواند امنیت منطقه را به خطر اندازد. در این اعلامیه، ضمن اشاره به ضرورت قطع کمکهای نظامی - اقتصادی به عراق برای پایان بخشیدن به

ص: ۶۷

۱- ۱۴۶. روزنامه ی اطلاعات، ۲۹ / ۱ / ۶۶، نماز جمعه تهران، ۲۸ / ۱ / ۶۶.

۲- ۱۴۷. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۱ / ۶۶، میر حسین موسوی نخست وزیر.

۳- ۱۴۸. روزنامه ی کیهان، ۱ / ۲ / ۶۶، مصاحبه ی مطبوعاتی.

۴- ۱۴۹. روزنامه ی کیهان، ۵ / ۲ / ۶۶، آیت الله خامنه ای رئیس جمهور وقت.

جنگ، مجددا نسبت به سیاست ایران مبنی بر مبارزه ی قاطع برای خشکانیدن ریشه های تجاوز، تأکید شد. (۱).

موضع گیری در مورد اقدام شوروی برای اجاره دادن نفتکش به کویت، مناسبات ایران و شوروی را تحت تأثیر قرار داد. رئیس جمهور وقت ایران ضمن اظهار تعجب از اقدام شوروی به آنها هشدار داد: «این امر به سود شوروی نخواهد بود.» این اظهارات به منزله شدید اللحن ترین بیان، در خصوص تلاش شوروی برای حضور در منطقه خلیج فارس، مورد ارزیابی قرار گرفت. (۲) متقابلا یکی از مقامات رسمی شوروی در مورد احتمال حمله به نفتکشهای حامل پرچم شوروی اظهار داشت: «مسکو قاطعانه پاسخ خواهد داد.» (۳).

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که از مدت‌ها پیش برای مقابله به مثل آماده شده بود، (۴) پس از تحولات جدید، به تشکیل منطقه ی یکم دریایی شامل تپه‌های

ص: ۶۸

۱- ۱۵۰. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۳ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۵۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۵ / ۲ / ۶۶، رادیو اسرائیل، ۴ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۵۲. معاونت سیاسی سپاه، بولتن بررسی، شماره ۸، ۴ / ۲ / ۶۶، به نقل از ایوانف گالیستین رئیس بخش امور کشورهای عربی حوزه ی خلیج فارس در وزارت خارجه ی شوروی.

۴- ۱۵۳. ورود سپاه به عرصه جنگ در دریا گر چه سازمان دریایی سپاه از سال ۶۰ تدریجا شکل گرفت، ولی سپاه عملا وارد خلیج فارس نشده بود. اصولا- توان سپاه برای اجرای مأموریت روی آب با عملیات آبی - خاکی خیر در سال ۶۲ و بدر در سال ۶۳ و فاو در سال ۶۴ رو به افزایش نهاد و از سازمان نسبتا مناسبی برخوردار شد. در این روند، عملیات کربلای ۳ روی اسکله العمیه اولین عملیات سپاه در دریا بود که در شهریور سال ۶۵ انجام گرفت و نقش بسیار تعیین کننده ای در فراهم سازی ورود سپاه به «جنگ در دریا» داشت. پس از عملیات والفجر ۸، در سال ۶۵ فرمانده عالی قرارگاه خاتم الانبیاء، آقای هاشمی به عنوان فرمانده عالی جنگ به سپاه ابلاغ کرد تا راه مقابله با عراق در دریا را مورد بررسی قرار دهد. با اوجگیری حملات عراق به کشتیها، در اوج عملیات کربلای ۵، برادر علایی (فرمانده قرارگاه دریایی نوح) منطقه عملیات کربلای ۵ را به سمت خلیج فارس ترک کرد. سپاه پس از حضور در دریا و مشاهده وضعیت و با توجه به ویژگیهای کار در دریا و ابعاد فنی و علمی آن، کلیه نقشه ها و مدارک مورد نیاز را جمع آوری و پس از شناخت نسبتا عمیق از کار در این عرصه، جمع بندی و تجزیه و تحلیل خود را به مسؤولین و تصمیم گیرندگان منتقل کرد. در این مرحله، سپاه سازماندهی دریایی خود را به تناسب مأموریت در خلیج فارس تغییر داد. برابر تدبیر فرماندهی کل سپاه و با توجه به نیازهای موجود، پایگاه یکم دریایی در بندر عباس؛ پایگاه دوم دریایی در بوشهر و پایگاه سوم دریایی در ماهشهر تشکیل شد و امکانات سپاه در سه شهر بندر عباس، ماهشهر و بوشهر در اختیار سه پایگاه دریایی یکم، دوم و سوم قرار گرفت. در این مسیر ضرورت برخورداری از تاکتیک مناسب برای کار در دریا، با توجه به ویژگیهای آن و تجهیزات و تواناییهای خودی و راه کارها و توانایی دشمن، مورد بررسی و توجه قرار گرفت و سرانجام علاوه بر اتخاذ تاکتیک مناسب، از ابزار و لوازم مورد نیاز آنچه که موجود بود به منطقه منتقل و برای خرید و ساخت سایر موارد اقدام شد. بدین ترتیب در آغاز سال ۶۶ سپاه از آمادگی لازم برای انجام مأموریت در دریا برخوردار شد.

قدرت خلاقیت و انعطاف سپاه گردید تا در حد فاصل کمتر از چهار ماه پس از حضور جدی در خلیج فارس، سپاه از فروردین سال ۶۶ اولین مأموریت دریایی خود را اجراء نماید. این اقدام و حضور دریایی سپاه در خلیج فارس نقطه عطف و تحول در جنگ بود که در محاسبات ناظرین و تحلیلگران مورد توجه قرار نگرفته بود ولی آثار و نتایج تعیین کننده ای را بر جای نهاد. در سال ۶۶ متعاقب تشدید درگیری در خلیج فارس و توانایی ایران برای مقابله به مثل، امریکاییها در برابر خود با دو پدیده جدید «مین» و «قایقهای تندرو» رو به رو شدند که در محاسبات خود را به طور جدی به آن نپرداخته بودند و یا تصور می کردند حضور ناو جنگی امریکا همراه با تبلیغات می تواند اوضاع را به سود امریکاییها تغییر داده و تحت کنترل آنها درآورد. به رغم تبلیغات امریکاییها مبنی بر توانایی خنثی کردن مین و در موقعیتی که «کشتی مین روب» اولین کاروان اسکورت نفتکشها را همراه با خبرنگاران همراهی می کرد، نفتکش امریکایی با مین اصابت کرد و امریکاییها هرگز نتوانستند این مسأله را حل نمایند. آنها تنها کشتی ایران اجر متعلق به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را به بهانه اینکه در حال مین ریزی بود مورد حمله قرار دادند. در مورد قایقهای تندرو، امریکاییها با اتکاء به تجربه عراق برای استفاده از هلیکوپتر که پیش از این در عملیات کربلای ۳ برای مقابله با قایقهای سپاه مورد استفاده قرار داد بود، تصور می کردند به دلیل عدم پوشش هوایی، قایقها به شدت آسیب پذیر هستند، لذا می توانند با اتکاء به هلیکوپترهای او. اچ. ۶ هیوز که دارای دو سرنشین می باشد و از عینکهای مادون قرمز جهت دید در شب برخوردار و بدون سر و صدا حرکت می کند و می تواند اشیاء و اهداف را در ماورای بر دراکتها و فراتر از حیطه شنیدن اصوات مشاهده نماید، با قایقهای تندرو مقابله کنند. در هر صورت، امریکاییها برای مقابله با قایقهای تندرو نه تنها موفقیتی کسب نکردند، بلکه یک فروند هلیکوپتر امریکا نیز در درگیری با قایقهای سپاه سقوط کرد. حضور سپاه نتایج و تأثیرات دیگری نیز در برداشت که بخشی از آنها به شرح زیر می باشد: ۱- محاسبات دشمن مبنی بر ناتوانی ایران برای پاسخ و مقابله در هم ریخت و عراق برای خودداری از حمله شدیداً تحت فشار قرار گرفت. ۲- قدرتهای بزرگ برای مهار بحران وارد منطقه شدند لیکن دامنه بحران و درگیری رو به گسترش نهاد. ۳- بن بست موجود برای مقابله به مثل شکسته شد و سپاه با توانی تازه به عنوان یک عامل جدید وارد صحنه جنگ در دریا شد. (متن پاورقی پس از مصاحبه با سردار علایی فرمانده پیشین نیروی دریایی سپاه و سردار فدوی معاونت اطلاعات این نیرو تهیه و تنظیم شده است).

موشکی، توپخانه و ناوتیپهای دریایی اقدام کرد. (۱)

ص: ۶۹

۱-۱۵۴. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۹ / ۲ / ۶۶، به نقل از برادر علایی فرمانده نیروی دریایی سپاه.

سرانجام، به رغم تمامی تهدیدات، ایران یک کشتی باری با پرچم کویت را در نزدیکی ساحل ابوظبی به مدت دو ساعت توقیف کرد و محموله آن را مورد بازرسی قرار داد. این اقدام سبب گردید تا سیاست ایران به عنوان یک سیاست محکوم مورد ارزیابی قرار گیرد. (۱) دو هفته بعد نیز کشتی باری شوروی به نام ایوان کارسیف مورد حمله قرار گرفت. (۲) بیمه لویزلندن ضمن اشاره به اینکه این نخستین بار است که کشتی روسی در منطقه مورد حمله قرار می گیرد، از این حادثه به عنوان یک «تحول برجسته» یاد کرد. (۳) همچنین روزنامه لوموند به این مسئله اشاره کرد که:

«اقدام ایران این نکته را ثابت می کند که این کشور نمی خواهد تحت تأثیر چنین تهدیدهایی قرار گیرد.» (۴).

روزنامه های امارات متحده نیز به این مسئله اشاره کردند که اقدام ایران، دلیلی بر عزم راسخ این کشور جهت مقابله با ابرقدرتها در خلیج فارس است. (۵).

در این روند، روسها مواضع احتیاط آمیزی را اختیار کردند. ضمن اینکه حمله به کشتی شوروی به منزله ی علامتی به امریکا نیز محسوب شد. به همین دلیل وزارت خارجه امریکا اعلام کرد که امریکا با رسیدگی به پیشنهاد ثبت کشتیهای کویت، به عنوان کشتیهای امریکا، قصد تحریک ایران را ندارد. (۶).

همچنین مورفی، معاون وزیر خارجه امریکا نیز اعلام کرد: «ما هر گونه حمله علیه یک کشتی امریکایی را مسأله ای وخیم تلقی می کنیم.» وی ضمناً تأکید کرد که حمله به نفتکشهای کویتی حامل پرچم امریکا به معنی حمله به نفتکشهای کویتی نخواهد بود. (۷).

توضیحات توأم با تهدید امریکاییها، عمدتاً به دلیل نگرانی از گرفتار شدن آنها به سرنوشت کشتی باری روسی بود. به عبارت دیگر امریکاییها در عین آنکه نسبت به گسترش نفوذ شوروی در منطقه ی خلیج فارس نگران بودند، ولی از جمله به کشتی باری روسی می توانستند خرسند باشند، گر چه تداوم این وضعیت برای

ص: ۷۰

۱- ۱۵۵. روزنامه ی رسالت ۶ / ۲ / ۶۶ و خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از دویدرلیت چاپ لندن.

۲- ۱۵۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۱۹ / ۲ / ۶۶، رادیو مسکو، ۱۸ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۵۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۱۹ / ۲ / ۶۶.

۴- ۱۵۸. معاونت سیاسی سپاه، بولتن بررسی، شماره ۱۰، ۱ / ۳ / ۶۶، به نقل از روزنامه ی لوموند، ۱۸ / ۲ / ۶۶.

۵- ۱۵۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۲۰ / ۲ / ۶۶.

۶- ۱۶۰. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲ / ۲ / ۶۶.

۷- ۱۶۱. پیشین.

آنها نیز نگران کننده بود.

امریکاییها، ضمن اینکه حضور روسها در خلیج فارس را بهانه‌ی خوبی برای حضور خود می‌دانستند، در برابر این اتهام که حضور امریکا یک نوع بهانه‌جویی و عامل تشنج بیشتر در منطقه خواهد بود، «توانایی محدود کشورهای منطقه» و تأمین امنیت را در منطقه به عنوان یک «مسئولیت جهانی» (۱) مورد استناد قرار دادند. همچنین به منظور رفع نگرانی ایران نسبت به ماهیت تلاشهای امریکا، ریچارد مورفی اعلام کرد که امریکا به هیچ وجه خواهان رویارویی با ایران نیست. (۲) سخنگوی پنتاگون نیز توضیح داد که امریکا سرگرم مشورت با کویت است تا نفتکشهای این کشور را به نام کشتیهای امریکا و تحت پرچم این کشور به ثبت برساند. (۳) سایر اخبار و گزارشها نیز نشانگر توافق امریکا و کویت بود. چنانکه خبرگزاری رویتر، خبری را به نقل از مقامات امریکایی مخابره کرد مبنی بر اینکه امریکا در آستانه‌ی توافق با کویت است. (۴) همچنین تهدید ایران از سوی ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا نیز قابل توجه و نشانگر توافق امریکا و کویت و به منزله موضع گیری جدید امریکا ارزیابی می‌شد. (۵) در این روند، سرانجام ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه‌ی امریکا، توافق امریکا با کویت را اعلام کرد:

«امریکا به منظور تضمین آزادی کشتیرانی از طریق تنگه هرمز، با ارائه پوشش حفاظتی برای کشتیهایی از کویت که تحت پرچم امریکا به ثبت برسند، موافقت کرده است.»

مورفی همچنین در توجیه سیاست جدید امریکا مبنی بر اینکه این خط مشی تازه‌ای نیست گفت:

ص: ۷۱

۱- ۱۶۲. وزیر خارجه کویت به منظور توجیه درخواست برای حفاظت از نفتکشهای کویت اعلام کرد که تأمین امنیت در منطقه یک مسئولیت جهانی است.

۲- ۱۶۳. روزنامه‌ی رسالت، ۳ / ۲ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲ / ۲ / ۶۶، ریچارد مورفی.

۳- ۱۶۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۱۷ / ۲ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۶ / ۲ / ۶۶، به نقل از رابرت سلز سخنگوی وقت پنتاگون.

۴- ۱۶۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۲ / ۶۶.

۵- ۱۶۶. روزنامه‌ی رسالت، ۲۳ / ۲ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، دیلی تلگراف.

«حفاظت امریکا نشانه خط مشی تازه ای نیست آنچه ما از آن سخن می‌گوییم، برنامه‌ای برای به اجرا گذاشتن قدیم‌ترین اصول سیاست امریکا، که آزادی کشتیرانی است، می‌باشد.»

و همچنین خطاب به ایران اظهار داشت:

«اقدام امریکا نباید به عنوان یک اقدام تحریک‌آمیز علیه ایران تلقی گردد.» (۱).

بلافاصله رئیس قوه قضائیه ایران، در نماز جمعه تهران، پس از اعلام رسمی موافقت امریکا و کویت اظهار داشت:

«اگر رزمندگان ما در حمله به کشتی کویت به خاطر همجواری تردید به خود راه بدهند، در حمله به کشتی امریکا کوچکترین تردیدی به خود راه نخواهند داد.» (۲).

در این میان، برخی از نشریات کویت نیز تصمیم این کشور را به منزله لطمه به استقلال کویت ذکر کردند. الانباء در این زمینه نوشت:

«هیچ کس باور نداشت که روزی ما مجبور شویم پرچمهای بیگانگان را بر نفتکشهای ملی خودمان برافزاییم.» (۳).

پیدایش وضعیت جدید در منطقه، با حضور امریکا و شوروی به بهانه تأمین امنیت و آزادی کشتیرانی در آبراه بین‌المللی خلیج فارس، به منزله آغاز مرحله‌ای جدید در جنگ و تغییر روند آن به زیان ایران و به سود عراق مورد ارزیابی قرار گرفت. روزنامه واشنگتن پست در این زمینه نوشت:

«این شرکت، به مثابه هشدار دو ابرقدرت به تهران مبنی بر بی نتیجه بودن راه حل نظامی است.»

این روزنامه همچنین در مورد نتایج تصمیم امریکا و شوروی چنین اظهار نظر کرد: «نکوهش دخالت واشنگتن و مسکو از سوی رهبران ایران، نشانگر نگرانی

ص: ۷۲

۱- ۱۶۷. روزنامه‌ی اطلاعات، ۲۶ / ۲ / ۶۶، به نقل از یونایتد پرس.

۲- ۱۶۸. روزنامه‌ی رسالت، ۲۶ / ۲ / ۶۶، خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، آیت‌الله موسوی اردبیلی، امام جمعه موقت تهران.

۳- ۱۶۹. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۲ / ۶۶، به نقل از الانباء، چاپ کویت.

عمیق تهران نسبت به این تحولات و ناظر بر از بین رفتن امیدهای محافل مذهبی ایران مبنی بر احراز پیروزی نظامی نهایی بر عراق است.» (۱).

راديو اسرائيل نیز به نقل از آگاهان سیاسی امریکایی همین مسئله را به نوعی دیگر بیان کرد:

«با ورود دو ابرقدرت امریکا و شوروی به خلیج فارس، حکومت اسلامی ایران اجازه نخواهد یافت به یک پیروزی نظامی بر عراق دست یابد.» (۲).

اظهار نظرهایی که در این زمینه از سوی مقامات رسمی و یا تحلیلگران بیان شد، پیش از آنکه بیانگر اهداف سیاستهای امریکا و شوروی باشد، نتایج ناشی از حضور آنها را توجیه می کرد. در واقع، منافع امریکا و شوروی در منطقه و تغییرات ناشی از پیروزی احتمالی ایران، محرک اصلی دو کشور برای حضور مستقیم و فعالانه در جنگ بود. در حالی که پیش از این، هر دو ابرقدرت سعی داشتند نقش پشت پرده داشته باشند، اما پیروزیهای جدید جمهوری اسلامی ایران در جبهه های جنگ و تأثیر پیروزی احتمالی ایران بر سرنوشت عراق و منطقه، ابرقدرتها را چنان نگران کرده بود که ناچار از حضور آشکار در صحنه ی جنگ گردیدند. «گری سیک»، مشاور کارتر، رئیس جمهور اسبق امریکا، در جهت توجیه حضور امریکا تلویحا به این مسئله اشاره می کند و می گوید:

«امریکا و بسیاری از دیگر قدرتها در قسمت اعظم دوران جنگ ایران و عراق با این باور که نمی توانند تأثیر زیادی بر آن داشته باشند و این جنگ بر تولیدات نفتی چندان مؤثر نیست، خود را از آن دور نگه می داشتند. اما در سال ۱۹۸۵ - ۸۶ زمانی که ایران به تلافی حملات هوایی عراق به کشتیهای در حال حرکت خود، شروع به استفاده از مین و قایقهای مسلح کوچک علیه کشتیهای بی طرف در مسیر کویت و عربستان سعودی نمود، این رویه (بی تفاوتی ابرقدرتها) تغییر یافت.» (۳).

ص: ۷۳

۱- ۱۷۰. روزنامه ی رسالت، ۲۶ / ۲ / ۶۶، واحد مرکزی خبر، واشنگتن پست چاپ امریکا.

۲- ۱۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۲۸ / ۲ / ۶۶، راديو اسرائيل، ۲۷ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۷۲. منافع قدرتهاي بزرگ در خلیج فارس، ترجمه مجید قهرمانی، مقاله ی گری سیک.

در هر صورت، با افزایش حضور امریکا و شوروی در منطقه که بعدها به حضور ناتو نیز منجر شد، جنگ ایران و عراق ابعاد گسترده تری یافت. در این روند، منافع بین المللی در گرو پایان جنگ بود و به همین دلیل پافشاری ایران بر تأمین حقوق حقه‌ی خود سبب گردید تا فشارهای امریکا و شوروی برای پایان بخشیدن به جنگ، اساساً روی ایران متمرکز شود.

حمله عراق به ناو امریکایی استارک

وقوع دو حادثه‌ی برخورد نفتکش مارشال چخوف (۱) متعلق به شوروی با مین و اصابت موشک اگزوسه هواپیمای عراقی به ناو امریکایی استارک، تحول بزرگی در منطقه بود. به همین دلیل، برخی از ناظران سیاسی در بغداد، این تحول را به منزله خطرناکترین مرحله از جنگ نفتکشها ذکر کردند. (۲).

روسها که دومین نفتکش آنها در مسیر عبور از منطقه دچار آسیب شده بود، بسیار خشمناک و امریکاییها نیز در برابر حمله عراق به ناو استارک کاملاً غافلگیر شدند. (۳) برخی از تحلیلگران، این دو حادثه را چنین تحلیل کردند که امریکا و شوروی در وضعیتی که قادر به تأمین امنیت کشتیهای خود نمی باشند، چگونه حفاظت از سایر کشتیها را برعهده گرفته اند؟ (۴) همچنین نتیجه این رخداد، به سود ایران ارزیابی شد زیرا ایران همواره عراق را عامل تشنج ذکر می کرد و در حادثه حمله به ناو استارک، بدون هیچ تردیدی نقش عراق آشکار بود. علاوه بر این، افزایش حضور امریکا و شوروی بر دامنه درگیریها و

ص: ۷۴

۱- ۱۷۳. نفتکش روسی به نام یکی از سرداران روس در جنگ جهانی دوم یعنی مارشال چخوف، با ظرفیت ۸۰ هزار تن در حال حرکت بود. پس از آنکه یک رزمنا و شوروی نیم ساعت قبل، مسیر را بررسی کرده و اجازه عبور به نفتکش داد، نفتکش مزبور با یکی از مینهای سرگردان برخورد کرد. این نفتکش یکی از سه نفتکشی بود که در اجازه کویت قرار داشت.

۲- ۱۷۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۲۹ / ۲ / ۶۶، بغداد، ۲۸ / ۲ / ۶۶.

۳- ۱۷۵. شبکه تلویزیونی سی. ان. ان امریکا: «این حمله نشان داد که امریکا نمی تواند امنیت کشتیهای خود را در خلیج فارس تأمین کند. حال چگونه خواهد توانست امنیت کشتیهای دیگر را تأمین کند؟».

۴- ۱۷۶. پیشین، رادیو لندن، ۲۸ / ۲ / ۶۶.

تشنجهای افزود و به منزله احتمال بروز خطرات بیشتر، مورد شناسایی و تأکید قرار گرفت. (۱).

در این میان، عراقیها با عذرخواهی رسمی از آمریکا و تقبل پرداخت غرامت، اقدام خود را بر اثر یک اشتباه ذکر کردند. چنانکه صدام طی نامه ای به ریگان بر این مسئله تأکید کرد:

«من مطمئنم که شما یقین دارید، هواپیماهای عراقی که مشغول عملیات در منطقه ای بودند که معمولاً در آن به هدفهای دشمن حمله می کنند، قصد وارد آوردن ضربه به هدفی که متعلق به کشور شما یا هر کشور دیگری به جز ایران است نداشتند.» (۲).

امریکاییها به رغم آنکه پیش از این رسماً اعلام کرده بودند که هرگونه حمله ای را به کشتیهای تحت حفاظت آمریکا قاطعانه پاسخ خواهند داد، نه تنها عذرخواهی را پذیرفتند، بلکه از هرگونه تحقیق پیرامون موضوع اجتناب کردند. این نوع برخورد، دقیقاً نشانگر ماهیت سیاست خصومت آمیز آمریکا علیه ایران بود. در چنین موقعیتی ریگان مجدداً اظهار داشت:

«حمله ای عراق به کشتی جنگی آمریکا، ضرورت به پایان رسیدن جنگ را تشدید می کند.» (۳).

امریکا حادثه ای ناو استارک را نادیده گرفت، در حالی که برخی شواهد و قرائن می توانست نشانگر عمدی بودن اقدام عراق باشد. (۴) آقای هاشمی در این زمینه می گوید:

«به نظر ما ابهامات خیلی زیاد است و آنچه تا به حال مقامات امریکایی گفته اند مسئله را روشن نمی کند. ما برخلاف اینها نظریه دیگری داریم...»

ص: ۷۵

۱- ۱۷۷. پیشین.

۲- ۱۷۸. روزنامه ی اطلاعات، ۲۹ / ۲ / ۶۶، خبرگزاری رویتر.

۳- ۱۷۹. پیشین.

۴- ۱۸۰. آقای میر حسین موسوی، نخست وزیر وقت ایران، در جلسه شورای سیاسی دولت طی تحلیلی اظهار داشت: «ماجرای کشتی امریکایی بسیار پیچیده است و اگر ابعاد صحیح این رسوایی فاش شود افتضاحی مانند ماجرای مک فارلین گریبانگیر سردمداران امریکا می شود.» (روزنامه کیهان ۲ / ۳ / ۱۳۶۶).

تعمد فراوانی در کار بوده است.» (۱).

به عبارت دیگر این احتمال وجود دارد که عراقیها به منظور افزایش حضور امریکا و تهییج این کشور برای پایان بخشیدن به جنگ به چنین اقدامی دست زده باشند. ضمن اینکه پس از اصابت کشتی روسی با مین و مخدوش شدن اعتبار این کشور، وقوع حادثه ای مشابه، می توانست امریکا را نیز در اولین گام برای حضور در منطقه با دشواری رو به رو سازد. (۲) واکنش خبرگزاری تاس در این زمینه قابل توجه است:

«با حادثه استارک، امریکا بهای دخالتش در این منطقه از جهان را پرداخت. دیر یا زود باید در انتظار وقوع چنین تراژدی می بود.» (۳).

همچنین رئیس مدیریت برنامه ریزی و ارزشیابی وزارت امور خارجه شوروی اظهار داشت:

«حضور ناوهای امریکایی در خلیج فارس ممکن است به حوادث غیر قابل پیش بینی مانند حمله موشکی یکشنبه گذشته عراق به ناو استارک منجر شود.»

وی همچنین ضمن بی معنی توصیف کردن جنگ ایران و عراق گفت:

«مقامات ایران می پنداشتند که می توانند برنده ی جنگ باشند، اما حالا می دانند که این امر میسر نیست.»

وی در پایان، به مسأله ای اشاره کرده که حائز اهمیت است:

«ما همیشه به امریکاییها هشدار داده ایم که افزایش حضور نظامی و ناوگان آنها در خلیج فارس می تواند برای صلح زیان آور باشد، زیرا ممکن است بسیاری از حوادث غیر قابل پیش بینی روی دهد.» (۴).

ص: ۷۶

۱- ۱۸۱. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۸۲. جوزف سیکوم معاون سابق وزارت خارجه شوروی ضمن تراژدیک قلمداد کردن حمله ی عراق گفت: «باید دید عراق چه مقصودی برای این حمله داشته است؟» (روزنامه ی اطلاعات ۳۱ / ۲ / ۶۶).

۳- ۱۸۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۳۰ / ۲ / ۶۶، مسکو، خبرگزاری فرانسه.

۴- ۱۸۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۱ / ۳ / ۶۶.

به نظر می‌رسید که روسها انتظار داشتند تبعات ناشی از این حادثه، امریکا را به تجدید نظر در سیاستهای خود وادار نماید. ضمن اینکه در این زمینه، برخی از موضع‌گیریها و فشارهای وارده به رئیس‌جمهور امریکا نشانگر همین مسئله بود، چنانکه سناتور رابرت دال، رهبر جمهوریخواهان در سنای امریکا، اظهار داشت که امریکا باید با توجه به حمله اخیر عراق، در سیاست خود در خلیج فارس تجدید نظر کند. (۱) در عین حال، برخی از مقامات امریکایی همچنان با تأکید بر این مسأله که: «منافع ما در آنجا قرار دارد». (۲) از ادامه‌ی سیاست امریکا حمایت می‌کردند. سرانجام سفیر امریکا در بحرین طی مصاحبه‌ای اظهار داشت:

«به رغم حمله‌ای که به کشتی استارک شده، هیچگونه تغییری در هدفهای سیاست اساسی و تعهدات امریکا در خلیج فارس به وجود نیامده است. ما مصمم هستیم که منافع ملی و عبور آزاد از آبراه هرمز را حفظ کنیم و متعهدیم آن دسته از دوستانمان را که برای دفاع از خود می‌کوشند، یاری دهیم.» (۳).

در عین حال بنا بر اظهارات واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا، حمله عراق به ناو استارک سبب گردید تا نیروی دریایی امریکا تدابیر دفاعی گسترده‌ای را اتخاذ کند. (۴).

درک ایران نسبت به ماهیت تحولات اخیر و فرآیند آنها، بویژه افزایش حضور امریکا در منطقه و همچنین فزونی یافتن فشار امریکا و شوروی به ایران برای پایان بخشیدن به جنگ، موجب شد تا مهندس موسوی نخست‌وزیر وقت ایران طی سخنانی، ضمن بیان ماهیت تلاش شرق و غرب برای واداشتن ایران به عقب نشینی از مواضع خود، اعلام کند:

«ابرقدرتها باید بدانند اخطار ما جدی است و ما اجازه نخواهیم داد که هیچ کشتی یا قلدری وارد خلیج فارس شود و با هر نوع توطئه‌ای جهت

ص: ۷۷

۱- ۱۸۵. روزنامه‌ی رسالت، ۳۱ / ۲ / ۶۶، رادیو امریکا، ۳۰ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۸۶. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۲ / ۶۶، رویتر.

۳- ۱۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۱ / ۳ / ۶۶، رادیو امریکا ۳۱ / ۲ / ۶۶، به نقل از سفیر وقت امریکا در بحرین.

۴- ۱۸۸. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۲ / ۶۶.

مداخله‌ی نظامی در منطقه، مبارزه خواهیم کرد.» (۱).

بدین ترتیب، بحران خلیج فارس به دلیل سیاستهای مداخله جویانه امریکا و شوروی و با افزایش حمایت از عراق وارد مرحله جدیدی شد که درگیری ایران و امریکا تنها بخشی از آن را تشکیل می داد.

بررسی واکنشهای احتمالی ایران و تصویب اسکورت نفتکشها در کنگره امریکا

اگر چه امریکا با پذیرش پیشنهاد کویت مبنی بر اسکورت نفتکشها، به بهانه تأمین آزادی کشتیرانی در خلیج فارس حضور نیروهای خود را گسترش داد، لیکن برابر شواهد و قرائن موجود، امریکاییها برای دستیابی به راه حل‌های سیاسی - نظامی جهت پایان دادن به جنگ (۲) چنان برنامه ریزی کرده بودند که با افزایش توانمندی نظامی خود در منطقه از نیروهای نظامی استفاده کنند. در واقع، ضرورت کسب ابتکار عمل برای پایان بخشیدن به جنگ با بهره گیری از نیروی نظامی، پس از شکست ابتکار سیاسی موسوم به ماجرای مک فارلین، علت توجه امریکا به ابزار نظامی را توضیح می دهد. زمان و نحوه اقدام نظامی امریکا علیه ایران و همچنین ابعاد آن، اساساً متأثر از دکترین نظامی امریکا بود که واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا آن را اعلام کرد و به عنوان دکترین واینبرگر مشهور شد و سرلوحه سیاست دفاعی امریکا قرار گرفت. در این دکترین به کارگیری نیروی نظامی، محدود به وضعیتهای به شرح زیر بود:

۱- منافع حیاتی امریکا در معرض تهدید جدی قرار گرفته باشد.

ص: ۷۸

۱- ۱۸۹. روزنامه ی کیهان، ۳۱ / ۲ / ۶۶.

۲- ۱۹۰. ریچارد مورفی، معاون وزارت خارجه ی امریکا در امور خاور نزدیک و جنوب آسیا، در کمیته ی خارجی سنای امریکا می گوید: «این تصادف (حمله به ناو استارک) فاجعه آمیز، خطر فزاینده ی جنگ ایران و عراق و ضرورت اختتام فوری جنگ خلیج فارس را نمایان ساخت. این هدفی است که امریکا فعالانه و مجدانه پیگیری می کند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه ی شماره ۱۱، ۱۰۴ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۹ / ۴ / ۶۶).

۲- کلیه تلاشهای دیگر (غیر از جنگ) به شکست انجامیده باشد.

۳- پشتیبانی قاطع از طرف کنگره و مردم امریکا (از جنگ) حاصل شده باشد.

۴- اقدام نظامی با اطمینان قلبی در کسب پیروزی صورت گیرد.

احتمال پیروزی ایران بر عراق و یا تشدید درگیری میان ایران و عراق در منطقه ی خلیج فارس، می توانست منافع حیاتی امریکا را در معرض تهدید قرار دهد. امریکاییها با حضور گسترده در منطقه، در صدد ارباب و فشار علیه ایران بودند و در موقعیت خاص، اقدامات نظامی با هدف محدود و به صورت کاملاً کنترل شده را دنبال می کردند، تا در کنار تلاشهای سیاسی از طریق سازمان ملل شرایط را برای پایان بخشیدن به جنگ فراهم سازند.

برداشت اولیه از حضور نیروهای امریکا در منطقه، شامل دو دیدگاه بود. در دیدگاه اول، این حضور اساساً به منظور ممانعت از پیروزی ایران بر عراق ارزیابی می شد (۱) و به همین دلیل احتمال اقدام نظامی امریکا علیه ایران و متقابلاً- ضرورت برخورداری از آمادگی برای رویارویی با اقدامات نظامی امریکا، پیش بینی و مورد تأکید قرار می گرفت. (۲) در دیدگاه دوم، حضور نیروهای امریکا عمدتاً به منظور مهار تأثیرات ناشی از سقوط رژیم عراق در منطقه و حفظ رژیمهای سلطنتی سواحل جنوبی خلیج فارس ذکر می شد.

فضای ناشی از مذاکرات ایران و امریکا در ماجرای موسوم به مک فارلین،

ص: ۷۹

۱- ۱۹۱. بعدها مجله واشنگتن ریپورت در این مورد نوشت: «آیا واشنگتن فراموش کرده هنگامی که ایران می توانست در جنگ علیه عراق و دنیای عرب پیروز شود، ایالات متحده امریکا با افراشتن پرچم خود بر فراز نفتکشهای کویتی تلویحا اعلام داشت که پیروزی ایران غیر قابل قبول است؟» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۱۱ / ۱۳۷۵- شماره ۵۱۳۰).

۲- ۱۹۲. رابرت هانتز طی مقاله ای در روزنامه لوس آنجلس تایمز می نویسد: «بدون تردید برخی از ایرانیان از حمله به امریکا در کشورشان استقبال خواهند کرد تا حرکت تازه ای به انقلاب بدهند و تا سالها از خصومت امریکا و ایران مطمئن گردند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۸ / ۴ / ۶۶، شماره ۱۰۱، رادیو امریکا ۷ / ۴ / ۶۶).

این تصور را به وجود آورده بود که امریکاییها در صورت برتری نظامی ایران، سرانجام تسلیم شرایط و واقعیات خواهند شد. به همین دلیل اساساً گرایش به سمت دیدگاه دوم وجود داشت. لیکن امام راحل با دریافت روشن از ماهیت و اهداف امریکا و با تأکید بر دیدگاه اول، ضرورت برخورد (۱) و مقابله با حضور نیروهای امریکا در منطقه را مورد تأکید قرار دادند.

اهداف امریکا از اسکورت نفتکشها، منجر به بروز بحث و مناقشات و اظهار نظرهای فراوانی در داخل امریکا شد. (۲) کیسینجر، وزیر خارجه اسبق امریکا، طی مقاله ای در هفته نامه ی انگلیسی ساندی تلگراف، ضمن اینکه اسکورت نفتکشها را ماهیتاً به سود عراق و به معنای حمایت از یکی از طرفین متخاصم ارزیابی می کرد، صحت و درستی این سیاست را مشروطه به دو مسئله کرد:

«جانبداری نظامی از عراق، فقط در صورتی درست است که تهدید آشکار تازه ای از طرف ایران نسبت به کشتیرانی مشاهده شود و ضمناً اقدام امریکا متضمن دستیابی به نتیجه قطعی باشد.»

ص: ۸۰

۱- ۱۹۳. در حالی که تصمیم گیری نسبت به برخورد نظامی با اولین حرکت اسکورت نفتکشها را امام خمینی به مسئولین واگذار کرده بود، لیکن در یک ملاقات خصوصی وقتی گزارش عبور نفتکشها را با اسکورت امریکاییها به استحضار امام خمینی رساندند، ایشان فرمودند: «اگر من بودم می زدم» و همین تدبیر، پایه و اساس فعالیتهای دریایی برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفت. (سند شماره ۲۰۸۸۳۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش معاونت اطلاعات نیروی دریایی سپاه، «اگر من بودم می زدم»، سال ۱۳۷۱).

۲- ۱۹۴. برژینسکی مشاور امنیتی کارتر، رئیس جمهور اسبق امریکا، علاوه بر تأکید نسبت به گسترش نیروهای امریکا در منطقه و استقرار آنها به صورت دراز مدت، خواستار اقدامات نظامی مستقیم علیه ایران شد. وی همچنین پیشنهاد کرد که محل استقرار موشکهای ایران در نزدیک کرانه های تنگه هرمز مورد حمله قرار گیرد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه ی شماره ۹۸، ۵ / ۴ / ۶۶ خبرگزاری کویت، ۴ / ۴ / ۶۶، به نقل از هفته نامه ی لیترا توره گاز تا چاپ مسکو).

وی در این مقاله با بررسی ماهیت تشنج در منطقه خلیج فارس، با رد کردن «ظهور تهدید آشکار از سوی ایران»، نقش عراق را مورد تأکید قرار می دهد:

«مداخله ی عراق در لطمه زدن به جریان کلی صدور نفت از خلیج فارس، به طور مسلم از مداخله ی ایران بیشتر بوده است.»
(۱).

همچنین در این مقاله، کیسینجر در مورد اهداف امریکا، ضمن اشاره به «ممانعت از نفوذ شوروی در ایران» و «محدود کردن قدرت ایران در درون مرزهایش» ضرورت «ممانعت امریکا از پیروزی یکی از طرفین متخاصم» را مورد تأکید قرار داده و سپس می نویسد:

«هدف اصلی امریکا باید پایان دادن به جنگ ایران و عراق باشد.» (۲).

گری سیک یکی از کارشناسان برجسته امریکایی امور ایران در مورد تمایل جمهوری اسلامی برای درگیری با امریکا در روزنامه وال استریت ژورنال می نویسد:

«ایرانیان به رغم تمامی رجز خوانیهای آتشین، در حقیقت از درگیری نظامی مستقیم با ایالات متحده احتراز کرده اند. آنها هم اکنون مسئله جنگ با عراق را در پیش رو دارند و خواستار جنگ دیگری نیستند.» (۳).

خبرگزاری رویتر به نقل از کارشناسان نظامی خصوصی و پنتاگون، با تأکید بر کاهش توان نظامی ایران در جنگ با عراق می نویسد:

«نیروهای نظامی ایران که بر اثر جنگ هفت ساله با عراق تحلیل رفته اند، به هیچ وجه یارای رقابت با نیروهای امریکایی را نخواهند داشت.» (۴).

علاوه بر پیشینه ی تاریخی رفتار ایران طی سه سال گذشته در منطقه ی خلیج فارس، عامل دیگری که در بررسی سیاست احتمالی ایران در برابر امریکا

ص: ۸۱

۱- ۱۹۵. در این زمینه، رادیو امریکا در تاریخ ۲ / ۴ / ۶۶، به نقل از گزارش وال استریت ژورنال در مورد مسئولیت عراق، به نقل از یکی از مقامات وزارت خارجه امریکا می نویسد: «عراق مسئولیت حمله به ۶۱ درصد از نفتکشها را به گردن دارد.»

۲- ۱۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۹۴، ۱ / ۴ / ۶۶، رادیو بی بی سی، ۳۱ / ۳ / ۶۶، مقاله ی کیسینجر در هفته نامه ی انگلیسی ساندی تلگراف.

۳- ۱۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۲، ۹ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۸ / ۴ / ۶۶، روزنامه ی وال استریت ژورنال.

۴-۱۹۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۱، ۶۶/۴/۲۸، خبرگزاری رویترا، ۶۶/۴/۲۷.

مورد اشاره قرار می گرفت، خصلت سیاست تهاجمی عراق بود. در این تحلیل به موقعیت خلیج فارس و نقش آن در اقتصاد ایران نیز اشاره می شد. در این زمینه آنتونی پارسونز سفیر اسبق انگلیس در ایران می گوید:

«برخلاف عراق، تمام صادرات و واردات این کشور از طریق خلیج فارس انجام می شود، بنابراین برای ایران نفعی ندارد که خلیج فارس را به صورت جبهه جنگ درآورد.»

وی سپس اضافه می کند:

«حرفهایی نظیر اینکه خلیج فارس را گورستان امریکا خواهیم کرد، چیزی جز الفاظ نیست که باید در مقابل شیطان بزرگ گفته شود. این عراق بود که در سال ۱۹۸۸ حمله به کشتیها را در خلیج فارس آغاز و البته ایران تلافی جویی کرد.» (۱).

در روزنامه کریستین ساینس مانیتور، ماهیت اقدامات ایران از منظر دیگری مورد بررسی قرار گرفته است:

«مطمئناً ایرانیان نه میانه رو شده و نه علاقه ای به نشان دادن ژستهای آشتی جویانه در برابر ایالات متحده دارند. آنان نمی خواهند که آزادی عمل خویش را در تعقیب عراق در خلیج فارس از دست بدهند. حتی اگر این امر مستلزم رویارویی و برخورد با ایالات متحده باشد.»

... آیت الله ها که رژیم خویش را در آستانه یک پیروزی حماسی بر عراق می بینند، نمی خواهند خطر راندن شیطان بزرگ به آغوش مشتاق عراقیها را که از حمایت شوروی نیز برخوردارند موجب شوند و بدین ترتیب، پیامد جنگی را که ایرانیان طی آن فداکاریهای بسیار کرده اند به خطر بیندازند. در اینجا باید خاطر نشان ساخت که اغلب حملاتی که علیه نفتکشها به عمل آمده از جانب عراق بوده و تهران تاکنون از حمله به کشتیهای امریکایی در خلیج فارس خودداری کرده است.» (۲).

ص: ۸۲

۱- ۱۹۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۵، ۱ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۴ / ۳۱ / ۶۶.

۲- ۲۰۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۶، ۱۳ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۲ / ۴ / ۶۶.

انتشار خبر دسترسی سپاه به موشکهای کرم ابریشم توسط دستگاههای اطلاعاتی امریکا (۱) و نقشی که ناظران غربی برای کاربرد و تأثیر آن به هنگام مقابله به مثل ایران در برابر امریکا قائل بودند، در کنار قایقهای تندرویی که در اختیار سپاه قرار داشته و تجهیز و سازماندهی شده بودند، سبب گردید که از همان ابتدا تواناییها و رفتار احتمالی ایران مورد توجه قرار گیرد. چنانکه یکی از تحلیلگران غربی که مایل به افشای نام خود نبود، در مورد تهدید احتمالی پاسداران علیه امریکا می گوید:

«بزرگترین تهدید، احتمالاً- حملات انتحاری با قایقهای کوچک و از این قبیل خواهد بود. پاسداران انقلاب، پیروان پر شور آیت الله روح الله خمینی، نیرومندترین تهدید به شمار می روند.» (۲).

پارسونز، سفیر اسبق انگلیس در ایران نیز در مورد رخدادهای احتمالی می گوید:

«اگر اتفاقی بیفتد، نوعی عمل متهورانه و خودنمایانه از طرف پاسداران خواهد بود.» (۳).

جان هیوز، یکی از تحلیلگران امریکایی نیز با اشاره به شکل گیری سناریوی جدید میان ایران و امریکا، ضمن اظهار نگرانی از بروز جنگ تمام عیار میان دو کشور، «دخالت ایران در اقدامات تروریستی و نظامی در سطح کوچک و تحریک آمیز» را به عنوان بخشی از سناریوی احتمالی ذکر می کند. (۴).

«تاکتیک ایران» برای مقابله با امریکا از جمله مسائلی بود که مورد توجه روزنامه وال استریت ژورنال قرار گرفت:

«یک جنگ تمام عیار، احتمالاً- خواست ایران نیست و می تواند برای امریکا یک فاجعه استراتژیک باشد. تحلیل گران اطلاعاتی امریکا بر این باورند که ایران احتمالاً درصدد دست زدن به حملاتی است که آشکارا پای تهران را در میان نکشد، ولی همزمان حامل این پیام باشد که آن

ص: ۸۳

۱- ۲۰۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۸، ۱۵ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۴ / ۴ / ۶۶، به نقل از روزنامه نیویورک تایمز.

۲- ۲۰۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۲ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۹ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۰۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۵، ۱ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۶۶ /

۴- ۲۰۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، شماره ۹۸، روزنامه کریستین ساینس مانیتور.

کشور نمی تواند حضور رو به گسترش ایالات متحده در خلیج فارس را دست کم بگیرد.» (۱).

در مجموع به نظر می رسد که امریکاییها چنین پیش بینی می کردند که ایران در خلیج فارس قادر به جنگ کلاسیک با امریکا نخواهد بود. ضمن اینکه فاقد تمایل و توانایی لازم برای انجام این امر می باشد. در نتیجه، اقدامات محدود ایران با تأکید بر روشهای غیر متعارف و ابتکاری، همراه با حمله به منافع امریکا در منطقه خلیج فارس، از جمله نگرانی امریکاییها بوده که تدابیری را نیز برای هشدار و مقابله با ایران اتخاذ کردند. به نظر می رسد امریکاییها براساس این تحلیل، موانع قابل توجهی را برای تأمین اهداف و منافع خود در منطقه مشاهده نمی کردند. علاوه بر این «گسترش نفوذ شوروی در منطقه» در صورت درگیری ایران و امریکا، بخش دیگری از نگرانی امریکاییها را تشکیل می داد. چنانکه ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه امریکا در همین زمینه می گوید:

«جنگ ایران و عراق و توسعه احتمالی آن، به شوروی امکان خواهد داد بر نفوذ خود در این ناحیه بیفزاید و این خطر مستقیماً متوجه ایران نیز خواهد بود.» (۲).

یکی از تحلیلگران با درج مقاله ای در روزنامه امریکایی کریستین ساینس مانیتر، در مورد بازگشت شوروی به صحنه خاورمیانه، با اشاره به فعالیت روسها در دوران گورباچف می نویسد:

«شوروی ظرف دو سال گذشته با عمان و امارات عربی متحده رابطه دیپلماتیک برقرار کرده و تماسهای خود را با عربستان سعودی افزایش داده و با اجاره کردن سه کشتی به کویت، خود را در زمره زورمندان و متنفذان صحنه سیاست خاورمیانه قرار داده است. توفیق شورویها در خلیج فارس آنچنان چشمگیر بوده که حتی برخی از ناظران امریکایی توصیه کرده اند که ایالات متحده در دفاع از امنیت خلیج فارس و تلاش در راه پایان

ص: ۸۴

۱- ۲۰۵. مأخذ شماره ۶۴.

۲- ۲۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۱/۴/۶۶، رادیو امریکا، ۹/۴/۶۶.

دادن به جنگ ایران و عراق، با شوروی همکاری کند.» (۱).

در هر صورت ابعاد و پیچیدگیهای اقدام آمریکا مبنی بر اسکورت نفتکشهای کویت در خلیج فارس سبب گردید تا کنگره آمریکا برای تصویب لایحه‌ی پیشنهادی از سوی ریگان، رئیس جمهور وقت آمریکا، با بحثهای فراوانی رو به رو شود. احتمال از دست رفتن نفوذ آمریکا در منطقه نیز موجب نگرانی دولت آمریکا بود که اعضای کنگره نسبت به آنها حساس بودند. به همین دلیل واینبرگر، وزیر دفاع وقت آمریکا، به منظور توجیه اعضاء کنگره، با حضور در کنگره آمریکا اظهار داشت:

«این عملیات خالی از ضرر نیست. به دور از خطر نیز وانمود نشده است، ولی به اعتقاد من خطرات انجام ندادن آن به مراتب بیشتر است.» (۲).

سرانجام در جلسه‌ی ای که به منظور بررسی لایحه‌ی اسکورت نفتکشها در کنگره آمریکا تشکیل شد، سخنگوی کاخ سفید، بیانیه ریگان را برای حاضرین قرائت کرد. در این بیانیه، ضمن تأکید بر استراتژی آمریکا برای حفظ منافع این کشور در خلیج فارس و ضرورت فوری پایان یافتن جنگ از طریق مذاکره و بدون اینکه غالب و مغلوبی در کار باشد، به تلاش آمریکا در تصویب قطعنامه ۵۹۸ اشاره شده بود. (۳) در این بیانیه آمده بود:

«ما به همکاری نزدیک با دوستان و متحدانمان و با کنگره برای کاستن از تهدید امنیتی در خلیج فارس ادامه خواهیم داد. امروز هدفهای عمده دولت در خلیج فارس، کمک به دوستان عرب میانه رو در دفاع از خویش، بهبود فرصتهایی برای صلح و نشان دادن این مسئله است که سیاست ارباب ایران کارگر نخواهد بود. بقیه‌ی اهداف ما عبارتند از یافتن یک راه حل عادلانه برای جنگ ایران و عراق که ضامن حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت هر دو طرف باشد، محدود کردن گسترش حضور و نفوذ شوروی در این منطقه استراتژیک و پیشگیری از بروز اختلال در جریان

ص: ۸۵

۱- ۲۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۱۴، ۶۶/۴/۲۱، رادیو آمریکا، ۶۶/۴/۲۰.

۲- ۲۰۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۴، ۶۶/۴/۱۱، رادیو آمریکا، ۶۶/۴/۱۰.

۳- ۲۰۹. پیشین، رادیو آمریکا، ۶۶/۴/۹.

نفت. دولت در هفته های آتی با دیپلماسی فعال و نیرومند به پیگیری این هدفها ادامه خواهد داد.» (۱).

سرانجام، به رغم اختلاف نظرهایی که در کنگره امریکا وجود داشت، با توجه به احتمال تضعیف موقعیت امریکا در منطقه و تهدید منافع این کشور، لایحه ی پیشنهادی دولت در تاریخ ۹ / ۴ / ۶۶ در کنگره به تصویب رسید. (۲).

واکنش شوروی نسبت به حضور امریکا در منطقه

روسها تا پیش از تصویب لایحه اسکورت نفتکشهای کویت در کنگره امریکا، با توجه به مناقشاتی که در این زمینه در محافل سیاسی و اجتماعی امریکا وجود داشت و اختلاف نظر موجود در کنگره و همچنین احتمال درگیری ایران و امریکا و حساسیت افکار عمومی امریکا نسبت به این مسأله، به ویژه پس از اصابت موشک هواپیمای عراقی به ناو استارک، چنین تصور می کردند که امریکاییها سرانجام از اقدام به این کار منصرف خواهند شد. لیکن پس از تصویب لایحه در کنگره امریکا، دولت شوروی رسماً بیانیه ای صادر کرد. در این بیانیه ابتدا رشد تشنج خطرناک در خلیج فارس و به علت افزایش کشتیهای جنگی در منطقه، مورد تأکید قرار گرفته و سپس جنگ ایران و عراق به عنوان «جنگ طولانی و بی مفهوم» و عامل مؤثر در «بدتر شدن اوضاع» مورد اشاره قرار گرفته بود. در ادامه بیانیه شوروی آمده بود:

«در نتیجه، وقایع در این منطقه به مرز خطرناکی می رسد که در آن سوی آن، مخاطرات درگیری منطقه ای منجر به یک اوضاع بحرانی بین المللی خواهد شد. دقیقاً واضح است که اگر این جریانات به موقع متوقف نشده و تحت کنترل قرار نگیرند ممکن است به یک تهدید جدی صلح و ثبات بین المللی مبدل شوند.» (۳).

تکیه بر کلماتی همچون «گسترش درگیری در منطقه» و تبدیل آن به یک

ص: ۸۶

۱- ۲۱۰. پیشین.

۲- ۲۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۱ / ۴ / ۶۶، رادیو بی بی سی، ۱۰ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۱۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۵ / ۴ / ۶۶، ۱۰۸، خبرگزاری تاس، ۱۴ / ۴ / ۶۶.

«بحران بین‌المللی» و تأثیر آن بر صلح و ثبات بین‌المللی، نشان‌دهنده‌ی میزان حساسیت و در عین حال نگرانی و ناخشنودی روسها نسبت به گسترش حضور امریکا در منطقه بود. در این بیانیه، دولت شوروی، امریکا را به بهره‌برداری از اوضاع جهت دستیابی به طرح‌های دیرپای توسعه‌طلبی نظامی - سیاسی در این منطقه مهم و استراتژیک جهان متهم می‌کند. (۱).

همچنین به منظور بهبود اوضاع، شورویها پیشنهاد کردند که:

«کلیه‌ی کشتیهای جنگی کشورهای که در این منطقه واقع شده‌اند به فوریت از خلیج فارس خارج شوند و ایران و عراق به سهم خود از اقداماتی که کشتیرانی بین‌المللی را تهدید می‌کند، خودداری کنند.» (۲).

این پیشنهاد مشخصاً به زیان امریکا و عراق بود. گرچه در همین بیانیه به عقب‌نشینی نیروها به مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی که مستقیماً متوجه ایران بود نیز اشاره شد.

بیانیه شوروی بازتاب نسبتاً گسترده‌ای داشت. چنانکه رادیو لندن در گزارش خبری خود گفت که این شدیدترین انتقاد از جانب شوروی محسوب می‌شود. (۳).

استقبال ایران از پیشنهاد شوروی، بر اهمیت بیانیه‌ی شورویها افزود. چنانکه معاون وقت وزیر خارجه ایران، طی ملاقات با سفیر وقت شوروی در ایران، مواضع کشور خود را مبنی بر ضرورت خروج ناوهای جنگی خارجی از خلیج فارس مورد تأکید قرار داد. (۴) در واقع، بیانیه‌ی شوروی ضمن اینکه نشانه مخالفت رسمی و آشکار مسکو با اقدامات امریکا ارزیابی می‌گردید، در عین حال نشانه‌ی نزدیکی مواضع ایران و شوروی (۵) و در نتیجه افزایش موقعیت و نفوذ

ص: ۸۷

۱- ۲۱۳. پیشین.

۲- ۲۱۴. پیشین.

۳- ۲۱۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۷، ۱۴ / ۴ / ۶۶، رادیو بی بی سی، ۱۳ / ۴ / ۶۶.

۴- ۲۱۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۰۸، ۱۵ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۴ / ۴ / ۶۶.

۵- ۲۱۷. این مسئله به گونه‌ای بود که حتی در برخی رسانه‌ها چیزهایی مبنی بر توافق پنهان ایران و شوروی درباره عدم حمله ایران به کشتیهای شوروی در برابر حمایت شوروی از ایران در صورت اعمال تحریم نظامی علیه ایران در سازمان ملل، مورد اشاره قرار گرفت.

شوروی در منطقه نیز محسوب می شد. در این زمینه مقاله ی روزنامه ی کریستین ساینس مانیتور قابل توجه است. در این مقاله به نقل از یک دیپلمات عرب ضمن تأکید بر «ترمیم روابط شوروی با اعراب»، به تقویت رابطه با کویت و اتحاد نزدیک تر با عراق و همچنین بهبود رابطه با ایران تأکید شده است:

«در این لحظه، شورویها تنها قدرت عمده ای هستند که هم با ایران و هم با عراق پیوسته در گفتگویند.» (۱).

تأکید بیانیه ی مسکو بر خروج ناوهای جنگی از منطقه، منجر به پیدایش این استنباط شد که شوروی در نظر دارد پایان بخشیدن به بحران در خلیج فارس را از مسئله پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق تفکیک نماید. این مسئله منجر به عکس العمل شدید عراق شد. چنانکه روزنامه الثورة، ارگان حزب بعث عراق اعلام کرد: «عراق با توطئه تفکیک جنگ مخالف است.» (۲) نزار حمدون سفیر عراق در سازمان ملل نیز طی سخنانی اعلام کرد:

«پیشنهاد پایان دادن به جنگ نفتکشها، خارج از چارچوب راه حلی برای خاتمه دادن به کل نبرد، پیشنهادی عبث و مسخره است.»

وی در مخالفت با موضع گیری شورویها، ضمن تأکید بر اینکه: «هیچ قانون بین المللی کشوری را از یاری دادن به کشور دیگر منع نمی کند.» افزود:

«امریکا محق است که از منافع خود محافظت کند.» (۳).

صدام نیز طی سخنانی به مناسبت سالگرد انقلاب عراق، ضمن تأکید بر موافقت عراق با «صلح کلی» از هر گونه کوشش جهت تجزیه جنگ یا تقسیم آن به مناطق مختلف، به عنوان تلاشهای مشکوک جهت ادامه جنگ و تشویق گرایش تجاوزکارانه ایران نام برد. صدام در این سخنرانی با اشاره به ضرورت تلاش قدرتهای بزرگ برای پایان دادن به جنگ، می گوید:

«ما همچنین به این قدرتها هشدار دادیم که ادامه جنگ در این منطقه حساس حتما به عواقب وخیمی منجر خواهد شد و شما زمانی با وضعیت

ص: ۸۸

۱- ۲۱۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۱۱، ۱۸ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۶ / ۴ / ۶۶.

۲- ۲۱۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۱۳، ۲۰ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری عراق، ۱۹ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۲۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۱۶، ۲۳ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۲ / ۴ / ۶۶، سخنان نزار حمدون در مرکز مطالعات استراتژیک و بین الملل.

سخت و خطرناکی مواجه خواهید شد که عملاً نخواهید توانست آنرا کنترل نمایید. لذا شما نیاستی به طور منفی در برابر آن بایستید و فقط به سخن و اظهار نظر اکتفا نمایید.» (۱).

اظهارات مقامات عراقی و صدام به طور مشخص، موضعگیری در برابر بیانیه دولت شوروی و همچنین پیشنهاد ایران مبنی بر آمادگی برای رعایت آتش بس در خلیج فارس بود که بیان شد.

آغاز اسکورت نفتکشها و برخورد کشتی امریکایی با مین

در عین حالی که امریکاییها در تبلیغات، برتری نظامی خود را مورد تأکید قرار می دادند، لیکن با رعایت جوانب احتیاط، تدابیر خاصی را اتخاذ کردند که قابل توجه بود. آنها نسبت به پنج منطقه در خلیج فارس برحسب موقعیت جغرافیایی و قابلیت‌های دفاعی و نظامی ایران حساسیت داشتند: (۲).

۱- استقرار موشک ساحل به دریا، موسوم به کرم ابریشم (Silkworm) در دهانه ورودی تنگه هرمز.

۲- استفاده از جزیره ابوموسی و موقعیتهای جغرافیایی مشابه (جزیره سیری) که با استفاده از قایقهای تندرو امکان تهاجم سریع و موفقیت آمیز را به کاروان اسکورت نفتکشها فراهم می ساخت.

۳- امکان تهاجم هوایی و هلیکوپتری در نقاط مختلف خلیج فارس، در حد فاصل جزیره سیری تا رو به روی سواحل قطر.

۴- امکان تهاجم شناوری در محدوده ی عمومی جزیره فارسی در شمال خلیج فارس.

ص: ۸۹

۱- ۲۲۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۰، ۲۷ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری عراق، ۲۶ / ۴ / ۶۶.

۲- ۲۲۲. این بخش با استفاده از گزارش معاونت اطلاعات نیروی دریایی سپاه تحت عنوان «اگر من بودم می زدم»، سال ۷۱، سند شماره ۲۰۸۸۳۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ نوشته شده است.

۵- کانال ورودی بندر الاحمدی کویت و احتمال مین گذاری مجدد در این کانال.

ناوگان اسکورت نفتکشها و همچنین ناوگان پشتیبانی کننده متعلق به نیروهای خاورمیانه ای فرماندهی مرکزی امریکا در منطقه حضور یافتند. در مجموع قریب ۲۰ فروند ناو جنگی که بعدها به ۵۰ فروند افزایش یافت برای عملیات اسکورت نفتکشها در نظر گرفته شد که عبارت بودند از گروه ناو هواپیما بر سنگین و تهاجمی کانستلیشن (Constlation) شامل ۷ فروند ناوهای همراه، ۶ فروند فریگیت موشک انداز (FFG) و حداقل سه فروند ناوشکن معمولی (DD) و موشک انداز (DDG)، دو فروند رزمناو (CG) و یک فروند نبرد ناو (Battl ship) و یک فروند ناو سرفرماندهی و ارتباطات الکترونیکی موسوم به ناو لاسال (۱). (Lasal).

سرانجام پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ در شورای

ص: ۹۰

۱- ۲۲۳. در اینجا به مأموریتها و تواناییهای ۵ ناو جنگی شرکت کننده در عملیات مستقیم اسکورت و همچنین ناو هواپیما بر کانستلیشن برابر مندرجات گزارش نیروی دریایی سپاه پاسداران (اگر من بودم می زدم) اشاره می شود: ۱- ناو هواپیما بر کانستلیشن (Constlation) با شماره بدنه ۶۴ از ناوهای هواپیما بر سنگین و تهاجمی می باشد که در تحرکات دریایی ارتش امریکا نقش عمده ای را ایفا نموده است. این ناو با تناژ بیش از ۸۰۰۰۰ تن، در میان ناوهای هواپیما بر در کلاسهای مختلف و همچنین سایر کلاسهای نوع خود یعنی کیتی هاوک و جان اف کندی، سنگین ترین وزن را با هواپیماهای مستقر در عرشه خود و با طول ۳۱۸ / ۸ متر، عرض ۳۹ / ۶ متر و آبخور ۱۱ / ۳ متر و طول باندها ۸۰ متری پرواز به خود اختصاص داده است. تجهیزات مدرن این ناو شامل ۴ عدد فلاخن مخصوص پرتاب هواپیماهای جنگنده مستقر در این ناو، حدود ۹۰ فروند جنگنده که از شکاریهای رهگیر F- ۱۸ و F- ۱۴ تا بمب افکن A- ۶ Prowler و هواپیماهای جنگ الکترونیک A- ۷ و هشدار هوایی S۳ - Viking ... می باشد که آن را در ردیف ناوهای هواپیما بر چند منظوره قرار داده است حداقل ۳ سایت موشکی آن با سیستم دفاعی پیچیده ی BPdms و موشکهای سی اسپارو (Sea Sparow) و سه سیستم توپهای مدرن ضد موشکی فالانکس (Phalanx) قادر به ایجاد دیواره آتش در مقابل موشک مهاجم با نواخت حدود ۶۰۰۰ تیر در دقیقه می باشد. این ناو با سرعت ۳۰ گره دریایی در ساعت و ۵۶۴۱ نفر خدمه که ۲۴۸۰ نفر از آنها را خدمه ی یگان پرواز تشکیل می دهند همچون یک جزیره ی متحرک نظامی است. ۲- رزمناو و موشک انداز فوکس (Fox) از کلاس بلک ناپ (Belknap) با شماره ی بدنه ۳۳، ناو فرماندهی اسکورت فوق بوده که با تناژ ۸۰۰۰ تنی و طول ۱۶۶ / ۷ متر و عرض ۱۶ / ۷ متر و آبخور ۸ / ۸ متر، قابلیت حمل یک فروند هلی کوپتر و موشکهای ضد سطحی هارپون (Harpon) و تام هاوک (TamHowk) با برد ۲۵۰۰ کیلومتر بر علیه هدفهای عمقی و موشکهای ضد هوایی استاندارد و توپهای ۱۲۷ میلیمتری و ۲ قبضه سیستم توپ ضد موشکی مدرن فالانکس نقش عمده ای را در این عملیات ایفاء نمود سرعت ۳۳ گره دریایی این ناو تحرک فوق العاده ای به آن بخشیده که در کنار سیستمهای جنگ افزار و الکترونیک آن که با صرف ۲۰۰ میلیون دلار به یکی از رزمناوهای مورد قبول نیروی دریایی امریکا تبدیل شده، باعث گردید تا در بسیاری از مانورهای تجاوز گرانه قبلی امریکا به عنوان ناو اسکورت ناو هواپیما بر جان اف کندی درآید. خدمه این ناو ۵۱۳ نفر و از جمله ۲۵ افسر می باشند. ۳- ناوشکن موشک انداز

کید (Kidd) با شماره بدنه DD=۳۹۹ از دیگر ناوهای جنگی کارآمد آمریکا در منطقه بود و این ناوشکن در زمره ی سفارش ۴ فروند ناوشکن از سوی رژیم سابق ایران به آمریکا بوده که ساخت و تکمیل آن تا سال ۱۹۸۱ به طول انجامید و با لغو قرار داد مذکور نام این ناوشکن از کوروش به کید تغییر یافته و با توجه به تناسب آن جهت مانور در آبهای کم عمق و کم وسعت، به همراه یکی دیگر از ناوشکنهای مذکور با نام تغییر یافته چاندلر (Chandler) در زمره ی ناوگان نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس در آمد این ناوشکن ۸۳۰۰ تنی، با طول ۶ / ۱۷۱ متر، قابلیت حمل ۲ فروند هلی کوپتر را داشته و با تجهیزات موشکهای سطحی هارپون و هوایی استاندارد و ۲ قبضه توپ ۱۲۷ میلیمتری (۵ اینچی) و دو سیستم توپهای ضد موشکی فالانکس (MK-۱۶-clws) و سیستم ضد زیر دریایی (Asroc) با سرعت ۳۳ گره دریایی، یکی از ناوهای مخصوص در جنگهای عمومی و چند منظوره می باشد که توان درگیری در سه پروسه جنگ ضد هوایی، سطحی و ضد زیر دریایی را دارا است. این ناوشکن نوع تغییر یافته ناوشکن کلاس اسپرنس (Sprance) و یکی از بهترین ناوشکنهای نیروی دریایی آمریکا بوده و مأموریت آن به خصوص از هنگام عبور از مقابل سایت موشکهای کرم ابریشم ایران مفهوم و معنی خاصی را به خود گرفته بود. ۴- فریگیت موشک انداز کروملین (Crommelin) از کلاس اولیورهازاردپری (Oliver Hazardperry) به شماره بدنه ۳۷ - FFG که در نیروی دریایی آمریکا به ناو پاسور (اسکورت کننده) مشهور هستند، در این عملیات به منظور دفاع از کاروان کشتیها در قبال تهاجم قایقهای تندرو و نیز کشف اهداف زیر دریایی به کار گرفته شده بود. فریگیت فوق در سال ۱۹۸۳ به آب انداخته شده و یکی از جدیدترین ناوهای پاسور از میان بیش از ۵۰ فروند ناو پاسور آمریکا در کلاس یاد شده می باشد که با طول ۶ / ۱۳۵ متر و توان حمل هلی کوپتر، موشکهای سطحی هارپون، موشکهای ضد هوایی استاندارد، توپهای ۷۶ میلیمتری، سیستم ۲۰ میلیمتری فالانکس، سونار کشف اهداف زیر دریایی و اژدرها، با ۲۹ گره سرعت، قابلیت خوبی را در انجام مأموریتهای محوله دارد این ناو در لحظه برخورد نفتکش بریجتون در جلوی کاروان به منظور کشف مینهایی که احتمالاً در مسیر کاروان کار گذاشته می شدند انجام وظیفه می کرد. ۵- رزنا و موشک انداز ریورز (Revers) از کلاس لهی (Leahy) نیز با شماره بدنه ۲۴ و ۸۰۰۰ تن ظرفیت جابجایی، یکی از ناوهای جنگی آمریکا بود که در هنگام عبور کاروان از مقابل جزیره ی ابوموسی در شب هنگام به صورت فوق برنامه به کمک کاروان مذکور آمده است. این ناو ۱۶۳ متری با تجهیزاتی مانند موشکهای سطحی هارپون، موشکهای هوایی استاندارد و ۲ سیستم توپهای فالانکس و سایر تجهیزات ضد زیر دریایی، با ۳۳ گره سرعت و ۵۱۳ نفر خدمه توانست با فریگیت کروملین با دادن پوشش به جناح شمالی ناوگان اسکورت و در طی مدت عبور از مقابل جزیره ی ابوموسی نقش خود را در این عملیات به انجام رسانده و سپس از کاروان جدا گردد. در خاتمه ی این بحث یکبار دیگر به استعداد ناوگان پشتیبانی کننده این عملیات که بالغ بر ۲۰ فروند ناو جنگی بوده اشاره می نمایم تا این حادثه عمق ضربات وارده بر ناوگان متجاوز دشمن را بیش از پیش آشکار سازد.

امنیت سازمان ملل در تاریخ ۳۰ / ۴ / ۶۶، تنها به فاصله یک روز بعد، در

ص: ۹۱

ساعت ۳۷:۷ روز چهارشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۶۶، کاروان اسکورت نفتکشها با فرمان رئیس جمهور امریکا و با ابلاغ مقامات پنتاگون، عملیات خود را با هدف تاکتیکی اسکورت دو فروند کشتی کویتی در مسیری ۶۰۰ مایلی آغاز کردند. امریکا قبل از آغاز اسکورت نفتکشها از عراق درخواست کرد که موقتا از حمله علیه نفتکشها در خلیج فارس خودداری نماید. (۱) به گزارش روزنامه القبس رژیم عراق در پاسخ به درخواست امریکا حمله به نفتکشهای ایران را به عنوان اهداف جنگی عراق اعلام کرد. (۲).

در اولین مرحله از اسکورت نفتکشها، دو نفتکش با پرچم امریکا به نامهای بریجتون و گاز پرنس هر کدام با ظرفیت ۴۰۰ هزار تن (یا ۵ / ۲ میلیون بشکه نفت) و تحت حمایت سه ناو جنگی امریکا به نامهای «ناوشکن کید»، «رزمناو فوکس» و «کشتی موشک انداز کروملین» حرکت خود را از مبدا ۱۳ مایلی سواحل امارت متحده عربی به مقصد کویت آغاز کردند. (۳).

آرایش ناوهای امریکا برای اسکورت نفتکشها بدین شکل بود که ناوشکن موشک انداز فوکس در جلو و فریگیت موشک انداز کروملین با حفظ فاصله نیم مایل، مسئولیت تأمین جناح چپ کاروان را برعهده داشت. سوپر تانکر بریجتون در وسط و در پشت ناوشکن فوکس و کشتی گاز پرنس با رعایت فاصله یک مایلی در پشت بریجتون قرار داشتند. مجموعه کاروان یک پیکان یا لوزی دمدار را تشکیل می داد. سرعت کاروان به طور تقریبی ۱۳ گره دریایی در ساعت و براساس حداکثر سرعت تقریبی نفتکش بریجتون تنظیم شده بود. (۴).

ص: ۹۲

۱- ۲۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، ۶۶ / ۴ / ۳۱، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۶ / ۴ / ۳۰.

۲- ۲۲۵. پیشین.

۳- ۲۲۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۵، ۶۶ / ۵ / ۱، رادیو امریکا، ۶۶ / ۴ / ۳۱.

۴- ۲۲۷. سند شماره ۲۰۸۸۳۴، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش معاونت اطلاعات نیروی دریایی سپاه، اگر من بودم می زدم، ۱۳۷۱، ص ۲۳.

امریکاییها به منظور پوشش تبلیغاتی عملیات اسکورت، ۱۰ تن از خبرنگاران را با تأیید پنتاگون از یک مجموعه چند صد نفری خبرنگاران انتخاب و تحت عنوان نمایندگان ائتلاف مراکز خبری، (۱) در ناوهای جنگی اسکورت کننده و نفتکش مستقر کردند. در عین حال، پنتاگون کلیه گزارشهای خبری را که خبرنگاران جمع آوری می کردند، قبل از انتشار کنترل می کرد. (۲).

در همین اوضاع، در حالی که ابهامات زیادی در مورد به سلامت رسیدن اولین کاروان اسکورت نفتکشها وجود داشت، داگلاس رابرت، خبرنگار صدای امریکا از کویت به نقل از کارشناسان اعلام کرد که به رغم جنگ لفظی ایران، کاروان دریایی کویت سالم به مقصد خواهد رسید. (۳) روزنامه الوطن چاپ کویت، ضمن خرسندی از اسکورت نفتکشها، رویدادهای مربوط به این حادثه را دنبال کرده و نسبت به سلامت کاروان کاملاً امیدوار بود.

در حالی که هنوز کاروان نفتکشها به مقصد نرسیده بودند، آنتونی کردزن، یکی از مقامات سابق وزارت دفاع امریکا با اشاره به محدودیت ابزار و وسایل ایران برای جنگ دریایی اعلام کرد:

«به نظر نمی رسد مسئله ای پیش آید مگر اینکه ایران علاقه مند به پذیرش خطر باشد و این مسئله نیز در حال حاضر چندان بخردانه به نظر نمی آید... در این ماجرا ایران قدرتی است که در برابر نیروی دریایی امریکا آسیب پذیر است.» (۴).

رادیو بی. بی سی در بخش انگلیسی خود با اشاره به عبور کاروان نفتکشها و ناوهای جنگی از تنگه هرمز، نظر خبرنگار دفاعی نشریه نیویورک تایمز را در مورد احساس ریگان نسبت به عبور از تنگه هرمز نقل کرد:

ص: ۹۳

۱ - ۲۲۸. نمایندگان ائتلاف شامل خبرنگاران مجله تایم، واشنگتن پست، نایت رایدور، آسوشیتدپرس، شبکه CBA، یونایتدپرس و اینترنشنال بود.

۲ - ۲۲۹. پیشین.

۳ - ۲۳۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۶۶ / ۴.

۴ - ۲۳۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۱۲۶، ۲ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۶۶.

«فکر می‌کنم احساس امریکا آن است که ایران جرأت حمله مستقیم را نخواهد داشت و اگر هم اشتباهها دست به چنین کاری بزند امریکا توان مقابله نظامی با آن را خواهد داشت بنابراین در حال حاضر در این مورد خوش بینی وجود دارد.» (۱).

در این حال، سفیر عراق در سازمان ملل و همچنین سفیر عراق در لندن طی مصاحبه‌های جداگانه‌ای، بر حق عراق برای حمله به نفتکشهای ایران به منظور پایان دادن به جنگ تأکید کردند. (۲).

در وضعیتی که کلیه رسانه‌ها برای پوشش خبری اسکورت نفتکشها بسیج شده بودند و کاروان نفتکشها همراه با ناوهای جنگی امریکا در ۲۷ کیلومتری جنوب شرقی کویت قرار داشتند، نفتکش بریجتون ناگهان با مین برخورد کرد. بنا بر گزارشها، شدت انفجار به گونه‌ای بود که برخی از خبرنگاران و ملوانان از روی عرشه به دریا پرتاب شدند (۳) و کاروان از سرعت خود کاست.

با توجه به پوشش وسیع خبری اولین مرحله اسکورت نفتکشها و جنگ روانی که امریکاییها در این زمینه به راه انداختند، بازتاب این حادثه بسیار گسترده و قابل توجه بود. در حالی که تا پیش از این، امکانات و تواناییهای دفاعی امریکا برای مقابله با هر حادثه ممکن و قدرت کنترل اوضاع مورد تأکید قرار می‌گرفت، ناگهان نقش ایران در کار گذاشتن مین، وضعیت دشوار کشتیها و محدودیت آنها برای عبور از آبراهها با توجه به عمق کم آن مورد توجه قرار گرفت. رادیو لندن به نقل از کارشناسان امور کشتیرانی گفت:

«اصابت با مین بزرگترین خطری است که نیروی دریایی امریکا را در آن آنها تهدید می‌کند، چرا که عملیات مین یابی بسیار دشوار و طرح ریزی یک واکنش نظامی با آن تقریباً غیر ممکن است.» (۴).

همچنین در زمانی که مسئولان کویتی کاملاً نسبت به اسکورت نفتکشها خرسند و در انتظار رسیدن آنها به مقصد بودند، برخورد کشتی نفتکش به مین،

ص: ۹۴

۱- ۲۳۲. پیشین.

۲- ۲۳۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۷، ۳ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۶۶.

۳- ۲۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۷، ۳ / ۵ / ۶۶، رادیو بی بی سی، ۲ / ۵ / ۶۶.

۴- ۲۳۵. پیشین.

آنها را در بهت و حیرت فروبرد و ضعف و ناتوانی امریکا برای مقابله با مین ها، برای امریکا «شرم آور» خوانده شد. (۱) سفیر امریکا در کویت بلافاصله ایران را مسؤول انفجار مین دانست و در عین حال تأکید کرد که این اقدام منجر به لغو تلاشهای امریکا برای حفاظت از نفتکشها نخواهد شد. (۲) برخلاف اظهارات سفیر امریکا در کویت، سخنگوی کاخ سفید در مجمع خبرنگاران اعلام کرد: «مشخص کردن عامل این حادثه مشکل است.» همچنین بر این نکته تأکید کرد که در حال حاضر اقدام تلافی جویانه از سوی امریکا تحت بررسی نیست. (۳).

مقامات پنتاگون در توجیه این حادثه اعلام کردند:

«بیش از ۹ دیده بان مستقر در عرشه ی ناوگان امریکایی که نیم مایل جلوتر از بریجتون حرکت می کرد، نتوانستند مین را تشخیص دهند. چون این مینها در عمق آب کار گذاشته می شوند.» (۴).

نخست وزیر وقت انگلیس با نگرانی نسبت به عکس العمل امریکا، به این کشور توصیه کرد که با آرامش از خود واکنش نشان دهد. وی تأکید کرد که استراتژی اصلی باید این باشد که در عین باز نگهداشتن کشتیرانی، از شدت بحران بکاهیم. وی همچنین اضافه کرد که این کشتی در جایی به مین برخورد کرد که انتظار آن نمی رفت. (۵).

در چنین اوضاعی آقای هاشمی در همان روز که نفتکش بریجتون با مین برخورد کرد در نماز جمعه تهران در پاسخ به موضع گیری عراق مبنی بر حمله به نفتکشهای ایران، اعلام کرد:

«اگر عراق به مراکز اقتصادی و تأسیسات ایران حمله کند، ایران متحدین منطقه ای عراق را مورد حمله قرار خواهد داد.» (۶).

پس از اصابت نفتکش بریجتون با مین، بررسی راه مقابله با مین به عنوان یک مسئله جدی مورد توجه قرار گرفت. کارشناسان دریایی امریکا و کویت، بحث و بررسیهایی را به منظور مقابله با مینها آغاز کردند. (۷) برخی از منابع،

ص: ۹۵

۱- ۲۳۶. پیشین.

۲- ۲۳۷. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۲ / ۵ / ۶۶، به نقل از آنتونی کوئیستن سفیر وقت امریکا در کویت.

۳- ۲۳۸. پیشین.

۴- ۲۳۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۳ / ۵ / ۶۶، ۱۲۷، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲ / ۵ / ۶۶.

۵- ۲۴۰. پیشین، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۵ / ۶۶.

۶- ۲۴۱. روزنامه های یومیه، ۲ / ۵ / ۶۶.

۷- ۲۴۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۹، ۵ / ۵ / ۶۶، رادیو لندن، ۴ / ۵ / ۶۶.

مقابله با مین را دشوار ذکر کرده و به این مسئله اشاره کردند که برای بسیاری از افراد حیرت آور است که اسکورت امریکایی، وسایل مجهز و پیشرفته‌ی تشخیص مین نداشته است. (۱).

در همین روند، امریکا تصمیم گرفت هلیکوپترهای مین روب به خلیج فارس اعزام نماید. (۲) ضمن اینکه در برخی رسانه‌ها از جمله روزنامه کویتی القبس، شایعاتی مبنی بر احتمال مین گذاری بنادر و جزایر ایران منتشر شد. (۳).

علاوه بر مسئله فوق، اقدام تلافی جویانه امریکا علیه ایران، موضوع دیگری بود که مورد توجه قرار داشت. در عین حال که برخی از مقامات امریکایی، ایران را مسئول این حادثه اعلام کردند، لیکن عدم دسترسی به شواهد و قرائن آشکار مبنی بر دخالت ایران و همچنین توانایی دفاعی و نظامی ایران، بهانه‌ای بود تا امریکاییها را از اقدام علیه ایران باز دارد. ضمن اینکه به نظر می‌رسید نگرانی امریکا از گسترش دامنه بحران سبب شده بود امریکاییها، حداقل در این مقطع زمانی به دنبال اثبات نقش ایران در برخورد نفتکش بریجتون با مین نباشند، زیرا این مسئله امریکا را برای تصمیم‌گیری در موقعیت بسیار دشواری قرار می‌داد که اقدام تلافی جویانه و یا سکوت در برابر ایران، هر کدام عواقب ناخوشایندی را برای امریکا در پی داشت. جفری کمپ، عضو اسبق شورای امنیت ملی امریکا، در پاسخ به سؤال خبرنگار رادیو لندن، در مورد اقدام تلافی جویانه اظهار داشت:

«امریکا همواره این نکته را روشن کرده که اگر ثابت شود چه کسی علیه منافع این کشور دست به اقدام نظامی زده است به تلافی جویی اقدام خواهد کرد... استنباط من از اظهارات واینبرگر این بود که وی عملاً مبهم سخن گفته است.» (۴).

بدین ترتیب، امریکاییها تنها برخلاف تصورات خود در اولین گام به منظور حضور مقتدرانه در منطقه‌ی خلیج فارس با ناکامی رو به رو شدند و همین امر بر

ص: ۹۶

۱- ۲۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۸، ۴ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳ / ۵ / ۶۶، خبرنگار رادیو لندن.

۲- ۲۴۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۳۳، ۹ / ۵ / ۶۶، رادیو دوی، ۸ / ۵ / ۶۶.

۳- ۲۴۵. پیشین، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ / ۵ / ۶۶.

۴- ۲۴۶. پیشین، شماره ۱۳۰، ۶ / ۵ / ۶۶، رادیو بی. بی. سی، ۵ / ۵ / ۶۶.

پیچیدگی بحران در این منطقه افزود. در واقع، نه تنها اعتبار قدرت نظامی امریکا، بلکه حضور نظامی امریکا نیز فاقد تأثیر تعیین کننده در تأمین آزادی کشتیرانی در منطقه خلیج فارس، بدان مفهوم که امریکا دنبال می کرد، شد.

تصویب قطعنامه ۵۹۸

از تصویب قطعنامه ۵۹۸ تا پذیرش آن از سوی ایران یک سال به طول انجامید. آنچه که در این کتاب و در این فصل مورد بررسی قرار گرفته است تنها تصویب قطعنامه ۵۹۸ و مواضع اولیه ایران در برابر آن می باشد. مبحث «پذیرش قطعنامه» ان شاءالله در کتاب بعدی (جلد پنجم) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پس از ناکامی و شکست سیاست امریکا در ماجرای موسوم به مک فارلین تلاشهای امریکا برای پایان دادن به جنگ، بر پایه دستیابی به یک تفاهم بین المللی، با تصویب قطعنامه ای در شورای امنیت سازمان ملل، شکل گرفت. امریکاییها امیدوار بودند که با مذاکرات پنهان و آشکار با دو کشور ایران و عراق، زمینه دستیابی به منافع گذشته خود را، فراهم نمایند. افشای این تلاشها و نتایج ناشی از آن، تشتت سیاست منطقه ای امریکا و به موازات آن دستیابی ایران به پیروزی در عملیات والفجر ۸ (فتح فاو) و کربلای ۵ و همچنین افزایش نفوذ شوروی در منطقه با بهره گیری از ناکامیهای امریکا، همراه با گسترش درگیری در منطقه خلیج فارس و نتایج ناشی از آن، امریکا را در برابر وضعیت بسیار نامطلوبی قرار داد.

امریکاییها برای غلبه بر وضعیت دشوار و پیچیده ای که فرا روی خود داشتند، سیاست دو گانه ای را در دو جهت متفاوت ولی با هدف واحد دنبال کردند. واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا، در گزارش به کنگره این کشور نوشت:

«سیاست امریکا در چند ماه گذشته در دو جهت بوده است، از یک طرف به تشویق و تعقیب کلیه تلاشهای دیپلماتیک که در جهت پایان دادن به جنگ صورت می گیرد، می پردازد و از تلاشهایی که جلوی ایران را

در ادامه جنگ می گیرد حمایت می کند و از طرف دیگر تلاش می کند تا از کشورهای غیر متحاربی که به واسطه ادامه و گسترش جنگ مورد تهدید قرار می گیرند، پشتیبانی نماید.» (۱).

کردن زمان بعدها در تجزیه و تحلیل سیاست دو گانه امریکا و فشار به ایران نوشت:

«تغییر و تحول در توانمندی و قابلیت‌های ایران، منجر به این شد که امریکا سیاست دو گانه ای را در مورد ایران اتخاذ نماید. نخستین جنبه ی این سیاست، تحت فشار قرار دادن سازمان ملل متحد برای برقراری یک آتش بس کامل در جنگ بود تا به برقراری صلح بر مبنای قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر منتهی شود و دو طرف به مرزهای قبل از جنگ برگردند. دومین جنبه ی سیاست امریکا، دست زدن به اقدام نظامی برای محدود کردن جنگ در خلیج (فارس)، جلوگیری از گسترش نفوذ اتحاد شوروی و اعمال فشار به ایران جهت پذیرش آتش بس بود.» (۲).

احتمال عدم پذیرش قطعنامه ی سازمان ملل از سوی ایران و عراق و تمایل احتمالی دو کشور به ابتکار عمل شوروی (پیشین) برای برقراری صلح، (۳) سبب گردید که امریکاییها علاوه بر حضور گسترده در منطقه خلیج فارس و برخورداری از اهرم فشار نظامی، استفاده از ساز و کارهای سازمان ملل برای سازمان دهی تلاشهای صلح و تشدید مجازات متخلفین را، در صورت سر پیچی از پذیرش قطعنامه، مورد تأکید قرار دهند. وزیر دفاع وقت امریکا در همین زمینه می گوید:

ص: ۹۸

۱- ۲۴۷. عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۶۵.

۲- ۲۴۸. آنتونی کردزمن، آبراهام واگنر، درسهایی از جنگهای نوین، جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه ی حسین یکتا، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ،...).

۳- ۲۴۹. اسحاق رابین (معدوم) وزیر اسبق دفاع رژیم اشغالگر قدس در مورد تلاش شوروی (پیشین) طی مصاحبه ای اعلام کرد: «اخیرا شوروی پیشنهاد کرد که ایران و عراق برای پایان بخشیدن به جنگ یک کنفرانس مخفی تشکیل دهند، ولی ایران این پیشنهاد را رد کرده است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه ی شماره ی ۱۰۶، ۱۳ / ۴ / ۶۶، رادیو اسرائیل، ۱۲ / ۴ / ۶۶).

«از ژانویه ۱۹۸۷، ایالات متحده در شورای امنیت تلاش گسترده به عمل آورده و در صدد است تا یک سری قطعنامه به تصویب برساند که اولین آن خواستار آتش بس و عقب نشینی نیروها به مرزهای بین المللی است و دومین آن شامل اقدامات اجرایی است. پنج عضو دائم توافق دارند که جنگ بیش از اندازه به طول انجامیده و باید اقدامات بین المللی جدیتری صورت گیرد تا دو طرف به این جنگ پایان بخشند. برای رسیدن به این منظور، ایالات متحده قویا از اعمال اقدامات اجباری علیه ایران حمایت می کند.» (۱).

در روند جدید برخورداری سازمان ملل از نقش محوری در پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق با توجه به ناکامیهای پیشین این سازمان به دلیل ناتوانی در تصمیم گیری مستقل بارائه «راه حل عادلانه»، می توانست موقعیت این سازمان را در اوضاع جدید کاملا بهبود بخشد. لازمی این امر توجه جدی و اساسی تر به خواسته های ایران، به عنوان کشوری که مورد تهاجم قرار گرفته و در آن وقت نیز موقعیت برتر نظامی داشته، بود. نماینده وقت ایران در سازمان ملل در این زمینه می گوید:

«سازمان ملل اگر می خواست موفقیتی داشته باشد، می بایست تا حدودی حقانیت ایران را مطرح کند تا از این طریق هم امکان تأمین پاره ای از نظرهای ایران به دست آید و هم زمینه برای به اصطلاح نقش سازنده شورای امنیت فراهم شود.» (۲).

شورای امنیت سازمان ملل با توجه به ترکیب اعضاء و نقش و موقعیت امریکا در این شورا، همواره از تأمین خواسته های بر حق ایران ممانعت می کرد و همین مسئله موجب می شد هیچ گاه موقعیت لازم برای پایان بخشیدن به جنگ ایجاد نشود. در شهریور سال ۵۹ پس از تجاوز عراق به ایران، شورای امنیت سازمان ملل «با سکوت ضمنی خود، زمان لازم را برای نیروهای متجاوز

ص: ۹۹

۱- ۲۵۰. مأخذ ۱۱۰، ص ص ۱۶۵ - ۱۶۶.

۲- ۲۵۱. پیشین، ص ۱۳۶، دکتر جایی خراسانی و روزنامه اطلاعات، ۸ / ۱۰ / ۱۳۶۶، ص ۷.

عراقی فراهم ساخت تا به تقویت مواضع خود در داخل سرزمین ما بپردازند و قطعنامه ۴۷۹ (سال ۱۹۸۰) را صادر کرد که در آن نه تنها متجاوز معرفی نگردید و از نیروهای عراقی نیز درخواست عقب نشینی از سرزمین ما به عمل نیامد، بلکه با درخواست آتش بس، سعی در آن داشت که مردم مظلوم ایران را از حق دفاع مشروع که براساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد به رسمیت شناخته شده بود، محروم نماید.» (۱) بعدها پس از آزادسازی مناطق اشغالی با فتح خرمشهر و اخراج نیروهای متجاوز عراقی از قسمتهای عمده سرزمین ایران، شورای امنیت با اظهار نگرانی از تهدید صلح و امنیت بین المللی، پس از تشکیل جلسه ای اضطراری، قطعنامه ۵۱۴ (سال ۱۹۸۲) را صادر کرد و درخواست عقب نشینی به مرزهای بین المللی را مطرح ساخت. (۲) حال آنکه این قطعنامه در چنین موقعیتی نه تنها هیچ گونه سودی برای ایران نداشت، بلکه اساساً به دلیل نگرانی اعضای شورای امنیت از ادامه جنگ و ورود ایران به داخل خاک عراق و برای حمایت از عراق صادر شد.

تداوم برخوردهای غیر منصفانه و جانبدارانه از عراق، ایران را نسبت به ماهیت تلاشهای سازمان ملل بدبین و تا اندازه ای ناامید کرد و همین امر به میزان قابل توجهی نقش و کارآیی سازمان ملل و موقعیت آن را کاهش داد. با گذشت سالهای اولیه ی جنگ و گسترش آن و نیز پس از حمله عراق به شهرها و مردم غیر نظامی و بی دفاع، موفقیتهای اولیه ی سازمان ملل برای توقف جنگ شهرها و محکومیت تلویحی عراق در به کارگیری سلاحهای شیمیایی (۳) و همچنین

ص: ۱۰۰

۱- ۲۵۲. پیشین، ص ۱۲۳، پاسخ وزیر خارجه ایران به تلگراف دبیر کل سازمان ملل (۱۸ اکتبر).

۲- ۲۵۳. پیشین.

۳- ۲۵۴. در مارس ۱۹۸۶ متعاقب کاربرد سلاحهای شیمیایی از سوی عراق، کارشناسان سازمان ملل برای تهیه گزارش به ایران اعزام شدند. پس از این اقدام، رئیس شورای امنیت کاربرد سلاحهای شیمیایی توسط عراق را محکوم کرد و دبیر کل از طرفین خواست از حملات بر مناطق مسکونی خودداری کنند. (عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۱۵ - ۱۱۶).

برقراری آتش بس موقت در خلیج فارس و به موازات آن افزایش حمایت قدرتهای بزرگ و کشورهای منطقه از عراق و کم رنگ شدن امکان دستیابی ایران به پیروزی نظامی برای پایان دادن به جنگ، توجه ایران به نقش سازمان ملل افزایش یافت.

در عین حال عدم تفاهم اعضای شورای امنیت سازمان ملل در مورد پایان دادن به جنگ و نحوه ی آن و نیز عدم ارائه «راه حل مناسب و عادلانه» برای تأمین نظریات طرفین درگیر در جنگ، همچنان به عنوان بخشی از موانع برای پایان دادن به جنگ، خودنمایی می کردند. سرانجام با تحولات جنگ و در نتیجه نگرانی اعضای شورای امنیت از گسترش جنگ (۱) و پیروزی ایران، زمینه های تفاهم اعضا با صدور بیانیه ای از سوی رئیس شورای امنیت فراهم و نشان داده شد. چند روز پس از صدور این بیانیه، در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۶، دبیر کل سازمان ملل گزارشی را به اعضای شورای امنیت ارائه کرد که نشان داد ۱۰۱ مورد حمله به کشتیها در خلیج فارس صورت گرفته است. دبیر کل ضمن درخواست از اعضا برای افزایش تلاشها جهت خاتمه دادن به جنگ، اعلام کرد که آماده است نظریاتش را در اختیار شورا قرار دهد. (۲) این درخواست مورد قبول اعضای شورا قرار گرفت و از ماه فوریه ۱۹۸۷ اعضای دائم شورای

ص: ۱۰۱

۱- ۲۵۵. در تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۸۶، رئیس شورای امنیت بیانیه ای را پس از ارائه گزارش دبیر کل و مشورتهای اعضا صادر کرد که نماینده امریکا در سازمان ملل (ورنون والترز) آن را قرائت کرد. در این بیانیه با نگرانی از گسترش جنگ آمده است: «آنان (اعضای شورای امنیت) همچنین نگرانی عمیق خود را نسبت به گسترش درگیری با افزایش حملات به هدفهای غیر نظامی، کشتیرانی تجاری و تأسیسات نفتی کشورهای ساحلی ابراز می دارند.» (عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۳۰).

۲- ۲۵۶. مواضع خصومت آمیز برخی از اعضای شورای امنیت با ایران، مانند امریکا، سبب گردید از همان ابتدا امکان کار ایران با شورای امنیت تا اندازه ای منتفی شود. به همین دلیل تماس با دبیر کل به عنوان مجرای ارتباط و تأثیرگذاری بر شورای امنیت مورد توجه ایران قرار گرفت و همین مسأله، دبیر کل سازمان ملل را از نقش سازنده و مؤثری برخوردار کرد.

امنیت به صورت یک گروه، کار مشترک و سازمان دهی شده ای را جهت پایان بخشیدن به جنگ آغاز کردند. کار این گروه محرمانه بود و نتیجه آن پنج ماه بعد به صورت قطعنامه ۵۹۸ نمایان شد. (۱).

بدین ترتیب، روند تنظیم قطعنامه ی ۵۹۸ در سازمان ملل، تحت رهبری امریکا آغاز شد. ریچارد مورفی معاون وزیر خارجه ی امریکا در همین زمینه می گوید:

«امریکا بر کوششهای بین المللی خود برای اختتام جنگ ایران و عراق افزوده و برای این منظور از جمله در شورای امنیت سازمان ملل متحد نقش رهبری را به عهده گرفته است.» (۲).

چنانکه اشاره شد، پس از پیروزی ایران در عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵ و تثبیت موقعیت برتر سیاسی - نظامی ایران بر عراق، تلاشهای امریکا برای پایان دادن به جنگ شکل جدیدی به خود گرفت. روزنامه الاتحاد خبری را مبنی بر گفتگوی عراق با امریکا منتشر کرد:

«عراق هم اکنون سرگرم تماس با امریکا به منظور تشویق این کشور به تهیه و ارائه قطعنامه ای می باشد که توسط شورای امنیت ارائه و از ایران و عراق بخواهد که اعلام آتش بس کرده و نیروهای خود را به مرزهای بین المللی بر گردانند. عراق می کوشد تا قطعنامه مذکور متضمن تحریم تجاری علیه کشوری شود که آتش بس را نپذیرد.» (۳).

در این مرحله، جمهوری اسلامی ایران با توجه به روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ و ماهیت تلاشهای اعضای شورای امنیت سازمان ملل، تحرکات اخیر را کاملاً مورد توجه قرار داد. بدین معنا که برای بهره برداری از نتایج حاصله از پیروزی در سلسله تلاشهای نظامی و همچنین توقف حملات عراق به نفتکشها، ضرورتاً به تلاشها و اقدامات اعضای شورای امنیت نظر داشت. علاوه بر اینها، این درک برای ایران وجود داشت که این قطعنامه نیز همانند سایر

ص: ۱۰۲

۱- ۲۵۷. پیشین، ص ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲- ۲۵۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۱ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۹ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۵۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۵ / ۱۲ / ۶۶، روزنامه الاتحاد، ۴ / ۱۲ / ۶۵.

قطعه‌نامه‌ها به تصویب خواهد رسید و در صورت عدم مذاکره و گفتگو عملاً حقوق و خواسته‌های ایران همانند گذشته نادیده انگاشته می‌شد در این میان زمینه‌ها و موقعیت لازم برای توجه به نظریات ایران نیز فراهم شد. بدین معنا که برتری ایران به عنوان یک واقعیت مورد پذیرش قرار گرفته و برخی از اعضای فعال شورای امنیت با توجه به اهداف خود، نظریات ایران را مورد توجه قرار دادند. زیرا هر گونه بی‌توجهی نسبت به درخواستهای ایران، به همان میزان امکان عملی شدن اجرای قطعه‌نامه و پایان بخشیدن به جنگ را مورد تردید قرار می‌داد. در این زمینه، سفیر وقت ایران در سازمان ملل می‌گوید که در همین ایام بنیاد فورد کنفرانس جنگ ایران و عراق را با حضور نمایندگان اعضای دائم شورای امنیت به اضافه دبیر کل و معاون او و عده زیادی از صاحب نظران و متخصصان خاورمیانه برگزار کرد. در این کنفرانس سخنرانیهای زیادی صورت گرفته که تعدادی از آنها انتشار نیافت و حقایق بسیاری در مورد مظلومیت ایران که تاکنون گفته نشده بود، بیان شد. در این کنفرانس نیز چنین نتیجه‌گیری شد که مادامی که بخشی از خواسته‌های مشروع ایران به رسمیت شناخته نشود، امکان دستیابی به راه حل سیاسی وجود نخواهد داشت. (۱).

در این روند، تحرکات دیپلماتیک ایران در سازمان ملل و گفتگو با دبیر کل این سازمان و برخی از اعضای دائمی و غیر دائمی شورای امنیت و نظریاتی که ایران همراه با دلایل متقن و راه‌حلهای عملی ارائه کرد، سبب گردید که ضمن توجه به اقدامات و مواضع ایران، تا اندازه‌ای پیش‌نویس اولیه‌ی قطعه‌نامه نیز تغییر نماید. بعدها رادیو بی. بی. سی طی گزارشی در همین زمینه به نقل از مقامات آلمان غربی گفت:

«پیش‌نویس مقدماتی طرح شدید‌الحن شورای امنیت که عمدتاً به وسیله ایالات متحده تنظیم شده بود، غیر منصفانه و علیه ایران بود. آلمان غربی و اعضاء غیر دائمی شورای امنیت مصرانه تلاش کردند که در قطعه‌نامه

ص: ۱۰۳

تصریح شود این ایران نبوده که جنگ را آغاز کرده است، از این گذشته عراق با استفاده از سلاحهای شیمیایی، قراردادهای بین المللی را مبنی بر عدم استفاده از این سلاحها، نقض کرده است.» (۱).

برابر برخی اطلاعات که در این زمینه وجود دارد، علاوه بر تغییر طرح پیش نویس اولیه، تلاش امریکا برای تنبیه متمردين از قطعنامه ی صادره با صدور يك قطعنامه ی دیگر بی نتیجه ماند. مایکل ارماکاست معاون سیاسی وزارت خارجه امریکا در این زمینه می گوید:

«پنج کشور امریکا، شوروی، بریتانیا، فرانسه و چین نتوانستند درباره دومین قطعنامه مربوط به جنگ ایران و عراق در زمینه اقدام تنبیهی علیه کشور متمرّد در جنگ خلیج فارس به توافق برسند.» (۲).

انتشار اخبار مربوط به توافق اعضاء شورای امنیت برای صدور قطعنامه، بازتاب نسبتاً گسترده ای داشت. عراقیها با توجه به وضعیت نامطلوبی که در جبهه های نبرد داشتند و همچنین تلاش برای بین المللی کردن جنگ با حمله به نفتکشها و اشتیاق جهت پایان یافتن جنگ، بلافاصله اخبار مربوط به این توافق را به طور نسبتاً مفصل در رسانه های خود منعکس کردند. (۳) عراقیها چنین پیش بینی می کردند که به علت عدم تأمین تمامی خواسته های ایران در قطعنامه جدید، ایران از پذیرش آن خودداری خواهد کرد و همین امر زمینه تشدید فشار به ایران را فراهم خواهد ساخت.

متن غیر رسمی مفاد پیش نویس طرح قطعنامه (۴) پیشنهادی اعضای شورای امنیت، حاوی نکات مهمی بود، بدین ترتیب که در نخستین مرحله فوراً آتش بس برقرار شود و نیروها بدون هر گونه اقدام نظامی در اسرع وقت به مرزهای بین المللی مورد قبول عقب نشینی کنند. سپس مبادله کلیه اسرا با همکاری کمیته بین المللی صلیب سرخ انجام پذیرد. همکاری ایران و عراق با دیر کل به منظور حل و فصل منصفانه و شرافتمندانه در مرحله سوم مورد قبول دو طرف انجام

ص: ۱۰۴

۱- ۲۶۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۵، ۱/ ۵/ ۶۶، رادیو لندن، ۳۱/ ۴/ ۶۶.

۲- ۲۶۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۹۵، ۲/ ۴/ ۶۶، رادیو امریکا، ۱/ ۴/ ۶۶.

۳- ۲۶۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۹۶، ۳/ ۴/ ۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۲/ ۴/ ۶۶.

۴- ۲۶۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۹۷، ۴/ ۹۷، ۴/ ۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۳/ ۴/ ۶۶.

می گرفت. مسئله تحقیق درباره ی مسؤولیت جنگ از سوی یک ارگان بی طرف نیز پیش بینی شده بود. علاوه بر این، بررسی خسارات وارده و کمک بین المللی مناسب برای بازسازی مناطق ویران شده، بخشی از مفاد قطعنامه ی پیشنهادی بود.

در این پیش نویس گرچه بخشی از نظریات ایران از جمله تعیین متجاوز با تشکیل یک کمیته بی طرف، مورد توجه قرار گرفت، اما قطعنامه و ترتیب بندهای مندرج در آن با توجه به موقعیت برتر جمهوری اسلامی، به زیان ایران تنظیم شده بود. در واقع، امریکاییها مایل نبودند آنچه را که ایران در میدانهای جنگ پیگیری می کرد و در اثر پیروزیهای نظامی حاصله، در موقعیت برتر قرار گرفته بود، به رسمیت شناخته و در پشت میز مذاکره به این کشور امتیازات اساسی بدهند.

آقای هاشمی در نخستین واکنش رسمی ایران در برابر طرح تازه شورای امنیت، این طرح را غیر منصفانه خواند. (۱) ریچارد مورفی بلافاصله در پاسخ به اظهارات آقای هاشمی گفت:

«ایالات متحده از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد در تلاش است تا قطعنامه ای را تهیه کند که هم برای ایران و هم برای عراق قابل قبول باشد.» (۲).

تلاشهای گسترده ی ایران در سازمان ملل برای گنجانیدن نظریات خود در قطعنامه ی نهایی، در مقایسه با برخوردهای پیشین ایران با قطعنامه های شورای امنیت، کاملا واضح و آشکار و برای ناظران قابل رویت بود. ایران خواستار آن بود که در قطعنامه پیش از درخواست برقراری آتش بس از طرفین، ابتدا مسؤول آغاز جنگ معرفی شود. (۳) شواهد و قرائن نشان دهنده عدم تمایل شورای امنیت به برداشتن این گام بود. به همین دلیل، بخش عمده تلاشهای ایران قبل و بعد از تصویب قطعنامه ی ۵۹۸، به تأمین همین خواسته معطوف شد. عراق نیز علاوه بر آنکه در تهیه متن پیش نویس نقش فعالی

ص: ۱۰۵

۱- ۲۶۵. پیشین، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۴ / ۶۶، روزنامه الخلیج.

۲- ۲۶۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۹۹، ۶ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۵ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۶۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۱۷، ۲۴ / ۴ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۳ / ۴ / ۶۶، روزنامه کریستین ساینس مانیتور.

داشت، در برابر تلاشهای ایران، طرح ۵ ماده ای پیشنهادی صدام را نیز مستقلاً ارائه کرد. در این طرح که طی مقاله ای در کلیه روزنامه های عراق به چاپ رسید، تأکید شده بود: «ما این پنج اصل را به عنوان راه تغییرناپذیر پایان دادن به این جنگ اعلام کرده ایم.» (۱) پنج اصل مورد اشاره صدام عبارت بودند از:

۱- استقرار یک آتش بس جامع.

۲- عقب نشینی جامع، کامل و بدون قید و شرط نیروها به آن سوی مرزهای بین المللی.

۳- تبادل کلی و جامع اسرای جنگی.

۴- امضای یک پیمان صلح و عدم تجاوز.

۵- عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و احترام به نحوه زندگی مردم دو کشور.» (۲).

سرانجام قطعنامه ی ۵۹۸ به عنوان مفصلترین قطعنامه از سلسله قطعنامه های مورد مطالعه، نه ماه و نیم پس از تصویب قطعنامه ۵۸۸ و در موقعیتی که احتمال تشدید و گسترش جنگ موجبات نگرانی اعضای شورای امنیت را فراهم کرده بود، در تاریخ ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۶، به اتفاق آراء تصویب و صادر شد. (۳).

در این قطعنامه، اعضای شورای امنیت از آغاز و ادامه این درگیری، بمباران مراکز کاملاً غیر نظامی، حمله به کشتیهای بی طرف و هواپیماهای غیر نظامی و استفاده از سلاحهای شیمیایی که مغایر با تعهدات مندرجه در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو می باشد، اظهار تأسف کردند. همچنین اعضای شورای امنیت اعلام کردند:

«به طور عمیق نگران اوجگیری احتمالی و توسعه این درگیری می باشند و مصمم هستند به تمام عملیات نظامی بین ایران و عراق خاتمه دهند.» (۴).

سپس مصوبات شورای امنیت، تحت عنوان بندهای قطعنامه به شرح ذیل مورد تأکید قرار گرفت:

۱- در اولین قدم جهت حل و فصل مناقشه از طریق مذاکره، ایران و

ص: ۱۰۶

۱- ۲۶۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۰۹، ۱۶ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۱۵ / ۴ / ۶۶.

۲- ۲۶۹. پیشین.

۳- ۲۷۰. عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۰، ص ص ۱۴۳-۱۴۴.

۴- ۲۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۶۶، آسوشیتدپرس، ۳۰ / ۴ / ۶۶، ص ۹.

عراق آتش بس را رعایت کنند و تمامی اقدامات نظامی زمینی، دریایی و هوایی را خاتمه داده و تمام نیروهایشان را بدون تأخیر به مرزهای شناخته شده بین المللی بازگردانند.

۲- یک هیأت توسط دبیر کل، برای بررسی، تأیید و نظارت آتش بس و عقب نشینی نیروها اعزام شود. همچنین دبیر کل تدابیر ضروری را برای مشورت با دو طرف ترتیب دهد.

۳- آزادی اسرای جنگی و بازگشت بدون تأخیر آنها به کشورشان پس از قطع مخاصمات.

۴- همکاری دو کشور با دبیر کل برای اجرای قطعنامه.

۵- خودداری تمام کشورها از هر گونه اقدامی که احتمالاً به تشنج بیشتر و گسترش مناقشه منجر شود.

۶- دبیر کل در مشورت با ایران و عراق، موضوع مسؤلیت بروز جنگ را مورد بررسی قرار دهد و مراتب را هر چه سریعتر به اطلاع شورای امنیت برساند.

۷- هیأتی از کارشناسان از سوی دبیر کل برای بررسی خسارات و بازسازی تعیین شده و به شورای امنیت گزارش دهد.

۸- دبیر کل در مشورت با ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه، تدابیری را برای پیشبرد امنیت و ثبات منطقه، مورد بررسی قرار دهد.

۹- دبیر کل شورا را از اجرای این قطعنامه مطلع سازد.

۱۰- شورای امنیت در صورت ضرورت برای بررسی اقدامات بیشتر جهت تضمین پایبندی طرفین به این قطعنامه آماده است بار دیگر تشکیل جلسه بدهد.» (۱).

این قطعنامه با توجه به موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی، اساساً به زیان ایران و به سود عراق تهیه و تنظیم شده بود. امریکاییها در تلاش

ص: ۱۰۷

جدید خود در نظر داشتند با اعمال فشار بر ایران و تنبیه آن و متقابلاً حمایت از عراق، (۱) جنگ را خاتمه دهند. این قطعنامه درباره چگونگی آغاز جنگ و وقوع تجاوز ساکت است و در بند سوم، قسمت مقدماتی که از ادامه منازعه اظهار تأسف شده است، به طور ضمنی این مطلب القاء می شود که در مقام تقسیم مسؤولیت حقوقی جنگ، عراق مسؤول آغاز جنگ و ایران مسؤول ادامه آن می باشد. (۲) حال آنکه سازمان ملل در همان آغاز جنگ، در صورت برخورد منصفانه و با ارائه راه حل عادلانه، با محکوم کردن متجاوز می توانست مقدمات پایان بخشیدن به جنگ را فراهم نماید. لیکن به دلیل حفظ منافع اعضاء شورای امنیت، از چنین اقدامی ممانعت به عمل آمد. در عین حال، یکی از عمده ترین و شاخص ترین امتیازات قطعنامه ی ۵۹۸ نسبت به قطعنامه های قبلی و اصولاً نشانه ی تغییر روش شورا، بند ۶ است که «تعیین هیأت بی طرف برای تحقیق راجع به مسؤولیت منازعه» را مورد تأکید قرار داده است. (۳).

جمهوری اسلامی ایران در نخستین واکنش در برابر قطعنامه ۵۹۸، برپایه درکی که در خصوص ماهیت و نحوه تهیه و تنظیم و محتوی آن داشت، قطعنامه را «تکرار قطعنامه های گذشته با اندکی تفاوت» ذکر کرد و اعلام داشت: «نکته ی مثبت در این قطعنامه جستجو برای یافتن جنگ افروز و متجاوز می باشد.» (۴) وزیر خارجه ی ایران در مصاحبه رادیویی با رادیو تهران اظهار داشت:

«در این قطعنامه نکات مثبتی دیده می شود که کافی نیست. زیرا از عراق به عنوان متجاوز نام برده نشده است.» (۵).

وزارت خارجه ایران در واکنش رسمی نسبت به قطعنامه ی ۵۹۸، در پاسخ به نامه ی دبیر کل سازمان ملل که متن قطعنامه را برای وزرای خارجه ایران و عراق ارسال کرده بود، طی بیانیه ای اعلام کرد:

«شورای امنیت سازمان ملل بار دیگر با تصویب قطعنامه ای غیر عادلانه، از

ص: ۱۰۸

۱- ۲۷۳. گری سیک مشاور اسبق کارتر، منافع قدرتهای بزرگ در خلیج فارس، ترجمه مجید قهرمانی.

۲- ۲۷۴. مأخذ شماره ۱۲۹، ص ۱۴۹.

۳- ۲۷۵. پیشین.

۴- ۲۷۶. مصاحبه ی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی با روزنامه اطلاعات که در رادیو لندن در تاریخ ۳۰ / ۴ / ۶۶ منعکس شد.

۵- ۲۷۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۶۶.

ایفای مهمترین وظیفه‌ی خود در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی عدول نمود... این قطعنامه در شرایطی به تصویب رسیده که امریکا با اعلام تصمیمش مبنی بر اعزام ناوهای جنگی خود به منطقه، بند اجرایی پنجم قطعنامه که درخواست عدم دخالت سایر کشورها در جهت تشدید و گسترش آتش جنگ را دارد، از قبل نقض نموده است.»

در پایان این بیانیه آمده است:

«وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران متعاقباً موضع تفصیلی خود را در قبال کلیه بندهای قطعنامه ۵۹۸ اعلام خواهد کرد.» (۱).

چند هفته بعد پاسخ مبسوط جمهوری اسلامی ایران به قطعنامه ۵۹۸ منتشر شد. (۲) این پاسخ شامل جوابیه‌ی وزیر امور خارجه ایران به نامه‌ی مورخ ۲۰ ژوئیه دبیر کل بود. در آخرین بند ضمیمه‌ی نامه وزیر امور خارجه‌ی ایران آمده است:

«تلاشهای سازنده و قابل تقدیر برخی از اعضای بی‌طرف شورای امنیت برای نیل به یک قطعنامه‌ی متوازن و مثبت اگر چه به نتیجه مطلوب نرسید، ولی زمینه را برای ادامه‌ی همکاری جمهوری اسلامی ایران در جهت سوق دادن شورا به سمت یک موضع مؤثر و عادلانه فراهم می‌نماید. بی‌تردید اعلام موضع صریح نسبت به مسؤولیت عراق در شروع جنگ، نظیر آنچه از جانب برخی از کشورهای واقعه‌گرا انجام گردیده است، بهترین عنصر در جهت ختم عادلانه‌ی جنگ است.» (۳).

بدین ترتیب، با عدم تأمین خواسته‌های ایران در قطعنامه‌ی ۵۹۸، جمهوری اسلامی ایران از پذیرش آن خودداری و در عین حال، به دلیل نکات مثبتی که در قطعنامه وجود داشت از نفی کامل آن نیز امتناع کرد. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، فرمانده عالی جنگ و سخنگوی شورای عالی دفاع، مواضع ایران و دلایل آن را چنین بیان کرد:

«... در این قطعنامه نکات مثبتی دیدیم که حاضر شدیم پیرامون آن

ص: ۱۰۹

۱- ۲۷۸. عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین

المللی، تهران، ۱۳۷۰، صص ۱۵۸ و ۱۵۹ و روزنامه‌ی کیهان، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۶، ص ۲.

۲- ۲۷۹. پیشین، ص ۱۵۹ و روزنامه‌ی کیهان، ۲۲ / ۵ / ۱۳۶۶، ص ۳.

۳- ۲۸۰. پیشین صص ۱۶۰ و ۱۶۱.

مذاکره کنیم. جمهوری اسلامی ایران قطعنامه ی ۵۹۸ را به طور کلی رد نکرده است، چون در آن جای بحث می بیند... نکته منفی آن این است که می گوید به محض شروع مذاکره و پیش از شناسایی متجاوز و محاکمه ی آن، آتش بس اعلام شود و ما این بند را قبول نداریم. بند مربوط به معرفی متجاوز می تواند به عنوان تنها کلید حل مسائل به شمار آید و این نکته ی مثبتی است، اما باید پیش از اعلام آتش بس انجام شود... ما می گوئیم اول متجاوز معرفی شود و بعد راه برای حل مسائل جدی همواره خواهد شد. معلوم است که محاکمه و تنبیه متجاوز و بازپرداخت غرامت از همین اقدام آغاز خواهد شد. اگر این جا به جایی در بندها انجام شود راه هموار خواهد شد.» (۱).

جمهوری اسلامی ایران ضمن اینکه با اعلام مواضع در برابر قطعنامه ی ۵۹۸ سیاست «نه رد و نه قبول» را اتخاذ کرد، در عین حال با اعتقاد به وجود برخی نکات مثبت در قطعنامه، با تأکید بر ضرورت جا به جایی در بندهای قطعنامه و تقدم محکوم کردن متجاوز نسبت به برقراری آتش بس، تلاشهای سیاسی خود را بر همین محور تنظیم و سازماندهی کرد که تا زمان پذیرش قطعنامه از سوی ایران، ادامه داشت. (۲).

عراقیها در اولین واکنش، با پخش سخنان صدام در رادیو عراق مبنی بر عدم پذیرش هر طرحی که شامل «پنج اصل» (۳) نباشد، مخالفت خود را با قطعنامه اعلام کردند. لیکن سخنگوی رسمی عراق با تأکید بر این مسئله که «تعبیر رهبران عراقی از قطعنامه مثبت است»، پاسخ رسمی عراق را به نتایج بررسی قطعنامه در جلسه شورای انقلاب و فرماندهی حزب بعث به ریاست

ص: ۱۱۰

۱- ۲۸۱. پیشین ص ص ۱۶۲ و ۱۶۱ و روزنامه ی کیهان ۲۱ / ۶ / ۶۶، ص ۲.

۲- ۲۸۲. در این زمینه در جلد پنجم از همین مجموعه (سیری در جنگ ایران و عراق) توضیح لازم ارائه خواهد شد.

۳- ۲۸۳. چندی قبل صدام پنج اصل را برای صلح مطرح کرد که در صفحات قبل اشاره شد.

صدام موکول کردند. (۱) پس از ۲۴ ساعت سخنگوی رسمی عراق اعلام کرد: که مجلس عراق به اتفاق آراء این قطعنامه را مورد تصویب قرار داد و اظهار داشت که پذیرش این قطعنامه از سوی ایران از عوامل ضروری برای رعایت متقابل تعهدات دو کشور است. وی گفت: تصمیم یاد شده در گردهمایی فرماندهی سیاسی عراق تحت ریاست صدام اتخاذ شده است. (۲).

عراقیها تصویب قطعنامه را به سود خود ارزیابی می کردند، چنانکه سفیر عراق در لندن ضمن تهدید حمله به کشتیها در خلیج فارس اعلام کرد:

«شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه اخیر خود، در واقع از سیاستهای عراق حمایت کرده و نشان داده که حق با عراق است.» (۳).

امریکاییها در نخستین واکنش پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸، با نگرانی از مخالفت ایران و تخریب تلاشهای سیاسی چند ماه اخیر امریکا، بر «اجرای قطعنامه و ممانعت از تبدیل آن به یک ژست تو خالی»، (۴) تأکید کردند. وزیر امور خارجه شان نیز اعلام کرد:

«قبول قطعنامه از جانب ایران به بهبود احتمالی مناسبات ایران و واشنگتن که از سال ۱۹۸۰ در اوج بحران گروگانگیری دیپلماتهای امریکایی در ایران قطع شد، کمک خواهد کرد.» (۵).

تدریجا با آشکار شدن موضع ایران، رئیس جمهوری وقت امریکا، ایران را تهدید کرد:

«... در صورت منفی بودن پاسخ ایران، شورای امنیت راهی جز اعمال مجازات علیه ایران و وادار کردن این کشور به قبول آتش بس پیش رو ندارد.» (۶).

روسها با توجه به سیاست خاصی که در این مرحله از جنگ دنبال می کردند، بلافاصله پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸، هیأتی را به سرپرستی یوری ورنتسف، معاون وزیر خارجه ی این کشور برای گفتگو درباره ی اجرای

ص: ۱۱۱

۱- ۲۸۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۴ / ۶۶.

۲- ۲۸۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۵، ۱ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۴ / ۶۶.

۳- ۲۸۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۷، ۳ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۵ / ۶۶.

۴- ۲۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری رویتز، ۳۰ / ۴ / ۶۶، به نقل از شولتز وزیر خارجه وقت امریکا.

۵-۲۸۸. پیشین.

۶-۲۸۹. روزنامه ی رسالت، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

قطعنامه ی ۵۹۸، راهی تهران کردند. ماهیت تلاشهای شوروی (پیشین) و موقعیت این کشور در منطقه، تحرکات دیپلماتیک روسها را در کانون توجهات قرار داده بود. گرچه اقدامات شورویها غالباً با بدبینی دنبال می شد. چنانکه اسحاق رابین وزیر دفاع اسرائیل در پارلمان این کشور، با توجه به تلاشهای اخیر شوروی بر این مسئله تأکید کرد که این کشور به دنبال «ماهی گرفتن از آب گل آلود» است و مایل است «بحران دائمی در منطقه» وجود داشته باشد تا مطامع خود را از طریق حصول سازش سیاسی به دست آورد. وی اظهار داشت:

«طبق ارزیابیهای مختلف، شوروی قصد دارد برنامه خود را یک سال دیگر اجرا کند، زیرا ارزیابی می نماید طی سال آینده چه تحول مهمی روی خواهد داد.» (۱).

از نظر برخی کارشناسان امور خاورمیانه، شوروی به دلیل رابطه با ایران و عراق به عنوان تنها قدرتی ارزیابی می شد که قادر به یافتن راه حلی برای پایان جنگ می باشد. (۲) شورویها نیز همین نقش را برای خود جستجو می کردند، چنانکه گراسیموف مفسر خبرگزاری تاس طی تحلیلی اظهار داشت:

«این یک مناقشه منطقه ای است و شوروی و آمریکا می توانند مشترکاً همانگونه که در شورای امنیت اقدام کردند برای پایان دادن به آن نیز همکاری کنند.» (۳).

در روند تحولات جنگ، به رغم تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ و گسترش درگیری در منطقه خلیج فارس و تشدید فشار به ایران برای پایان دادن به جنگ، به دلیل نادیده گرفتن خواسته های برحق ایران از یک سو و از سوی دیگر خودداری از هرگونه فشار به عراق برای ممانعت از حملات این کشور به کشتیها و مناطق غیر نظامی ایران، عملاً وضعیت مناسب برای خاتمه ی جنگ فراهم نشد. از این پس تلاشهای دیپلماتیک ایران مبتنی بر تعیین متجاوز و تقدم آن نسبت به

ص: ۱۱۲

۱- ۲۹۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۳۲، ۶۶/۵/۸، رادیو اسرائیل، ۶۶/۵/۷.

۲- ۲۹۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۳۴، ۶۶/۵/۱۰، رادیو لندن، ۶۶/۵/۹.

۳- ۲۹۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۱، ۶۶/۵/۱۷، خبرگزاری تاس، ۶۶/۵/۱۶.

برقراری آتش بس بود. عراق نیز متقابلاً بر حملات خود به کشتیها افزود و رسماً مخالفت خود را با تفکیک «امنیت در حوزه خلیج فارس» و «قطع جنگ» اعلام کرد. (۱).

برابر برخی از شواهد و قرائن، چنین به نظر می‌رسید که روند تحولات جنگ با توجه به تشدید فشار به ایران به زیان این کشور خواهد بود. در این میان، عراقیها متقابلاً اوضاع را به سود خود ارزیابی می‌کردند. چنانکه صدام طی مصاحبه‌ای در همین زمینه، وضع جنگ را با آخرین روزهای «روزه» تشبیه کرد و گفت: این روزها، دشوار و طاقت فرسا است، ولی از پایان روزه خبر می‌دهد!! (۲).

تداوم درگیری در خلیج فارس با از سرگیری حملات هوایی عراق

عراقیها پس از تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ و حضور نیروهای امریکا (۳) در منطقه، روند تحولات جنگ را به سود خود ارزیابی می‌کردند. صدام در مورد برداشت از واکنش احتمالی ایران و بحثهای مطروحه در جلسه فرماندهی مرکزی عراق می‌گوید:

«در مرکز فرماندهی ما پیرامون این قطعنامه بحث و بررسی شد و بعضی از برادران ما تصور می‌کردند که ایران به هنگام صدور این قطعنامه حتماً به مخالفت خواهد پرداخت و مانند گذشته عمل خواهد کرد ولی من گفتم نه، این دفعه ایرانیها این قطعنامه را رد نخواهد کرد. چون از اوضاع عمومی و خصوصی این چنین نتیجه‌گیری می‌شود که این قطعنامه را نه رد می‌کنند و نه می‌پذیرند.» (۴).

ص: ۱۱۳

۱- ۲۹۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۳۴، ۱۰ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۹ / ۵ / ۶۶، مصاحبه صدام با «لوماتن» چاپ فرانسه.

۲- ۲۹۴. پیشین.

۳- ۲۹۵. روزنامه الثورة چاپ عراق رسماً از حضور ناوگانهای خارجی در منطقه خلیج فارس دفاع کرد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، ۲۹ / ۵ / ۶۶).

۴- ۲۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۳، ۸ / ۶ / ۶۶، بخش عربی رادیو صورت الجماهیر، ۶ / ۶ / ۶۶.

عراقیها بر پایه این درک تصور می کردند ایران به دنبال «وقت کشی» است تا ضمن تحرکات دیپلماتیک (۱) مقدمات اجرای عملیات در جبهه زمینی را فراهم سازد. به همین دلیل، عراقیها از سرگیری حملات هوایی علیه منابع و تأسیسات نفتی ایران را پی ریزی کردند تا بدین وسیله با گسترش دامنه بحران، زمینه ی خاتمه بخشیدن به جنگ و رها شدن عراق از فشارهای همه جانبه را فراهم سازند.

بر پایه این اهداف، عراقیها پس از تهدید به از سرگیری حملات هوایی علیه ایران، (۲) حملات خود را به تأسیسات نفتی (۳) و کشتیهای تجاری و نفتکشها آغاز کردند. همچنین نیروی هوایی عراق شش شهر ایران را مورد حمله قرار داد. سفیر عراق در امریکا در توجیه از سرگیری حملات هوایی عراق به تأسیسات نفتی ایران اعلام کرد:

«این حملات در حالی صورت گرفته است که عراق قطعنامه ی شورای امنیت را قبول کرده ولی ایران آن را رد کرده است.» (۴).

وی همچنین اظهار داشت:

«مادامی که جنگ ادامه دارد، عراق خود را مجاز به حمله به هر نقطه از خاک ایران می داند.» (۵).

ایران با توجه به موقعیت جدید و احتمال افزایش فشارهای (۶) عراق با حمایت امریکا و کشورهای منطقه، پیش از این اعلام کرده بود بمبارانهای عراق را از طریق حمله علیه حامیان این کشور تلافی خواهد کرد. (۷) به همین

ص: ۱۱۴

۱- ۲۹۷. در صفحات بعد بحث خواهد شد.

۲- ۲۹۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۲، ۱۸ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۶۶ / ۵.

۳- ۲۹۹. نیروی هوایی عراق در تاریخ ۱۸ / ۵ / ۶۶ حملات وسیعی را به پالایشگاههای ایران کرد.

۴- ۳۰۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۵، ۲۱ / ۵ / ۶۶، واشنگتن، خبرگزاری کویت، ۲۰ / ۶۶ / ۵.

۵- ۳۰۱. پیشین.

۶- ۳۰۲. یک دیپلمات بلند پایه غربی در کویت با توجه به فشارهای دیپلماتیک و نظامی بر ایران گفته بود: «شدت فشارهای وارده بر ایران فوق العاده است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۷، ۲۳ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۲۲ / ۵ / ۶۶).

۷- ۳۰۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۴، ۲۰ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۶۶ / ۵ /

دلیل، متعاقب از سرگیری تهاجمات هوایی عراق، مقابله به مثل ایران محتمل به نظر می‌رسید. در چنین وضعیتی، برای نخستین بار یک کشتی امریکایی با پرچم پاناما در آبهای دریای عمان با مین برخورد کرد. خبرگزاری رویتر به هنگام مخابره خبر به این مسئله اشاره کرد که برخورد این نفتکش با مین به فاصله سه روز پس از مانور دریایی ایران (۱) (موسوم به مانور شهادت در خلیج فارس) در آبهای منطقه و تمرین عملیات مین گذاری توسط قایقهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صورت گرفته است. (۲) در سایر گزارشهای نظامی، به نقل از کارشناسان نظامی در مورد اقدام احتمالی ایران تحلیلهایی منتشر شد که قابل توجه بود. کوردون مارتین خبرنگار امور دیپلماتیک لندن به نقل از یکی از کارشناسان مؤسسه نیروهای متحد سلطنتی انگلیس می‌گوید:

«عملیاتی که نیروهای احتمالا انجام خواهند داد مین گذاری را نیز شامل خواهد شد. زیرا مین گذاری کاری محدود است و چندان تحریک آمیز نیست و زمینه محدودی برای اقدام تلافی جویانه امریکا فراهم می‌کند. به این ترتیب، مین گذاری با استراتژی حکومت ایران که مبتنی بر خودداری از برخورد جدی با امریکاست، سازگار است.» (۳).

در همین چارچوب، پس از اصابت کشتی پانامایی با مین و کشف مینهای جدید در دریای عمان، سخنگوی پنتاگون، برای نخستین بار به طور آشکار و رسمی ایران را مقصر قلمداد کرد.

واکنش رسمی امریکاییها، نشان دهنده تلاش جدید آنها برای گسترش حضور در منطقه، با وارد ساختن فشار بر کشورهای اروپایی برای ارسال ناو و

ص: ۱۱۵

۱- ۳۰۴. مانور دریایی شهادت به مدت سه روز (۱۴ تا ۱۶ / ۵ / ۶۶) در خلیج فارس انجام گرفت که بازتاب نسبتا گسترده‌ای داشت. فرمانده کل سپاه در این مانور اعلام کرد: «موشکهای ضد کشتی و ضد هواپیمای سپاه آماده است تا هر هدفی را در خلیج فارس و دریای عمان مورد حمله قرار دهد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۵ / ۶۶).

۲- ۳۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۴، ۲۰ / ۵ / ۶۶، بحرین، خبرگزاری رویتر، ۱۹ / ۵ / ۶۶.

۳- ۳۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۲، ۲۸ / ۵ / ۶۶، رادیو لندن، ۲۷ / ۵ / ۶۶.

مین روب (۱) و همچنین فراهم سازی مقدمات اقدام نظامی علیه ایران بود. برپایه همین درک، رئیس جمهور وقت ایران در نماز جمعه تهران اعلام کرد: «امریکا به دنبال بهانه است تا جنگ علیه ایران را آغاز کند.» سپس ایشان تأکید کرد که ایران به کشتیهای جنگی امریکا حمله نخواهد کرد مگر اینکه مورد حمله قرار گیرد. ایشان در بخش دیگری از سخنان خود در مورد ماهیت تلاشهای امریکا اظهار داشت:

«امریکا احساس می کند که جمهوری اسلامی در حال پیروز شدن در جنگ با عراق است. بنابراین به دنبال بهانه ای است تا در جنگ به نفع عراق مداخله کند.» (۲).

امریکاییها برای رها شدن از اتهام مداخله به سود عراق و با نگرانی نسبت به از سرگیری حملات هوایی عراق علیه تأسیسات اقتصادی و نفتی ایران، به طور مستقیم و همچنین از طریق کویت و عربستان از عراق درخواست کردند تا زمان صدور قطعنامه دوم شورای امنیت در مورد مجازات ایران، از حمله خودداری کند. روزنامه القبس در گزارش خود نوشت:

«دولت امریکا به عراق اطلاع داده است که از حمله به تأسیسات ایران خودداری نماید تا از وقوع یک برخورد نظامی میان ایران و امریکا در آبهای خلیج فارس جلوگیری شود.» (۳).

عراقیها ضمن اظهار ناخرسندی نسبت به درخواست امریکا، بلافاصله در روزنامه القادسیه، ارگان وزارت دفاع این کشور، طی مقاله ای تخریب کامل تأسیسات اقتصادی ایران را به عنوان تنها راه برای تحت فشار قرار دادن این کشور جهت پایان دادن به جنگ توصیف کردند. (۴).

ص: ۱۱۶

۱- ۳۰۷. دولت انگلیس اعلام کرد چهار فروند کشتی مین روب به علاوه یک کشتی پشتیبانی به خلیج فارس اعزام خواهد کرد. (راديو لندن ۲۰ / ۵ / ۶۶).

۲- ۳۰۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۴۹، ۲۵ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری یونایتد پرس، ۲۴ / ۵ / ۶۶.

۳- ۳۰۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۰، ۲۶ / ۵ / ۶۶، روزنامه ی کوییتی القبس، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۵ / ۶۶.

۴- ۳۱۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۱، ۲۷ / ۱ / ۶۶، رویترا، ۲۶ / ۵ / ۶۶.

صدام نیز با استفن مولارنر، نماینده امریکا به گفتگو و تبادل نظر پرداخت. (۱) در واقع، عراقیها در نظر داشتند با از سرگیری حملات خود، زمینه‌ی تشدید بحران در منطقه را فراهم نمایند و در نتیجه‌ی این وضعیت، فشار امریکا و کشورهای منطقه به ایران افزوده شود.

تلاشهای سیاسی ایران

نگرانی امریکا از اقدامات تلافی‌جویانه ایران در برابر حملات عراق، منجر به فشار امریکا به عراق برای توقف حملات این کشور به تأسیسات و حوزه‌های نفتی ایران شد. پیدایش موقعیت جدید، سبب گردید که مجدداً ایران تلاشهای تبلیغاتی و دیپلماتیک خود را آغاز نماید. مصاحبه آقای هاشمی با شبکه تلویزیونی ان. بی سی امریکا و سپس مصاحبه‌ی مطبوعاتی سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ (آقای خرازی)، نقطه آغاز تلاشهای جدیدی بود که به مدت چند ماه متوقف شده بود.

آقای هاشمی در مصاحبه‌ی خود ضمن اعتراف به برخورداری از نفوذ روی کسانی که گروگانها را در لبنان در اختیار دارند، اعلام کرد که بدون گرفتن امتیازاتی از امریکا، آماده مداخله برای آزادی آنها نخواهد بود. ایشان در این مصاحبه، موضع امریکا را در برابر ایران خصمانه توصیف کرد، زیرا اسکورت نفتکشها به منزله کمک به عراق ارزیابی می‌شد. سپس ایشان آزاد کردن داراییهای مسدود شده ایران را به عنوان شرط بهبود روابط با امریکا اعلام کرد. (۲) اظهارات آقای هاشمی در این مصاحبه، با توجه به اوضاع بحرانی در منطقه، بسیار «معقول و منطقی» (۳) ارزیابی شد و از آن چنین نتیجه‌گیری شد که ایران مایل به جنگ با امریکا نیست، لذا امریکا باید اقداماتی را انجام دهد که به منافع ایران نزدیک باشد. (۴).

سخنگوی وزارت خارجه امریکا در اولین واکنش در برابر مواضع آقای

ص: ۱۱۷

۱- ۳۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۳، ۶۶/۵/۲۹، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸/۵/۶۶.

۲- ۳۱۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۶/۵/۳۰.

۳- ۳۱۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۴، ۶۶/۵/۳۰، رادیو لندن، ۶۶/۵/۲۹.

۴- ۳۱۴. پیشین.

هاشمی اعلام کرد که امریکا با تروریست‌ها معامله نمی‌کند و کویت و اسرائیل را نیز برای آزادی زندانیان شیعه و ربوده شدگان ایران در لبنان تحت فشار قرار نخواهد داد. (۱).

مصاحبه‌ی سخنگوی وقت ستاد تبلیغات جنگ در تاریخ ۲۹ / ۵ / ۶۶ و اظهار اینکه مین ریزی از سوی ایران برای «حفاظت از تأسیسات ایران» و با «مقاصد دفاعی» صورت می‌گیرد، بازتاب نسبتاً گسترده‌ای داشت. در واقع، پذیرش مسئولیت مین ریزی و تأکید بر «مقصد دفاعی ایران» بسیار حائز اهمیت بود. ضمن اینکه وی در این مصاحبه، تلویحاً عدم مخالفت ایران را با اسکورت نفتکشهای کویت از سوی امریکا اعلام کرد. خبرنگار رادیو سوئد ضمن شگفت آور خواندن اظهارات سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ افزود:

«این بیانات به روشنی نشانگر آغاز ورود ایران به خط مشی نرمتر سیاسی، پس از تهدیدات و سر و صداهاى نظامی علیه امریکا می باشد.» (۲).

این اعلام مواضع ایران (۳) سبب گردید تا رادیو امریکا تفسیری را تحت عنوان «نظرهای آشتی جویانه مسئولان ایرانی» پخش نماید. (۴) همچنین سخنگوی وزارت خارجه ی امریکا اعلام کرد که مایل به گفتگو با آقای جواد لاریجانی معاون وزارت خارجه ایران در نیویورک درباره ی هشت گروگان امریکایی می باشد. وی شرط این ملاقات را درخواست ایران ذکر کرد. (۵) آقای لاریجانی در اولین واکنش، طی مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی ان. بی. سی اعلام کرد: «ما در قبال این کمک چیزی مطالبه نمی‌کنیم.» (۶).

بازتاب مواضع اخیر ایران سبب گردید تا سیاست خارجی ایران و اوضاع داخلی آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. رضانی، یکی از کارشناسان

ص: ۱۱۸

۱- ۳۱۵. رادیو امریکا، ۲۹ / ۵ / ۶۶.

۲- ۳۱۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۵، ۳۱ / ۵ / ۶۶، استکهلم، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۳۰ / ۵ / ۶۶، رادیو سوئد.

۳- ۳۱۷. ریچارد مورفی معاون وزیر خارجه ی امریکا برپایه مواضع جدید ایران اعلام کرد: «جنگ ایران و عراق بسیار طولانی نخواهد بود.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه ی شماره ی ۱۵۸، ۳ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۱ / ۶ / ۶۶).

۴- ۳۱۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۶، ۱ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

۵- ۳۱۹. پیشین.

۶- ۳۲۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۸، ۳ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۶ / ۶۶.

امریکایی امور ایران به این مسئله اشاره کرد که برداشت جهان خارج از سیاست ایران «ترکیبی از جنگجویی و واقعیت گرایی» است که منعکس کننده درگیریهای سیاسی داخلی می باشد. وی همچنین اظهار داشت که خشم ایران در مورد فشار نظامی امریکا سبب شد مذاکره دو کشور تا مدتی متوقف شود. اما هنوز علامتهایی مبنی بر تمایل ایران برای مذاکره با امریکا مشاهده می شود. (۱).

رایین رایت روزنامه نگار امریکایی نیز پس از سفر به جمهوری اسلامی برداشت جدیدی از مواضع ایران داشت. وی گفت تصور نمی کنم که ایران خواستار مقابله ی نظامی باشد و این پیامی است که روزانه، شخصیت‌های سیاسی پا به پای مقامات نظامی آن را باز می کنند. وی در عین حال اظهار داشت که مسائل بستگی به روند جنگ در پایین خواهد داشت. سپس او امکان مقابله ایران را مشروط به سه مسئله کرد:

۱- جنگ نفتکشها با حمله عراق از سر گرفته شود.

۲- تأسیسات نفتی ایران بویژه در جزیره ی خارک مورد حمله قرار گیرد.

۳- کشتیهایی که به ایران رفت و آمد دارند، هدف قرار گیرند. (۲).

از سرگیری مجدد حملات عراق

پس از توقف حملات عراق بر اثر فشار امریکا، عراقیها با مشاهده تلاشهای سیاسی ایران و استقبال امریکا از مواضع جدید مسئولین کشور، (۳) اوضاع را به زیان خود ارزیابی کردند. رادیو لندن پس از توقف حملات عراق طی تحلیلی گفت:

«اگر عراق ببیند برای متوقف کردن این حملات هیچگونه فشاری بر ایران

ص: ۱۱۹

۱- ۳۲۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۲، ۶/۶/۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶/۶/۶۶.

۲- ۳۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۱، ۶/۶/۶۶، رادیو امریکا، ۶/۶/۶۶.

۳- ۳۲۳. برابر گزارش منتشره در روزنامه ی آبزور چاپ لندن نمایندگان ایران و امریکا در سوئیس طی ملاقات محرمانه، اوضاع خلیج فارس و مسئله گروگانهای امریکایی در لبنان را مورد بررسی قرار داده اند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۷۲، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۵/۶/۶۶).

وارد نمی شود، آن وقت نمی توان تصور کرد که عراق به صبر خود ادامه دهد.»

در ادامه این تحلیل در مورد پیامد حمله عراق آمده است:

«اگر عراق جنگ نفتکشها را از سر بگیرد و ایران هم چنانکه گفته است با حمله به متحدان عرب عراق به عمل متقابل دست بزند و امریکا هم ناگزیر به اقدام تلافی جویانه نشود، آن وقت دیگر قطعنامه ۵۹۸ معنایی نخواهد داشت. (۱) در آن صورت طرفهای متخاصم دیگری در جنگ ایران و عراق درگیر خواهند شد. (۲)»

در واقع، معادله‌ی حاکم بر جنگ بدین شکل بود که عراق لازمه‌ی پایان دادن به آن را گسترش حملات به منابع نفتی و نفتکشها و همچنین کشتیهای تجاری ایران می دانست و چنین ارزیابی می کرد که بر اثر اقدامات تلافی جویانه ایران، امریکا به حمایت از کشورهای منطقه، با ایران درگیر شده و این امر نهایتاً به سود عراق خواهد بود. ایران نیز متقابلاً شرط اتمام جنگ را تأمین خواسته‌های خود، مبنی بر تعیین متجاوز و سپس برقراری آتش بس، می دانست. اقدامات نظامی ایران در جبهه‌های نبرد بر پایه‌ی این درک انجام می گرفت که با خطر انداختن موقعیت سیاسی و نظامی عراق، حامیان جهانی و منطقه‌ای این کشور نهایتاً خواسته‌های ایران را خواهند پذیرفت. ایران همچنین در برابر حملات عراق، مقابله به مثل را تنها عامل مؤثر برای فشار بر عراق و باز داشتن این کشور از حمله به منابع و تأسیسات نفتی خود می دانست.

امریکاییها از یک سو می بایست عراق را برای خودداری از حملات متقاعد ساخته و تحت فشار قرار می دادند و از سوی دیگر با ایران برای در نظر گرفتن

ص: ۱۲۰

۱- ۳۲۴. پیش از این آقای لاریجانی طی مصاحبه با شبکه‌ی تلویزیونی امریکا، حضور امریکا در منطقه و حملات عراق را به معنای مخالفت با محتوای قطعنامه ارزیابی کرده بود.

۲- ۳۲۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۷، ۶/۶/۶۲، رادیو لندن، ۶/۶/۶۶.

خواسته هایش، مذاکره را از سر می گرفتند. در این روند عراق پس از مشاهده تلاشهای امریکا، به حملات خود و نتایج ناشی از آن امیدوار بود و امریکاییها نیز قادر به مهار عراق نبودند. در چنین موقعیتی کنترل اوضاع برای امریکاییها بسیار پیچیده و دشوار بود.

سفیر عراق در واشنگتن با مشاهده روند تحولات جنگ، سخنانی را اظهار داشت که نشانه‌ی از سرگیری مجدد حملات عراق بود. وی گفت:

اگر تلاشهای سازمان ملل متحد در آینده موجب پایان یافتن جنگ نشود، نیروهای عراقی این حق را برای خود محفوظ می دانند که کشتیهای حامل نفت ایران را در خلیج فارس مورد هدف قرار دهند. (۱).

رئیس جمهور وقت ایران، آیت الله خامنه‌ای، بلافاصله پس از اظهارات سفیر عراق در امریکا در نماز جمعه تهران اعلام کرد: «اگر عراق به کشتیهای ایران حمله بکند، امریکا با یک شکست آشکار مواجه خواهد شد.» (۲).

یک روز پس از اظهارات رئیس جمهور ایران، عراق پس از یک توقف ۴۵ روزه، مجدداً حملات هوایی خود را با حمله به نفتکش الوند که مشغول گرفتن نفت خام در جزیره سیری بود، از سر گرفت. (۳) رادیو لندن در این مورد گفت:

«حمله عراق درست یک روز پس از آنکه رئیس جمهور ایران هشدار داد که اگر عراق به نفتکشهای ایران حمله کند، ایران به تلافی آن به کشتیهای امریکایی حمله خواهد کرد، انجام گرفت.» (۴).

صدام پس از حمله‌ی هواپیماهای عراقی اعلام کرد:

«از حالا به بعد در دریا به ایران حمله و تمام شاهرگهای اقتصادی ایران را منهدم خواهیم کرد.» (۵).

سفیر عراق در امریکا نیز طی مصاحبه‌ای اظهار داشت:

«ما قصد داریم کشتیهای بیشتری را در محدوده آبهای ایران هدف قرار دهیم.»

ص: ۱۲۱

۱- ۳۲۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵۹، ۶/۶/۶۶، رادیو اسرائیل.

۲- ۳۲۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۲، ۶/۶/۶۶، انعکاس نماز جمعه تهران در خبرگزاری یونایتدپرس ۶/۶/۶۶.

۳- ۳۲۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۳، ۶/۶/۶۶، خبرگزاری رویتر، ۶/۶/۶۶.

۴- ۳۲۹. پیشین، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶/۶/۶۶.

۵- ۳۳۰. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۶/۶/۶۶.

وی همچنین در مورد اقدامات تلافی جویانه ایران گفت:

«ایران نه تنها علیه امریکا بلکه علیه کشورهای منطقه نیز اقدامی نخواهد کرد، زیرا می داند این مسئله بار بیشتر را روی ماشین جنگی ایران تحمیل خواهد کرد.» (۱).

اظهارات سفیر عراق عمدتاً به منظور رهایی از فشار امریکا و کشورهای منطقه بود، زیرا عراقیها به خوبی می دانستند که ایران اقدامات تلافی جویانه را حق محفوظ خود می داند و خودداری ایران از اقدامات مقابله به مثل در واقع میدان عمل عراق را گسترش داده و موجب می شود منابع ایران به صورت تدریجی منهدم شود. طارق عزیز و وزیر خارجه ی وقت عراق نیز با سخنانی که بیانگر اهداف عراقیها و درک آنها از روند جنگ بود، هشدار داد که هر گونه موضع ایران جدا از موافقت رسمی و علنی با اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، سبب خواهد شد عراق خود را در مقابل هیچ چیز متعهد نداند و با تلاش ایران برای تفکیک جنگ مقابله کند. وی همچنین از همراهی برخی از کشورها با ایران انتقاد کرد. (۲).

امریکا بلافاصله از طرفهای درگیر در جنگ درخواست کرد که از خود خویشتن داری نشان دهند. یک مقام دولتی امریکا که همراه ریگان در کالیفرنیا به سر می برد اظهار داشت که از شروع حملات عراق شگفت زده نیست. (۳).

اصابت موشک به کویت

امریکاییها که از متقاعد ساختن ایران ناامید شده بودند و توانایی جلوگیری از تجاوز هوایی عراق را هم نداشتند، به ناچار بخشی از فشار خود علیه ایران را با چراغ سبز به عراق اعمال کردند و امیدوار بودند ایران با رها کردن خواسته های خود، طرح و ابتکار عمل سازمان ملل برای پایان بخشیدن به جنگ را بپذیرد. در همین موقعیت، عراق حملات خود را از سر گرفت.

ص: ۱۲۲

۱- ۳۳۱. پیشین، خبرگزاری کویت، ۶/۶/۶۶.

۲- ۳۳۲. پیشین.

۳- ۳۳۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۴، ۶/۶/۶۶، واشنگتن، خبرگزاری رویتر، ۶/۸/۶۶.

پس از گذشت ۴۸ ساعت از شروع دور جدید تهاجم عراق، در خلیج فارس به یک کشتی باربری با پرچم کویت حمله شد. (۱) ناظران در این حمله یک قایق تندرو را مشاهده کرده بودند. متقابلاً عراق در ادامه حملات خود دو نفتکش و یک یدک کش متعلق به ایران را مورد حمله قرار داد. (۲) در رسانه های خبری پیش بینی اقدامات تلافی جویانه ایران در برابر حملات منظم عراق بازتاب نسبتاً گسترده ای داشت. برخی از ناظران با توجه به اینکه رهگیری قایقهای تندرو دشوار بود و همچنین به علت در دسترس بودن کشتیهای کویتی، پیش بینی می کردند ایران از حمله به کشتیهای امریکا خودداری خواهد کرد و در عوض کشتیهای حامیان عرب عراق را مورد حمله قرار خواهد داد. (۳).

امریکاییها پس از سکوت اولیه در برابر تهاجمات عراق و پس از گسترش درگیری، از عراق درخواست کردند که از حمله علیه تأسیسات نفتی ایران خودداری نماید، لیکن عراق از پذیرش درخواست امریکا خودداری کرد. (۴) در ادامه درگیری در منطقه، خبرگزاری رویتر مدعی شد که ایران تاکنون ۸ فروند کشتی را مورد حمله قرار داده است. (۵).

سرانجام در تاریخ ۱۳ / ۶ / ۶۶ اصابت یک فروند موشک به جنوب کویت منجر به استمداد کویت از سازمان ملل شد. وقوع این رویداد بازتاب وسیعی داشت، به گونه ای که در صدر اخبار سراسری امریکا پخش شد. (۶) روزنامه های انگلیس نیز به صورت گسترده ای مبادرت به درج خبر و ادامه گزارش و تفسیر کردند. برخی شلیک موشک را یک «تحول ناگهانی و کاملاً غیر منتظره در جنگ» (۷) ارزیابی کردند، کاخ سفید امریکا در اولین واکنش خود اعلام کرد که شلیک موشک تغییر مهمی را در منطقه خلیج فارس ایجاد نمی کند. وزارت دفاع امریکا نیز اعلام کرد که موشک از نوع «سیلک ورم» (کرم ابریشم) بوده است. (۸).

ص: ۱۲۳

۱- ۳۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۵، ۱۰ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۹ / ۶ / ۶۶.

۲- ۳۳۵. همان، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۹ / ۶ / ۶۶.

۳- ۳۳۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۶، ۱۱ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۱۰ / ۶ / ۶۶.
۴- ۳۳۷. پیشین.

۵- ۳۳۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۶۸، ۱۳ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۱۲ / ۶ / ۶۶.

۶- ۳۳۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۷۱، ۱۵ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۶ / ۶۶.

۷- ۳۴۰. پیشین، روزنامه ی گاردین.

۸- ۳۴۱. پیشین، خبرگزاری فرانسه، ۱۴ / ۶ / ۶۶.

روزنامه کویتهی الرأی العام بدون اشاره به علل شلیک موشک به ساحل کویت و محکوم کردن عراق، از این واقعه به عنوان یک نقطه عطف در جنگ که ایران مایل به گسترش آن می باشد یاد کرد! (۱) دولت کویت نیز پنج دیپلمات ایرانی را از کویت اخراج کرد. (۲).

حمله موشکی به ساحل کویت در پاسخ به تهاجمات هوایی عراق، بحران منطقه خلیج فارس را وارد مرحله جدیدی کرد. این حادثه همچنین نشان داد که حضور نیروهای امریکا نه تنها کمکی به حل بحران نکرده، بلکه منجر به گسترش آن نیز شده است ضمن اینکه صحت تحلیل‌های موجود، یعنی تأثیر بازراندگی حضور نیروهای امریکا در منطقه را در برابر ایران مخدوش کرد.

رویارویی ایران و امریکا در خلیج فارس

به هنگام دیدار خاویر پرز دکوئیار دبیر کل وقت سازمان ملل از دو کشور ایران و عراق، تدریجا با از سرگیری حملات هوایی عراق علیه تأسیسات و منابع نفتی ایران، بر شدت درگیریها میان دو کشور افزوده شد. خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز در گزارش ارسالی از بغداد نوشت که دبیر کل سازمان ملل متحد بدون آنکه توفیق آشکاری در زمینه خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق حاصل کرده باشد، خاک عراق را ترک کرد. در این گزارش که از رادیو امریکا نیز پخش شد به نقل از دیپلماتها آمده بود که کلید پایان جنگ همچنان در دست ایران است. در ادامه همین گزارش، اشاره شده بود:

«مقامات عراقی تصور می کنند که در غیاب صلح، راه پایان دادن به جنگ خلیج فارس، ادامه زد و خورد و شاید هم گسترش جنگ از جانب عراق است.» (۳).

امریکاییها در موقعیت جدید به دنبال کسب ابتکار عمل در جنگ بودند.

ص: ۱۲۴

۱- ۳۴۲. پیشین، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۱۴ / ۶ / ۶۶.

۲- ۳۴۳. پیشین، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۵ / ۶ / ۶۶.

۳- ۳۴۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۸۳، ۲۸ / ۶ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۶ / ۶ / ۶۶.

چنانکه افزایش تمرکز ناوهای امریکا و ناتو در منطقه (۱) و موافقت ضمنی امریکا (۲) با تهاجمات عراق به منظور فزونی یافتن فشار بر ایران، نشان دهنده ی تلاشهای جدید امریکا بود. بدین معنا که امریکاییها در نظر داشتند ضمن طرح ریزی اقدام نظامی (۳) علیه ایران، با تحرکات دیپلماتیک، قطعنامه ی شدید اللحنی را علیه ایران در سازمان ملل به تصویب برسانند و شولتز وزیر خارجه وقت امریکا گفت که این کشور در انتظار روشن شدن نتایج مأموریت خاویر پرز دکویار در تهران و بغداد است تا در صورت لزوم خواستار تصویب قطعنامه ی شدید اللحنی شامل مجازات علیه کشور متخاصمی بشود که از اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت خودداری می کند. وی همچنین در این گفتگو که با شبکه تلویزیونی س. بی. اس امریکا انجام گرفت، مطالبی را اظهار کرد که نشان دهنده احتمال اقدام نظامی امریکا علیه ایران بود. او گفت:

«چنانکه موقعیت ایجاب کند ما اقدام به مجازات خواهیم کرد. ایرانیان باید به تصمیم و عزم راسخ ما اطمینان داشته باشند.» (۴)

ابتکار عمل جدید امریکا دقیقا در موقعیتی طرح ریزی و برای اجراء آماده می شد که امریکاییها نتایج مورد نظر خود مبنی بر پایان بخشیدن به جنگ را بر پایه ی حضور نظامی در منطقه و تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ کسب نکرده بودند. در

ص: ۱۲۵

۱- ۳۴۵. روزنامه پراودا چاپ مسکو در مورد تمرکز ناوگانهای امریکا در منطقه می نویسد: «دولت امریکا بی میل نیست که ایران عمل خصومت آمیزی انجام دهد تا به آن پاسخ دندان شکنی داده شود.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۶ / ۶۶).

۲- ۳۴۶. روزنامه ایزوستیا چاپ شوروی امریکا را متهم به ارسال اطلاعات جاسوسی درباره تأسیسات نظامی و اقتصادی ایران به عراق کرد و نوشت: «همین اطلاعات رژیم عراق را در حملات هوایی علیه ایران تشویق می کند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۷۳، ۱۸ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۶ / ۶۶).

۳- ۳۴۷. مرکز مطالعات صلح دانشگاه براد فورد امریکا ضمن گزارش درباره حملات نظامی احتمالی امریکا، از جمله حملات محدود به پایگاههای دریایی ایران می نویسد: «امریکا اکنون از نظر نظامی در موقعیت دست زدن به چنین حملاتی قرار دارد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۷۵، ۲۰ / ۶ / ۶۶، خ یونایتدپرس ۱۹ / ۶ / ۶۶).

۴- ۳۴۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۷۹، ۲۴ / ۶ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۶ / ۶۶.

مقابل، ایران نیز ضمن اقدامات تلافی جویانه در برابر عراق، تلاشهای دیپلماتیک خود را برای تغییر و جابجایی بندهای قطعنامه ی ۵۹۸ انجام می داد و رئیس جمهور وقت ایران نیز قرار بود متعاقب سفر دبیر کل سازمان ملل به ایران و مذاکراتی که انجام گرفته بود، در اجلاس عمومی سازمان ملل شرکت کرده و در تالار مجمع عمومی سخنرانی نماید. بنابراین، تشدید حملات عراق نیز در چارچوب سیاستهای این کشور و امریکا معنا و مفهوم داشت.

حمله امریکا به کشتی ایران اجر

شب هنگام دوشنبه ۳۰ / ۶ / ۶۶ در ساعت ۲۲:۴۰ به وقت محلی (۱۹:۴۰ به وقت گرینویچ) و در موقعیت جغرافیایی ۲۸ / ۲۶ درجه شمالی و ۲۶ / ۵۱ درجه طول شرقی، دو هلیکوپتر نیروی دریایی امریکا که از روی کشتی فرانکین چارت به پرواز درآمده بودند، (۱) کشتی ایران اجر متعلق به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را به اتهام مین گذاری، بدون هیچ گونه هشدار قبلی، مورد حمله قرار دادند. بلافاصله پنتاگون طی بیانیه ای اعلام کرد که در این حادثه ۴ خدمه کشتی ایرانی کشته و ۴ تن دیگر زخمی شده اند. همچنین ۱۰ ملوان دیگر این کشتی به ناو فرماندهی لاسال منتقل شدند. (۲).

رئیس جمهور وقت امریکا اعلام کرد که در نظر دارد مدارک مربوط به مین گذاری ایران را در اختیار سازمان ملل قرار دهد. (۳) سفیر امریکا در سازمان ملل، ورنون والترز، نیز اعلام کرد که چون این کشتی در حال مین گذاری بوده است، براساس قوانین متعارف مستلزم برخورد بود. وی همچنین در مورد اقدام تلافی جویانه ایران اظهار داشت که در صورت حمله ایران به نیروهای امریکایی، امریکا اقدامات مقتضی را به عمل خواهد آورد. (۴).

تبلیغات امریکا برای توجیه اقدام نظامی علیه کشتی ایران اجر و همچنین نگرانی از اقدام تلافی جویانه ایران بیشترین نقش و تأثیر را در جهت دهی به

ص: ۱۲۶

۱- ۳۴۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۸۷، ۱ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری آسوشیتدپرس و رویتر، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

۲- ۳۵۰. پیشین، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

۳- ۳۵۱. پیشین، رادیو امریکا، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

۴- ۳۵۲. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

تلاش‌های دیپلماتیک را داشت. ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا اعلام کرد که اقدام نظامی واحدهای دریایی آمریکا یک «اقدام تدافعی» بوده است. وی همچنین اضافه کرد که نگران تهدیدهای انتقام‌جویانه ایران نیست! (۱).

شبکه تلویزیونی سراسری ای. بی. اس آمریکا تصاویر مختلفی را از کشتی ایران اجر و مینهای کشف شده به نمایش گذاشت. (۲) همچنین تمام شبکه‌های تلویزیونی عمده آمریکا روز سه‌شنبه و متعاقب سخنرانی رئیس‌جمهور وقت ایران آیت‌الله خامنه‌ای در مجمع عمومی سازمان ملل، برنامه‌های عادی خود را قطع کرده و گزارشهایی از خدمه نظامی کشتی و مینهای داخل آن پخش کردند. (۳) شبکه‌ای بی‌سی نیز ضمن تأکید بر خشنودی محافل سیاسی - نظامی آمریکا گفت که گرچه این حمله از بعد نظامی کوچک است، اما دولت ریگان معتقد است پیروزی سیاسی بسیار مهمی کسب کرده است. (۴) اعضای کنگره آمریکا نیز از اقدامات نیروی دریایی آمریکا علیه ایران حمایت کردند. رئیس کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا گفت که به اعتقاد او شواهد موجود نشان می‌دهد که نیروهای آمریکایی حق داشتند به قایق ایرانی حمله کنند. (۵) همچنین چند روز بعد سنای آمریکا با حمایت از اقدام نظامی نیروی دریایی آمریکا اصلاحیه‌ای را تصویب کرد که به موجب آن، نیروی دریایی آمریکا حق داشت هر کشتی ایرانی را که سعی کند مانع از عبور کشتیهای دیگر حامل شهروندان آمریکا شود، غرق کند. (۶) نظر به اینکه تهاجم دریایی نیروهای آمریکا به کشتی عمومی ایران یک شب قبل از سخنرانی رئیس‌جمهور وقت ایران در مجمع عمومی سازمان ملل انجام گرفت، لذا کاملاً منطقی به نظر می‌رسید که این اقدام در چارچوب ابتکار عمل جدید آمریکا از قبل طرح ریزی و سازماندهی شده باشد. مقامات وزارت دفاع آمریکا مطالبی را در این زمینه بیان کردند که نشانگر صحت این موضوع است:

ص: ۱۲۷

۱- ۳۵۳. پیشین، رادیو آمریکا، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

۲- ۳۵۴. پیشین، رادیو آمریکا، ۳۱ / ۶ / ۶۶.

۳- ۳۵۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۸۸، ۲ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷ / ۱ / ۶۶.

۴- ۳۵۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۱، ۵ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷ / ۴ / ۶۶.

۵- ۳۵۷. مأخذ شماره ۱۹۶.

۶- ۳۵۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۰، ۴ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۳ / ۷ / ۶۶.

«نیروهای امریکایی کشتی ایران اجر را چندین روز زیر نظر داشتند و در انتظار شواهد قطعی دال بر اینکه مینهای زیر آبی کار می گذارد، بودند.» (۱).

یکی از همین مقامات که مایل به افشاء نام خود نبود گفت: زمانی که کشتی ایرانی به طرف بحرین حرکت می کرد از طریق هوا ردیابی شد و این عملیات «تصادفی» نبود. (۲).

اقدامات احتمالی ایران علیه امریکا، بیشترین بحث را در محافل کارشناسی و همچنین رسانه های خبری، به خود اختصاص داد. برخی از تحلیلگران اقدام ایران را بیشتر لفظی دانسته و بر این نظر بودند که ایران چون سعی دارد تحریم تسلیحاتی پیشنهادی علیه خود را دفع کند، لذا اقدام خاصی نخواهد کرد. (۳) شیرین هانتر از کارشناسان امور ایران در مؤسسه ی مطالعات استراتژیک و بین المللی در واشنگتن، این حادثه را به علت شکسته شدن یک عامل روانی، (۴) عامل مهمی برای نگرانی و تشویق ذکر کرد.

دیپلماتهای مستقر در کشورهای خلیج فارس نیز اعلام کردند که بر اثر این درگیری، دو کشور در آستانه یک رویارویی با یکدیگر قرار گرفته اند. آنها تأکید کردند که این حادثه نشان داد ایران همچنان مصمم به ایجاد اختلال در حرکت کاروانهای امریکا (اسکورت نفتکشهای کویت) در خلیج فارس و امریکا نیز مصمم به مقابله با تلاشهای ایران است. (۵) یکی از همین دیپلماتهای غربی گفت:

«این امر به وضوح نشان می دهد که ایران آماده قبول خطرات ناشی از رویارویی با امریکاست و از افزایش نیروهای دریایی خارجی در منطقه ترس ندارد.» (۶).

در میان ناظران و تحلیلگران، برژینسکی مشاور امنیت زمان کارتر، خواهان اقدامات قاطعانه علیه ایران بود. او بر این اعتقاد بود که هشدار درباره دخالت امریکا در خلیج (فارس) احمقانه است و کسانی که چنین هشدارهایی را

ص: ۱۲۸

۱- ۳۵۹. مأخذ شماره ۲۰۰، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۶۶ / ۷ / ۱.

۲- ۳۶۰. پیشین.

۳- ۳۶۱. مأخذ شماره ۲۰۰، خبرگزاری رویتر، ۶۶ / ۷ / ۱، فردا کسلگارد.

۴- ۳۶۲. مأخذ شماره ۲۰۰، خبرگزاری رویتر، ۶۶ / ۷ / ۱.

۵- ۳۶۳. پیشین.

۶- ۳۶۴. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۶۶ / ۶ / ۳۱.

می دهند، نمی دانند یا نمی خواهند بدانند که خلیج (فارس) از نظر استراتژیک برای ما اهمیت دارد و باید منافع امریکا در آنجا حفظ شود. وی سپس در مورد موقعیت امریکا و ضرورت اقدام قاطع گفت:

«کشورهای عرب منطقه خلیج (فارس) طی چند ماه گذشته در مورد اعتبار امریکا دچار مسائل و تردیدهای زیادی بودند که اینک باید این تردیدها رفع شده باشد. امریکا برای به دست آوردن مجدد اعتبار خود (۱) بهایی را نپرداخته و تنها روابط با ثبات تر و اوضاع خلیج (فارس) نیز آرامتر شده است.» (۲).

امریکاییها پس از انجام یک اقدام نظامی و نمایاندن اراده و قدرت خود در حمله به کشتی ایران اجر و همچنین برخورداری از نقش مؤثر در ترغیب و تشویق سعودیها در حمله به حجاج ایرانی، (۳) مایل به خاتمه بخشیدن به درگیری میان ایران و امریکا بودند. لذا ریگان رئیس جمهور وقت امریکا اعلام کرد:

«ما این واقعه را تمام شده تلقی می کنیم.» (۴).

برخی از تحلیلگران و رسانه های خبری با بررسی سیاست ریگان در منطقه خلیج فارس، در مجموع به ثمربخش بودن آن رأی دادند. چنانکه روزنامه معروف کریستین ساینس مانیاتور به نقل از خبرنگار خود در منامه، با توجه به عکس العمل محدود ایران در برابر حملات اخیر عراق و همچنین اقدام امریکا، نوشت:

«به گفته تحلیلگران، این شیوه اختیارات ایران را محدود کرده است. ایران به گونه ای فزاینده از حمله مستقیم به کشتیها، به خاطر مخاطرات نظامی

ص: ۱۲۹

۱- ۳۶۵. در اینجا برژینسکی به مخدوش شدن اعتبار امریکا پس از افشای ماجرای مک فارلین اشاره دارد. لذا اقدام نظامی را پس از حضور نیروهای امریکا در منطقه، به مثابه پرداختن بهای لازم برای کسب اعتبار مجدد امریکا ذکر می کند.

۲- ۳۶۶. مأخذ شماره ۲۰۱.

۳- ۳۶۷. در این زمینه در صفحات بعد توضیح داده خواهد شد.

۴- ۳۶۸. مأخذ شماره ۲۰۳.

ناشی از حضور دریایی سنگین امریکا در خلیج فارس اکراه دارد. علاوه بر این، این گونه حملات می تواند به این پندار در سازمان ملل که تهران مایل به یافتن یک راه حل دیپلماتیک برای جنگ است، آسیب بزند.»

این نشریه سپس در مورد سیاست امریکا در خلیج فارس به نقل از یک دیپلمات غربی که پیش از این به سیاست امریکا خرده می گرفت، افزود:

«اینک پس از یک شروع نا ميمون، سياست امریکا به عملیات موفقیت آمیز منجر شده و دستاورد بسیار داشته است.» (۱).

واینبرگر وزیر دفاع امریکا که در حال بازدید از منطقه بود در مورد اهمیت اقدامات امریکا گفت:

«به عقیده من آنچه که ما انجام می دهیم از آن نظر اهمیت دارد که ایران دریابد که جنگ باید به پایان برسد و آنها نمی توانند با تهدید و ارباب پیروز شوند.»

وی سپس اضافه کرد:

«تنها راه دفاع از صلح، قدرتمند بودن است.» (۲).

در فضای ناشی از تشدید فشار امریکا به ایران (۳) با حمله به کشتی ایران اجر و تلاش برای تصویب قطعنامه به منظور تحریم تسلیحاتی ایران، روزنامه الثوره، ارگان حزب بعث عراق، ضمن اشاره به ضرورت تداوم حملات علیه ایران نوشت:

«یا صلح تمام عیار وجود خواهد داشت و یا یک جنگ همه جانبه.» (۴).

اظهارات واینبرگر به هنگام سفر به منطقه و همچنین محتوای مقاله روزنامه الثوره نشانگر چراغ سبز امریکا به عراق مبنی بر تشدید حملات علیه ایران بود.

ص: ۱۳۰

۱- ۳۶۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۸، ۱۲/۷/۶۶، رادیو امریکا، ۱۱/۷/۶۶.

۲- ۳۷۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۲، ۱۶/۷/۶۶، رادیو آمریکا، ۱۵/۷/۶۶.

۳- ۳۷۱. رادیو لندن طی گزارشی از تحولات منطقه می گوید: «استراتژی عراق همواره آن بوده که جنگ خلیج (فارس) را بین المللی کند و بویژه پای امریکا را به جنگ بکشاند که تا حدی هم موفق شده است. عراق به خوبی درک می کند که ایران در خلیج فارس آسیب پذیر است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۸۹، ۳/۷/۶۶، رادیو لندن ۲/۷/۶۶).

۴- ۳۷۲. پیشین، آسوشیتدپرس، ۵/۷/۶۶.

طوری که دیپلماتهای مقیم بغداد چنین پیش بینی کردند که در ظرف روزهای آینده، مرحله جدیدی از حملات عراق علیه ایران آغاز خواهد شد. (۱).

در این مرحله محرک اصلی عراقیها برای از سرگیری و تشدید حملات هوایی علیه منابع و تأسیسات نفتی و اقتصادی ایران، علاوه بر اوضاع ناشی از درگیری نظامی بین ایران و آمریکا، عمدتاً ناکامی تلاشهای سیاسی آمریکا در تصویب قطعنامه ای برای تحریم تسلیحاتی ایران بود. خبرگزاری یونایتدپرس در این زمینه می گوید:

«نامیدی عراق از تلاشهای بین المللی برای خاتمه بخشیدن به جنگ ظاهراً سبب شده است که این کشور تأسیسات نفتی ایران را آماج مخربترین حملات نیروی هوایی خود ظرف هفت سال اخیر قرار دهد.» (۲).

سفیر جدید عراق در آمریکا پس از تسلیم استوارنامه خود به معاون وزیر خارجه آمریکا (وایتهد) برای کسب موافقت آمریکا جهت تشدید حملات هوایی عراق می گوید:

«واشنگتن درک کرده است که چرا عراق پس از آنکه ایران از قبول دستور شورای امنیت برای برقراری آتش بس در جنگ هفت ساله خودداری کرد، حملات هوایی خود علیه ایران را از سر گرفت.» (۳).

ناکامی آمریکا در تصویب قطعنامه ای برای تحریم تسلیحاتی ایران عمدتاً متأثر از نتایج ناشی از تلاشهای دیپلماتیک ایران و گفتگو با دبیر کل و برخی از اعضای شورای امنیت در مورد قطعنامه ی ۵۹۸ بود. ضمن اینکه موضع گیری روسها (۴) نیز نقش مهمی در ناکامی امریکاییها داشت. (۵) به همین دلیل،

ص: ۱۳۱

-
- ۱- ۳۷۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۱، ۶۶/۷/۵، خبرگزاری خلیج فارس، ۶۶/۷/۴.
 - ۲- ۳۷۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۳، ۶۶/۷/۷، خبرگزاری یونایتدپرس.
 - ۳- ۳۷۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۷، ۶۶/۷/۱۱، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۰/۶۶/۷، الانباری سفیر عراق در آمریکا.
 - ۴- ۳۷۶. روزنامه الثوره ارگان حزب بعث عراق نیز شوروی را به ایجاد مانع در اجرای قطعنامه ۵۹۸ متهم کرد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۱۹۹، ۶۶/۷/۱۳، خبرگزاری رویتر ۶۶/۷/۱۲).
 - ۵- ۳۷۷. آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه تهران از موضع شورویها و کشورهای بلوک شرق به خاطر محکوم کردن حضور آمریکا در خلیج فارس تشکر کرد. (روزنامه های یومیه ۶۶/۷/۱۱).

ریگان به هنگام نگارش نامه ای به کنگره امریکا با اشاره به نقش شوروی می نویسد:

«ما امیدواریم در موقعیتی که شورای امنیت در جهت ایجاد زمینه ای برای اجرای قطعنامه است، دولت شوروی به جای به تعویق انداختن کار، در این زمینه، همکاری کند و در پی استفاده از فرصتهای برای گسترش نفوذ خود، به قیمت از دست رفتن صلح در منطقه برنیاید.» (۱).

چند روز بعد وزیر خارجه ی امریکا رسماً به شکست طرح تحریم تسلیحاتی ایران اعتراف کرد. وی پس از این ناکامی اعلام کرد که امریکا موافقت کرده وقت بیشتری برای دیپلماسی به شورای امنیت بدهد تا شاید بتواند به یک آتش بس در جنگ ایران و عراق دست یابد. وی پس از ملاقات با وزرای امور خارجه چهار عضو دائمی شورای امنیت گفت:

«امکان تحریم و مجازات از بین نرفته است و احتمال حتمی آن وجود دارد مگر اینکه پاسخ رضایت بخشی از سوی ایران وجود داشته باشد... عراقیها اساساً این قطعنامه را پذیرفته ولی ایرانیان نپذیرفته اند، اگر چه چیزهای مثبتی گفته اند.» (۲).

در این مرحله امریکاییها گر چه با حمله به کشتی ایران اجر و تشویق و ترغیب عراق برای حمله به منابع و تأسیسات نفتی و اقتصادی جمهوری اسلامی، در تشدید فشار به ایران گامهایی برداشتند، لیکن در تصویب قطعنامه ای به منظور تحریم تسلیحاتی ایران ناکام بودند.

عملیات خفجی

رأس الخفجی یک منطقه نفتی بی طرف میان کویت و عربستان سعودی است که در شمال خلیج فارس قرار دارد و در آنجا روزانه ۲۰۰ هزار بشکه نفت تولید و صادر می شود.

فزونی یافتن حمایت همه جانبه کویت و عربستان سعودی از عراق، به موازات افزایش حملات هوایی عراق علیه تأسیسات و منابع نفتی و اقتصادی ایران

ص: ۱۳۲

۱- ۳۷۸. مأخذ شماره ۲۰۳.

۲- ۳۷۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۱، ۵ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۴ / ۷ / ۶۶.

سبب گردید تا در اقدامات تلافی جویانه ایران بعضا کشتیهای دو کشور یاد شده مورد تهاجم قرار گیرند. در همین روند، تهاجم طرح ریزی شده سعودیها با حمایت امریکا به حجاج ایرانی بیت الله الحرام (۱) در مراسم براثت از مشرکین، بر تیرگی مناسبات میان دو کشور افزود. آقای هاشمی در مصاحبه ای مطبوعاتی در مورد واکنش ایران در برابر اقدام سعودیها گفت:

«ما طرحهایی برای نشان دادن این عکس العمل داریم که در موقع مناسب خود آنها را اجرا خواهیم کرد. من فکر می کنم که سعودیها برای آنچه که انجام داده اند، متأسف خواهند شد.» (۲).

اندک زمانی بعد از اظهارات آقای هاشمی، در تاریخ ۱۲ / ۷ / ۶۶ برخی از خبرگزاریها و منابع نفتی در مورد تجمع غیر عادی تعداد زیادی قایق در نزدیکی پایانه های نفتی رأس الخفجی گزارش دادند. در این زمینه برخی از مقامات دیپلماتیک و منابع کشتیرانی گفتند:

«گفته می شود این کشتیها (قایقها) از پایگاه پاسداران انقلاب اسلامی در جزیره فارسی که در حدود ۱۲۰ کیلومتری جنوب سکوی نفتی ساحلی واقع است، آمده اند.» (۳).

همچنین یک دیپلمات گفت:

«قایقها در حدود ۲۰ کیلومتری نزدیک سکوی نفتی پراکنده بودند.» (۴).

برابر گزارشهای واصله، تجمع قایقها در سحرگاه روز شنبه (۱۱ / ۷ / ۶۶) انجام گرفته بود در این میان، روز جمعه کشتی امریکایی لاسال به عنوان کشتی

ص: ۱۳۳

۱- ۳۸۰. حجت الاسلام توسلی از مسئولین بعثه امام می گوید که روز قبل از حادثه وزیر حج و اوقاف عربستان در ملاقات با حجت الاسلام کروی نماینده حضرت امام از میزان شرکت کنندگان در راه پیمایی سؤال کرد و ایشان در پاسخ اظهار داشت که حجاج ایرانی ۱۶۵ هزار نفر هستند و ممکن است حجاج غیر ایرانی نیز در مراسم براثت از مشرکین شرکت کنند. در جواب، وزیر حج سعودی گفت که اگر تعداد به این میزان باشد، حتما در گیری به وجود خواهد آمد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۳۶، ۱۲ / ۵ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۱ / ۵ / ۶۶).

۲- ۳۸۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۸۳، ۲۸ / ۶ / ۶۶، لندن، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۶ / ۶۶.

۳- ۳۸۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۸، ۱۲ / ۷ / ۶۶، منامه، یونایتدپرس، ۱۱ / ۷ / ۶۶.

۴- ۳۸۳. پیشین.

فرماندهی اسکادران کشتیهای اسکورت در خلیج فارس، به طور ناگهانی از کاروان رو به جنوب جدا شده، به سمت شمال حرکت کرد. (۱) خبرنگار خبرگزاری یونایتدپرس در عرشه رزمناو امریکایی لاسال علت تغییر حرکت این رزمناو را مشاهده فعالیت‌های نیروی دریایی سپاه پاسداران ایران در روز جمعه ذکر کرد:

«به طور کلی فعالیت‌های وسیعی مشاهده شد و قایق‌های روی آب روان بودند و میزان فعالیت آنها بیشتر از حد معمول بود.» (۲).

در روز شنبه نیز هواپیماهای سعودی گزارشهایی را مبنی بر مشاهده قایق‌های نسبتاً زیاد و پراکنده، ارسال کردند. لیکن در مورد هدف و علت این اقدام هیچگونه گزارشی در منابع خبری منتشر نشد. روز بعد، یک تانکر عربستان سعودی بنام رد الکبری که حامل مواد شیمیایی بود در ساعات اولیه بامداد در نزدیکی سواحل امارات متحده عربی و در حالی که از ترمینال رأس التنوره به سمت بندر سعودی جده در حال حرکت بود، مورد حمله قرار گرفت. (۳) رادیو لندن با توجه به تحرکات اخیر، احتمال حمله به تأسیسات عربستان سعودی را مورد اشاره قرار داد. (۴).

تداوم درگیری ایران و آمریکا در خلیج فارس

در تاریخ ۱۶ / ۷ / ۶۶ هلیکوپترهای آمریکا به ۵ فروند قایق نیروی دریایی سپاه که در حال گشت زنی در منطقه بودند، حمله کردند. بر اثر اقدام تدافعی ایران، یک فروند هلیکوپتر آمریکا سقوط کرد. مرکز ستاد نیروهای دریایی آمریکا در واشنگتن و بحرین ابتدا سقوط هلیکوپتر آمریکا را تکذیب کردند. (۵) معاون وزیر جنگ آمریکا در مصاحبه ای با شبکه تلویزیونی سی. بی. اس ضمن اشاره به حضور آمریکا در منطقه و اظهار اینکه تهاجم اخیر آمریکا دو پیام برای ایران در پی دارد، یکی اعتماد به نفس نیروهای آمریکا در

ص: ۱۳۴

۱- ۳۸۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۹۹، ۱۳ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۲ / ۶۶ / ۷.

۲- ۳۸۵. پیشین.

۳- ۳۸۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۳، ۱۷ / ۷ / ۶۶، رادیو آمریکا، ۱۵ / ۷ / ۶۶.

۴- ۳۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۲، ۱۶ / ۷ / ۶۶، رادیو لندن، ۱۵ / ۷ / ۶۶.

۵- ۳۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۴، ۱۸ / ۷ / ۶۶، رادیو لندن، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

منطقه و دیگر اینکه ما یک قدرت بشر دوست هستیم! اعلام کرد:

«نیروهای جمهوری اسلامی ایران به روشنی به حمله ای خصمانه در آبهای بین المللی دست زدند و نیروهای امریکایی ناچار شدند با اقدامی دفاعی واکنش نشان دهند.» (۱).

سخنگوی کاخ سفید مارتین فیتزواتر گفت که ریگان در ساعت ۲۴ به وقت تهران از حادثه مطلع شد. وی اضافه کرد که به نظر می رسد این یک حادثه منفرد باشد، ما آن را ایجاد نکردیم. (۲) وزیر دفاع امریکا نیز اظهار داشت:

«قایقهای سریع السیر مسلح ایران به هلیکوپتر امریکایی آتش گشودند، نه یک هلیکوپتر که بیشتر وزارت دفاع امریکا گزارش کرده بود.» (۳).

اظهارات اولیه مقامات مسؤول امریکا تا اندازه ای متناقض بود. چنانکه در ابتدا وزارت دفاع اعلام کرد که به سوی یک هلیکوپتر امریکا شلیک شده و این هلیکوپتر با بی سیم از چند هلیکوپتر دیگر درخواست کمک کرده است. لیکن در گزارش اخیر امریکاییها مدعی شدند در حالی که سه فروند هلیکوپتر در حال گشت بود، قایقهای ایران به سمت آنها آتش گشودند. وزیر دفاع امریکا در این مصاحبه، سقوط یک فروند هلیکوپتر امریکا را تکذیب و اعلام کرد:

«ایالات متحده خواستار درگیری رزمی با ایران نیست.» (۴).

وزیر خارجه ایران در پیامی به دبیر کل سازمان ملل امریکا را مسؤول یک جنگ تمام عیار در خلیج فارس دانست. (۵) نماینده ایران در سازمان ملل نیز طی یک مصاحبه مطبوعاتی اقدام امریکا علیه ایران را اعلام جنگ ارزیابی کرد و گفت:

«تصور می کنم در حال حاضر با امریکا در حال جنگ هستیم... ما این حادثه را فراموش نمی کنیم و تدابیر و تصمیمات لازم را در موقع مقتضی اتخاذ خواهیم کرد... هلی کوپتر امریکایی آغازگر ماجرا بوده است.» (۶).

در این حادثه از پنج قایق ایران، سه فروند غرق شد و دو نفر از سرنشینان

ص: ۱۳۵

۱- ۳۸۹. پیشین، رادیو امریکا، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

۲- ۳۹۰. پیشین، خبرگزاری فرانسه، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

۳- ۳۹۱. مأخذ شماره ۲۲۸.

۴- ۳۹۲. پیشین.

۵- ۳۹۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۵، ۱۹ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۸ / ۶۶ / ۷ /

۶- ۳۹۴. پیشین، خبرگزاری فرانسه، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

شهید و شش نفر دیگر به اسارت نیروهای امریکا در آمدند. (۱).

در مورد این حادثه ولادیمیر پتروفسکی از مقامات امور خارجه شوروی در سازمان ملل اعلام کرد:

«به عقیده شوروی این حادثه ای بسیار جدی است.» (۲).

گورباچف رئیس جمهور وقت شوروی (پیشین) در ادامه موضع گیری این کشور مبنی بر خروج نیروهای خارجی از منطقه خلیج فارس و پس از درگیری ایران و امریکا، ضمن درخواست پایان جنگ، مجدداً از نیروهای خارجی خواست تا منطقه خلیج فارس را ترک کنند. (۳) (۴).

میتران رئیس جمهور وقت فرانسه نیز با حمایت از امریکا اعلام کرد:

«من توضیحات امریکا را شنیدم به نظرم حق با امریکاست... آنچه حقیقت دارد این است که در آبهای بین المللی به محض احساس تهدید و یا تجاوز، کاملاً طبیعی است که باید از روشهای دفاعی استفاده کرد. زیرا این یک دفاع قانونی است این مطلب در مورد فرانسه نیز صادق است.» (۵).

به رغم اینکه ریگان پس از حمله امریکا به کشتی ایران اجر اعلام کرده بود که این حادثه را تمام شده می دانیم، مجدداً هلیکوپترهای امریکا به قایقهای ایران حمله کردند. ریگان با نگرانی از مسأله ی احیای اختیارات جنگ و محدود شدن اختیارات رئیس جمهور از سوی کنگره، در نامه ای به کنگره اطمینان داد:

«ما این واقعه را تمام شده می دانیم!» (۶).

ص: ۱۳۶

۱- ۳۹۵. پیشین.

۲- ۳۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۴، ۱۸ / ۷ / ۶۶، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

۳- ۳۹۷. در این مرحله از جنگ، روابط ایران و شوروی بر اثر موضع شورویها در مورد خروج نیروهای بیگانه از خلیج فارس و همچنین نقش شورویها در شورای امنیت برای انتقال نظریات ایران و همچنین ممانعت از تصویب قطعنامه ی تحریم تسلیحاتی ایران، رو به بهبود نهاد. چنانکه نماینده وقت ایران در سازمان ملل اعلام کرد: «روابط ما با شوروی بسیار خوب است و بهتر هم خواهد شد. ثابت شده که شوروی دشمن ایران نیست، در حالی که امریکا علناً دشمنی اش را با ایران نشان داده است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۵، ۱۹ / ۷ / ۶۶، رادیو امریکا، ۱۷ / ۷ / ۶۶).

۴- ۳۹۸. مأخذ شماره ۲۲۷.

۵- ۳۹۹. مأخذ شماره ۲۳۵، خبرگزاری فرانسه، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

۶- ۴۰۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۶، ۲۰ / ۷ / ۶۶، آسوشیتدپرس، ۱۹ / ۷ / ۶۶.

درگیری مجدد ایران و امریکا بازتاب نسبتاً گسترده ای داشت. برخی از تحلیلگران بر این نظر بودند که ایران برای حفظ خود در داخل ایران هم که شده جز پاسخگویی به حملات امریکا بلکه به حملات هوایی عراق چاره ای ندارد. (۱) شهرام چوبین یکی از کارشناسان امور ایران در توضیح علت مقابله به مثل ایران می گوید:

«ایران مشکلاتی دارد که نمی خواهد با کشورهای خارجی در خلیج فارس درگیر شود، اما از طرف دیگر هم نمی تواند جوابی ندهد.» (۲).

سر دبیر یکی از نشریات انگلیس که در دوبی به سر می برد، با اظهار تعجب از درگیری ایران و امریکا نوشت:

«این درگیری دیپلماتها و ناظران کشتیرانی در منطقه را متعجب ساخت، زیرا اغلب آنها بر این عقیده بودند که ایران به رغم شعارهای خود سعی زیادی خواهد کرد با امریکاییها برخوردی نداشته باشد.» (۳).

روزنامه لوموند چاپ فرانسه نیز نوشت:

این بار امریکا برخلاف حمله به کشتی ایران اجر برای اثبات مسؤولیت ایران در بروز این حادثه با مشکلاتی مواجه خواهد بود... هلیکوپتر امریکا مورد حمله قایقهای ایران قرار نگرفته است، بلکه هلیکوپترهای تهاجمی امریکا در صدد «تسویه حساب» برآمده و سه قایق ایران را غرق کرده اند.

لوموند سپس چنین پیش بینی کرد:

«امریکا شاید در فاصله نه چندان دور به ناچار بهای آنرا پردازد.» (۴).

تایمز مالی چاپ لندن نیز نوشت:

سرانجام ایران و امریکا در یک مسیر منتهی به درگیری قرار گرفتند که خارج شدن از آن بسیار دشوار خواهد بود. (۵).

صدام رئیس جمهور عراق ضمن خرسندی از حضور امریکا در منطقه، در مصاحبه با روزنامه کویتی السیاسه در مورد امکان برخورد ایران و امریکا گفت:

ص: ۱۳۷

۱- ۴۰۱. مأخذ شماره ۲۲۷.

۲- ۴۰۲. مأخذ شماره ۲۲۷.

۳- ۴۰۳. مأخذ شماره ۲۳۵، لندن خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

۴- ۴۰۴. پیشین، پاریس خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۷ / ۶۶.

۵- ۴۰۵. مأخذ شماره ۲۳۲.

«ایرانیان در برخورد نظامی با امریکا ترسو و ناتوان هستند و قادر نیستند برخوردی عملی داشته باشند، زیرا جرأت ندارند... تنها در یک صورت ممکن است ایران با امریکا برخورد کند و آن زمانی است که تصمیم بگیرد دلایل شکست نظامی را پنهان نموده و برعهده امریکا بگذارد.» (۱).

اصابت موشک به کشتی امریکا

یک هفته بعد از درگیری نیروی دریایی سپاه با هلیکوپترهای امریکا، نفتکش بزرگ امریکا به نام سانگاری در حالی که در آبهای ساحل کویت لنگر انداخته بود، در تاریخ ۲۳ / ۷ / ۶۶ مورد اصابت یک فروند موشک قرار گرفت. تفسیر رادیو تهران از این حادثه و تأکید بر اینکه:

«خلیج فارس یا جایی امن برای همه خواهد بود و یا هیچکس... ما به امریکا و متحدانش می گوئیم که با پرداختن مجدد به تجربه ای که از قبل شناخته شده است، اشتباه می کنند.» (۲).

سبب گردید این تفسیر به منزله پذیرفتن تلویحی مسؤولیت این اقدام از سوی ایران، مورد ارزیابی قرار گیرد.

وزارت جنگ امریکا ضمن تأیید حمله ی موشکی به یک کشتی امریکا اعلام کرد:

«همه چیز حاکی از آن است که یک موشک «کرم ابریشم» ساخت چین به این نفتکش اصابت کرده است.» (۳).

شیخ صباح الاحمد معاون نخست وزیر و وزیر خارجه ی کویت بلافاصله پس از اصابت موشک به کشتی امریکایی، پیامهایی را برای دبیر کل سازمان ملل، دبیران کل اتحادیه ی جامعه ی عرب، شورای همکاری و سازمان کنفرانس اسلامی ارسال داشت. (۴) همچنین روزنامه القبس ضمن قلمداد کردن گسترش جنگ به قلمرو آبهای کویت به عنوان یک تحول خطرناک، در مورد نقش کویت در

ص: ۱۳۸

۱- ۴۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۰۷، ۲۱ / ۷ / ۶۶، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۶ / ۷ / ۲۰.

۲- ۴۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۰، ۲۴ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۶۶ / ۷ / ۲۳.

۳- ۴۰۸. پیشین.

۴- ۴۰۹. پیشین، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۶ / ۷ / ۲۳.

حمایت از عراق اعلام کرد:

«ما کوبتیه‌ها هرگز به توانایی جنگی عراق کمک نکرده ایم و تنها به خاطر پایبندی به قومیت عرب با عراق اعلام همبستگی نموده ایم!» (۱).

برخی از دیپلماتهای غربی مستقر در منطقه، احتمال اقدام امریکا علیه سکوهای پرتاب موشک کرم ابریشم در داخل خاک ایران را مورد بررسی قرار دادند. (۲) همچنین یک دیپلمات عالیرتبه غربی گفت:

«ایران می‌خواهد به دنیا بفهماند که امریکا می‌تواند نفتکشهای کویتی را در سر تا سر خلیج فارس اسکورت کند، ولی این نفتکشها هنوز در آبهای کویت آسیب پذیر هستند.» (۳).

گزارشگر بی.بی.سی در گفتگو با مجری اخبار ظهر جمعه این شبکه در مورد حادثه مزبور که منجر به مجروح شدن ۱۸ تن از خدمه کشتی از جمله ناخدای آن شد، گفت:

«این جدی‌ترین حادثه‌ای است که بعد از مدتها در خلیج فارس اتفاق افتاده است، زیرا این نفتکش با پرچم امریکا مستقیماً مورد حمله ایران واقع شده است.» (۴).

کاخ سفید در مورد این حادثه اعلام کرد:

«امریکا راههای پاسخگویی به تجاوز ایران به نفتکش کویتی دارای پرچم امریکا را بررسی می‌کند.» (۵).

اما همزمان، سخنگوی کاخ سفید با لحن ملایمتری، برای حفظ وجهه‌ی امریکا بویژه پس از تبلیغات بسیاری که پیرامون عدم توانایی ایران برای مقابله با امریکا راه انداخته بودند، چنین اظهار داشت:

«نمی‌دانیم این موشک آیا عمداً به طرف یک کشتی امریکایی پرتاب شده و یا اینکه سیستم هدایت آن برای اصابت به هر کشتی‌ای تنظیم شده است.» (۶).

ص: ۱۳۹

۱- ۴۱۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۱، ۲۵ / ۷ / ۶۶، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۶ / ۷ / ۲۴.

۲- ۴۱۱. مأخذ شماره ۲۴۵، خبرگزاری رویتر، ۶۶ / ۷ / ۲۳.

۳- ۴۱۲. پیشین.

۴- ۴۱۳. مأخذ شماره ۲۴۸، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۶ / ۷ / ۲۴.

۵- ۴۱۴. پیشین، واشنگتن، خبرگزاری فرانسه، ۶۶ / ۷ / ۲۴.

۶- ۴۱۵. پیشین.

اقدامات تلافی جویانه ی احتمالی امریکا علیه ایران مهمترین مسأله ای بود که پس از این حادثه ی خفت بار، مورد بحث و بررسی مقامات امریکا و رسانه های تبلیغاتی جهان قرار گرفت. ریگان اعلام کرد که من نمی توانم در مورد اقدام احتمالی امریکا در آینده سخن بگویم، لکن در حال حاضر سرگرم مذاکره با کویت هستیم. (۱) برخی از دیپلماتهای غربی در خلیج فارس معتقد بودند که امریکا خود را در موقعیتی قرار داده است که مجبور به اقدام تلافی جویانه می باشد. زیرا اگر امریکا اقدام ایران را پاسخ ندهد، موقعیت ایران به میزان قابل توجهی مستحکم خواهد شد. (۲).

نمایندگان کنگره امریکا به زعم خود با درک ضرورتها اعلام کردند که از تصمیم ریگان برای تلافی علیه ایران پشتیبانی می کنند. (۳) همچنین سناتور جمهوریخواه گوردل هامفر در مورد مشکل امریکا برای پاسخ یا عدم پاسخ نظامی به ایران گفت:

«مسئله تلافی جواب آسانی ندارد. اگر ما هیچکار نکنیم بی عرضه و ناتوان به نظر می رسیم و اگر کاری کنیم، بیشتر درگیر می شویم.» (۴).

در واقع، امریکا در موقعیتی قرار داشت که هرگونه سکوت در برابر حمله به کشتی امریکایی به منزله ناتوانی این کشور تلقی می شد و این وضعیت اساساً موقعیت امریکا را تضعیف می کرد و مانع از کسب ابتکار عمل امریکا در خلیج فارس بود. از سوی دیگر، پاسخگویی امریکا نیز با توجه به توانایی و اراده ایران برای مقابله به مثل منجر به تداوم درگیری می شد. این وضعیت، امریکا را برای پاسخگویی در موقعیت دشواری قرار می داد. بر پایه این ملاحظات، پس از بحث و بررسیهایی که در امریکا انجام گرفت، ریگان در جریان یک نطق رادیویی ضمن تأکید بر تداوم سیاست امریکا جهت ادامه حضور در منطقه خلیج فارس و حفاظت از نفتکشها، اعلام کرد:

با تهدیدات علیه واحدهای نیروی دریایی امریکا و کشتیهای تحت

ص: ۱۴۰

۱- ۴۱۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۲، ۲۶ / ۷ / ۶۶، یونایتد پرس، ۲۵ / ۷ / ۶۶.

۲- ۴۱۷. پیشین.

۳- ۴۱۸. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۲۵ / ۷ / ۶۶.

۴- ۴۱۹. پیشین.

مراقبت آن در زمان مناسب برخورد خواهد شد. (۱).

اوضاع منطقه و ضرورت‌های داخلی امریکا، پاسخ امریکا را قطعی نشان می‌داد. لیکن در مورد سطح آن همچنان تردید و ابهام وجود داشت. در عین حال، با پیدایش موقعیت جدید، عراقیها چنین تصور می‌کردند که جنگ وارد مرحله پایانی شده است. (۲).

حمله امریکا به سکوی نفتی ایران

تنها کمتر از یک هفته پس از اصابت موشک به کشتی امریکایی، سرانجام امریکاییها پس از بحث و بررسیهای فراوان، در تاریخ ۲۷ / ۷ / ۶۶ به سکوی نفتی رشادت حمله کردند. بلافاصله سخنگوی کاخ سفید، فیتزواتر، اعلامیه رئیس جمهور وقت امریکا را در مورد این حمله قرائت کرد. ریگان در این اعلامیه مسؤلیت حمله را برعهده گرفته و اعلام کرد که در ساعت ۷ بامداد به وقت واشنگتن نیروی دریایی امریکا سکوی نظامی! ایران را مورد حمله قرار داد. در این بیانیه همچنین آمده بود: «اقدام علیه سکوی نظامی! ایران پس از مشورت با رهبران کنگره و کشورهای دوست صورت گرفت.» ریگان در توجیه این اقدام گفت:

«این واکنش عاقلانه و محدود نسبت به استفاده غیر قانونی از زور علیه امریکا، نقض پرشمار حقوق دیگر کشورهای متخاصم بوده است. ابتکار قانونی حق دفاع از خود به موجب ماده ۵۱ منشور ملل متحد بود و به همین روال به رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد آگهی شده است.» (۳).

تأکید رئیس جمهور امریکا بر واکنش عاقلانه و محدود و همچنین استناد به ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، علاوه بر ارسال پیام برای ایران به منزله توجیه حقوقی این اقدام می‌باشد. در این بیانیه، سکوی نفتی ایران به عنوان سکوی نظامی ذکر شده است، حال آنکه قبل از حمله ناوهای امریکا به این سکو،

ص: ۱۴۱

۱- ۴۲۰. پیشین، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۶۶ / ۷ / ۲۵.

۲- ۴۲۱. پیشین، خبرگزاری خلیج، ۶۶ / ۷ / ۲۵، سعدون حمادی رئیس مجلس عراق.

۳- ۴۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۴، ۶۶ / ۷ / ۲۸، رادیو امریکا، ۶۶ / ۷ / ۲۷.

کارکنان شرکت نفت در حال بازسازی تأسیسات یکی از سکوها بودند که بر اثر اختار ناوهای امریکا برای ترک سکو، بلافاصله آن را تخلیه کردند. در ادامه ی بیانیه ریگان آمده است:

«ایالات متحده امریکا علاقه ای به رویارویی نظامی با ایران ندارد. اما دولت ایران به هیچ وجه نباید درباره عزم و توانایی ما برای حفظ کشتیهای امریکا و منافع کشور در برابر حملات بی دلیل در شبهه باشد.» (۱).

یک منبع شرکت نفت در مورد جزئیات اقدام تجاوزکارانه امریکا می گوید که در حدود ساعت ۱۱ روز دوشنبه، ۴ فرزند ناو جنگی امریکا در ۱۵ مایلی سکوی نفتی سلمان از سمت شرق به غرب مشاهده شدند. این ناوها حدود ساعت ۱۴ به حوالی حوزه نفتی رشادت رسیده و به کارکنان سکو که در حال بازسازی تأسیسات سکوی نفتی و بی دفاع ۷ - R حوزه رشادت بودند ۱۰ دقیقه مهلت دادند تا سکوی مذکور را تخلیه کنند. کارکنان از روی سکو به داخل کشتی تعمیراتی موسوم به عیسی رفته و پس از هشدار مجدد ناوهای امریکا تا فاصله ۱۰ مایلی دور شدند. به دنبال این واقعه در ساعت ۱۴:۳۰ همان روز سکوی نفتی و بی دفاع ۷ - R مورد حمله قرار گرفت. ناوهای امریکا بلافاصله به سوی سکوی نفتی و بی دفاع ۴ - R رشادت حرکت کردند و در این محل نیز از کارکنان خواستند ظرف ۲۰ دقیقه سکو را تخلیه کنند. سپس سکو را مورد حمله قرار دادند. امریکاییها پس از حمله به سکوی نفتی رشادت در اطراف سکوی سلمان مانورهایی را انجام داده و سپس منطقه را ترک کردند. (۲).

بسیاری از ناظران و تحلیلگران نظامی و همچنین دیپلماتهای غربی واکنش احتمالی امریکا را پس از اصابت موشک به کشتی این کشور کوبنده و نسبتاً گسترده پیش بینی می کردند. در چنین موقعیتی، حمله امریکا به سکوهای نفتی، تحت عنوان سکوی نظامی، همان گونه که در بیانیه رئیس جمهور امریکا اشاره شده، نشان دهنده عدم تمایل امریکا را برای درگیری گسترده با ایران بود. زیرا

ص: ۱۴۲

۱- ۴۲۳. پیشین.

۲- ۴۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۶، ۳۰ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۶۶ / ۷ /

امریکاییها در عین حال که نیاز به پاسخ گویی برای اعاده حیثیت خود داشتند، از اقدامات تلافی جویانه ایران نیز می ترسیدند. چون این مسئله موجبات گسترش درگیری را فراهم می ساخت.

در این اوضاع امریکاییها بر این موضوع واقف بودند که ایران با برداشتی که نسبت به ماهیت تلاشهای عراق و حمایت امریکا از عراق دارد، مسلماً هیچ اقدامی را بدون پاسخ نخواهد گذاشت. اراده و توانایی ایران برای مقابله به مثل، امریکاییها را از گرفتار شدن در یک درگیری تدریجی بازداشت. در این میان، هدفهایی که امریکا برای حمله انتخاب می کرد مبین همین مسئله بود. در واقع، امریکاییها نیز نمی توانستند اقدام ایران را پاسخ ندهند. زیرا موقعیت داخلی و منطقه ای امریکا ضرورتاً نیازمند پاسخ بود، (۱) لذا اقدام نظامی از یک سو معضل امریکا را در داخل امریکا و در منطقه حل می کرد و از سوی دیگر به عنوان یک هشدار به ایران (۲) تفهیم می کرد که امریکا مایل به درگیری با ایران نیست.

همچنین امریکاییها پس از هر اقدام نظامی علیه ایران بلافاصله از مجاری دیپلماتیک و حتی به صورت آشکار تأکید می کردند که از نظر ما مسئله تمام شده تلقی می شود. چنانکه بعد از این حادثه نیز واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا اعلام کرد: «این موضوع را تمام شده تلقی می کنیم.» (۳) در این میان تمایل امریکاییها به زدن آخرین ضربه نقش مهمی در ارسال پیام داشت.

ص: ۱۴۳

۱- ۴۲۵. خبرگزاری رویتر به نقل از تحلیلگران نظامی گفت: «امریکا برای آنکه اعتبار خود به عنوان یک قدرت تعیین کننده را در خلیج فارس حفظ کند، ظاهراً چاره ای جز انجام این اقدام تلافی جویانه علیه ایران نداشته است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۴، ۲۸ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۷ / ۶۶).

۲- ۴۲۶. مایکل لدین یکی از کارشناسان در مصاحبه با رادیو امریکا می گوید: «امریکا به جای آنکه با تمام قدرت به ایران واکنش نشان دهد، تصمیم گرفت یک هشدار به ایران بدهد. این اقدام نباید صرفاً یک حمله تلقی شود، بلکه هشدار است، برای آنکه تهران را از اقدامات بیشتر باز دارد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۴، ۲۸ / ۷ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۷ / ۷ / ۶۶).

۳- ۴۲۷. مأخذ شماره ۲۶۰، رویتر، ۲۷ / ۷ / ۶۶.

جرج بوش، معاون وقت رئیس جمهور امریکا، پس از ملاقات خصوصی با ولیعهد عربستان سعودی در مصاحبه با خبرنگاران، ضمن هشدار مبنی بر آمادگی امریکا برای پاسخ دادن به حملات ایران گفت:

«امیدوار است آیت الله خمینی پیام امریکا را دریافته باشد.» (۱).

وی در این مصاحبه افزود: رئیس جمهور امریکا با احساس مسؤولیت و قاطعیت دست به اقدام زد و امیدوار است پیام امریکا به ایران ارسال شده باشد.

وزیر خارجه انگلیس با حمایت از اقدام امریکا اظهار کرد که امیدوار است ایران درک کرده باشد که ادامه ی این گونه حملات ایران تنها به توجیه یک اقدام قاطع از سوی امریکا جهت «دفاع از خویش» کمک خواهد کرد. (۲) واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا نیز اعلام کرد:

این اقدام در پاسخ به حمله ایران به نفتکش امریکایی بوده است و ما خواهان رویارویی بیشتر با ایران نیستیم، ولی آمادگی داریم که با هر گونه تشدید عملیات نظامی ایران برخورد قاطع تر داشته باشیم. (۳).

واکنش تند و تهدیدآمیز ایران در برابر تجاوز امریکا به سکوی نفتی این کشور، بازتاب نسبتاً گسترده ای داشت. در این میان کویتهای به عنوان یکی از حامیان عراق و همچنین عامل دعوت از امریکاییها برای حضور در منطقه، بیش از دیگران نگران و مضطرب بودند. این آشفتگی و اضطراب روحی کویتی ها کاملاً در مطبوعات این کشور منعکس شد. (۴) همچنین سر دبیر روزنامه ایندیندنت گفت که در کویت وضع متشنجی حکمفرماست. من با چند نفر در این کشور صحبت کردم و همه آنها منتظر بودند که اتفاقی بیفتد. (۵).

در واقع، امکان حمله موشکی مجدد به کویت به عنوان نخستین واکنش احتمالی ایران تأثیر بسیاری در نگرانی کویتی ها داشت. چنانکه اشاره شد، بسیاری انتظار داشتند که امریکا سکوهای موشکی ایران را مورد حمله قرار دهد که هم پاسخی قاطع به ایران باشد و هم امکان حمله موشکی به کویت را خنثی

ص: ۱۴۴

۱- ۴۲۸. مأخذ شماره ۲۶۰.

۲- ۴۲۹. مأخذ شماره ۲۶۰، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۷ / ۶۶.

۳- ۴۳۰. پیشین.

۴- ۴۳۱. مأخذ شماره ۲۶۲.

۵- ۴۳۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۵، ۲۹ / ۷ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸

۶۶ / ۷ /

نماید. (۱).

تجزیه و تحلیل ماهیت اقدام نظامی امریکا، بخشی از بازتاب این اقدام را در رسانه های خبری و محافل کارشناسی به خود اختصاص داد. خبرنگار روزنامه کریستین ساینس مانیفور در این مورد می گوید:

تحلیلگران اروپایی با واژه هایی چون «قابل انتظار» و «کاملاً قابل درک»، حمله آمریکا به دو سکوی نفتی ایران را توصیف می کنند... به اعتقاد اروپاییها، امریکا نیاز داشت حمله روز جمعه ایران به یک نفتکش امریکا را پاسخ دهد تا اعتبار خود را حفظ کند. (۲).

همچنین اندرودانکن، از مؤسسه بین المللی مطالعات استراتژیک لندن، ضمن ضروری دانستن این اقدام برای امریکا، تأکید می کند که این عملیات ظاهراً بسیار احتیاط آمیز و کاملاً مطالعه شده بود. (۳) سر دبیر روزنامه ایندپندنت با توجه به آسیب پذیری کویت و کشتیهایی که به این کشور تردد می کنند، می گوید که بسیاری از مقامات کشورهای عرب، حمله اخیر امریکا را اشتباه می دانند. (۴).

در روزنامه کریستین ساینس مانیفور نیز هدفهای انتخاب شده ی امریکا و عدم حمله به سکوی موشکی ایران مورد بررسی قرار گرفت و رادیو امریکا اقدام به نقل آن کرد. در این گزارش، در توجیه عدم حمله به سکوهای موشکی ایران چند عامل مورد توجه قرار گرفته است، از جمله «سیار بودن تجهیزات پرتاب موشک و فاصله آن از محل استقرار ناو هواپیمابر امریکا». لذا اقدام به این امر مستلزم انجام عملیات نظامی پیچیده و سوختگیری در حال پرواز و شاید

ص: ۱۴۵

۱- ۴۳۳. سر دبیر روزنامه ایندپندنت در مورد نگرانی کویتی ها می گوید: «اینک آنها از این بیم دارند که حمله به سکوی نفتی ایران این کشور را خشمگین و مایل به تلافی جویی خواهد کرد و امریکا نتوانسته کاری کند که ایران قادر به عملیات نباشد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۲۱۵، ۲۹ / ۷ / ۶۶).

۲- ۴۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۶، ۳۰ / ۷ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۸ / ۷ / ۶۶.

۳- ۴۳۵. پیشین.

۴- ۴۳۶. مأخذ شماره ۲۶۸.

درگیری مستقیم هواپیماهای پشتیبانی عربستان سعودی و کویت بود. لذا امریکاییها حمله به سکوی نفتی را انتخاب کردند. (۱) در این تحلیل، اساسا پیچیدگی هدف و ناتوانی امریکا برای حمله به این اهداف مورد تأکید قرار گرفته است.

بررسی واکنش احتمالی ایران در برابر امریکا به گونه ای چشمگیر در کانون توجهات قرار گرفت. روزنامه کریستین ساینس مانیتور طی تحلیلی، یک سؤال کلی را طرح می کند مبنی بر اینکه «آیا ایران در برابر آتشبارهای نیروی دریایی امریکا مرعوب خواهد شد؟» سپس با توجه به رخدادهای گذشته و با استناد به نظر تحلیلگران و کارشناسان امور خاورمیانه می نویسد:

«گمان نمی رود که ایران به عنوان یک کشور ورزیده در جنگ به آرامی از صحنه خارج شود... عدم انتظار نوعی واکنش از ایران غیر منطقی می نماید.» (۲).

رئیس ستاد مشترک ارتش امریکا در جمع مدیران مالی اروپا و امریکا در مورد این اقدام می گوید:

«ایرانیها به طور قطع در جستجوی راههای مقابله خواهند آمد... یکی از خطراتی که باید با آن مقابله کرد، خطر مین گذاری است و ایرانیها از تواناییهای لازم برای مین گذاری برخوردار می باشند.» (۳).

احتمال مقابله به مثل ایران سبب گردید تا واینبرگر وزیر دفاع امریکا در مصاحبه با تلویزیون سی. بی. اس تهدید کند که در صورت اقدام ایران، امریکا چندین مورد حمله علیه ایران انجام خواهد داد. کنش و واکنش های ایران و امریکا سبب گردید تا اخباری مبنی بر تخلیه بندرعباس منتشر شود. (۴) انتشار این خبر نمایانگر نگرانی ایران از اقدامات احتمالی امریکا در حمله مجدد به برخی از اهداف ایران در سواحل جنوبی کشور بود، ضمن اینکه نشان می داد ایران خود را برای ادامه درگیری آماده می کند.

ص: ۱۴۶

۱- ۴۳۷. مأخذ شماره ۲۶۸، رادیو امریکا، ۶۶ / ۷ / ۲۸.

۲- ۴۳۸. پیشین.

۳- ۴۳۹. مأخذ شماره ۲۶۸، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۶۶ / ۷ / ۲۸.

۴- ۴۴۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۷، ۱ / ۸ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۶۶ / ۷، به نقل از رادیو مسکو.

انفجار یک فروند موشک در اسکله الاحمدی (۱) کویت، در بامداد روز پنج‌شنبه ۳۰ مهر و تنها سه روز پس از تجاوز نظامی امریکا به سکوی نفتی ایران، به بخشی از انتظارات مردم در مورد اقدامات تلافی‌جویانه‌ی ایران پاسخ داد. یک مقام مسؤول حفاظت محیط زیست کویت اعلام کرد که تلاش برای جلوگیری از نشت نفت و مهار آتش سوزی ادامه دارد. وی همچنین تأیید کرد که در این واقعه، سکوی مرکزی اسکله بارگیری نفت الاحمدی آسیب دیده است. (۲).

دولت کویت بلافاصله به ایران هشدار داد که در صورت ادامه‌ی حملات موشکی، کویت در کلیه روابط و مناسباتش با ایران تجدید نظر خواهد کرد. همچنین کاردار ایران احضار و اعتراض این کشور رسماً اعلام شد. (۳) رادیو لندن طی گزارشی، این واقعه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در این گزارش به نقل از «استانلی مید»، از نویسندگان امور بین‌المللی آمده است:

«در ظاهر ممکن است به نظر برسد که حمله‌ی ایران به پایانه نفتی مینا الاحمدی، صرفاً اقدامی برای تلافی حمله روز دوشنبه‌ی نیروی دریایی امریکا به دو سکوی استخراج نفت ایران بوده است، اما این حمله احتمالاً بیش از اقدامی برای مقابله به مثل است. حمله ایران برای به مبارزه طلبیدن امریکا است.» (۴).

همین رادیو در تفسیر دیگری می‌گوید:

اگر امریکا در برابر حمله تازه‌ی ایران واکنش نشان ندهد بسیاری از کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس به این نتیجه خواهند رسید که مانعی

ص: ۱۴۷

۱- ۴۴۱. اسکله الاحمدی در ۱۵ کیلومتری شرق بندر الاحمدی کویت قرار دارد که در سال ۱۹۴۹ (۱۳۲۸) ساخته شده است و در هر یک از سکوهایش یک نفتکش پانصد هزار تنی می‌تواند بارگیری کند.

۲- ۴۴۲. پیشین، رادیو کویت، ۳۰ / ۷ / ۶۶.

۳- ۴۴۳. پیشین، خبرگزاری خلیج، ۳۰ / ۷ / ۶۶.

۴- ۴۴۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۸، ۲ / ۸ / ۶۶، رادیو لندن، ۱ / ۸ / ۶۶.

بر سر راه حملات ایران علیه آنها نیست و ناوگان امریکا در خلیج فارس کاری از پیش نبرده است. (۱).

نشریه میدل ایست، به نقل از تحلیلگران، حمله موشکی به کویت را یک تهدید تازه و جدی و به منزله ی به مبارزه طلبیدن امریکا ارزیابی کرد و سپس این مسئله را مورد تأکید قرار داد که حتی اگر کویت یا متحدین عرب آن خواستار اقدام تلافی جویانه ی امریکا علیه ایران باشند، احتمالاً انجام آن دشوار خواهد بود. مسئله حائز اهمیت در تحلیل نشریه مید، ارزیابی میزان تمایل ایران به مقابله در برابر امریکا می باشد. در این تحلیل آمده است که تا قبل از حمله موشکی به نفتکش امریکا، ناظران عمدتاً تمایل ایران به رویارویی با امریکا را کم برآورد می کردند. (۲).

تنها سه روز پس از اصابت موشک به اسکله الاحمدی و در موقعیتی که هنوز ادامه تلاشهای ایران و همچنین واکنش امریکا در هاله ای از ابهام قرار داشت و مسئولین کویت کاملاً سرگشته شده بودند، انفجار بمب در دفتر هواپیمایی پان امریکن در کویت بار دیگر ناظران را دچار شگفتی کرد. منابع دیپلماتیک گفتند:

«بمب گذاری اخیر در کویت یک تحول نگران کننده بوده و بیانگر آسیب پذیر بودن کویت است.» (۳).

سخنگوی وزارت خارجه امریکا با اشاره به حمله ی موشکی روز پنج شنبه به اسکله الاحمدی کویت اظهار داشت:

«اقدام ایران به سه حمله طی یک هفته، به شدت نشانگر آن است که ایران تصمیم دارد تهدید خود علیه همسایگان غیر محارب! را ادامه دهد.» (۴).

همراه با اظهار نگرانی از تشدید بحران در منطقه از سوی سخنگوی وزارت خارجه امریکا، این انتظار به وجود آمد که امریکاییها به موازات موضع گیری شدید علیه ایران، اقدامات کوبنده ی خود را نیز به نمایش بگذارند. در

ص: ۱۴۸

۱- ۴۴۵. مأخذ شماره ۲۷۵، رادیو لندن، ۳۰ / ۷ / ۶۶.

۲- ۴۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۲۲، ۶ / ۸ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۵ / ۸ / ۶۶.

۳- ۴۴۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۲۰، ۴ / ۸ / ۶۶، آسوشیتدپرس، ۳ / ۸ / ۶۶.

۴- ۴۴۸. مأخذ شماره ۲۷۵، رادیو لندن، ۳۰ / ۷ / ۶۶.

چنین وضعیتی، مصاحبه‌ی مطبوعاتی ریگان رئیس‌جمهور آمریکا نقطه‌ی پایان انتظاراتها و در عین حال خاتمه موقت درگیری ایران و آمریکا در منطقه خلیج فارس بود. ریگان در این مصاحبه مطبوعاتی، با توجه به روند درگیری بین ایران و آمریکا و ناتوانی آمریکا در پایان بخشیدن به اوضاع بحرانی و همچنین عدم دستیابی آمریکا به اهداف مورد نظر خود گفت:

«من فکر نمی‌کنم در هیچ چیز دچار اشتباه محاسبه شده باشیم. ما در آنجا برای آغاز کردن جنگ حضور نداریم، بلکه به منظور حفاظت از کشتیرانی کشوری بی طرف در آبهای بین‌المللی و با توجه به قانون بین‌المللی حضور یافته ایم.» (۱).

ریگان در ادامه اظهارات خود ضمن «غیر معقول» نامیدن ایرانیها به خاطر حمله موشکی اخیر به کویت، مطلبی را بیان کرد که با مواضع پیشین آمریکا کاملاً متفاوت بود. وی گفت:

«ما گفته ایم در صورتی که مورد حمله واقع شویم از خود دفاع خواهیم کرد... آنچه که مسلم است جنگی در بین نیست و کسی نیز نباید دچار وحشت شود.» (۲).

برخی دیگر از مقامات آمریکا از جمله یک مقام پنتاگون نیز بر این مسئله تأکید کردند که آمریکا قصد تلافی علیه ایران را ندارد، زیرا سیاست آمریکا حفاظت از کشتیها و نیروهای امریکایی می باشد. (۳) اظهارات اخیر مقامات امریکایی به روشنی نشان دهنده عدم حمایت و پشتیبانی آمریکا از کویت تلقی می شد. چنانکه سرانجام وزارت خارجه آمریکا رسماً اعلام کرد:

«به عهده دولت کویت است که تصمیم بگیرد به سومین موشک شلیک شده توسط ایران به کویت طی یک هفته پاسخ لازم را بدهد.» (۴).

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در مورد اقدام آمریکا گفت:

«حمله به طور واضح علیه کویت صورت گرفته است. دولت کویت

ص: ۱۴۹

۱- ۴۴۹. مأخذ شماره ۲۷۸، رادیو آمریکا، ۱ / ۸ / ۶۶.

۲- ۴۵۰. پیشین.

۳- ۴۵۱. مأخذ شماره ۲۷۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۷ / ۶۶.

۴- ۴۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۸، ۲ / ۸ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۸ /

۶۶ / اوکلی سخنگوی وزارت خارجه ی آمریکا.

مختار است در مورد این عمل پاسخ دهد.» (۱).

با پیدایش موقعیت جدید و با توجه به تغییر سیاست امریکا و رها کردن سیاست اقدام تلافی جویانه نظامی علیه ایران، شیرین هانتر یکی از کارشناسان امور ایران، در مصاحبه با رادیو لندن، درباره مخالفت برخی از اعضای کنگره امریکا با سیاستهای دولت امریکا، به این مسئله اشاره کرد که در کنگره از ابتدا نسبت به اسکورت نفتکشها و میزان تأثیر آن در تأمین منافع امریکا شک و تردید وجود داشت و هنوز هم عده ای، بویژه از دمکراتها همچنان نگران اقدامات نظامی امریکا هستند. زیرا ممکن است این امر به درگیری نیروهای زمینی و افزایش تلفات امریکا منجر شود. وی سپس گفت:

«اکثریت کسانی که مسئولیت به اصطلاح تصمیم گیری درباره سیاست امریکا را دارند واقعا در فکر درگیری با ایران نیستند.» (۲).

در همین موقعیت، وزیر دفاع امریکا برای توضیح در مورد اوضاع و سیاست امریکا در منطقه، در کمیته روابط خارجی سنای امریکا حاضر شد و توضیحاتی را ارائه کرد که قابل توجه است. وی در مورد حمله به کشتی امریکایی که منجر به واکنش نظامی امریکا در حمله به سکوهای نفتی ایران شد، گفت:

«احتمالا هدف ایران آزمودن حدود و ثغور سیاست امریکا در خلیج فارس بوده است... من فکر می کنم منظور از حمله، ایجاد نوعی سرگردانی در جریان تصمیم گیری بود.» (۳).

وی با این توضیح، در واقع ضرورت اقدام تلافی جویانه امریکا علیه ایران را با حمله به سکوهای نفتی رشادت توجیه کرد. قابل توجه اینکه رئیس جمهور امریکا در بیانیه خود از سکوها، به نام سکوی نظامی نام می برد، ولی وزیر دفاع امریکا در توجیه علت اقدام نظامی امریکا، از سکوی نفتی یاد می کند:

«اقدام امریکا در گلوله باران دو سکوی نفتی غیر فعال ایران پاسخ مناسبی بود.»

ص: ۱۵۰

۱- ۴۵۳. پیشین.

۲- ۴۵۴. پیشین، رادیو لندن، ۱ / ۸ / ۶۶.

۳- ۴۵۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۱۹، ۳ / ۸ / ۶۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۸ / ۶۶.

وزیر دفاع امریکا سپس برخلاف گذشته که امریکا مدعی بود با اقدامات نظامی و بر پایه حضور در منطقه در نظر دارد ایران را به پذیرش سیاست خود متقاعد سازد، با پذیرش تلویحی شکست امریکا در تحقق اهدافش گفت:

«بهترین راه پایان بخشیدن به ستیزه جویی ایران اجرای برنامه تحریم سازمان ملل در مراودات با این کشور است... در صورت اجرای چنین قطعنامه ای ریشه توانایی ایران برای ادامه جنگ به سرعت خشک می شود.»

او سپس در مورد ماهیت سیاست امریکا علیه ایران اعلام کرد:

«امریکا فقط مایل است پایان خصومت ایران را ببیند، ولی الزاما در صدد نابودی ایران نیست.» (۱).

موضع گیری آقای هاشمی، فرماندهی عالی جنگ، در زمانی که امریکاییها میزان حمایتهای خود نسبت به کویت را در برابر ایران کاهش دادند، قابل توجه بود. ایشان طی پیشنهادی گفت:

در صورتی که کویت در جنگ خلیج فارس بی طرفی در پیش گیرد، ایران از حمله به تأسیسات نفتی این کشور خودداری خواهد کرد. (۲).

مصاحبه سفیر کویت در امریکا با روزنامه الشرق الاوسط، با توجه به سیاست اخیر امریکا و همچنین موضع گیری ایران، در واقع پاسخ به موقعیت جدیدی بود که کویت در برابر خود داشت. وی در این مصاحبه گفت:

«خطری که در این حملات نهفته این است که کویت را در معرض حملات تلافی جویانه ای قرار می دهد که ایران، جرأت انجام آنها را مستقیما علیه منافع امریکا ندارد. آنچه که ایران در حال انجام آن است تصفیه حساب با امریکا با خرج کویت است.» (۳).

وی همچنین در مورد سیاست کویت و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس گفت:

«کویت و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس مایل نیستند با ایران

ص: ۱۵۱

۱- ۴۵۶. پیشین.

۲- ۴۵۷. پیشین.

۳- ۴۵۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۲۱، ۶۶/۸/۵، خبرگزاری آلمان غربی، ۶۶/۸/۴.

برخورد کنند، بلکه می خواهند در منطقه با آرامش و صلح در کنار ایران به سر برند.» (۱).

سفیر کویت با این موضع گیری با توجه به زیانهای ناشی از درگیری ایران و امریکا برای کویت و شورای همکاری و درخواست ایران مبنی بر بی طرفی کویت، اعلام کرد که منافع این کشورها «در زندگی با آرامش و صلح در کنار ایران» می باشد. وی افزود:

«درگیر شدن با ایران آسان است، لیکن پایان دادن به چنین نبردهایی دشوار می باشد.» (۲).

بدین ترتیب، با اعلام سیاست امریکا مبنی بر عدم اقدام نظامی برای حمایت از کویت و تنها گذاشتن این کشور در بحران اخیر و همچنین ارسال پیام ایران مبنی بر خودداری از تداوم حملات در صورت حفظ بی طرفی کویت و سپس مصاحبه سفیر کویت در امریکا و اعلام موضع این کشور، درگیری میان ایران و امریکا به طور موقت پایان یافت. با این تفاوت که امریکاییها در این مرحله علی رغم اقدام نظامی علیه ایران، نه تنها نتوانستند ایران را از اقدام تلافی جویانه باز دارند، بلکه به هیچ گونه موفقیتی نیز برای پایان بخشیدن به جنگ دست نیافتند. (۳) ضمن اینکه برخلاف خواسته امریکا، ایران آخرین اقدام را انجام داد. (۴) در این روند، تلاشهای دیپلماتیک امریکا برای تصویب قطعنامه ای مبنی بر تحریم تجاری ایران نیز به خاطر مخالفت شورای به نتیجه

ص: ۱۵۲

۱- ۴۵۹. مأخذ شماره ۲۸۰.

۲- ۴۶۰. مأخذ شماره ۲۹۲.

۳- ۴۶۱. در آستانه ورود امریکا به منطقه و احتمال درگیری میان ایران و امریکا، برخی از ناظران معتقد بودند که یک رویارویی مستقیم بین ایران و امریکا می تواند به جنگ ایران و عراق خاتمه دهد.

۴- ۴۶۲. رادیو لندن طی گفتاری به نقل از آقای میر حسین موسوی نخست وزیر وقت ایران اعلام کرد که ایشان پیش از حمله موشکی اخیر به کویت (در پاسخ به اظهارات امریکاییها مبنی بر خاتمه دادن درگیری) گفته بود، ایران پس از تلافی حمله امریکا به سکوهاى نفتی اش، مسئله را خاتمه یافته تلقی خواهد کرد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۲۷۱، ۶۶/۸/۱، رادیو لندن ۳۰/۷/۶۶).

نرسید. چنانکه شولتر وزیر خارجه وقت امریکا پس از سفر به خاورمیانه و شوروی گفت:

«روسها در ملحق شدن به امریکا برای تحریم تسلیحاتی علیه ایران کمی بی میل هستند.» (۱).

تحریم اقتصادی ایران

امریکا پس از ناکامی در تلاشهای سیاسی - نظامی خود برای کسب ابتکار عمل، تحریم اقتصادی ایران را در پیش گرفت. ریگان با صدور بیانیه ای به طور واضح علت این اقدام را توضیح داد:

«اجازه بدهید بر این نکته تأکید کنم که ما فقط پس از تلاشهای مکرر و ناموفق برای کاهش بحران با ایران و در پاسخ به ادامه و افزایش اقدامات جنگ جویانه حکومت ایران دست به این تحریمهای اقتصادی زدیم.»

وی در ادامه بیانیه ی خود افزود:

«این تحریمها نتیجه ی مستقیم اقدامات دولت ایران، از جمله حملات این کشور علیه نیروهای امریکایی و کشتیهای تجاری امریکا، امتناع این کشور از اجرای قطعنامه ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل، ادامه تجاوزات این کشور علیه کشورهای بی طرف خلیج فارس و کمک این کشور به تروریسم در آن منطقه و هر نقطه دیگر جهان می باشد.» (۲).

ریگان مرحله اول تحریمها را شامل تحریم خرید نفت ایران ذکر کرد و گفت: تحریم واردات و صادرات با ایران طی یک هفته تا ۱۰ روز تأثیراتش را برجای خواهد گذاشت؟! (۳).

بلافاصله پس از اعلام تحریم واردات نفت جمهوری اسلامی از سوی امریکا و همچنین تحریم صادرات امریکا به ایران، رئیس جمهور ایران (آیت الله خامنه ای) اعلام کرد:

ص: ۱۵۳

۱- ۴۶۳. مأخذ شماره ۲۸۱، واشنگتن، خبرگزاری کویت، ۳ / ۸ / ۶۶.

۲- ۴۶۴. مأخذ شماره ۲۸۰، واشنگتن، خبرگزاری رویتر، ۵ / ۸ / ۶۶.

۳- ۴۶۵. پیشین.

در صورت توافق نسبت به اعمال تحریم اقتصادی، ایران تنگه هرمز را خواهد بست... ایران از تهدید تحریم اقتصادی نگرانی ندارد. (۱).

وزیر خارجه ژاپن در واکنش به تحریم ایران، ضمن تأکید بر تمایل ژاپن به پایان یافتن جنگ از طریق مسالمت آمیز گفت:

«روابط تجاری امریکا با ایران سمبلیک است، در حال که ژاپن و دیگر کشورهای عضو سازمان توسعه و اقتصاد روابط تجاری وسیعی با ایران دارند.»

وی سپس اظهار داشت که ما استدلال مقامات امریکایی را خواهیم شنید و سپس در مورد اقدام ژاپن «تصمیم گیری» خواهیم کرد. (۲) روزنامه لوموند ضمن بررسی نتایج احتمالی تحریم خرید نفت، در صورت موافقت ژاپن و اروپا، تأثیرات آن بر درآمد نفتی ایران را اندک دانست. لوموند در پایان با توجه به حمایت فرانسه از سیاست امریکا در مورد موفقیت تحریم نفتی ایران اعلام کرد: «البته چنین وضعی هنوز بعید به نظر می رسد، چون که نه تنها ژاپن حاضر به پیروی از سیاست امریکا نیست، بلکه اغلب کشورهای دیگر اروپایی، به ویژه مهمترین خریداران نفت ایران همانند ایتالیا با ۱۳ درصد، هلند با ۸ درصد، اسپانیا با ۳ / ۶ درصد و آلمان غربی با ۴ درصد، مایل نیستند از رویه ی فرانسویان و امریکاییها تقلید کنند.» (۳).

سرانجام پس از بحث و بررسی درباره ی تحریم اقتصادی ایران از سوی امریکا در اجلاس اتحادیه هفت کشور اروپایی، این کشورها بدون توجه به درخواست امریکا، تنها موافقت کردند که در صورت عدم قبول درخواست سازمان ملل برای برقراری آتش بس ظرف چند روز آینده، تحریم فروش اسلحه را به مرحله اجرا گذارند. (۴) بدین ترتیب، تلاش جدید امریکا برای تحریم ایران نیز به دلیل عدم حمایت متحدین اروپایی امریکا و ژاپن با ناکامی همراه شد.

ص: ۱۵۴

۱- ۴۶۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۲۲۳، ۷ / ۸ / ۶۶، بخش عربی رادیو مونت کارلو، ۶ / ۶۶ / ۸.

۲- ۴۶۷. پیشین، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶ / ۸ / ۶۶.

۳- ۴۶۸. پیشین، پاریس، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶ / ۸ / ۶۶.

۴- ۴۶۹. پیشین، رادیو لندن، ۶ / ۸ / ۶۶.

نیروی زمینی سپاه پاسداران عملیات کربلای ۸ را در ادامه و تکمیل عملیات کربلای ۵ در منطقه شرق بصره طرح ریزی و اجرا کرد که این عملیات به منزله آخرین تحرک نظامی ایران در منطقه جنوب بود. (۱) لازمه تداوم عملیات همچون گذشته برخورداری از خلاقیت و ابتکار عمل، همراه با رعایت غافلگیری بود. در غیر این صورت تضمین لازم برای کسب پیروزی وجود نداشت.

پیشروی توأم با دشواری فوق العاده در عملیات کربلای ۵، ناظر بر این معنا بود که نیروی زمین سپاه، به رغم درهم شکستن کلیه خطوط و استحکامات دشمن، به دلیل در اختیار نداشتن نیروی «زرهی» و «پشتیبانی هوایی» مناسب، قادر به پیشروی در عمق مواضع دشمن نبود. این کاستی اساسی در بنیه نظامی رزمندگان اسلام سبب گردید با وجود موفقیت‌های به دست آمده در

ص: ۱۵۵

۱- ۴۷۰. این بحث در فصل هفتم کتاب از «فاو تا شلمچه» از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تحت عنوان آخرین تحرک نظامی در جنوب مورد بررسی قرار گرفته است.

شرق بصره (۱) تدریجا دور عملیات کند و متوقف شود و در پی آن امکان ادامه جنگ در منطقه جنوب حداقل برای مدتی غیر ممکن ارزیابی شود.

از سوی دیگر، به لحاظ سیاسی و نظامی، ضرورت اجرای عملیات امری بدیهی بود و هر گونه تعلل در آن می توانست زمینه را برای حمله دشمن مهیا سازد. لذا به منظور ممانعت از ایجاد رکود در جنگ و فراهم سازی مقدمات تداوم نبرد و کسب پیروزی، عبور از وضعیت جدید و شکستن بن بست امری ضروری بود. در مرحله قبل هم، پس از بن بست جنگ در سال ۶۲، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تغییر زمین منطقه ی عملیات، از خشکی به هور (عملیات خیبر و بدر)، عبور از رودخانه (عملیات فاو) و بهره گیری از انبوه نیروهای غواص و انبوه قایق، رکود جنگ را برطرف کرد. لیکن در این مرحله به ابزاری جدید، مانند امکانات زرهی و پشتیبانی قوی هوایی نیاز بود. تأمین این مهم از منابع داخلی با مشکلات زیادی همراه بود. ضمن اینکه خرید از خارج نیز با توجه به محدودیتهای ارزی و سیاستهای امریکا در ممانعت از فروش سلاح به ایران، به سهولت امکان پذیر نبود. بنابراین، موقتا زمین منطقه نبرد از جنوب به غرب کشور منتقل شد و مرحله جدیدی از جنگ آغاز گردید. سردار رضایی در این مورد چنین توضیح می دهد:

«از کربلای ۵ به بعد ما در جنوب به بن بست رسیدیم... در ادامه کربلای ۵، عملیات کربلای ۸ را انجام دادیم و به طور کلی میدان نبرد در منطقه ی کربلای ۵ را آزمایش کردیم. حتی در ادامه ی عملیات والفجر ۸ هم یکی دو تا عملیات ترمیمی انجام دادیم. آنجا هم میدان نبرد را آزمایش کرده بودیم. تاکتیک عبور از آب هم امتحانش را پس داده بود. جزیره مینو، ام الرصاص، خیبر و بدر (در هور الهویزه) هم رفته بودیم. دیگر هیچ

ص: ۱۵۶

۱- ۴۷۱. کتاب «نبرد در شرق بصره»، از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سال ۷۴ حاوی گزارش نسبتا جامع عملیات کربلای ۵ می باشد.

آبی نبود که ما در منطقه ی جنوب از آن عبور نکرده باشیم. لذا همه این مسائل دست به دست هم داد که جنوب دیگر تمام شده است. بنابراین وارد جبهه ی شمال شدیم.» (۱).

آغاز مرحله جدید جنگ در غرب کشور با عملیات ۱۰ و فتح ۵ توسط نیروی زمینی سپاه، گرچه به منزله ی سرآغاز تحقق استراتژی عملیاتی جدید ایران بود، لیکن دو عملیات یاد شده در عین حال از عوامل دیگری نیز تأثیر پذیرفته بود. بدین معنا که در خرداد سال ۶۴، پس از عملیات بدر، وضعیت حاکم بر جنگ منتهی به پیدایش این نظریه شد که با یک عملیات منظم بزرگ هرگز عراق از پا در نخواهد آمد، زیرا عراق با جمع آوری کلیه ی نیروهایش قادر به مقاومت در برابر نیروهای ایران بود و در عین حال مانع از تعمیق اهداف ایران می شد. لذا بر این مسئله تأکید شد که با انجام دو عملیات بطور همزمان می توان با تجزیه قوای دشمن، وضعیت جدیدی را به وجود آورد. لیکن فقدان امکانات و نیروی مورد نیاز مانع از اجرای آن بود. در نتیجه چنین تدبیر شد که سپاه پاسداران یک عملیات منظم و یک عملیات بزرگ نامنظم را به طور همزمان طرح ریزی و اجرا کند. بر پایه همین تدبیر، سپاه اقدام به تشکیل قرارگاه رمضان و گسترش ارتباط با معارضین کرد عراقی و سازماندهی و تجهیز آنها کرد. (۲).

علاوه بر این، طی مباحثی که در این مرحله صورت گرفت، بر پایه تجارب حاصله در عملیات خیبر و بدر و با توجه به احتمال عدم موفقیت در عملیات واحد و از دست رفتن ماحصل زحمات یک ساله همراه با امکانات و زمان، چنین پیش بینی شد که حداقل دو عملیات همزمان طرح ریزی شود تا در صورت ناکامی در یک عملیات و یا بسته شدن راه کارها، امکانات و نیرو در منطقه ی دیگر به کار گرفته شود. به همین دلیل در سال ۶۵ چند عملیات طرح ریزی شد که عملیات کربلای ۱۰ و فتح ۵ از جمله ی آنها بود. به عبارت دیگر، عوامل مؤثر در گشایش جبهه جدید در منطقه غرب کشور که منجر به اجرای چندین

ص: ۱۵۷

۱ - ۴۷۲. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تحلیل مراحل استراتژیک جنگ ایران و عراق (جنگ اول: از اشغال تا آزادسازی)، سردار سر لشکر پاسدار محسن رضایی، (تهران، ۱۳۷۶).

۲ - ۴۷۳. پیشین.

عملیات شد و اولین آنها کربلای ۱۰ و فتح ۵ نام گرفت عبارت بود از:

۱- ضرورت تداوم جنگ و ممانعت از ایجاد رکود در آن.

۲- حفظ کردن ابتکار عمل در برابر دشمن.

۳- گشودن جبهه ی جدید برای دشمن در منطقه غرب کشور و تجزیه ی قوای آن.

۴- کاهش دادن حساسیت دشمن نسبت به منطقه ی جنوب.

۵- اخذ فرصت از دشمن برای یافتن راه کارهای جدید در جبهه های جنوب. (۱).

علاوه بر آنکه اجرای عملیات در منطقه غرب کشور، انهدام برخی تأسیسات اقتصادی دشمن را در پی داشت حضور گسترده در این منطقه، نگرانی ناشی از تلاش ضد انقلاب را کاهش داده و منجر به تأمین منطقه نیز می شد. البته اجرای عملیات در منطقه غرب کشور مشکلات و پیچیدگیهایی نیز داشت که در مباحث بعد به آنها اشاره خواهد شد.

عملیات کربلای ۱۰

اشاره

مناطق آزاد شده در کردستان عراق و حضور نسبتاً گسترده اکراد معارض عراقی در این مناطق، سبب گردید تا در مرحله اول گشایش جبهه ی جدید در غرب کشور عمدتاً معطوف به «اتصال عقبه مناطق آزاد شده به ایران و باز شدن عقبه ی نیروهای معارض» شود.

آنچه که همزمانی دو عملیات کربلای ۱۰ و فتح ۵ را از سمت داخل خاک ایران، توسط سپاه پاسداران و در داخل خاک عراق، توسط اکراد معارض، توجیه می کند همین هدف (اتصال مناطق آزاد شده به ایران) می باشد. طبعاً تحقق این اهداف برای هر یک از طرفین که به اجرای عملیات مبادرت کردند، منافی را در پی داشت. با این اقدام، اکراد معارض از پشتیبانی ایران برخوردار می شدند و متقابلاً ایران با اهرم اکراد معارض پیشروی در شمال عراق را تسریع و تسهیل می کرد. بدین ترتیب که اکراد معارض با اتکاء به توانمندی نظامی ایران و باز

ص: ۱۵۸

شدن عقبه این نیروها به سمت ایران، برای رهایی از فشارهای عراق موقعیت جدیدی را فراروی خود مشاهده می کردند و ایران نیز متقابلاً از قدرت مانور سیاسی - نظامی مناسبی برای فشار به عراق برخوردار می شد و مجموع این عوامل، امکان تحقق اهداف ایران را تسهیل و فراهم می کرد. بر همین پایه، تصرف ارتفاعات گلان، گلو، اسپیدار، سرگلو، بالوکاوه، برده هوش، ژاژله، قشن و تأمین سرزمینهای شمال شرقی استان سلیمانیه ی عراق در دستور کار قرار گرفت.

موقعیت منطقه

منطقه ی عمومی عملیات کربلای ۱۰ در محور بانه - سردشت، از شمال به رودخانه مرزی گلاس، از جنوب به رودخانه آوسیویل، از شرق به سورکوه و از غرب به ارتفاعات گرده رش و سپس ارتفاعات عمومی آسوس منتهی می شد.

منطقه عملیاتی دارای عوارض حساس و ارتفاعات نسبتاً بلند و صعب العبور بود که به خاطر فقدان جاده، تردد در این مناطق بسیار دشوار به نظر می رسید. بلندترین کوه منطقه «گارو» نام دارد که به کلیه عارضه ها و مناطق اطراف دید و اشراف دارد. همچنین، علاوه بر روستاها و شهرکهای متعددی که در سطح منطقه وجود دارد، رودخانه های چومان، گلاس، زاب صغیر، قلعه چولان و آوسیویل در منطقه جریان دارند. به دلیل وجود درختان مرتفع در پایین ارتفاعات، وضعیت برای اختفاء نیروهای پیاده و حتی تحرک و جابجایی آنها در روز کاملاً مناسب بود.

استعداد و آرایش دشمن

استعداد و گسترش دشمن در این منطقه تا قبل از عملیات والفجر ۹ که در بهمن سال ۶۴ توسط نیروی زمینی سپاه صورت گرفت، قابل توجه نبود. لیکن پس از آن، بویژه بعد از دو عملیات فتح ۱ و ۲ (حمله به تأسیسات کرکوک) که

قرارگاه رمضان با سازماندهی کردهای معارض عراقی انجام داد، دشمن مجددا حساس شد و تلاشهای نسبتا وسیعی را به منظور تصرف مناطق تحت تسلط کردها و مسدود کردن معابر وصولی به عمق خاک عراق انجام داد. چنانکه تیپهای کماندویی سپاه هفتم و سپاه سوم ارتش عراق و دو تیپ کماندویی از سپاه یکم و دو تیپ گارد و چند گردان مستقل کماندویی با نظارت شخص صدام طی ۱۰۰ روز بسیاری از ارتفاعات را به تصرف خود در آوردند. در واقع، دشمن به جز تصرف منطقه «یاغسر»، محل استقرار نیروهای اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی، کلیه اهداف خود را تأمین کرد. (۱).

تحركات دشمن پس از عملیات فتح ۱ بر پایه این تحلیل انجام می گرفت که در صورت عدم مقابله جدی، قوای نظامی ایران با تقویت نیرو به سمت «ازمر» و سپس «سلیمانیه» پیشروی خواهند کرد. به همین دلیل، دشمن در ادامه تلاشهای خود اقدام به تشکیل لشکر ۳۹ کرد و تیپ ۱۰۵ پیاده از لشکر ۳۴ را تحت امر آن قرار داد تا با همکاری جاشهای مستقر در منطقه و یک گردان کماندویی، حد فاصل منطقه ی بین لشکر ۳۴ و لشکر ۲۷ را که باز بود، پوشش داده و تأمین نمایند. پیدایش این وضعیت، بویژه تصرف «گرده رش» موجب محدود شدن ارتباط نیروهای کرد معارض در مناطق آزاد شده با قرارگاه رمضان شد.

گسترش دشمن در این منطقه بدین شکل بود که سپاه یکم با یگانهای زیر

ص: ۱۶۰

۱-۴۷۵. گر چه اجرای عملیات در غرب کشور ضرورتی اجتناب ناپذیر بود و به همین دلیل مورد توجه قرار گرفت، لیکن در عین حال به سه مسئله اساسی توجهی نشد و بسیاری از مشکلات نیز متأثر از همین مسئله بود: الف) بر پایه اطلاعات و تحلیل موجود عکس العمل دشمن به این گسترده‌گی و سرعت پیش بینی نمی شد. ب) اکراد معارض در برابر فشارهای ارتش عراق بیش از اندازه ناتوان بودند، حال آنکه چنین تصویری وجود نداشت. ج) مشکلات جنگ در غرب کشور، بویژه در فصل سرما، برای یک عملیات گسترده بیش از اندازه زیاد بود و لذا پیش بینی لازم انجام نشده بود.

در منطقه عمومی عملیات پدافند کرده بود:

لشکر ۲۴ پیاده: از شاخ مندا تا ده هرزینه.

لشکر ۳۹ پیاده: از ده هرزینه تا انتهای گرده رش و تنگه آوسیویل.

لشکر ۳۴ پیاده: از تنگه آوسیویل تا بارانه.

لشکر ۲۷ پیاده: از بارانه تا هانی قول.

لشکر؟: از هانی قول تا تمور ژنان.

لشکر ۳۶ پیاده: از تمور ژنان تا سترمک.

نیروهای دشمن که در برابر نیروهای خودی آرایش گرفته بودند مجموعاً شامل لشکرهای ۳۴ پیاده و ۳۹ پیاده بودند. (۱).

طرح مانور عملیات

ابهامات موجود، فرارسیدن زمان ترخیص نیروها، تعجیل قرارگاه رمضان در اجرای عملیات، ناهماهنگی موجود در قرارگاه، احتمال لو رفتن عملیات و هوشیاری دشمن و برخی از نارساییها و مشکلات دیگر، سبب شده بود تصمیم گیری در اجرای عملیات و برخورداری از سرعت عمل لازم برای تعیین طرح مانور عملیات و محورهای اصلی حمله، با موانع متعددی مواجه شود. در عین حال در مباحث اولیه، با تأکید بر ضرورت حضور یگانهای قوی سپاه در جنوب برای انجام دادن عملیات کربلای ۸، چنین پیشنهاد می شد که در مرحله اول، مأموریت یگانهای مستقر در منطقه به منظور تصرف ارتفاعات خالی از دشمن به شکل زیر انجام شود:

۱- محور شمالی: قرارگاه حمزه سیدالشهداء ۱ با تیپ ۱۱۰ خاتم الانبیاء (ص) و تیپ امام حسن (ع) و گردانهای جندالله.

۲- محور میانی: قرارگاه حمزه سیدالشهداء ۲ با لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) و تیپ ۹ بدر.

ص: ۱۶۱

۱- ۴۷۶. سند شماره ۶۶۹ / گ. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «گزارش عملیات کربلای ۱۰»، (راوی: مجید نداف)، تدوین: محمد درودیان، ۱۳۶۶، ص ۲۹.

۳- محور جنوبی: سپاه کردستان با لشکر ۱۵۵ ویژه شهدا و گردانهای جندالله. در این مقطع، هدف عملیات از محور سردشت روی ارتفاعات ژاژیله، گرده رش، گلان و ماووت در نظر گرفته شده بود تا با محور جنوبی که روی ارتفاعات رت ۱ و ۲ عمل می کردند، الحاق انجام شود.

همچنین مقرر گردید قرارگاه رمضان با مأموریت انهدام عقبه دو قرارگاه دشمن در محور عمومی ماووت و چوارتا روی ارتفاعات سورقلات، شاخ کانل، کاریزه، الاغلو، قمیش، کلالة و شاخ گوجار نیز عمل نماید. استعداد قرارگاه رمضان عبارت بود از: تیپ ۶۶ هواپرد، تیپ ۵۵ ویژه پاسداران، تیپ ۷۵ ظفر، گردان شهادت و نیروهای اتحادیه میهنی کردستان.

حضور فرماندهی کل سپاه، برادر محسن رضایی، در منطقه - تنها یک هفته قبل از عملیات - و تلاش برای اجرای عملیات، همزمان با عملیات کربلای ۸ در جنوب، موجب شد اقدامات مقدماتی با شتاب قابل توجهی انجام شود و در طرح مانور تغییراتی ایجاد گردد.

چنانکه تلاش برای همزمانی عملیات کربلای ۱۰ با عملیات کربلای ۸ سبب گردید که عملیات به دو مرحله تقسیم شود. بدین شکل که اگر عملیات غرب و جنوب هر دو موفق بود، در هر دو منطقه، تا تثبیت منطقه عملیات ادامه یابد و در صورتی که جنوب موفق نشد، بلافاصله یگانهای جنوب به غرب منتقل شوند و مرحله دوم عملیات صورت گیرد. بر این اساس، طرح عملیات مشخص شد.

- طرح مانور مرحله اول عملیات

قرارگاه نجف با لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع)، تیپ قائم کردستان و تیپ ۳۵ امام حسن (ع) به ترتیب زیر عمل نماید:

لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) در ارتفاعات گلان و اسپدره و پاسگاه پلیس، تیپ قائم کردستان در ارتفاعات شاشو و گامو.

تیپ ۳۵ امام حسن (ع) احتیاط ۵۷ در مرحله اول و سپس با استفاده از موقعیت برای تصرف قشن، پیشروی نماید.

قرارگاه حمزه با تیپ ۱۱۰ خاتم الانبیاء (ص) در ارتفاعات کانی بدار، چنگاوی و تپه منافقین در جناح راست منطقه عمل نماید.

قرارگاه بدر کردستان، با تیپ بیت المقدس، لشکر بدر و لشکر شهدا در جناح چپ منطقه عملیات به ترتیب زیر عمل نماید:

تیپ بیت المقدس روی ارتفاع سمت راست یال ارتباطی.

لشکر بدر روی ارتفاع کوخ نم نم.

لشکر شهداء روی ارتفاع کله گاوی.

- طرح مانور مرحله دوم عملیات

تیپ ۴۸ فتح روی ارتفاع قمیش عمل نماید.

لشکر ۱۴ امام حسین (ع) روی ارتفاع شاخ آمدین عمل نماید.

لشکر ۵ نصر برای تکمیل روی ارتفاعات قمیش و الاغلو عمل کند.

لشکر ۲۵ کربلا روی ارتفاع وراز وارد عمل شود.

- طرح مانور مرحله سوم عملیات

چنین پیش بینی می شد که قرارگاههای نجف و رمضان پس از اجرای عملیات، در مرحله دوم الحاق کنند. در عین حال، نظر به اینکه اجرای مراحل دوم و سوم مشروط به وضعیت عملیات در منطقه ی جنوب بود و یگانهای اجرا کننده ی عملیات نیز می بایست پس از نقل و انتقال از جنوب به غرب وارد عملیات شوند، لذا تصمیم نهایی، پس از مشخص شدن نتیجه ی مرحله ی اول عملیات در منطقه غرب و همچنین نتیجه ی عملیات در منطقه جنوب اتخاذ می شد.

در آستانه عملیات

اقدامات مهندسی و آماده سازی عقبه ها، گر چه به دلیل ابهام نسبت به عملیات

و نگرانی از هوشیاری دشمن و افشا شدن عملیات با تأخیر آغاز شد، لیکن پس از حضور فرماندهی کل سپاه در منطقه، روند آماده سازی عملیات شتاب گرفت. در عین حال برخی کاستیها همچنان به چشم می خورد. چنانکه تنها ۲۴ ساعت قبل از آغاز عملیات پل زلی آماده ی بهره برداری شد و سه دستگاہ لودر به شرق رودخانه چومان منتقل گردید و با وجود صعب العبور بودن ساحل، اقدامات مهندسی به رغم تمامی مشکلات انجام گرفت.

میزان هوشیاری دشمن از جمله مسائلی بود که از ابتدا مورد توجه قرار داشت. در آغاز تصور می شد که به دلیل درگیر بودن دشمن در منطقه جنوب و حضور یگانهای سبک سپاه در منطقه و عدم پیش بینی دشمن مبنی بر عبور نیروهای خودی از رودخانه گلاس، دشمن غافلگیر شده است. اما با تشدید اقدامات مهندسی به ویژه تلاش برای احداث جاده از گلان به کنار زلی و نیز نصب لوله های پل، دشمن اقداماتی انجام داد که نشانه ی هوشیاریش بود از جمله:

۱- پرتاب گلوله های منور.

۲- تقویت منطقه توسط یک الی دو گردان.

۳- انتقال چند قبضه توپ به منطقه.

۴- انتقال تانک روی ارتفاع گرده رش و تقویت این منطقه.

همچنین اجرای آتش روی پل زلی و اطراف روستای زلی به منظور مسدود کردن جاده از جمله مسائلی بود که نشان می داد دشمن نسبت به جهت اصلی عملیات و برخی از محورها هوشیار شده است.

اجرای عملیات

سرانجام در تاریخ ۲۳ / ۱ / ۶۶ لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) تحت فرماندهی قرارگاه نجف نیروهای خود را وارد منطقه کرد و پس از یک شب

ص: ۱۶۴

استقرار در جنوب رودخانه چومان در عصر روز ۲۴ / ۱ / ۶۶ به سمت اهداف خود حرکت کرد. به رغم آنکه زمان آغاز عملیات ۲ بامداد تعیین شده بود، لیکن از ساعت ۱:۴۵ بامداد ۲۵ / ۱ / ۶۶ اولین خبر از درگیریها به قرارگاه رسید. موفقیت اولیه نیروهای لشکر ۵۷ و تیپ قائم (عج) موجب امیدواری شد، بویژه اینکه نیروهای دشمن از محور پاسگاه پلیس عقب نشینی کردند و قوای زرهی دشمن نیز تحرکی از خود نشان ندادند. اما تلاش برای آغاز مرحله دوم عملیات در محور ماووت که با وارد عمل کردن تیپ ۳۵ آغاز شد به نتیجه نرسید.

در محور قرارگاه کردستان نیز به دلیل عدم استقرار قوای دشمن روی ارتفاعات، نیروها به سهولت اهداف خود را تأمین کردند و تلاشهای مهندسی برای ایجاد عقبه و احداث جاده آغاز شد.

در ساعت ۵:۳۰ صبح روز اول، پاتک دشمن در محور ماووت آغاز شد و سرانجام پس از چند بار دست به دست شدن گلان ۲، دشمن در غروب روز اول آن را مجدداً تصرف کرد.

در شب دوم نیروهای تیپ ۳۵ برای باز پس گیری ارتفاع گلان ۲ آماده نشدند و عملیات به شب سوم موکول گردید. همچنین در محور قرارگاه کردستان به دلیل عدم آمادگی نیروها، ادامه عملیات به شب بعد موکول شد.

قرارگاه حمزه در محور گناو، عملیات خود را با تیپ ۱۱۰ خاتم بر روی تپه منافقین، پاسگاه گناو و ارتفاع کانی بدار در ساعت ۱ بامداد آغاز کرد و تا ساعت ۵:۳۰ بامداد اولیه کلیه اهداف خود را تصرف و تأمین کرد.

همچنین دشمن در شب دوم با ترکیبی از نیروهای جاش و نظامی، مجدداً به ارتفاعات اسپي دره و گلان ۱ حمله کرد و نهایتاً به رغم مقاومتی که انجام گرفت، این ارتفاعات به دست دشمن افتاد.

در روز دوم با افزایش فشار دشمن در محور ماووت و گناو و سقوط ارتفاع گلان ۱ کار عقبه سازی و احداث جاده متوقف شد. در چنین وضعیتی،

پشتیبانی از عملیات و تخلیه ی شهدا و مجروحین بسیار ضروری و حیاتی بود؛ لیکن به دلیل موقعیت منطقه و فشارهای دشمن و مشکلات و کاستیهای موجود، عملاً اقدام مناسبی انجام نمی گرفت. این ضعف در استفاده از هلیکوپتر نسبتاً آشکارتر بود. در عین حال نیروهای خودی در محور گناو شدیداً مقاومت کردند.

در شب سوم، تیپ ۳۵ برای عملیات روی ژاژیله آماده شد و پیش بینی می شد که با تصرف ژاژیله و ادامه عملیات از پائین روی گلان ۲ اوضاع تا اندازه ای بهبود یابد. همچنین تیپ قائم کردستان نیز مأموریت داشت ارتفاع گامو را مجدداً تصرف نماید.

عملیات در ساعت ۱:۳۰ بامداد آغاز شد. تیپ ۳۵ ارتفاع ژاژیله را تصرف کرد و غنائم قابل توجهی از جمله تعدادی تانک به دست آورد، ولی تیپ قائم پس از ۵ ساعت درگیری با دشمن به مواضع خود عقب نشینی کرد.

در محور بسن قرارگاه کردستان، لشکر ویژه ی شهداء از سه محور با دشمن درگیر شد که دو محور آن در کله گاوی و یک محور دریال بسن بود. همچنین تیپ بیت المقدس به طرف یال ارتباطی پیشروی کرد. اما به رغم موفقیت‌های اولیه، به دلیل عدم انتقال نیروی احتیاط و مشکلاتی که در پشتیبانی عملیات وجود داشت و همچنین افزایش فشار دشمن، سرانجام در پایان روز سوم تنها یال ارتباطی به عنوان نتیجه ی عملیات در شب سوم، در اختیار نیروهای خودی باقی ماند. همچنین در روز سوم بر اثر فشار دشمن در محور گناو تنها ارتفاع کانی بدار و تپه منافقین (۱) در اختیار نیروهای خودی قرار داشت و تپه های چنکاوی و پاسگاه گناو مجدداً در اختیار دشمن قرار گرفت. در محور ماووت نیز تیپ ۳۵ به دلیل بروز مشکلاتی در امر پشتیبانی، نهایتاً از ارتفاع ژاژیله

ص: ۱۶۶

۱- ۴۷۷. این تپه در محدوده ی بین جنوب دوپازا و شمال گناو و در غرب دانی گوز و کوه لک لک قرار دارد که به دلیل حضور منافقین در این منطقه به تپه منافقین مشهور شد.

بنابراین، پس از سه شبانه روز جنگ و درگیری، گرچه در کلیه ی محورهای مورد نظر مرحله اول عملیات انجام شد، لیکن مشکلات و کاستیهای موجود و ناتوانی برخی از یگانها، همراه با فشارهای دشمن سبب گردید که اهداف به طور ناقص تأمین شود. درک دشمن از اهداف عملیات به ویژه باز شدن عقبه ی قرارگاه رمضان سبب شده بود تا فشار خاصی را متوجه این منطقه سازد.

در شب چهارم، سرانجام نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین (ع) که از جنوب به غرب منتقل شده بودند، برای تصرف دو ارتفاع گلان ۱ و ۲ آماده شدند. تیپ ۴۸ فتح نیز مأموریت داشت ارتفاع ژاژیله را تصرف نماید. نیروهای لشکر ۱۴ که در ساعت ۳۰:۳ بامداد با نیروهای دشمن درگیر شدند، تا روشن شدن هوا بجز ارتفاع گلان ۲، بقیه اهداف خود را تصرف کردند.

در محور گناو نیز نیروهای تیپ ۱۱۰ مجدداً پاسگاه گناو را تصرف کردند. در روز چهارم تنها پل لوله ای روی رودخانه چومان فروریخت و این امر به مشکلات پشتیبانی افزود. از این پس تلاش برای احداث پل بیللی افزایش یافت.

متعاقب موفقیت لشکر ۱۴ در اغلب محورها (بجز گلان ۲) و عدم دستیابی تیپ ۴۸ فتح به ارتفاع ژاژیله، چنین پیش بینی می شد که ادامه ی عملیات متوقف شود تا با تأمین عقبه ها و بازسازی یگانها، مجدداً عملیات با آمادگی بیشتری آغاز شود. اما پس از بحثهایی که صورت گرفت، نهایتاً مقرر گردید که عملیات ادامه یابد.

در شب پنجم مجدداً لشکر ۱۴ و تیپ ۴۸ برای تکمیل مأموریت خود وارد عمل شدند، لیکن موفقیتی به دست نیاوردند. همچنین در محور گناو، پاتک دشمن روی ارتفاع کانی بدار سبب گردید نیروهای تیپ ۱۱۰ اقدام به عقب نشینی نمایند. طی همین شب، تا ساعت ۳۰:۶ بامداد دشمن سه راهی ژاژیله را تصرف کرد و در پی آن آتش خود را روی ارتفاعات افزایش داد. همین

امر موجب شد که نیروهای تیپ ۴۸ به طور کامل از این محور عقب نشینی کنند.

با پیدایش وضعیت جدید، بحث و بررسی در مورد نحوه ی ادامه ی عملیات شروع شد. فشار قرارگاه رمضان بر عملیات روی گرده رش و قمیش به منظور تدارک و تغذیه نیروهای خودی که داخل خاک عراق بودند، سبب گردید اجرای عملیات در محور قشن و یال سیراوه تا قله و راز مورد توجه قرار گیرد. ضمن اینکه لشکر ۲۵ کربلا و لشکر ۵ نصر نیز از جبهه ی جنوب به جبهه ی غرب منتقل شدند و سایر یگانها نیز برای رسیدن به منطقه عملیات در راه بودند.

براساس طرح مانور عملیات در این مرحله، لشکرهای ۲۵ کربلا- و ۵ نصر در شب هفتم وارد عمل شدند. لشکر ۵ مأموریت داشت که ارتفاعات گلان ۱ و ۲ را تصرف نماید. لشکر ۲۵ نیز مأموریت داشت علاوه بر تأمین محور قشن روی گلان ۲ با لشکر ۵ الحاق کند.

عملیات تا صبح ادامه یافت و به جز مقر فرماندهی دشمن در گلان ۲ مابقی اهداف تأمین شد و الحاق لشکر ۵ و لشکر ۲۵ روی گلان ۲ نیز انجام نگرفت. با روشن شدن هوا پاتک دشمن آغاز شد، لیکن بر اثر مقاومت نیروهای خودی و آتش پشتیبانی که پس از چند روز تقویت شده بود، سرانجام در ساعت ۳۰:۱۱ الحاق تکمیل گردید. موفقیت حاصله در این مرحله موجب امیدواری برای ادامه عملیات شد.

طرح ریزی و اجرای عملیات در مرحله جدید

طی بحثها و بررسیهایی، در تاریخ ۱ / ۲ / ۶۶ ادامه ی عملیات کربلای ۱۰ به نحو زیر طرح ریزی گردید:

- در محور قرارگاه کردستان: لشکر ۱۵۵ شهدا در کله گاوی، تیپ نبی اکرم (ص) در یال بسن و تیپ بیت المقدس در ادامه یال ارتباطی به اجرای

ص: ۱۶۸

- در محور قرارگاه نجف: لشکر ۲۵ کربلا برای تکمیل یال قشن و لشکر ۵ نصر روی یال گلان به سمت ژاژیه و لشکر ۱۴ لشکر ۱۴ امام حسین (ع) روی ارتفاع ژاژیه عملیات نمایند. همچنین لشکر ۵ نصر در مرحله دوم روی همین محور عملیات را ادامه دهد. در همین محور، مقرر شد لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین (ع) روی خط مقابل ارتفاع هزار کانیان و تیپ ۴۸ فتح از یال میراوه به طرف ارتفاع آمدین عمل کنند و لشکر ۲۵ کربلا مأموریت داشت روی ارتفاع آمدین عمل نماید. همچنین لشکرهای ۳۳ المهدی (عج) و ۴۱ ثارالله مأموریت داشتند تنگه وراز را مسدود نمایند.

- در محور قرارگاه رمضان نیز قرار شد ارتفاعات ویسی، قمیش و دولبشک تصرف شود و سپس لشکرهای ۳۳ و ۴۱ در دولبشک و لشکرهای ۱۴ و ۵ در ارتفاعات قمیش مستقر شوند. همچنین قرار شد جهاد سازندگی برای احداث جاده روی قشن، یال میراوه، بالوکاوه، از سرگلو به گامو و همچنین از سرگلو به شاشو، اقدام نماید.

طی تلاشهایی که انجام شد، تیپ ۴۸، در شب دهم نیروهایش را در یال میراوه مستقر کرد، ولی با افزایش فشار دشمن عقب نشینی کرد و در یال شاشو مستقر شد. لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین (ع) در شب نهم در زیر گامو تا شاشو مستقر شد. این امر سبب گردید ضعف در جبهه گامو تا اندازه ای مرتفع شود. در شب هشتم لشکر نصر از گلان ۲ به پایین عمل کرد، ولی تنها تلفاتی بر دشمن وارد ساخت. از شب نهم، لشکر ۲۵ طی عملیات متوالی، تنها یک پایگاه از سه پایگاه دشمن روی قشن را تصرف کرد. در شب دهم دشمن از گلان ۱ و ۲ موفق به نفوذ شد و ارتفاع گلان را تصرف کرد. لشکرهای ۳۳ و ۴۱ برای تکمیل اهداف عملیات و باز پس گیری گلان وارد عمل شدند و سرانجام با تصرف و پاکسازی منطقه از نیروهای دشمن، به تشکیل خط پدافندی مبادرت کردند.

به این ترتیب، بنا به دلایلی از جمله هوشیاری دشمن نسبت به سمت تک، سرعت و شتاب اولیه و عدم آمادگی لازم، گستردگی طرح و عدم تناسب آن با توان و برخی عوامل دیگر، عملیات متوقف شد. همچنین عدم هماهنگی بین عملیات منظم و عملیات نامنظم نیز در این میان بی تأثیر نبود.

عملیات فتح ۵

اشاره

قرارگاه رمضان سپاه پاسداران با سازماندهی و اجرای عملیات در عمق خاک عراق در سال ۶۶، موقعیت جدیدی فراهم کرد. بر پایه ی همین موقعیت، سلسله تلاشهای سیاسی برای گسترش همکاری با معارضین عراقی، منجر به شکل گیری مقدمات اجرای عملیات فتح ۵ در شمال سلیمانیه به عنوان یک عملیات نامنظم و گسترده شد. این عملیات همزمان با عملیات کربلای ۱۰ در منطقه ماووت، در ساعت ۱:۴۷ بامداد روز ۲۵ / ۱ / ۶۶ از درون خاک عراق آغاز شد. سرعت عمل نیروها و گستردگی عملیات موجب غافلگیری دشمن گردید و طی ۲ الی ۳ ساعت پس از آغاز عملیات، کلیه ی اهداف عملیات نامنظم فتح ۵ تصرف شد.

در عین حال، ناتوانی نیروهای نامنظم برای مقابله با فشارهای قوای عراقی و عدم اتصال مناطق آزاد شده به داخل خاک ایران، سبب گردید تدریجاً دشمن کلیه مواضع متصرفه را باز پس گیرد.

بازتاب عملیات کربلای ۱۰

اجرای عملیات در منطقه غرب کشور و همزمانی آن با عملیات فتح ۵ از جمله مسائلی بود که مورد توجه خبرگزاریها قرار گرفت. چنانکه فرستاده ی ویژه ی خبرگزاری فرانسه، پس از بازدید از ارتفاعات ماووت در خاک عراق، طی گزارشی به نقل از تحلیلگران گفت:

ص: ۱۷۰

«عملیات مزبور برای ایران این هدف را در پی دارد که رقیب را در لحظه ای که عملیات بسیار مهمتری در جنوب جریان دارد، در شمال سرگرم کند.» (۱).

هفته نامه جینز دیفنس با توجه به گزارشهای منتشره از سوی عراق مبنی بر خنثی سازی تهاجمات ایران می نویسد:

«به رغم ادعاهای عراق مبنی بر خنثی کردن این عملیات (کربلای ۱۰) به نظر می رسد که ایران توانسته است در شمال شرقی عراق، در آخرین عملیات رزمی خود به موفقیت برسد و تا سی و چهار کیلومتر در داخل عمق خاک عراق پیشروی کند.» (۲).

تجزیه و تحلیل روزنامه ی ژاپنی کی زایب از عملیات کربلای ۱۰ نیز قابل توجه است:

«این حملات نشانه ی عزم ایران برای ادامه جنگ بوده و تلاشهایی که گفته می شود به منظور خاتمه دادن به این جنگ انجام گرفته، بی ثمر است.» (۳).

آقای هاشمی، فرمانده ی عالی جنگ و رئیس وقت مجلس شورای اسلامی، در تشریح عملیات و اهداف جمهوری اسلامی از این عملیات اظهار داشت:

«در آینده خواهیم دید همانند نقشی که «فاو»، در جنوب به عنوان دروازه ورودی به نقاط دیگر ایفا می کند، این منطقه چنین وضعی را در شمال جبهه در کردستان خواهد داشت.» (۴).

اظهارات آقای هاشمی بیانگر اهمیت عملیات و همچنین اهداف ایران در منطقه شمال غرب بود که سپاه پاسداران بعدها در سلسله عملیاتیهای از ماووت تا والفجر ۱۰، به اجرای آن پرداخت.

ص: ۱۷۱

۱- ۴۷۸. روزنامه کیهان، ۱۹ / ۲ / ۶۶.

۲- ۴۷۹. روزنامه رسالت، ۱۹ / ۲ / ۶۶.

۳- ۴۸۰. روزنامه اطلاعات، ۱۲ / ۲ / ۶۶.

۴- ۴۸۱. روزنامه اطلاعات، ۸ / ۲ / ۶۶.

تلاشهای جدید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه غرب کشور در چارچوب استراتژی جدید، (۱) اساساً بدین منظور طرح ریزی و اجرا شد که با باز کردن عقبه‌ی معارضین کرد عراقی به ایران و اتصال منطقه آزاد شده از خاک عراق به ایران، در منطقه شمال غرب جبهه جدیدی در برابر دشمن گشوده شود. چنین پیش‌بینی می‌شد که با توجه به موفقیت معارضین عراقی و موقعیتی که برای یک پیروزی وجود داشت، با پیشروی در عمق منطقه، دشمن نهایتاً برای مقابله به نقل و انتقالات وسیع از منطقه‌ی جنوب به غرب اقدام خواهد کرد و این امر به منزله فراهم شدن مقدمه اجرای عملیات در جنوب خواهد بود، ضمن اینکه جبهه‌های جدیدی در شمال غرب در برابر دشمن گشوده شده و بخشی از نیروها و فرماندهی دشمن را تجزیه خواهد کرد.

در این چارچوب، پس از اجرای عملیات کربلای ۱۰ و فتح ۵ در اردیبهشت سال ۶۶، مجدداً سلسله عملیاتی طی دو مرحله در منطقه شمال غرب طرح ریزی و اجرا شد. مرحله‌ی اول شامل عملیات نصر ۴ و نصر ۷ بود که یگانهای نیروی زمینی سپاه به ترتیب در تاریخهای ۳۱ / ۳ / ۶۶ و ۱۳ / ۵ / ۶۶ اجرا کردند. مرحله دوم این عملیاتها پس از فراغت نیروی دریایی سپاه از درگیری سه ماهه (شهریور، مهر، آبان) با امریکا در خلیج فارس با عملیات نصر ۸ در تاریخ ۲۹ / ۸ / ۶۶ آغاز گردید و با عملیات بیت المقدس ۲ و بیت المقدس ۳ در ماووت ادامه یافت و سرانجام با عملیات والفجر ۱۰ در حلبچه پایان پذیرفت.

در جدول صفحه بعد نمایی از این سلسله عملیات آورده شده است.

ص: ۱۷۲

نام عملیات: نصر ۴، تاریخ: ۳۱ / ۳ / ۶۶، سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران، منطقه: ماووت، نتایج عملیات: بخشی از منطقه ماووت از جمله شهر و دشت ماووت و ارتفاعات ژاژیله، شاخ قشن و بالوسه (مجموعاً ۵۰ کیلومتر مربع) آزاد شد.

نام عملیات: نصر ۷، تاریخ: ۱۳ / ۵ / ۶۶، سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران، منطقه: دوپازا و بلفت در محور سردشت، نتایج عملیات: ارتفاعات دوپازا و بلفت به وسعت ۳۰ کیلومتر مربع آزاد شد.

نام عملیات: نصر ۸، تاریخ: ۲۹ / ۸ / ۶۶، سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران، منطقه: ماووت، نتایج عملیات: بخش دیگری از منطقه ماووت از جمله گرده رش آزاد شد.

نام عملیات: بیت المقدس ۲، تاریخ: ۲۵ / ۱۰ / ۶۶، سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران، منطقه: ماووت، نتایج عملیات: بخش دیگری از منطقه ماووت شامل ارتفاعات قمیش، ویولان و تنگه گوجار فتح شد.

نام عملیات: بیت المقدس ۳، تاریخ: ۲۳ / ۱۱ / ۶۶، سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران، منطقه: ماووت، نتایج عملیات: بخش دیگری از منطقه ماووت شامل ارتفاع مهم و مرتفع گوجار به تصرف رزمندگان اسلام درآمد.

نام عملیات: والفجر ۱۰، تاریخ: ۲۳ / ۱۲ / ۶۶، سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران، منطقه: حلبچه، نتایج عملیات: بخشی وسیعی از استان سلیمانیه از جمله شهرهای حلبچه، دوجیله و خورمال تصرف شد.

گرچه در عملیات کربلای ۱۰ و در چارچوب استراتژی جدید ایران، برخی از ارتفاعات از جمله ژاژیله، اسپیدار، گلان، شاخ قشن و بالوسه آزاد شد، لیکن توقف عملیات از یک سو و تلاشهای دشمن به منظور باز پس گیری مناطق متصرفه از سوی دیگر، سبب گردید تا عملیات نصر ۴ به منظور تداوم عملیات کربلای ۱۰ و با هدف تصرف شهرک ماووت عراق و ارتفاعات ژاژیله طرح ریزی شود. در واقع، عملیات نصر ۴ برای تکمیل اهداف عملیات کربلای ۱۰ انجام گرفت و این امیدواری وجود داشت که موفقیت حاصله در این عملیات، مقدمات تصرف ارتفاع گرده رش واقع در غرب رودخانه چولان را فراهم سازد.

موقعیت منطقه

شهر ماووت در میان ارتفاعات بلند با یالهای به هم پیوسته، صخره ای و صعب العبور واقع شده است که تصرف آن با دشواری بسیاری همراه است. ارتفاعات این منطقه از شمال به مرز سردشت و رودخانه زاب و از جنوب به شهرک ماووت و جاده آسفالتی منتهی می شود. تسلط و اشراف ارتفاعات بر قسمتهایی از منطقه ماووت و پایگاه و پادگان و مواضع توپخانه در این منطقه، بر اهمیت و ارزش نظامی این ارتفاعات می افزود.

ارتفاعات این منطقه شامل گامو، هزار کانیان، بالوکاوه، قشن، گلان، ژاژیله، بالوسه در شرق رودخانه چولان و ارتفاعات گرده رش، ویولان، قمیش، دولبشک، الاغلو و گوجار در غرب آن می باشد. جاده های موجود در منطقه، راههای وصولی به شهر ماووت را برای ایران از سردشت و بانه و برای دشمن از چوارتا و سلیمانیه تسهیل می کند.

در منطقه ماووت، شهر ماووت به لحاظ موقعیت و قدمت آن از اهمیت

زیادی برخوردار است. با اجرای عملیات کربلای ۱۰ و درک دشمن از اهمیت این منطقه و شهر ماووت، افزایش حضور دشمن در منطقه منجر به تبدیل ماووت به یک شهر نظامی شد. (۱).

طرح مانور

عملیات از چهار محور شامل: یال غربی ارتفاع گلان (بزرگ) و ارتفاع ژاژیله، ادامه یال ارتفاع قشن تا آخر قله های ۱ و ۲ و ۳ شهر ماووت، یال میرآوه و یال بالوکاوه (ارتفاعات دو قلو) و از بالوسه تا یال غربی قشن، طرح ریزی می شد. با تأکید بر اهمیت تپه دو قلو و تصرف و حفظ آن، درباره نحوه عملیات روی ارتفاع ژاژیله و نیز تثبیت خطوط دفاعی در جلوی شهر ماووت بحث و بررسی شد. در این عملیات، قوای تحت امر قرارگاه نجف شامل ۹ یگان پیاده از نیروی زمینی سپاه بود. همچنین، تیپ زرهی ۳۸ ذوالفقار سپاه مأموریت پشتیبانی و اجرای تیر تانک را برعهده داشت. (۲).

چنانکه پیش از این اشاره شد، از مدتها قبل دشمن نسبت به سمت اصلی تلاش رزمندگان اسلام در این منطقه حساس شده بود. بویژه آنکه در این منطقه اقداماتی برای احداث جاده، همراه با افزایش تحرکات نظامی صورت می گرفت. در مقابل، دشمن نیز به موازات افزایش استعداد نیروهایش، آرایش آنها را تغییر داد. لذا با توجه به اقدامات و تلاشهای دشمن، بخصوص اجرای آتش نسبتاً شدید روی ارتفاعات گلان و قشن - که نقش مهمی در طرح مانور عملیات نیروهای خودی داشتند - و همچنین حملات هوایی ارتش عراق، به نظر می رسید که دشمن در هوشیاری نسبی به سر می برد. (۳).

اجرای عملیات

حرکت نیروها از غروب روز سه شنبه ۳۰ / ۳ / ۶۶ به سمت هدفهای تعیین شده

ص: ۱۷۵

۱- ۴۸۳. سند شماره ۸۷۶ / گ. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «گزارش راوی قرارگاه نجف (احمد نیکروش)، مندرج در

گزارش عملیات نصر ۴»، (نگارش حسین اردستانی)، ص ۲.

۲- ۴۸۴. پیشین.

۳- ۴۸۵. پیشین.

آغاز شد. نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و لشکر قدس که مأموریت اجرای عملیات روی ارتفاع ژاژیله را برعهده داشتند. به خاطر مسافت طولانی، تلاش چشمگیری را برای رسیدن به هدف انجام دادند و سرانجام در ساعت ۱۰:۱۰ بامداد ۳۱ / ۳ / ۶۶ به رغم اینکه برخی از یگانها هنوز در راه بودند، درگیری با نیروهای دشمن آغاز شد و در ساعت ۲ بامداد رمز عملیات به نام مبارک «یا امام جعفر صادق (ع)» قرائت و درگیری در کلیه محورها آغاز شد.

گرچه عملیات به مدت ۱۵ شبانه روز ادامه یافت، لیکن نتایج حاصله در شب اول حائز اهمیت بود، زیرا می توانست بر پایه غافلگیری نسبی اهداف عملیات را تأمین نماید. در شب اول، لشکر ۲۵ کربلا به سهولت قله های ۱ و ۲ ارتفاع قشن را تصرف کرد. لشکر ۱۴ امام حسین (ع) نیز اهداف خود روی ارتفاع گلان را تصرف و تأمین کرد. همچنین، لشکر قدس پایگاههای دشمن در جنوب ارتفاع ژاژیله را به تصرف درآورد.

موفقیت‌های اولیه در این محور سبب گردید تا تلاش برای الحاق لشکر قدس و لشکر ۱۴ امام حسین (ع) روی جاده آسفالت ماووت - سورقلایت که موجب تسلط بر شهر ماووت می شود، مورد تأکید قرار گیرد. بر همین اساس، با روشن شدن هوا الحاق حاصل گردید و نیروها در مواضع جدید مستقر شدند. لشکر ۳۲ انصار نیز توانست قله ۱۵۹۶ بالوکاوه را تصرف نماید و تیپ ۱۱ امیرالمؤمنین (ع) نیز تپه دو قلو را تصرف کرد.

به رغم تأمین بخش مهمی از اهداف، به علت عدم الحاق لشکر امام حسین (ع) و لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع)، شهر ماووت در شب اول به طور کامل سقوط نکرد و دشمن همچنان در قسمت غربی به حضور و مقاومت خود ادامه داد.

دشمن به منظور مقابله با موفقیت جدید نیروهای خودی، تلاش اصلی را روی ارتفاع قشن متمرکز کرد تا شهر ماووت را از محاصره خارج نماید. اهمیت

این ارتفاع سبب گردید که در ادامه عملیات، لشکرهای ۴۱ ثارالله و ۳۳ المهدی (عج) که مأموریت تصرف و پاکسازی باقی مانده مواضع دشمن در غرب شهر ماووت رابه عهده داشتند، در این محور برای تثبیت ارتفاع قشن وارد عمل شوند.

با ادامه درگیری روی قشن سرانجام در شب دوم عملیات، یال قشن پاکسازی و نیروهای خودی به سمت شهر ماووت پیشروی کردند.

بدین ترتیب، طی ۱۵ روز درگیری، سرانجام بخشی از منطقه ماووت از جمله شهر و دشت ماووت و ارتفاعات ژاژیله، شاخ قشن، بالوسه و نقاطی دیگر جمعا بالغ بر ۵۰ کیلومتر مربع آزاد گردیدند.

اهمیت و نتایج پیروزی در عملیات نصر ۴ سبب گردید تا دشمن برای باز پس گیری ارتفاعات، علاوه بر بمباران شدید با هواپیما، حتی از راکت‌های حاوی سیانور که با هلیکوپتر شلیک می شدند، استفاده کند. ناکامی دشمن سبب گردید تا عراق در استراتژی جدید خود برای مقابله با تلاش‌های جمهوری اسلامی، سازمان منافقین را در این منطقه فعال کند. زیرا با توجه به ضرورت دستیابی به اطلاعات، منافقین می توانستند خواسته های رژیم عراق را تأمین کنند. متقابلا، منافقین نیز برای این منظور از انرژی و آمادگی زیادی برخوردار بودند. البته این اقدام عراق در استفاده از منافقین به نوعی مقابله با جمهوری اسلامی در به کارگیری اکراد معارض عراقی، محسوب می شد. بر پایه همین ضرورتها، در بهار سال ۶۶، رجوی در بغداد با صدام ملاقات کرد و قرار شد منافقین عملیات نامنظم را آغاز نمایند. به همین منظور، استقرار تیمهای شناسایی منافقین و اجرای عملیات شناسایی آغاز شد. نظر به اهمیت و ابعاد جدید تلاش‌های منافقین در هم پیمانی گسترده با رژیم عراق، رجوی طی پیامی به نیروهای شناسایی خود دستور داد تا در مورد باقی ماندن هر گونه ردپا جدا هشیاری به خرج دهند.

اشاره

استقرار نیروهای دشمن روی ارتفاعات سرکوب منطقه سردشت، به ویژه ارتفاع دوپازا، استقرار نیروهای خودی را در منطقه دچار مشکلاتی کرده بود و متقابلاً تردد ضد انقلاب را تسهیل کرده و آنها را زیر پوشش خود قرار داده بود. به همین دلیل، عملیات نصر ۷ با هدف خارج کردن منطقه عمومی سردشت از دید و تیر دشمن و متقابلاً زیر دید و تیر قرار دادن قلعه دیزه عراق و مهار تردد ضد انقلاب در محور سردشت طرح ریزی شد.

موقعیت منطقه

ارتفاع دوپازا (۲۷۹۱ متر) به عنوان بلندترین ارتفاع منطقه در امتداد سلسله ارتفاعات دوپازا در ۱۳ کیلومتری غرب سردشت در خط نوار مرزی قرار دارد. دوپازا از شمال به دو ارتفاع اسپیدان و بلفت، از جنوب به ارتفاعات لک لک، شهید زین الدین، کله قندی و فرفری محدود می شود و از شرق به کوههای رستم آلیان و کانی رش و در غرب به دشت قلعه دیزه و شهر قلعه دیزه عراق منتهی می شود.

طرح مانور

طرح ریزی عملیات همراه با اقدامات اولیه به رغم دشواریهای آن، به ویژه تسلط و اشراف دشمن بر تحرکات نیروهای خودی، انجام گرفت. عملیات در دو مرحله طرح ریزی شد، به این شکل که در مرحله اول، تصرف ارتفاعات مهم دوپازا و یالهای آن، تپه شاهمرادی و تصرف یال ارتفاعات بلفت (خودی) مورد تأکید قرار گرفت. همچنین تصرف ارتفاع بلفت (عراق) برای مرحله دوم در نظر گرفته شد. با توجه به اهمیت عملیات در مرحله اول، لشکر ۳۱ عاشورا و

لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) و تیپ ۱۸ الغدیر تأمین اهداف عملیات را در این مرحله به عهده داشتند و برای مرحله دوم تیپ ۲۹ نبی اکرم (ص) در نظر گرفته شد.

اجرای عملیات

سرانجام عملیات نصر ۷ پس از فراهم سازی مقدمات آن، با دو لشکر و دو تیپ از نیروهای سپاه پاسداران در موقعیتی که به نظر می رسید دشمن هوشیار است، در ساعت ۲:۳۰ بامداد روز ۱۴ / ۵ / ۶۶ با رمز مقدس «یا زهرا (س)» آغاز شد. تهاجم سریع نیروهای خودی، به رغم هوشیاری نسبی دشمن سبب گردید تا کلیه اهداف عملیات در مرحله اول تصرف و تأمین شود. مرحله دوم آن نیز پس از اجرای آتش توپخانه روی مواضع دشمن از دو محور جاده و یال بلفت آغاز شد و نیروهای تیپ ۲۹ نبی اکرم (ص) پس از ۳ ساعت درگیری اولین قله بلفت را به تصرف درآوردند.

با توجه به اهمیت این منطقه، دشمن طی ۱۰ شبانه روز با پاتکهای سنگین برای باز پس گیری مناطق متصرفه تلاش کرد لیکن موفق نشد. در نتیجه ی این عملیات، ارتفاعات «دوپازا» و «بلفت» و منطقه ای به وسعت ۳۰ کیلومتر مربع آزاد شد.

عملیات نصر ۸

اشاره

در تداوم سلسله عملیاتی که در منطقه شمال غرب انجام گرفت، عملیات نصر ۸ با هدف تسلط بر بخشی از رودخانه قلعه چولان، جهت تسهیل عبور نیروها و تصرف ارتفاعات مهم منطقه، به ویژه ارتفاع گرده رش، برای ورود به زمین منطقه غرب رودخانه قلعه چولان، طرح ریزی شد.

معضلات موجود در منطقه به ویژه محدودیتها و فقدان عقبه در موقعیت

ص: ۱۷۹

خاص جوی، با فرارسیدن فصل سرما رو به فزونی نهاد. ضرورت اجرای عملیات عمدتاً برای فراهم سازی مقدمات عملیات گسترده در منطقه شمال غرب بود. به همین دلیل، به رغم دشواریهایی که وجود داشت، تلاش برای فراهم سازی مقدمات عملیات و طرح ریزی مانور عملیات انجام گرفت.

طرح مانور

این بحث با استفاده از خلاصه گزارش مجموعه ی عملیات جبهه شمال غرب (سند شماره ۵۹۹ / گ) در آرشیو اطلاع رسانی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ تدوین شده است.

عملیات نصر ۸ با هدف تصرف ارتفاع گرده رش تحت فرماندهی قرارگاه نجف به شرح زیر طرح ریزی شد:

- تصرف نیمه جنوبی ارتفاع ۱۴۱۸ (قله دوم) توسط لشکر ۲۱ امام رضا (ع)

- تصرف نیمه شمالی ارتفاع ۱۴۱۸ و تصرف ارتفاع ۱۳۹۱ (قله سوم) توسط لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع).

- تصرف نیمه غربی ارتفاع ۱۴۲۶ (قله اول) توسط لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین (ع).

- تصرف نیمه شرقی ارتفاع ۱۴۲۶ (قله اول) توسط تیپ ۱۲ قائم (عج).

- تصرف ارتفاعات ۱۳۱۷ و ۱۳۴۸ (قله چهارم) توسط لشکر ۱۵۵ ویژه شهدا.

همچنین لشکرهای ۷ ولیعصر (عج)، ۵۲ قدس و تیپ ۳۵ امام حسن (ع) و تیپ مسلم بن عقیل به عنوان احتیاط قرارگاه در نظر گرفته شدند.

اجرای عملیات

نیروها با حرکت از محورهای مختلف پس از ۵ الی ۸ ساعت راهپیمایی، در نزدیکی مواضع دشمن استقرار یافته و در انتظار قرائت رمز عملیات بودند.

ص: ۱۸۰

سرانجام در ساعت ۱۶:۱ بامداد ۲۹ / ۸ / ۶۶ عملیات نصر ۸ با رمز مبارک «یا محمد بن عبدالله ادرکنی، ادرکنی، ادرکنی» آغاز شد. یگانها به طور هماهنگ به مواضع دشمن یورش بردند و تنها یک ساعت پس از آغاز عملیات، هدفهای خود را در قله های ۱۴۱۸، ۱۴۲۶ و ۱۳۹۱ تصرف کردند. همچنین قرارگاه تاکتیکی تیپ ۳۹ دشمن و مقر گردان ۱ این تیپ به تصرف نیروهای خودی درآمد. در این میان، تنها مقر گردان ۲ تیپ ۳۹ در ادامه یال شمالی گرده رش همچنان در دست دشمن باقی ماند. به رغم فشارها و پاتکهای دشمن در روز اول نیروهای خودی، مواضع متصرفه را پاکسازی و تأمین کردند.

در شب دوم، یک گردان از لشکر ویژه شهدا، با عبور از لشکر ۵۷، روی ادامه یال گرده رش وارد عمل شد و آن را تصرف کرد. در تداوم عملیات، به رغم فشارهای دشمن، سرانجام پس از یک هفته نبرد در وضعیت جوی نامساعد روی ارتفاعات صعب العبور، نهایتاً بخش دیگری از منطقه عمومی ماووت شامل ارتفاع گرده رش به تصرف نیروهای خودی درآمد.

عملیات بزرگ بیت المقدس ۲

اشاره

تصرف ارتفاع گرده رش در عملیات نصر ۸، امکان عبور از رودخانه قلعه چولان و ورود به غرب آن و گسترش به سمت شمال غربی و جنوب منطقه را فراهم کرد. ضمن اینکه با عملیات نصر ۴ و تصرف شهر ماووت نیز امکان اجرای عملیات در جناح چپ منطقه، شامل شرق رودخانه قلعه چولان فراهم شد. نتایج مجموعه موفقیت‌های حاصله در سلسله عملیات پیشین در منطقه شمال غرب سبب گردید تا شرایط لازم برای اجرای عملیاتی بزرگ در شمال سلیمانیه فراهم شود.

ضرورت تداوم عملیات در محور ماووت، سبب گردید عملیات بیت المقدس ۲ در ۲۵ / ۱۰ / ۶۶ در سخت ترین وضعیت جوی و در میان برف

و سرما، با هدف «تصرف جاپا برای نزدیکی به شهر سلیمانیه و سد دوکان و قلعه دیزه عراق» طرح ریزی و اجرا شود.

در چنین موقعیتی، یگانها علاوه بر مشکلاتی که برای استقرار داشتند، به هنگام پیشروی و رسیدن به مواضع دشمن نیز با دشواریهای بسیار مواجه بودند. چنانکه نیروها بعضا مسیرهای طولانی را در میان برف و در کوهستان به مدت ۶ تا ۸ ساعت طی می کردند. تراکم برف در برخی محورها سبب گردیده بود که نیروها تا زانو در برف فروروند و همین امر منجر به کاهش توان آنها می شد.

بخشی از مشکلات ناشی از اوضاع جوی و زمین موجب تأخیر در جا به جایی سریع نیروها می شد. طوری که پس از گذشت ۴۸ ساعت نیروها می بایست به دلیل خستگی، خستگی و گل آلود بودن لباسها و بیماری تعویض می شدند. فرمانده یکی از یگانهای سپاه در این باره گفت:

«در خط سنگر نداریم، زمین خیلی گل و شل است، امکان کار نمی دهد. پر کردن گونی هم به خاطر وضع زمین ممکن نیست نیروها در اینجا دیگر توانی ندارند.»

فرمانده یکی دیگر از یگانهای سپاه نیز در مورد یک گردان از نیروهایی که پای کار آمدند اظهار داشت:

«چادر نمی شد زد، چون نزدیک خط بود. (نیروها) پتو روی خود کشیدند. حدود ۲۰ - ۳۰ سانتی متر برف روی آنها نشسته بود. ۳ نفر حالشان بسیار بد شد و بیهوش شدند. یک نفر هم بر اثر سرمای شدید شهید شد.»

اجرای عملیات در چنین وضعیت سخت و دشواری، علاوه بر ملاحظات مختلفی که وجود داشت، اساسا به این امید و انتظار انجام می گرفت که مقدمات غافلگیری دشمن را فراهم سازد.

منطقه عملیاتی بیت المقدس ۲ در شمال استان سلیمانیه عراق واقع شده است. این منطقه عملیاتی از شمال به ارتفاعات گرده رش و ویولان، از جنوب به ارتفاعات الاغلو، دولبشک و یاش قلعه و از شرق به ارتفاعات آمدین و گلان و از غرب به ارتفاع گوجار منتهی می شود. رودخانه قلعه چولان زمین منطقه را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرده است و از شمال تا جنوب منطقه عملیاتی امتداد دارد. عقبه نزدیک منطقه، شهر بانه می باشد که منطقه عملیاتی را با جاده کاگر - بانه به شهر بانه متصل می کند.

طرح مانور

عملیات در دو مرحله طرح ریزی شد. بدین ترتیب که در مرحله اول ارتفاعات ویولان، دشت هرمدان، یالهای ابتدای ارتفاع گوجار و یالهای مقابل این ارتفاع که بر ارتفاع الاغلو و تنگه الاغلو تسلط داشت و نیز ارتفاعات الاغلو، قمیش و دولبشک به همراه تنگه دولبشک - الاغلو، تصرف شود و در مرحله دوم پس از تأمین اهداف مرحله اول، با تصرف ارتفاعات موکبه و قیوان پیشروی به سمت عمق منطقه، انجام گیرد.

تداوم عملیات در عمق منطقه پس از مرحله اول، از جمله تدابیری بود که تحقق آن، علاوه بر کسب موفقیت در مرحله اول، به عوامل دیگری همچون توان نیروهای خودی و وضعیت دشمن در منطقه بستگی داشت.

موقعیت زمین منطقه و تقسیم آن به دو قسمت شرقی و غربی، به جهت تأثیر رودخانه قلعه چولان، سبب گردید تا اجرای عملیات با دو قرارگاه نجف و قدس پیش بینی شود. بدین ترتیب که قرارگاه نجف در محور قمیش (دشت هرمدان) با ۴ لشکر و ۴ تیپ شامل لشکرهای ۵ نصر، ۶ پاسداران،

۲۱ امام رضا (ع)، ۱۵۵ شهداء و تیپهای ۳۵ امام حسن (ع)، ۱۸ الغدیر، ۱۲ قائم و ۴۸ فتح، مجموعاً با ۵۷ گردان و قرارگاه قدس با ۶ لشکر و یک تیپ شامل لشکرهای ۱۰ سیدالشهداء (ع)، ۳۱ عاشورا، ۳۲ انصار الحسین (ع)، ۲۷ حضرت رسول (ص)، ۵۲ قدس و ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) و تیپ زرهی ۲۰ رمضان، مجموعاً با ۴۷ گردان، مأموریت اجرای عملیات را برعهده گرفتند.

وضعیت دشمن

تحرك نیروهای خودی در منطقه فاو و اجرای عملیات بزرگ سالانه در منطقه ی جنوب، سبب گردید تا دشمن توجه ذهنی و تمرکز نیروهای خود را به منطقه ی جنوب معطوف نماید. وضعیت فصلی در منطقه شمال غرب نیز به گونه ای بود که دشمن با توجه به سوابق عملیاتی پیشین رزمندگان اسلام در این منطقه، امکان عملیات جدی و گسترده را پیش بینی نمی کرد. در مجموع این عوامل منجر به غافلگیری دشمن شد. حتی پس از اجرای مرحله اول عملیات، دشمن همچنان از انتقال نیروی متناسب با این عملیات به منطقه امتناع کرد. تنها پس از آغاز مرحله دوم عملیات و با پیشروی به سمت ارتفاعات مهم و استراتژیک الاغلو و دولبشک، عراق با درکی که نسبت به سمت اصلی تلاشهای ایران در این منطقه پیدا کرد، تدریجاً به انتقال یگانهای جدید و یگانهای احتیاط سپاه یکم و سپاه دوم و همچنین دو تیپ ۶۶ و ۶۸ نیروی مخصوص از لشکر گارد، اقدام کرد. نیروهای دشمن که از ابتدا تا انتهای عملیات به منطقه وارد شدند مجموعاً ۸ تیپ و ۴ گردان بودند.

اجرای عملیات

به رغم مشکلات بسیاری که برای اجرای عملیات در فصل سرما و یخبندان و در میان ارتفاعات صعب العبور وجود داشت، تلاشهای وسیعی به منظور

فراهم سازی مقدمات عملیات انجام گرفت. همچنین علاوه بر اقدامات شناسایی و طرح ریزی عملیات، فعالیتهای گسترده ای برای باز نگاه داشتن جاده ها در مقابل ریزش برف انجام گرفت. علاوه بر این برای تردد نیروهای لشکرهای ۱۰ و ۳۱ در محور قمیش، روی رودخانه قلعه چولان پلی نصب شد.

سرانجام پس از جا به جایی نیروها، عملیات بیت المقدس ۲ در ساعت ۱۵:۱ بامداد روز جمعه ۲۵ / ۱۰ / ۶۶ با رمز مبارک «یا زهرا سلام الله علیها» آغاز شد. ابتدا یگانهای قرارگاه نجف و سپس نیروهای قرارگاه قدس در سه محور ویولان، دشت عمومی هرمدان و ارتفاع قمیش وارد عمل شدند. نتایج عملیات در شب اول به شرح زیر بود:

- لشکر ۳۲ انصار در محور ماووت تحت امر قرارگاه قدس برای تصرف یالهای انتهایی قشن وارد عمل شد. اهمیت تصرف و پاکسازی و تأمین این منطقه به دلیل فراهم سازی امکان عبور یگانهای بعدی به سمت ارتفاع آمدین بود. پیچیدگی و استحکامات موجود در منطقه سبب گردید تا ادامه عملیات در این محور به شب بعد موکول شود.

- لشکر ۳۱ عاشورا روی ارتفاع قمیش وارد عمل شد و با استفاده از راه کار لشکر ۱۰ سیدالشهداء (ع) پیشروی کرد طوری که قبل از روشن شدن هوا، مواضع دشمن در این محور سقوط کرد.

- لشکر ۶ پاسداران نیمی از ارتفاع ویولان را تصرف کرد. علت اصلی عدم تصرف کامل این ارتفاع، وجود برف زیاد و مشکل تردد نیروها بود.

- لشکر ۵ نصر، تیپ ۳۵ امام حسن (ع) و تیپ ۱۸ الغدیر دشت عمومی هرمدان را تا ساعت ۹ صبح پاکسازی کردند.

- ارتفاع قمیش در محور لشکر ۱۰ به طور کامل تصرف شد و در سمت لشکر ۳۱ قله ی اصلی آن تصرف نشد و الحاق کامل ایجاد نگردید.

مجموعاً در شب اول به رغم مشکلاتی که در تردد نیروها در میان برف و کوهستان و در مسیرهای طولانی وجود داشت، بخش عمده اهداف مورد نظر تأمین شد.

با روشن شدن هوا عملیات همچنان ادامه یافت. نیروهای دشمن که در محاصره قرار گرفته بودند بعضاً برای فرار به میان برفها می رفتند که جز مرگ یا اسارت سرانجام دیگری نداشتند. در مجموع، عکس العمل جدی و قابل توجهی از دشمن مشاهده نشد و همین امر نشانه‌ی غافلگیری دشمن نیز بود.

متقابلاً برابر تدبیر فرماندهی قرارگاه نجف برای ورود به تنگه قمیش و پشت سر گذاشتن مواضع دشمن، نیروهای تحت امر این قرارگاه با یک خیز نسبتاً بلند وارد تنگه شدند و بدین ترتیب مواضع دشمن در پشت ارتفاع قمیش از سمت دهکده، متزلزل شد. ضمن اینکه نیروهای لشکر عاشورا نیز قبل از ورود نیروهای قرارگاه نجف به داخل تنگه، قله اصلی ارتفاع قمیش را تصرف کردند و در نتیجه نیروهای خودی به طور کامل بر این منطقه مسلط شدند.

موقعیت جدید نیروهای خودی در این منطقه (تنگه قمیش) و تأثیرات ناشی از این وضعیت، منجر به افزایش حساسیت دشمن و در نتیجه افزایش فشار قوای عراقی برای باز پس گیری منطقه گردید.

پس از این مرحله‌ی موفقیت آمیز، لازمه‌ی تداوم عملیات تصرف ارتفاعات دولبشک و الاغلو بود تا بدین وسیله امکان پیشروی به سمت ارتفاعات موکبه و قیوان فراهم شود. با گذشت زمان و تداوم عملیات نیروهای خودی در شبها و روزهای بعد، در اوضاع جوی بسیار نامساعد و افزایش تدریجی حضور نیروهای دشمن و فشار آنها، ادامه عملیات ضرورتاً نیاز به توان بیشتری داشت و این امر تنها با کسب زمان برای بازسازی یگانها امکان پذیر بود. بنابراین، نیروها در محورهای مختلف به تثبیت منطقه تصرف شده اقدام کردند.

در این عملیات ضمن تصرف ارتفاعات آمدین، ویولان، گوجار، قمیش،

تپه سوزنی و گرده شیلان، امکان تردد نیروهای قرارگاه رمضان به مناطق آزاد شده در داخل خاک عراق فراهم شد. در این میان، مجموعاً بیش از ۷۰ درصد از اهداف ارضی عملیات تأمین شد.

در این عملیات بیش از پنج هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی و بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد یگانهای درگیر آن در منطقه منهدم شدند. غنائم به دست آمده در این عملیات نیز قابل توجه بود.

عملیات بیت المقدس ۲

اشاره

تجارب حاصله از سلسله عملیتهای پیشین در منطقه شمال غرب به ویژه عملیات بیت المقدس ۲، مبین وجود نوعی تناقض بود. بدین معنا که از یک سو به دلیل وجود دورنمای روشن نسبت به آینده، در صورت پیشروی در عمق خاک عراق و غافلگیر شدن دشمن نسبت به نیت و اهداف اساسی ایران در این منطقه، هر گونه «سرعت عمل» در شناسایی، طرح ریزی و اجرای عملیات می توانست مقدمات کسب پیروزی را با به دست آوردن موقعیتهای مناسب فراهم سازد. (۱) از سوی دیگر، مشکلات اجرای عملیات با توجه به فصل سرما و وضعیت جوی و زمین و معضلات اساسی در احداث جاده و تأمین عقبه های مناسب و دشواریهای موجود برای جا به جایی سریع نیروها و همچنین بازسازی یگانهای عمل کننده، هر گونه کسب پیروزی نیاز به زمان و اقدامات مهندسی مناسب داشت.

بنابراین، تعجیل در اجرای عملیات عملاً سبب می شد که ضمن تحلیل رفتن توان نیروهای خودی، دشمن نیز تدریجاً با توجه نسبت به سمت اصلی

ص: ۱۸۷

۱- ۴۸۶. تصرف ارتفاعات الاغلو و دولبشک می توانست امکان حضور نیروهای خودی را روی ارتفاعات موکبه و قیوان فراهم نماید. در این صورت موقعیت دشمن در این منطقه متزلزل می شد و با اتصال منطقه آزاد شده - تحت کنترل معارضین عراقی - به داخل ایران، بخشی از مناطق مهم دشمن از کنترلش خارج می شد.

تهاجم رزمندگان اسلام و اهدافی که مورد نظر بود با جا به جایی نیرو و تجهیز زمین، پیشروی نیروهای خودی را با مشکلات و موانع اساسی مواجه سازد. وضعیت ناشی از این تناقض و در عین حال دشواریها و موانع موجود، منجر به توقف عملیات بیت المقدس ۲ شد و در پی آن بحث و بررسی و اساسی برای ادامه ی عملیات در این منطقه صورت گرفت که منتهی به تصمیم گیری برای اجرای عملیات بیت المقدس ۳ شد.

در بحثهایی که در طرح ریزی عملیات بیت المقدس ۳ (که پس از توقف عملیات بیت المقدس ۲) صورت گرفت، فرماندهان سپاه در این مورد اتفاق نظر داشتند که شرط اساسی اجرای عملیات و کسب پیروزی، امکانات و توان مهندسی مناسب می باشد. (۱) بر همین اساس، پیش بینی لازم صورت گرفت و زمان اجرای عملیات ۲۰ / ۱۱ / ۶۶ تعیین شد. (۲).

تلاشها و اقدامات دشمن

در عملیات بیت المقدس ۲ بویژه در مرحله اول عملیات، دشمن نیروهای قابل توجهی را به منطقه منتقل نکرد و همین مسئله منجر به پیدایش این باور و درک شد که توجه دشمن معطوف و متمرکز به منطقه جنوب شده و عملاً نیز غافلگیر شده است. مجدداً به هنگام بحث و بررسی توقف عملیات بیت المقدس ۲ و تعیین زمان برای اجرای عملیات بیت المقدس ۳، بر پایه درکی که نسبت به رفتار و عملکرد دشمن در عملیات بیت المقدس ۲ وجود داشت، چنین پیش بینی می شد که دشمن نیروی قابل توجهی را به منطقه اعزام نخواهد کرد.

شکل گیری این ذهنیت در مورد دشمن و پیش بینی رفتار و عملکرد احتمالی

ص: ۱۸۸

۱- ۴۸۷. استقرار نیروهای سپاه در منطقه جنوب واقع در فاو به منظور طرح ریزی عملیات سبب شده بود تا بخشی از توان سپاه تجزیه شده و در منطقه شمال غرب عملاً قابل بهره برداری نباشد.

۲- ۴۸۸. سند شماره ۵۰۳ / گ. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «گزارش عملیات بیت المقدس ۳»، گزارش راویان قرارگاه خاتم الانبیاء: حسین اردستانی، داود رنجبر، نادر نوروز شاد؛ اسفند ۶۷.

آن، نقش تعیین کننده ای در طرح ریزی عملیات بیت المقدس ۳ و تعیین اهداف این عملیات داشت.

در عین حال، چندی بعد دشمن سلسله تحرکات مهمی را در منطقه شمال غرب انجام داد. دشمن با جا به جایی و انتقال نیرو، مواضع خالی بر روی ارتفاعات موکبه، قیوان، یالهای گوجار و نیز محور حساس آسوس را پر کرد. این اقدام دشمن با توجه به امیدواری نیروهای خودی به تصرف این ارتفاعات پس از اجرای عملیات روی دولبشک و الاغلو در عملیات بیت المقدس ۲، نشانه ی دشواریهای تداوم نبرد در این محور برای تحقق استراتژی عملیات در حد فاصل سد دوکان تا کاریزه بود که در سال ۶۶ مورد نظر قرار گرفت. همچنین دشمن با حمله گسترده و وسیع به اکراد معارض، با استفاده از سلاح شیمیایی، مناطقی را که معارضین کرد عراقی آزاد کرده بودند، تصرف کرد و همین موجب تخلیه این مناطق از ساکنان آن شد. (۱).

پیدایش وضعیت جدید سبب گردید تا نیروهای کرد معارض برای رهایی از فشارهای دشمن، برای اجرای عملیات تلاش کنند. لیکن به علت مشکلاتی که برای اجرای عملیات وجود داشت هر گونه تعجیل به منزله ناکامی در دستیابی به اهداف عملیات تلقی می شد.

تلاش برای اجرای عملیات

پس از توقف عملیات بیت المقدس ۲، شرط ادامه ی عملیات، علاوه بر ایجاد عقبه مناسب با احداث جاده از پاسگاه پلیس و از طریق ارتفاع ژاژیله و نصب پل روی رودخانه تا دشت هرمدان، فعال کردن قرارگاه رمضان از داخل مناطق آزاد شده بود. این امیدواری وجود داشت که با احداث جاده، موقعیت مناسب برای نقل و انتقال و پشتیبانی عملیات فراهم آید. همچنین اجرای مانور از داخل منطقه آزاد شده نیز با حمله به عقبه های دشمن، امکان دستیابی به اهداف

ص: ۱۸۹

عملیات را تسهیل کند.

بر این مبنا، تلاشهای فشرده ای جهت فراهم سازی دو شرط اساسی و لازم برای اجرای عملیات آغاز شد. با گذشت زمان و به رغم تلاشهایی که انجام می گرفت، مشکلات ناشی از اوضاع جوی و وضعیت زمین برای احداث جاده روز به روز افزایش می یافت و به رغم اینکه ۸ یگان مهندسی از جهاد و یگانهای مهندسی سپاه برای احداث جاده تلاش می کردند، لیکن چشم انداز روشنی برای آماده شدن جاده مطابق زمان از پیش تعیین شده مشاهده نمی شد. انتقال امکانات به داخل خاک عراق نیز به همین میزان با دشواری رو به رو بود.

به موازات مشکلات احداث جاده و انتقال امکانات به مناطق آزاد شده، از میزان آمادگی برای عملیات کاسته می شد و در نتیجه، امکان اجرای عملیات طبق زمان تعیین شده از میان می رفت. در چنین موقعیتی تأخیر در اجرای عملیات نیز مشکلات زیادی را به دنبال داشت. بدین معنا که در صورت استقرار نیرو در نزدیکی خط، امکان آسیب پذیری آنها وجود داشت و تخلیه آنها از منطقه نیز منجر به تضعیف روحی نیروها که با انگیزه عملیات به منطقه آمده بودند، می شد. در عین حال، امکان هوشیاری دشمن نیز وجود داشت. چنانکه تحرکات گسترده دشمن نیز در همین موقعیت انجام گرفت. (۱).

فرماندهی عملیات، برادر شمشخانی، برای حل مشکلات عقبه، نیرو و استفاده از شبهای مهتابی، در وضعیت کاملاً نامساعدی قرار گرفته بود که تصمیم گیری برای اجرای عملیات را با دشواری رو به رو می ساخت.

تغییر در طرح مانور عملیات

فرماندهی عملیات براساس بررسی و تحلیل حرکت دشمن - که در نظر داشت راه کارهای عملیات را مسدود نماید - طرح مانور را تغییر داد. به این

ص: ۱۹۰

صورت که چون به علت تحرکات دشمن اجرای عملیات در محورهای کاریز و حرکت از پشت روی گوجار و الاغلو دچار مشکل یا غیر ممکن شده بود و همچنین به خاطر مشکلاتی که قرارگاه نجف برای تسریع در انجام دادن عملیات در سر راه خود داشت، در مجموع سبب گردید پیشنهاد اجرای عملیات به صورت مرحله ای عنوان شود، به رغم اختلاف نظری که در این زمینه وجود داشت، نهایتاً با تأکید فرماندهی کل سپاه، برادر محسن رضایی، محدود شدن طرح مانور عملیات مورد تأیید قرار گرفت.

در تدبیر جدید، گرچه محدودیت طرح مانور با استراتژی تعیین شده در سال ۶۶ برای منطقه غرب کشور مغایرت داشت، ولی از یک سو ضرورت اصل آفند و از سوی دیگر ضرورت آماده کردن زمینه عملیات در حلبچه، سبب گردید به منظور فریب دشمن، بر اجرای عملیات در این منطقه تأکید شود. (۱).

به این ترتیب عملیات بیت المقدس ۳ در محور ماووت به تصرف ارتفاع گوجار محدود شد و تلاش اصلی به منطقه حلبچه معطوف گردید و بخشی از نیروها به این منطقه منتقل شدند. اصولاً عملیات روی گوجار علاوه بر فریب دشمن، منجر به تکمیل خط پدافندی نیروهای خودی در محور ماووت می شد. مسئولیت عملیات نیز به قرارگاه نجف واگذار شد.

طرح مانور عملیات

اجرای عملیات روی ارتفاع گوجار بستگی تام به تصرف الاغلو داشت و تصرف الاغلو نیز وابسته به تأمین ارتفاع دولیشک بود. به دلیل محدود شدن عملیات به تصرف گوجار، مشکلاتی در طرح ریزی عملیات بروز کرد. به

ص: ۱۹۱

۱- ۴۹۱. در واقع، پس از توقف عملیات بیت المقدس ۲، عملیات در این محور به دلیل مشکلات تا اندازه ای فرعی شد و اجرای عملیات در منطقه حلبچه به عنوان تلاش اصلی دنبال می شد. در چنین وضعیتی ادامه تلاش در محور ماووت می توانست منجر به غافلگیری دشمن در منطقه حلبچه شود.

همین دلیل بحث و بررسی مجدد در این زمینه منجر به ارائه طرحها و پیشنهادهای متفاوتی شد، لیکن با توجه به محدودیت نیرو و امکانات و مهمتر از همه ضرورت تسریع در انجام دادن عملیات، فرمانده کل سپاه مجدداً تصرف گوجار را به عنوان هدف قرارگاه نجف در عملیات بیت المقدس ۳ مورد تأکید قرار داد.

بنابراین تدبیر، لشکر ۵ نصر مأموریت داشت تا یال ۱ گوجار را از گرده ی هلکان تا پایین صخره ای تصرف و تأمین نماید. لشکر ۳۱ عاشورا نیز در زیر صخره ای با لشکر ۵ نصر الحاق کند و سپس روی تنگه آمده و خاکریز احداث نماید. همچنین تیپ ۳۵ امام حسن (ع) می بایست قبل از بریدگی یال گوجار روی یال اصلی و یال ۲ را تا حداقل ۳ کیلومتر جلوتر (محل جدا شدن یال گاراده) تصرف و تأمین کند و تیپ ۱۲ قائم (عج) نیز قله گوجار و قسمتی از یال اصلی را تصرف و تأمین نمایند. (۱).

برای پشتیبانی هلی کوپتری منطقه، طرح خاصی پیش بینی نشده بود و پشتیبانی هوانیروز تنها به گروه هوانیروز کرمان که به مدت ۵ ماه در منطقه فعالیت کرده و فشار زیادی را متحمل شده بود، محدود می گردید. استعداد این گروه هوانیروز در منطقه شامل یک هلی کوپتر ۲۰۶، چهار هلی کوپتر ۲۱۴، یک هلی کوپتر کبری و همچنین یک هلی کوپتر ۲۰۶ از سپاه بود. (۲).

اجرای عملیات

زمان آغاز عملیات ساعت ۱ بامداد ۲۳ / ۱۲ / ۶۶ تعیین شده بود. نیروها از حوالی غروب تدریجاً از مقر خود در دشت هرمدان به سوی نقاط رهایی حرکت کردند. در این حال وضعیت جوی نیز رو به تغییر نهاد و تدریجاً بارش برف آغاز شد. مه غلیظ منطقه را پوشانده و موجب محدودیت دید رزمندگان شده بود که همراه با سرمای شدید و وجود برف روی قله گوجار سختی شدیدی

ص: ۱۹۲

۱- ۴۹۲. پیشین.

۲- ۴۹۳. پیشین.

را به آنها تحمیل می کرد، طوری که نیروهای تیپ ۱۲ قائم (عج) مسیر را گم کردند. (۱).

سرانجام به رغم دشواریهای موجود، نیروها در کلیه محورهای آمادگی خود را برای اجرای عملیات اعلام کردند و در ساعت ۱ بامداد عملیات با رمز مبارک «یا موسی بن جعفر (ع)» آغاز شد. نخست نیروهای تیپ ۱۲ و سپس نیروهای لشکر ۳۱ با دشمن درگیر شدند. نیروهای لشکر ۵ و تیپ ۳۵ همچنان دچار مشکل بوده و به رغم گذشت نیم ساعت از آغاز عملیات، هنوز با دشمن درگیر نشده بودند.

در ساعت ۱۰:۳ بامداد نیروهای لشکر ۳۱ اعلام کردند که مأموریت خود را به طور کامل انجام داده اند. در نزدیکی صبح، لشکر ۵ پس از درگیری با دشمن اعلام کرد که هدف خود را با تصرف هلکان تأمین کرده است و درگیری روی صخره ای ادامه دارد.

تیپ ۱۲ قائم که مسیر خود را گم کرده بود، پس از روشن شدن هوا قله ی گوجار را تصرف و تأمین کرد. نیروهای دشمن در سنگرهای روی گوجار همگی یخ زده بودند و لذا تصرف و پاکسازی آن سنگرها به سهولت انجام گرفت. نظر به اینکه تصرف کرده هلکان دچار مشکل شده بود، از نیروهای ۱۲ قائم (عج) برای کمک به لشکر ۵ نصر استفاده شد. در زمانی که اهداف هنوز به طور کامل تصرف و تأمین نشده بود، اخبار واصله از شنود دشمن به قرارگاه نجف حاکی از انتقال نیروهای کماندویی سپاه پنجم به منطقه و آمادگی آنها برای پاتک بود.

با روشن شدن هوا یگانهای مستقر روی گوجار (تیپ ۳۵ و تیپ ۱۲) درخواست هلیکوپتر کردند تا مجروحین تخلیه شوند و تدارکات و مهمات برای آنها ارسال شود. ولی محدودیت در تعداد هلیکوپتر و فقدان تور برای اسلینک مهمات و تدارکات مانع از تأمین درخواست یگانهای مذکور شد.

ص: ۱۹۳

با گذشت زمان همچنان تلاش برای تصرف مجدد گرده هلکان و صخره ای متوقف شده و دشمن نیز با توجه به خلاء موجود بین تیپ ۳۵ و لشکر ۳۱ فشار خود را در این محور متمرکز کرده بود. در چنین موقعیتی، تیپ ۱۲ از یال ۱ گوجار به سمت یال ۲ پیشروی کرد.

مجموعاً در شب و روز اول عملیات، اهداف عملیات به غیر از اهداف لشکر ۵ نصر و بخشی از جناح راست آن، تأمین شد و تلاش دشمن نیز برای باز پس گیری مناطق بسیار ضعیف بود. تخلیه مجروحین و اسلینک مهمات و تدارکات با استفاده از هلیکوپتر مهمترین مشکل یگانها در روز اول بود که کماکان لاینحل باقی ماند.

در شب دوم عملیات، قرار شد نیروهای تیپ ۳۵ با سرازیر شدن به طرف چپ تا نزدیک گرده هلکان را تصرف و پاکسازی نمایند. لشکر ۵ نیز با استفاده از موقعیت تیپ ۳۵، عملیات خود را از آخرین حد تصرف شده به سمت چپ ادامه دهد و با گذاشتن از گرده هلکان به سمت صخره ای، در پایین صخره ای با لشکر ۳۱ الحاق نماید.

ساعت ۲۱ شب ۲۳ / ۱۲ / ۶۶ عملیات شب دوم آغاز شد، ولی موفقیتی به دست نیامد و تنها لشکر ۵ نصر یکی از تپه های کوهان شتری نرسیده به گرده هلکان را به تصرف خود درآورد. همزمان با آغاز عملیات در شب دوم، دشمن به گلوله باران شیمیایی در شیارهای دشت هرمدان که عقبه یگانها بود، اقدام کرد. این مسئله بر تعداد مجروحین و مشکلات انتقال آنها افزود.

در شب سوم با کسب اطلاعات جدید از موقعیت دشمن در گرده هلکان و صخره ای، مجدداً طرح ریزی و اجرای مانور به منظور تأمین دو منطقه یاد شده آغاز شد. همچنین قرارگاه رمضان برای اجرای عملیات از سمت غرب روی یال گاراده (یال شماره ۳) اعلام آمادگی کرد.

عملیات شب سوم در ساعت یک بامداد ۱۲ / ۲۵ آغاز شد. لشکر ۳۱

عاشورا اهداف خود در صخره ای را تصرف کرد. لشکر ۵ نصر گرده هلکان را تصرف و تأمین کرد و تنها راه کار زیر گرده هلکان همچنان مسئله داشت و با الحاق نیروها در این منطقه در حدود ساعت ۳:۳۰ بامداد، معضل موجود برطرف شد.

بدین ترتیب، اهداف مورد نظر پس از اجرای عملیات در سه شب متوالی، به رغم مشکلات ناشی از اوضاع جوی، وضعیت زمین و فقدان پشتیبانی هلیکوپتری و سایر معضلات موجود، تصرف و تأمین گردید.

ص: ۱۹۵

خلاصه گزارش عملیات والفجر ۱۰ اولین بار در بولتن «بررسی» معاونت سیاسی سپاه پاسداران، شماره ۲، فروردین ۱۳۶۷ به قلم محمد درودیان درج شد که با اصلاحات مختصری در اینجا می آید.

معضلات و نارساییهای موجود برای تداوم عملیات بیت المقدس ۲ بویژه هوشیاری دشمن نسبت به سمت تک (ماووت - سلیمانیه)، تخریب جاده و پل گرده رش بر اثر طغیان رودخانه و مسدود شدن عقبه عملیات، بارش برف سنگین و مداوم و همچنین تلاش گسترده دشمن در مناطق آزاد شده با حمله به مواضع کردهای معارض عراقی، تدریجا نظرها را به منطقه عمومی حلبچه و سد دربندیخان معطوف کرد.

پس از بحثها و بررسیهای فراوانی که انجام گرفت این نتیجه حاصل شد که تا زمانی که بررسیها و فعالیتهای شناسایی در منطقه جنوب به نتیجه نرسیده است. (۱) در اولویت اول، عملیات روی ارتفاعات الاغلو و دولبشک ادامه یابد. در اولویت دوم، عملیات در منطقه جنوب پیگیری و در اولویت سوم، عملیات در منطقه حلبچه طرح ریزی شود. در نظر گرفتن سه منطقه برای عملیات و اولویت بندی آن، چنانکه پیش از این اشاره شد، عمدتاً نتیجه ی حاصل از تجارب نبرد در سالهای قبل بود. بدین معنا که در صورتی که

ص: ۱۹۶

۱- ۴۹۵. اولویت اصلی، نبرد در منطقه جنوب بود. منتها به دلیل قفل شدن راه کارهای عملیات در جنوب، همانند سالهای قبل برای کسب فرصت و زمان برای تک در منطقه جنوب، جنگ در منطقه شمال ادامه می یافت. همزمان با اجرای سلسله عملیتهای بیت المقدس و نصر تیمی به فرماندهی برادر شمخانی و متشکل از برادران غلامپور، قاسم سلیمانی و... در جنوب برای یافتن راه کار مناسب جهت اجرای عملیات تلاش می کردند که قبل از تصمیم گیری برای انجام عملیات والفجر ۱۰، این تیم اعلان کردند که هیچ راهی برای ادامه جنگ در جنوب نیافتند. ولی در عین حال آخرین گزارشها در منطقه جنوب به طور پیوسته بررسی می شد تا در صورت احتمال موفقیت، اجرای عملیات در جنوب در اولویت نخست قرار گیرد. (سند شماره ۳۱۳۳۶۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: یادداشت سردار سرلشکر محسن رضایی بر پیش نویس کتاب حاضر، فروردین سال ۷۶).

عملیات در یک منطقه با مشکلات اساسی یا بن بست مواجه می شد، تداوم تهاجم به دشمن با تعویض منطقه عملیاتی و جا به جایی یگانها ادامه می یافت.

بدین ترتیب با محدود شدن عملیات بیت المقدس ۲ و معضلاتی که برای اجرای عملیات در جنوب (فاو) وجود داشت، منطقه عمومی حلبچه و سد دربندیخان به عنوان منطقه اصلی انتخاب شد.

موقعیت منطقه

منطقه عمومی حلبچه به جز در غرب و شمال که دریاچه دربندیخان در آن واقع شده است، در محاصره ارتفاعات صعب العبور و مرتفعی قرار گرفته و هر کدام دارای نقشی حساس می باشد از جمله: بالامبو و شاخ بالامبو که بر دریاچه دربندیخان و بر دشت و ارتفاعات تمورژنان مسلط است و شاخ تمورژنان که بر شاخ شمیران، سد دربندیخان، تونل جاده سلیمانیه - بغداد تسلط و دید و تیر دارد. علاوه بر اینها، ارتفاعات پروینه، توانیر، پنج قله، شیندروی، تپه چناره، سه تپه، خورنوزان، تپه هانی قول، تپه سزام و شاخ دارزین قسمت دیگری از ناهمواریهای منطقه می باشند.

همچنین شیاریهایی در منطقه وجود دارد که هر کدام نقش مؤثری در اختفاء نیروهای خودی داشته و بعضاً به عنوان معابر وصولی مورد استفاده قرار گرفته اند. از جمله این شیاریها می توان از، دره گلان، شیاریلم، شیاری سورمر، شیاریسازان، دره خورنوزان، شیاری بالای روستای خوی و شیاری وشکنام، نام برد.

تأسیسات نظامی، اقتصادی و شهرها

از عمده ترین تأسیسات اقتصادی منطقه، سد دربندیخان است که علاوه بر پرورش ماهی و کشاورزی، در تأمین برق قسمت وسیعی از عراق نقش مهمی دارد. تأسیسات نظامی دشمن در این منطقه عبارتند از: پادگان حلبچه که دارای

پد آسفالته هلیکوپتر است. پادگان لشکر ۲۷ ارتش عراق در کانی مانگا، مقر فرماندهی دفاع الوطنی سپاه یکم واقع در منطقه رود اژه و پایگاههای موشکی سام ۲ و سام ۷.

راههای ارتباطی طی دشمن به منطقه عبارتند از:

- جاده سید صادق - خرمال - حلبچه

- جاده حلبچه - طویله - نوسود

- جاده اربت - سید صادق

- جاده اربت - دربندیخان - خرمال

پلها نیز به تناسب رودخانه های موجود در منطقه عبارتند از: پل زلم، پل ملاویسی، پل سرآوا، پل اماجنامن، پل حاجی ورفه و پل خاکی خول.

عمده ترین شهرهای عراق در منطقه به ترتیب وسعت و اهمیت عبارتند از: حلبچه، خرمال، دوجیله.

- شهر حلبچه با جمعیتی در حدود ۷۰ هزار نفر در استان سلیمانیه و در جنوب شرقی دریاچه دربندیخان قرار دارد. شهر از شمال به ارتفاعات سورن، از جنوب به ارتفاعات بالامبو، از شرق به ارتفاعات شیندروی، پروینه، توانیر، پنج قله و از غرب به ارتفاع تمور ژنان و دریاچه دربندیخان محدود می شود.

- شهر خرمال در شمال شرقی حلبچه قرار دارد و به دو قسمت جدید و قدیم تقسیم شده است. به دنبال قیام مردم خرمال، رژیم عراق قسمت قدیمی شهر را ویران کرد. در قسمت جدید ۱۵ هزار نفر سکونت داشتند. این شهر از نظر آب و هوا و اوضاع جوی از جمله بهترین مناطق عراق می باشد.

- شهر دوجیله در فاصله پنج کیلومتری شمال غربی شهر حلبچه قرار دارد. در غرب این شهر دریاچه دربندیخان واقع است. منطقه دوجیله بیش از آنکه مسکونی باشد نظامی بوده و قسمت عمده ای از قرارگاه های دشمن در این منطقه و حوالی آن قرار دارد.

ص: ۱۹۸

روستاهای این منطقه، به دنبال سیاست رژیم بعثی در مناطق آزاد شده، برای محدود کردن مبارزه اکراد ویران شده است و تنها اندکی از آنها سالم هستند از جمله: پیاره، هاوارلی، یاموک، انب، ابایده و جلیله.

سابقه عملیاتی منطقه

منطقه مزبور، بارها مورد توجه طراحان نظامی سپاه قرار گرفته بود، لیکن مسائل عدیده ای مانع از انجام دادن تلاش جدی در این منطقه بود. پس از عملیات والفجر ۴ کار احداث تونل روی ارتفاعات سورن آغاز شد و بدین ترتیب جاده اصلی تا روی سورن و در محور دیگر از دزلی روی مله خور احداث گردید. اطلاع دشمن نسبت به احداث تونل و نیز صعب العبور بودن ارتفاعات مانع از سرعت عمل در احداث جاده و دیگر اقدامات مهندسی بود. در نتیجه، به رغم تأکید فرماندهی سپاه و بررسی مکرر جوانب طراحی و انجام عملیات در این منطقه، عملاً مقدمات و شرایط لازم برای تحقق عملیات فراهم نشد.

عوامل بسیاری در عدم تحرک جدی در این منطقه مؤثر بوده اند، که مهمترین آنها وضعیت و ویژگیهای زمین آن است که از ترکیب ارتفاعات سرکوب در شرق، شمال شرقی و جنوب آن و نیز دریاچه دربندیخان در غرب و شمال غربی آن، به وجود آمده است.

عملیات در منطقه مزبور، به لحاظ ویژگیهای یاد شده، اساساً مانور گسترده ای را اقتضاء می کرد و این مهم به جهت اینکه تا سال ۶۶ امکان انجام عملیات گسترده در جنوب فراهم بود، مورد توجه قرار نمی گرفت. در وضعیت جاری، براساس تدبیر جدید و نیز به لحاظ مشکلات موجود در جنوب، منطقه عمومی حلبچه برای عملیات گسترده مورد نظر قرار گرفت. ضمن اینکه ضرورت انجام دادن عملیاتی پیروز، قبل از پایان سال ۶۶، که از ابعاد سیاسی تبلیغاتی مناسبی برخوردار باشد در انتخاب فوق بی تأثیر نبوده است.

همزمان با عملیات بیت المقدس ۲ در منطقه حلبچه نیز تک محدودی طراحی شد که بنا به دلایلی صورت نگرفت. لیکن با توجه به سرانجام عملیات بیت المقدس ۲، منطقه عمومی حلبچه مجدداً مورد توجه فرماندهی سپاه واقع شد.

پیش فرضهای موجود در مورد کسب موفقیت در منطقه حلبچه، به لحاظ موقعیت زمین و نیز عدم حضور دشمن در این محور و فقدان مشکلات اساسی، موجب گردید تا این منطقه در مقایسه با منطقه عملیاتی بیت المقدس ۲ انتخاب شود.

آماده سازی منطقه

عقبه سازی و احداث جاده مناسب روی بلندیهای صعب العبور و اتصال آن به منطقه عملیاتی از اهم مسائل عملیات بود که به طور جدی مورد توجه قرار گرفت. زیرا در صورت آماده نشدن جاده، مجدداً زمان عملیات به تعویق می افتاد. جاده های مورد نظر در منطقه که عمدتاً به دو عقبه اصلی میروان - سنندج و باختران وصل می شد عبارت بودند از:

۱- احداث جاده مله خور برای اتصال دره دزلی به دشت خرمال.

۲- احداث جاده گوزیل و نصب پل روی رودخانه آب سیروان برای اتصال عقبه به دشت حلبچه یا عقبه پاوه.

۳- احداث جاده از غرب بالامبو به غرب حلبچه.

در این خصوص، مسئولیت و بار اصلی احداث جاده ها برعهده جهاد سازندگی و مهندسی سپاه بود. (۱) با وجود سرما و صعب العبور بودن ارتفاعات، جهادگران تلاش جدی و قابل توجهی به عمل آوردند. در برخی

ص: ۲۰۰

۱- ۴۹۶. جهاد با استعداد ۴ گردان مهندسی در محور سورن و ۵ گردان در محور جنوبی منطقه عملیات و سپاه با یک لشکر مهندسی در محور جنوبی و یک تیپ مهندسی در محور شمالی منطقه عملیاتی فعالیت داشتند.

مواضع طوری بود که به علت بارانی بودن هوا هر ۲ ساعت یک بار راننده لودر یا بلدوزر می بایستی لباسهای خود را تعویض کند. در این منطقه توپخانه ی سپاه تدریجا پای کارآمد و قرار بود برخی از نیازمندیهای توپخانه را نیروی زمینی ارتش تأمین کند که این امر به دور از مشکلات و اتلاف وقت نبود. گروه هوانیروز ارتش که عهده دار بخشی از پشتیبانی عملیات بود، شش روز قبل از عملیات توجیه شد. این نیرو توانست در روز اول عملیات تعدادی شهید و مجروح تخلیه کند که این امر حاکی از آمادگی قابل توجه هوانیروز در این عملیات بود.

اقدامات لازم برای آماده سازی اجرای عملیات در عرض ۲ ماه صورت گرفت و این در مقایسه با مدتی که در سالهای گذشته برای انجام یک عملیات گسترده صرف می شد، زمان بسیار مطلوبی بود. در این میان، بدون تردید نقش و حضور فرمانده محترم کل سپاه، برادر رضایی که بدون وقفه تلاش می کرد و با تردد مکرر در منطقه، فعالیتهای آماده سازی را هدایت، کنترل و سامان می بخشید، بی نظیر و بسیار تعیین کننده و مؤثر بود.

اهداف عملیات

علاوه بر اهداف سیاسی، سه هدف عمده نظامی مورد نظر بود:

۱- آزادسازی شهرهای حلبچه، خرمال، دو جیله، بیاره و طویله.

۲- فراهم سازی مقدمات تصرف سد دربندیخان.

۳- مسدود کردن عقبه اصلی استان سلیمانیه. (۱).

سازمان رزم

عملیات با سه قرارگاه سازماندهی شد و مجموعاً ۱۰ لشکر و ۱۳ تیپ با استعداد ۵۰ درصد در قالب ۷۰ گردان به کار گرفته شدند که عبارت بودند از:

ص: ۲۰۱

۱- ۴۹۷. سند شماره ۶۸۳ / گ. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «گزارش عملیات والفجر ۱۰»، گزارش راوی قرارگاه (داود رنجبر).

قرارگاه قدس شامل: لشکر ۷ ولیعصر (عج) با ۶ گردان، لشکر ۳۳ المهدی (عج) با ۶ گردان، لشکر ۲۵ کربلا با ۱۰ گردان، لشکر ۱۹ فجر با ۶ گردان، لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب (ع) با ۶ گردان، لشکر ۴۱ ثارالله با ۷ گردان و تیپ ۳۵ با ۴ گردان.

قرارگاه فتح شامل: لشکر ۸ نجف اشرف با ۵ گردان، لشکر ۱۴ امام حسین (ع) با ۵ گردان، تیپ ۸۲ صاحب الامر (عج) با ۳ گردان، تیپ ۹۱ بقیهالله با ۳ گردان، تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم (ع) با ۳ گردان، تیپ ۱۱ امیرالمؤمنین (ع) با ۴ گردان و تیپ انصار الرسول با ۳ گردان.

قرارگاه کاظمین (ثامن الائمه) شامل: لشکر ۹ بدر با ۸ گردان، تیپ ۲۶ انصار المهدی با ۴ گردان، تیپ ۷۵ ظفر با ۲ گردان، تیپ ۲۹ نبی اکرم (ص) با ۶ گردان، تیپ ویژه شهداء با ۶ گردان، سپاه چهارم با ۶ گردان. (۱).

طرح مانور

موقعیت زمین منطقه نقش اصلی و تعیین کننده ای در نحوه طراحی مانور عملیات داشت. به علت وجود ارتفاعات سرکوب سورن در شرق منطقه ی عملیاتی و دریاچه دربندیخان در غرب آن، در حد فاصل انتهای شمال شرقی دریاچه تا ارتفاعات سورن محدوده ای به عرض ۱۰ کیلومتر به وجود آمده است که از نظر نظامی به آن تنگه گفته می شود. در مباحث طرح مانور، تضمین موفقیت عملیات را در گرو انسداد تنگه با الحاق از دو محور می دانستند، بدین ترتیب که: در محور شمال از مله خور به طرف خرمال و از محور جنوبی از غرب بالامبو در امتداد تمور ژنان با تصرف سرپل احتمالی در کمر دریاچه و سرانجام الحاق دو بازو در تنگه و محاصره دشمن.

به منظور تحقق طرح مانور یاد شده سه قرارگاه برای عملیات در سه محور در نظر گرفته شد. قرارگاه قدس در محور شمالی که مأموریت بستن تنگه و

ص: ۲۰۲

تصرف پل گردکو (عقبه اصلی دشمن به کل منطقه) را به عهده داشت. در محور جنوبی قرارگاه فتح در نظر گرفته شد تا ضمن تصرف بالامبو و تمور ژنان با تأمین سرپل در کمر دریاچه، برای مقابله با حرکت احتمالی دشمن، با احداث پل، از آمادگی لازمه برخوردار باشد. در محور میانی قرارگاه ثامن الائمه (ع) مأمور شد تا در محور گوزیل - دشت سازان بطرف حلبچه پیشروی کند و در مرحله دوم جاده بیاره - طویله - نوسود را تصرف و آزاد نماید.

قرارگاه رمضان علاوه بر مأموریت شناسایی، قرار شد تحرکاتی را در عمق و عقبه دشمن انجام دهد. همچنین تصرف شهر و انهدام توپخانه دشمن قسمت دیگری از مأموریت نیروهای نامنظم بود که می بایست با مشارکت تیپ ۷۵ ظفر و اکراد معارض انجام شود.

مرحله بندی عملیات یکی از مسائل عمده ای بود که قسمتی از مباحث طرح مانور را به خود اختصاص داده بود. در پیش فرضهای موجود بعضاً بین ۱ تا ۳ مرحله مطرح می شد. وجه مطلوب عملیات برای ممانعت از هوشیاری دشمن در مورد سمت اصلی تک، اجرای عملیات در یک مرحله بود، لیکن مشکلات موجود برای اتصال جاده از مله خور و شیار زلم به خرما مال مانع از تحقق این امر بود. لذا پس از آنکه قرار شد عملیات در دو مرحله انجام گیرد، کاهش فاصله زمانی بین دو مرحله اول و دوم به عنوان راه حل معضل فوق مورد نظر قرار گرفت.

شرح عملیات

پس از بحثها و بررسیهایی که صورت گرفت، ساعت ۲ بامداد ۲۳ / ۱۲ / ۶۶ برای آغاز عملیات تعیین شد، لیکن به علت اینکه در برخی از محورها نیروها می بایستی فاصله زیادی را تا رسیدن به هدف طی می کردند، در نتیجه عملیات در حد فاصل ساعت ۲ تا ۴ بامداد با رمز مبارک «یا رسول الله (ص)» و با درگیری در محورهای مختلف آغاز شد.

ص: ۲۰۳

سرعت عمل نیروها و دست یابی به بیش از ۹۰ درصد از اهداف تعیین شده، مسئله شگفتی بود که اعجاب همگان را برانگیخت. به غیر از عکس العمل دشمن در شاخ سورمر و شاخ شمیران تحرک دیگری از نیروهای عراقی انجام نگرفت. در محور چناره به علت یخ بندان با ۴ ساعت تأخیر، اهداف مورد نظر تأمین شد و تعداد زیادی از نیروهای دشمن که در خواب به سر می بردند کشته و اسیر شدند. در محور قرارگاه قدس پس از تصرف مله خور و ارتفاعات چناره، خرنوازان، هانی قول و تپه حمید به علت عدم اتصال جاده، عملیات متوقف شد. در محور قرارگاه فتح به رغم اینکه رزمندگان بالامبو و تنگه را تصرف کردند، لیکن به لحاظ توقف قرارگاه قدس و نیز عکس العمل دشمن در جناح چپ عملیات، روی شاخ سورمر و شاخ شمیران متوقف شدند. در محور میانی، قرارگاه ثامن الائمه (ع)، ارتفاعات مگرو و نیمی از شیندروی را تصرف کردند و به رغم روشنایی هوا، برای الحاق روی یال ارتباطی، شامل دشت سازان و سپس نیمی دیگر از ارتفاعات شیندروی، پیشروی را ادامه دادند.

با توجه به موفقیت های کسب شده، نیروها از روحیه ی خوبی برخوردار بودند. ضمن اینکه تلفات خودی نیز بسیار اندک بود. علاوه بر این، به لحاظ از هم گسیختگی قوای دشمن و عدم حضور جدی آنها در منطقه، بر سرعت بخشیدن در آغاز مرحله دوم عملیات تأکید می شد. مشکل اساسی در سر راه شروع مرحله دوم، عدم اتصال جاده هانی قول بود تا اینکه در ساعت ۱۴ روز ۲۴ / ۱۲ / ۶۶ خبر اتصال جاده به قرارگاه رسید و در پی آن با تصمیم قرارگاه مرکزی، اجرای مرحله دوم عملیات در شب سوم، حتمی شد.

در این میان، طی وقفه ۴۸ ساعته بین دو مرحله ی عملیات، تحرکاتی از نیروهای عراقی مشاهده شد که دال بر غفلت کامل دشمن نسبت به اهداف مورد نظر و سمت اصلی تک بود. در این فاصله، تمرکز فعالیتها و تحرکات دشمن در درجه اول روی شاخ سورمر و شاخ شمیران و در درجه دوم در برابر

قرارگاههای فتح و ثامن الائمه بود. تبلیغات انجام شده تا مرحله دوم بی تأثیر در شکل گیری اقدامات دشمن نبود. چنانکه محور قرارگاه قدس، به عنوان عملیات ظفر ۷ با مشارکت نیروهای تحت امر قرارگاه رمضان و اکراد معارض اعلام گردید و در مورد محورهای عملیات دو قرارگاه فتح و ثامن الائمه سکوت اختیار شد و این امر بر حساسیت دشمن نسبت به دو محور میانی و جنوبی افزود و موجب غفلت او از محور قرارگاه قدس شد. دشمن بنابر درک و ذهنیتی که در مورد عملیات داشت، ستونهای متعدد و طولی را با عبور از پلهای ملاویسی و زلم به طرف دو جيله و سپس حلبچه روانه کرد. چنانکه تیپ کماندویی ۶۸ نیروی مخصوص ارتش عراق، پس از ورود به منطقه، در روز اول پاتکهای خود را روی شیندروی آغاز کرد.

مجموعاً به نظر می رسد که دشمن نسبت به محور قرارگاه قدس از حساسیت چندانی برخوردار نیست، ضمن اینکه در همان ابتدا تحرکات محدود دشمن با آتش مؤثر این قرارگاه ناکام و متوقف شد. قابل ذکر است که در این مرحله، قرارگاه رمضان فقط توانست پمپ بنزین شهر حلبچه را به آتش بکشد.

مرحله ی دوم عملیات

پس از ۴۸ ساعت توقف، مرحله ی دوم عملیات شب ۲۵ / ۱۲ / ۶۶ آغاز شد. قرارگاه قدس با تصرف پل زلم، تنگه خورمال را مسدود کرد. در پی آن به قرارگاه فتح ابلاغ شد که به پیشروی خود ادامه دهد تا با قرارگاه قدس الحاق کند. قرارگاه ثامن الائمه (ع) نیز از روی ارتفاعات شیندروی به سمت دشت سرازیر شد. در مرحله دوم نیز سرعت عمل نیروها قابل توجه بود. به صورتی که قرارگاه فتح تا صبح روز ۲۵ / ۱۲ / ۶۶ موفق شد ارتفاعات دارزین و سرپل مورد نظر را تصرف کند و به طرف جاده آسفالته حلبچه به دریاچه دربندیخان پیشروی نماید. قرارگاه ثامن الائمه در پیشروی به سمت محور جاده و ارتفاعات

پنج قله، به دلیل عدم حضور نیروهای دشمن در منطقه، مشکلی نداشت.

بدین ترتیب، در صبح روز سوم عملیات با تصرف پل زلم و بسته شدن تنگه، کلیه نیروهای دشمن در محاصره رزمندگان اسلام قرار گرفتند که درصدد عقب نشینی برآمدند، اما به دلیل بسته بودن عقبه شان، ستونهای متعدد دشمن همچنان سرگردان و هر از گاهی به یک سمت فرار می کردند و پس از مواجه شدن با نیروهای خودی مجدداً به سمت دیگری می گریختند.

قرارگاه فتح با مشاهده وضعیت دشمن، مرحله سوم عملیات خود را به رغم روشن بودن هوا در همان سومین روز آغاز کرد و یگانهای تابعه ی قرارگاه در یک خیز پادگان زمقی را تصرف کردند و در حوالی ظهر به دروازه های شهر دو جيله رسیدند. در این موقعیت، تجمع اصلی نیروهای دشمن در حد فاصل ۳ کیلومتری جنوب پل زلم تا شهر دو جيله بود. فرماندهی دشمن ابتدا تلاشش را متوجه پل زلم کرد تا شاید بدین وسیله حلقه محاصره را بشکافد، لیکن با مقاومت نیروهای خودی و اجرای آتش مناسب، متحمل تلفاتی شد و از تصرف پل زلم منصرف شد.

در این اثناء، قرارگاه ثامن الائمه توانست پس از درگیری اندک با گروههای ضد انقلاب در اطراف شهر نوسود، جاده مهم و اساسی نوسود - بیاره را آزاد کند. بدین ترتیب، عمده تردها به این محور منتقل شد و عملاً از ضرورت احداث سایر جاده هایی که از قبل مورد تأکید قرار گرفته بود، کاسته شد.

مرحله ی سوم عملیات

مرحله سوم عملیات از آغاز تاریکی روز ۲۶ / ۱۲ / ۶۶ به منظور پیشروی در شمال رودخانه زلم و نیز الحاق قرارگاه قدس با قرارگاه فتح در دو جيله آغاز شد و با پیشرویهایی که در شمال رودخانه زلم صورت گرفت، نیروهای خودی در موقعیتی جدید که شامل سه تپان، جاده ارتباطی و تپه های کوچک مشرف بر پل

ملاویسی می شد، با احداث خاکریز استقرار یافتند. در محور جنوب پل زلم، به رغم تجمع انبوه دشمن، پیشروی نیروهای خودی همراه با جنگ شدید ادامه یافت و سرانجام ساعت ۵ صبح به دروازه ی شهر دو جبهه رسیدند و الحاق دو قرارگاه قدس و فتح صورت گرفت. با بسته شدن تنگه، به رغم اینکه قسمتی از نیروهای دشمن موفق به فرار از طرف سد دربندیخان شدند، لیکن مابقی نیروهای موجود در منطقه کشته یا به اسارت درآمدند.

در وضعیت جدید، تثبیت خط پدافندی مناسب در تنگه و نیز تصرف شاخ سورمر و شاخ شمیران که در طی عملیات به دلیل هوشیاری دشمن ناموفق مانده بود، در دستور کار قرار گرفت.

مرحله ی چهارم و پنجم عملیات

برای تحکیم خط پدافندی در تنگه، مرحله ی چهارم عملیات در هفتمین شب از آغاز عملیات به اجرا درآمد. بدین ترتیب که نیروهای خودی یال و تپه ریشن را تصرف کردند و در محور جاده سه تپان نیز مختصری پیشروی داشتند.

مرحله ی پنجم عملیات هم با تصرف شاخ سورمر و شاخ شمیران انجام گرفت که با موفقیت همراه بود. طی مرحله ی پنجم که بعدها به نام عملیات بیت المقدس ۴ موسوم گردید، منطقه ی وسیعی از خاک دشمن آزاد شد که شامل دو ارتفاع مذکور و تعداد زیادی روستا بود.

نحوه ی تبلیغات و اعلام عملیات

پس از شکل گیری عملیات مشترک سپاه و ارتش از نیمه ی سال ۶۰ تا عملیات بدر در سال ۶۳ که به دنبال هر عملیات اطلاعیه مشترک صادر می شد، پس از سال ۶۳، با اینکه نیروی زمینی سپاه مستقلاً عملیات والفجر ۸ (فتح فاو)، سلسله عملیات گسترده و نیمه گسترده کربلای ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۸ و ۱۰ و ...

را انجام داد، ولی باز هم اطلاعاتی هم مشترک صادر می شد تا آنکه در عملیات والفجر ۱۰ با پیشنهاد سپاه به فرماندهی عالی جنگ، تبلیغات عملیات عملاً با نام سپاه و از سوی ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام گرفت.

اقدامات و واکنش دشمن

واکنش ضعیف نیروهای عراقی در برابر تحرکات نیروهای خودی، فرضهای متفاوتی را در خصوص غافلگیری و یا هوشیاری دشمن و میزان آن به ذهن متبادر می کند. مجموعاً می توان چنین نتیجه گرفت که دشمن به رغم مشکلاتی که داشت، در عملیات بیت المقدس ۲ توان زیادی برای متوقف کردن عملیات و در صورت امکان باز پس گیری مناطق تصرف شده، صرف کرد. از میزان بالای سرمایه گذاری ارتش عراق چنین استنباط می شد که دشمن از سمت اصلی تک نیروهای خودی و تبعات گسترده آن - در صورت اتصال خاک ایران به منطقه آزاد شده نیروهای اتحادیه میهنی کردستان عراق - واقف بوده و تلاش می کرد از هر گونه تصرف و تثبیت زمین در فصل زمستان و توسعه آن در فصل بهار جلوگیری به عمل آورد.

در حد فاصل بیت المقدس ۲ و والفجر ۱۰ تحرکات نیروهای خودی در منطقه بیت المقدس ۲ مجدداً بر حساسیت دشمن افزود. لذا از تاریخ ۴ و ۵ اسفند ۶۶ به بعد اقدام به دو تلاش اساسی نمود:

۱- تهاجم سنگین به منطقه آزاد شده از سوی اتحادیه میهنی کردستان و اقدام به باز پس گیری آن.

۲- تلاش مهندسی - نظامی روی ارتفاعات آسوس و تهدید جناح شمالی منطقه عملیات بیت المقدس ۲.

در منطقه عمومی دشت زور (۱) (منطقه عملیاتی حلبچه) به غیر از انتقال ۴ الی ۵ تیپ و در برخی از مناطق تعویض نیروهای جاش با نیروهای نظامی،

ص: ۲۰۸

۱- ۴۹۹. نام اصلی منطقه «دشت زهور» به معنای گلهاست که برای این منطقه سرسبز و پرگل اسم با مسمایی است.

تلاش دیگری از دشمن گزارش نشد. نظر به اینکه ستون پنجم افزایش تردد نیروهای خودی را مشاهده می کرد و نیروها با اتوبوس به دزلی منتقل می شدند و نیز با وجود اینکه دشمن در برخی از محورها از احداث جاده با خبر بود و روی عقبه دید داشت، اما واکنش جدی انجام نمی داد. لذا عدم تحرک دشمن مشکوک به نظر می رسید.

به هنگام آغاز عملیات، اولین عکس العمل دشمن در شاخ سورمر و شاخ شمیران بود. اسراء دشمن اظهار می داشتند که ما از ۱۰ روز قبل در انتظار بودیم. حرکت بعدی دشمن بعد از آغاز عملیات، وارد کردن ۴ تا ۵ تیپ بود که عمدتاً متوجه شیندروی و بالامبو بودند و حساسیت زیادی نسبت به ارتفاعات سورن نداشتند. به دنبال انسداد تنگه در مرحله سوم عملیات، نیروهای دشمن نخست سعی کردند از محاصره خارج شوند ولی موفق نشدند. پس از آنکه دشمن درک صحیح نسبت به عملیات پیدا کرد، از آنجایی که از نظر زمان عقب بود و یک جبهه را به طور کامل با توپخانه، فرماندهی و... از دست داده بود، نتوانست اقدام جدی برای باز پس گیری انجام دهد. لذا مبادرت به جلوگیری از پیشروی نیروهای خودی به سمت سید صادق نمود.

بعدها وقتی که فرمانده لشکر ۴۳ ارتش عراق به اسارت درآمد، در اظهاراتش ضمن تمجید و ابراز شگفتی از سرعت عمل رزمندگان، غافلگیری کامل عراق را تأیید کرد. وی همچنین گفت که ما از یک ماه پیش به منطقه حساس شده و جاده را می دیدیم ولی جدی نمی گرفتیم، تا آنکه من روز دوم عملیات با فرماندهی سپاه (یکم عراق) تماس گرفتم و گفتم این عملیات اصلی ایران است، او ابتدا نپذیرفت ولی روز سوم بر این نظر صحیح گذاشت. پس، عملیات والفجر ۱۰ با توجه به اظهارات اسراء عراقی و نیز مجموع اقدامات و عکس العملهای

دشمن در حین و بعد از عملیات، تماما حاکی از غافلگیر شدن دشمن در برابر ابعاد گسترده عملیات بود.

دشمن در برابر اقدامات جمهوری اسلامی از منطقه فاو تا پاوه به دلیل عدم درک صحیح از تدابیر جدید ایران، نتوانست به جمع بندی صحیح برسد. لذا چنین پیش بینی می کرد که عملیات گسترده ی ما در جنوب انجام خواهد گرفت و جنوب در اولویت اول قرار دارد در غرب هم منطقه اصلی عملیات را منطقه بیت المقدس ۲ پیش بینی می کرد و محور حلبچه را به عنوان فریب آن منطقه محسوب می کرد. پیش فرض فوق عنصر اصلی در عقب ماندگی دشمن و عدم درک صحیح آن نسبت به ابعاد و گستردگی عملیات و نیز سمت اصلی تک بود که در نهایت منجر به از دست دادن منطقه وسیعی از دشت زور شد.

تلفات دشمن و غنائم

علاوه بر اسارت بیش از شش هزار نفر از نیروهای دشمن، بیش از ۱۰۰ دستگاه تانک و نفربر و همچنین چند قبضه توپ و کاتیوشا و تعدادی خودروهای مختلف از دشمن منهدم شد. با توجه به غافلگیری دشمن، غنائم به دست آمده در مقایسه با آنچه که از دشمن منهدم شد از شمار بیشتری برخوردار بود. چنانکه ۳۰ الی ۴۰ دستگاه تانک، ۳ دستگاه نفربر ۱۱۳، ۵۰ الی ۶۰ دستگاه انواع مختلف توپ، ۲ خودرو مخابرات، ۳ دستگاه مرکز تلفن ۱۰ شماره ای، ۲ دستگاه کمپرسی و اقلام دیگری به تصرف رزمندگان اسلام درآمد.

بازتاب عملیات والفجر ۱۰

واکنش رسانه های خبری و کارشناسان و تحلیلگران محافل سیاسی - نظامی نسبت به عملیات والفجر ۱۰ در فضای ناشی از حملات موشکی عراق به تهران انجام گرفت. ابعاد و تبعات موشک باران تهران که برای نخستین بار انجام

ص: ۲۱۰

می گرفت، بیش از عملیات والفجر ۱۰ در کانون توجهات قرار داشت. در ثانی، عملیات والفجر ۱۰ که در غرب کشور انجام شده بود، بدان جهت که فاصله منطقه عملیات والفجر ۱۰ تا کرکوک نسبتاً زیاد بود، در مقایسه با منطقه جنوب از اهمیت کمتری برخوردار بود لذا انعکاس و تأثیر آن در روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ کم رنگتر از انعکاس دیگر عملیاتهای بزرگ بود. ثالثاً بمباران شیمیایی حلبچه و ابعاد آن به عنوان یک فاجعه هولناک انسانی، کلیه رخدادهای جنگ و عملیات والفجر ۱۰ را برای مدت کوتاهی تحت تأثیر قرار داد. حال با توجه به این ملاحظات، در ادامه ی بحث ضمن نگاه اجمالی به انعکاس چهارمین مرحله جنگ شهرها، بازتاب «عملیات والفجر ۱۰» و «بمباران شیمیایی شهر حلبچه» مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

انعکاس چهارمین مرحله از جنگ شهرها

با آغاز چهارمین مرحله از جنگ شهرها (۱) برای نخستین بار تهران، از نیمه اسفند ۱۳۶۶ تا پایان فروردین ۱۳۶۷، به طور متوالی مورد اصابت حملات موشکی عراق قرار گرفت. مندرجات سرمقاله روزنامه الثورة ارگان حزب بعث عراق اهداف عراق را از این موشک باران آشکار ساخت.

«شبهای موشک باران باید حکام تهران را وادار کند که رویه خود را تغییر داده و تجاوزات علیه عراق و خلق عرب را متوقف کنند.» (۲) .

ص: ۲۱۱

۱ - ۵۰۰. عراقیها بلافاصله پس از ناکامی در تهاجم غافلگیرانه به ایران در ۳۱ شهریور سال ۵۹، موشک باران شهر مقاوم دزفول را آغاز کردند و در طول جنگ در مواقع مختلف و با بهانه های متفاوت مردم بی دفاع و غیر نظامی را مورد تهاجم قرار می دادند. مرحله بندی جنگ شهرها براساس تهاجم عراق به شهر تهران صورت گرفت که چهارمین مرحله آن در پایان سال ۶۶ آغاز شد. جنگ شهرها و مراحل آن پیش از این در کتاب «نبرد در شرق بصره» از انتشارات «مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ» سال ۱۳۷۴ ص ۱۴۵ مورد بررسی قرار گرفته است. نظر به اهمیت این موضوع و بازتابهای آن، در جلد پنجم از همین سری کتابها، به این مهم توجه خواهد شد. در اینجا به صورت اجمال و تنها برای ترسیم وضعیت جنگ در آستانه ی عملیات والفجر ۱۰، به موضوع مزبور اشاره شده است.

۲ - ۵۰۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، «گزارشهای ویژه»، «نشریه شماره ی ۳۴۸، ۱۲ / ۱۲ / ۶۶، خبرگزاری روبتر، ۱۱ / ۶۶ / ۱۲»

حملات موشکی به تهران صرف نظر از موقعیت زمانی آن و اهداف عراق، از ابعاد دیگری نیز حائز اهمیت بود. پیش از این، توانایی عراق برای حمله ی موشکی به تهران به دلیل فقدان موشکهای با برد لازم، مورد تردید بود و به نظر می رسید که عراقیها تنها در صورت دریافت موشکهای دوربرد از شوروی (پیشین) یا اصلاح برد موشکهای اسکاد با کمک فنی روسها و یا غریبها، (۱) قادر به حمله ی موشکی به تهران خواهند بود. بنابراین، اصابت اولین موشک به تهران به منزله افزایش فشار برای دستیابی به تحولی سیاسی در روند جنگ بود.

برخی از تحلیلگران و دیپلماتهای غربی هدف عراق را در از سرگیری دور جدید جنگ شهرها «تحریک ایران به شروع حمله زمینی» و «تسریع در کار تصویب قطعنامه ای در سازمان ملل برای تحریم تسلیحاتی ایران» ذکر کردند. (۲) روزنامه کریستین ساینس مانیتور پیش بینی کرد:

«این موج از جنگ شهرها آمادگیهای ایران را جهت دست زدن به حمله منتظره علیه سرزمینهای عراق تسریع خواهد کرد. ولی در عین حال این جنگ عاملی را تشکیل خواهد داد تا شورای امنیت به اتخاذ تدابیر فعالتر به منظور برقراری تحریم علیه طرف مخالف با متوقف ساختن جنگ اقدام کند.» (۳)

روزنامه واشنگتن پست نیز «تحریک ایران برای آغاز عملیات» را مهمترین هدف عراق ذکر کرد و به نقل از یک مقام آگاه عراقی نوشت:

«برای اولین بار در تاریخ عراق ما می خواهیم که ایرانیها حمله کنند.» (۴)

نظر به اینکه عملیتهای بزرگ ایران که به صورت سالانه انجام می شد عموماً در ماههای دی، بهمن یا اسفند انجام می گرفت، لذا با نزدیک شدن روزهای

ص: ۲۱۲

۱- ۵۰۲. برابر گزارشهای منتشره در رسانه های خبری و اسناد و مدارکی که در این زمینه به دست آمد، نقش آلمان در تجهیز عراق به سلاحهای شیمیایی و همچنین کمکهای فنی برای افزایش برد موشکهای اسکاد بیشتر از سایر کشورهای اروپایی بوده است.

۲- ۵۰۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۳۴۹، ۱۳ / ۱۲ / ۶۶، رادیو بی. بی. سی، ۱۲ / ۱۲ / ۶۶.

۳- ۵۰۴. پیشین، بخش عربی رادیو ابوظبی، ۱۲ / ۱۲ / ۶۶.

۴- ۵۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۳۵۱، ۱۵ / ۱۲ / ۶۶، واشنگتن پست، ۱۴ / ۱۲ / ۶۶.

پایانی سال ۶۶ و عدم اجرای عملیات از سوی ایران، رادیو لندن با بررسی تحولات جنگ بر این نظر بود که برابر شواهد موجود «ایران نمی تواند به چنین حمله ای دست بزند.» (۱) رادیو امریکا نیز طی گزارشی گفت: «گمان نمی رود که همانند گذشته ایران برای یک حمله بزرگ آماده باشد و ممکن است که اصلا امسال به چنین اقدامی مبادرت نکند... هوای نامساعد به زودی آن را غیر عملی خواهد ساخت.» (۲).

در چنین فضایی آقای هاشمی فرمانده عالی جنگ اعلام کرد که ایران پاسخ نهایی خود به موشکهای عراقی را با عملیات در جبهه ها، در مرزها و در داخل خاک عراق خواهد داد (۳) و در جنگ شهرها فقط برای بازداشتن عراق از شلیک موشکها به اقدامات تلافی جویانه اکتفا خواهد کرد. (۴) در همین روند، صدام نیز از منطقه ی عملیاتی سپاه اول، واقع در شمال عراق دیدن کرد. بنابر گزارش رادیو عراق، وی در این بازدید علاوه بر گفتگو با فرماندهان عالی رتبه نظامی، از اقدامات آنها برای مقابله با تهاجم ایران بازدید به عمل آورد. (۵).

چنانکه اشاره شد عملیات والفجر ۱۰ در فضای سیاسی - روانی ناشی از تهاجم عراق به شهرها انجام شد. به همین دلیل «تحریک ایران برای تسریع در اجرای عملیات» به عنوان یکی از هدفهای عراق ذکر شد. علاوه بر این، «تضعیف روحیه مردم ایران» (۶) نیز می توانست بخش دیگری از اهداف عراق باشد. زیرا در حمله به شهرها، مخاطبین، مردم غیر نظامی بودند و فشار به طور مستقیم بر روی آنها متمرکز بود و آثار و نتایج آن (به عنوان بخشی از اهداف عراق) در یک نظام مردمی و در جنگی که اتکاء اصلی آن به نیروی داوطلب مردمی بود می توانست به صورت غیر مستقیم بر مسئولین سیاسی - نظامی کشور تأثیر بگذارد. (۷) به همین دلیل، کسب پیروزی نظامی در واقع نوعی

ص: ۲۱۳

۱- ۵۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۳۴۷، ۱۱ / ۱۲ / ۶۶، رادیو لندن، ۱۰ / ۱۲ / ۶۶.
۲- ۵۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۳۵۹، ۲۳ / ۱۲ / ۶۶، رادیو امریکا، ۲۲ / ۱۲ / ۶۶.
۳- ۵۰۸. عملیات والفجر ۱۰، ۴۸ ساعت پس از اظهارات آقای هاشمی در تاریخ ۲۳ / ۱۲ / ۶۶ انجام شد.
۴- ۵۰۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ی ۳۵۸، ۲۲ / ۱۲ / ۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۲۱ / ۱۲ / ۶۶.

۵- ۵۱۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۳۶۰، ۲۴ / ۱۲ / ۶۶، رادیو عراق، ۲۳ / ۱۲ / ۶۶.
۶- ۵۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ی ۱۸، ۱۸ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری تانینگ، ۱۷ / ۱ / ۶۷.
۷- ۵۱۲. صدام در موقعیتی که عراق همچنان حمله به شهرها را ادامه می داد، طی مصاحبه ای با سر دبیر روزنامه مصری الاهرام در مورد شرایط خاتمه جنگ گفت: «هرگاه ایران درک کند که خسارات ناشی از جنگ برایش هولناک است دست صلح را دراز خواهد کرد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» شماره ۳۶۵، ۲۹ / ۱۲ / ۶۶، کویت ۲۸ / ۱۲ / ۶۶).

پاسخ گویی به تهاجمات دشمن به شهرها و از نظر روحی نیز غلبه بر اوضاع روانی ناشی از فشارهای مستقیم دشمن بر مردم محسوب می شد. (۱).

صرف نظر از آنچه که در مورد اهداف عراق در رسانه های خبری ذکر شد و با توجه به رخدادها و تحولات جنگ (به طور خاص حمله عراق به فاو) به نظر می رسد که عراقیها سلسله تهاجماتی را طرح ریزی کرده و در انتظار فرصت مناسب بودند. مسلماً در اولویت نخست، عراق می بایست علاوه بر آمادگی برای پاسخ گویی در برابر عملیات نظامی گسترده ایران، در مورد منطقه عملیات به اطمینان می رسید؛ با اجرای عملیات والفجر ۱۰ در منطقه ی غرب کشور، عراقیها به این نتیجه رسیدند که در منطقه ی جنوب عملیات گسترده ای نخواهد شد و با این اطمینان برای تهاجم به فاو آماده شدند.

واکنش رسانه های خبری

تا قبل از بمباران شیمیایی شهر حلبچه، عملیات والفجر ۱۰ در رسانه های خارجی بازتاب قابل توجهی نداشت. دلیل عمده ی این مسأله، همانطور که گفته شد، احتمالاً متأثر از این بود که مناطق شمال عراق در مقایسه با مناطق جنوبی از ارزش و اهمیت کمتری برخوردار بود و به همین میزان کوشش می شد این اقدام نظامی ایران، در روند تحولات سیاسی و نظامی جنگ کم تأثیر تلقی گردد. رادیو لندن به نقل از تحلیل گران نظامی گفت:

ص: ۲۱۴

۱-۵۱۳. پس از عملیات والفجر ۱۰ رادیو اسرائیل با توجه به موقعیت جنگ، به نقل از آگاهان سیاسی گفت: «ایران به این پیروزیهای زمینی نیاز مبرمی داشت تا بتواند تأثیرات تلخ و جانگداز حملات موشکی عراق علیه پایتخت و دیگر شهرها را تا حدودی خنثی کند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۳۶۶، ۳۰ / ۱۲ / ۶۶، رادیو اسرائیل ۲۹ / ۱۲ / ۶۶).

«تحلیل گران نظامی پیشرویه‌های اخیر ایران را در این منطقه برای عراق حداقل فعلا شکست مهمی تلقی نمی کنند.» (۱).

در عین حال روزنامه ی فایننشال تایمز چاپ انگلیس بر این باور بود که وجود تأسیسات نفتی کرکوک و خطوط لوله ی نفتی عراق به ترکیه و احتمالاً- گسترش اغتشاشات و ناآرامی در این منطقه مثل خنجر زدن به شاهرگ دفاعی عراق است. (۲) توجه به شهر حلبچه (۳) و وسعت آن نیز در برخی از گزارشهای خبری مورد توجه قرار گرفت. هژیر تیموریان در گزارش خود، شهر حلبچه را بزرگترین شهری دانست که تاکنون از آغاز جنگ به تصرف درآمده است. وی جمعیت این شهر را ۷۰ هزار نفر ذکر کرد. گزارشگر اضافه می کند که تصرف شهر به ایرانیها امید بیشتری می دهد تا به جنگ ادامه دهند. (۴).

عراقیها مانند همیشه در ابتدا اجرای عملیات و میزان موفقیت آن را انکار کردند، اما سرانجام دو هفته پس از عملیات، رادیو بغداد مدعی شد ارتش عراق هر زمان که بخواهد قادر به آزادسازی حلبچه است. (۵) در میان گزارشها و تحلیلهای ارائه شده در مورد عملیات والفجر ۱۰، شاید آنچه که در روزنامه واشنگتن پست منتشر شد، بیشتر از سایر بازتابها اهمیت داشت. در این گزارش تصریح شده است که گرچه حملات نظامی اخیر ایران به شمال عراق هیچ هدف استراتژیک قابل توجهی را در دسترس نیروهای انقلابی قرار نداد، ولی ایرادهای احتمالی استراتژی دفاعی بغداد را آشکار ساخت. این روزنامه می نویسد:

«سقوط فوری خطوط دفاعی عراق در بخش عظیمی از دره دربندیخان که در شمال آن شمال آن کشور قرار دارد، نشان دهنده ضعف نظامی استراتژی بغداد

ص: ۲۱۵

۱- ۵۱۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۳۶۵، ۲۹ / ۱۲ / ۶۶، رادیو لندن، ۲۸ / ۱۲ / ۶۶.

۲- ۵۱۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ی ۴، ۴ / ۱ / ۶۷، رادیو لندن، ۳ / ۱ / ۶۷.

۳- ۵۱۶. عملیات والفجر ۱۰ در طول ۸۵ کیلومتر نوار مرزی حد فاصل شیخ صالح تا میوان و در برخی نقاط در عمق ۵۰ کیلومتری خاک دشمن انجام گرفت و بیشتر از هزار کیلومتر مربع از سرزمینهای دشمن شامل شهرهای حلبچه، خرمال، دو جیله، طویله، بیاره و بیش از یکصد روستای منطقه آزاد شد.

۴- ۵۱۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ی ۵، ۵ / ۱ / ۶۷، رادیو بغداد، ۴ / ۱ / ۶۷.

۵- ۵۱۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ی ۳۶۵، ۲۹ / ۱۲ / ۶۶، رادیو لندن، ۲۸ / ۱۲ / ۶۶.

برای دوام آوردن در جنگی دیرپا و فرسایشی است.» (۱).

در ادامه همین تحلیل آمده است که عراق ضمن اینکه برای دفاع از مناطق نفت خیز دارای برنامه منطقی است، ولی برای دفاع از مناطق مرزی کوهستانی شمال که اکثر سکنه آن را اقلیت کرد تشکیل می دهند چندان تعهدی ندارد. براساس این استراتژی، عراق چند واحد نظامی را در شمال مستقر کرده، ولی در همان موقعیت، نیروهای آموزش دیده و گارد جمهوری را در جبهه های جنوب و مرکز استقرار داده است. (۲).

نویسنده مقاله واشنگتن پست در مقاله ی خود بر پایه ی این تحلیل و براساس استراتژی عراق، در ادامه می نویسد:

«اکراه و بی میلی عراق در هفته های اخیر در مورد دست زدن به یک ضد حمله و یا تقویت دو واحدی که در کرانه دریایچه دربندیخان در وام نیروهای ایرانی گرفتار شده اند، ظاهراً با استراتژی جدید بغداد تطابق دارد و بدین ترتیب دولت بغداد ترجیح داده است که کنترل سرزمینهای خود را در مرکز و جنوب در دست داشته باشد و به جای آن که پیاده نظام خود را دستخوش تلفات سنگین سازد، زمین را در شمال به ایران واگذارد.» (۳).

عراق در حلبچه نتوانست واکنش نظامی چشمگیری در برابر ایران انجام دهد. همین مسئله در دستیابی ایران به پیروزی سریع و آسان بی تأثیر نبود. اما بمباران شیمیایی شهر حلبچه مهمترین اقدامی بود که عراق انجام داد و واکنش جهانی زیادی را بر علیه خود برانگیخت.

عراق در برابر استراتژی جدید ایران در منطقه شمالی این کشور که اساساً با مساعدتهای اکراد معارض دنبال می شد، دو راه فراسوی خود داشت:

۱- حضور گسترده در منطقه برای مقابله با تهاجمات نسبتاً وسیع و متوالی ایران، با ایجاد یک سپاه جدید در سازمان رزم عراق. (۴) این امر عملاً موجب تداوم موضع انفعالی عراق می شد و سرانجام با تجزیه قوای عراق، فرصت

ص: ۲۱۶

۱- ۵۱۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ی ۷، ۶۷ / ۱ / ۷، رادیو امریکا، ۶ / ۱ / ۶۷.

۲- ۵۲۰. پیشین.

۳- ۵۲۱. پیشین.

۴- ۵۲۲. سند شماره ۳۱۳۳۶۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق توسط سردار محسن رضایی در دوره ی عالی جنگ سپاه»، سال ۱۳۷۴.

مناسبی را در اختیار ایران قرار می داد که از منطقه جنوب تهاجمات نظامی خود را پیگیری نماید.

۲- تلاش برای آزادسازی مناطق تحت تصرف ایران در جنوب در موقعیتی که ایران نیروهای خود را در شمال متمرکز ساخته بود.

عراق راه حل دوم را برگزید و با بمباران شیمیایی حلبچه تلاش کرد تا ناتوانی خود را در مقابله با تصرف حلبچه جبران کند. به نظر می رسد که عراق تصور می کرد که به دلیل فشار بین المللی به ایران از یک سو و از سوی دیگر عدم واکنش جهانی نسبت به بمباران شهرهای ایران، بمباران شیمیایی حلبچه نیز بازتاب جهانی قابل توجهی نخواهد داشت. به عبارت دیگر، ارزیابی عراق از میزان واکنش جهانی در برابر حملات شیمیایی به حلبچه، نقش مهمی در تصمیم گیری عراق برای بمباران حلبچه داشت.

بازتاب بمباران شیمیایی حلبچه در رسانه های خارجی

قتل عام ۵ هزار نفر از مردم کرد حلبچه توسط رژیم عراق با استفاده از گاز سیانور، پدیده جدید و مهمی بود که ابتدا در رسانه های خارجی بازتابی نداشت. چنانکه در رسانه های گروهی یوگسلاوی از آن تنها چند جمله خبری کوتاه منتشر شد. (۱) با پیدایش وضعیت جدید، جمهوری اسلامی ایران بلافاصله برای مداوای قربانیان حملات شیمیایی خواستار یک کمک بین المللی شد. (۲) سفیر وقت ایران در سازمان ملل در یک کنفرانس مطبوعاتی در آن سازمان، درخواست سازمان هلال احمر ایران را تکرار کرد. وی در این مصاحبه اظهار داشت که حملات هوایی عراق با استفاده از بمبهای خوشه ای با محتوای گاز خردل و گاز سیانور صورت گرفته و اکثر قربانیان زنان، کودکان و افراد مسن می باشند. وی همچنین در این مصاحبه اعلام کرد که ایران آماده پذیرفتن هدایا از هر کشوری برای مجروحان می باشد، زیرا در ایران ظرفیت لازم

ص: ۲۱۷

۱- ۵۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲، ۲ / ۱ / ۶۷.

۲- ۵۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، شماره ۳، ۳ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری فرانسه، ۲ / ۱ / ۶۷.

برای مداوی آنان وجود ندارد. (۱).

نگرانی ایران از سکوت مجامع بین‌المللی و در نتیجه تداوم جنایات عراق و گسترش آن در داخل خاک ایران سبب گردید تا رئیس وقت ستاد تبلیغات جنگ هشدار دهد در صورتی که شورای امنیت سازمان ملل درباره استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی حرفی نزنند، ممکن است ایران برای تلافی، از این سلاحها استفاده کند. (۲) پخش تصاویر جنایات هولناک در حلبچه، تدریجا واکنشهایی را برانگیخت و حامیان جهانی عراق به ویژه شوروی و امریکا نتوانستند بر آن سر پوش گذارند. سخنگوی کاخ سفید به ناچار اعلام کرد که از طریق دیپلماتهای امریکایی در بغداد، نظریات امریکا در این زمینه به اطلاع دولت عراق رسانده شده است. (۳) وی همچنین گفت:

«تصاویری که از قربانیان کرد به چاپ رسید ثابت می کند که چرا تلاش می شود استفاده از سلاحهای شیمیایی منع شود.» (۴)

روزنامه ایندپندنت با درج گزارشی از تولید سلاحهای شیمیایی در خاورمیانه توسط عراق، در مورد نقش کشورهای کمک کننده به عراق نوشت:

«به رغم منع فروش مواد شیمیایی برای مقاصد نظامی، شرکتهای بریتانیا، آلمان غربی، هند، اتریش، بلژیک و ایتالیا از قرار معلوم به طرحهای ساخت سلاحهای شیمیایی عراق کمک می کردند.» (۵).

اعزام خبرنگاران خارجی به ایران و بازدید از منطقه، تدریجا ابعاد این جنایت هولناک را افشا کرد. دیوید هرست خبرنگار روزنامه گاردین از لندن گزارشی از این جنایات را همراه با عکس در صفحه ی اول این روزنامه به چاپ رساند. در گزارش فرستاده روزنامه گاردین آمده است:

«هیچ جراحتهی، خونی و اثری از انفجار روی اجساد دیده نمی شود. اجساد دهها مرد، زن، کودک، دام و حیوانات دست آموز منازل و خیابانهای خاکی این بخش دور افتاده و مورد بی مهری قرار گرفته در کردستان عراق

ص: ۲۱۸

۱- ۵۲۵. پیشین.

۲- ۵۲۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۴، ۴ / ۱ / ۶۷، رادیو لندن، ۳ / ۱ / ۶۷.

۳- ۵۲۷. پیشین، رادیو امریکا، ۳ / ۱ / ۶۷.

۴- ۵۲۸. پیشین.

۵- ۵۲۹. پیشین، رادیو لندن، ۳ / ۱ / ۶۷.

تحت اشغال ایران را پوشانده اند. پوست این اجساد به طرز عجیبی تغییر رنگ داده چشمهایشان باز و خیره، چرک خاکستری رنگی از دهانهایشان بیرون زده و انگشتانشان هنوز به طرز عجیبی کج و کوله است... این طرف مادری بیچه اش را برای آخرین بار در آغوش فشرد و آن طرف پیرمردی خود را سپر نوزادی از آنچه نمی دانستند چیست، کرده است» (۱).

همچنین روزنامه نیویورک تایمز چاپ امریکا طی گزارشی نوشت:

«وسیله مرگ همه آنها تنها با یک هواپیمای جنگی که تقریباً با اطمینان می توان گفت عراقی بوده است به این شهر گردنشین عراق رسید. هواپیمایی که بمبهای آن ابری به رنگ زرد روشن در سراسر حلبچه ایجاد کرد، این عمل از هر حیث و به هر مفهوم یک جنایت جنگی است» (۲).

تایمز مالی چاپ لندن نیز حملات شیمیایی عراق را وحشت آور خواند و از دبیر کل سازمان ملل خواست که گروهی از کارشناسان را برای بررسی این فاجعه به منطقه اعزام کند (۳).

در ادامه تلاشهای ایران برای توجه افکار عمومی جهان به جنایات عراق در حلبچه، سفیر وقت ایران در سازمان ملل با دبیر کل و رئیس شورای امنیت دیدار کرد و از آنها خواست هیأتی را به منطقه اعزام نمایند (۴). رئیس وقت مجلس شورای اسلامی نیز طی مصاحبه ای از سازمان ملل درخواست کرد که هر چه زودتر کارشناسانی را به ایران اعزام نماید (۵). ذیل همین مصاحبه روزنامه ایتالیایی ایل جورنو نوشت:

رئیس مجلس شورای اسلامی ایران راه حل دیپلماتیک را نسبت به راه حلهای نظامی ترجیح می دهد، اما این امر در صورت تنبیه متجاوز تحقق خواهد یافت (۶).

فشار ایران به سازمان ملل برای اعزام کارشناس به منطقه همچنان ادامه یافت. به گونه ای که حتی نماینده ی وقت ایران در سازمان ملل اعلام کرد:

ص: ۲۱۹

۱- ۵۳۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۵، ۵ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، لندن، ۴ / ۱ / ۶۷.

۲- ۵۳۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۶، ۶ / ۱ / ۶۷.

۳- ۵۳۲. پیشین.

۴- ۵۳۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۴، ۴ / ۱ / ۶۷، رادیو امریکا، ۳ / ۱ / ۶۷.

۵- ۵۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۵، ۵ / ۱ / ۶۷، رادیو لندن، ۴ / ۱ / ۶۷.

۶- ۵۳۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۶، ۶ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری ایران در رم، ۵ / ۱ / ۶۷.

در صورتی که سازمان ملل در مورد استفاده اخیر عراق از سلاحهای شیمیایی تحقیق به عمل نیاورد، ایران به دور جدید مذاکرات صلح (۱) که مجدداً قرار است آغاز شود، نخواهد پیوست. (۲).

سخنگوی سازمان ملل در موقعیت جدید مجبور به مصاحبه و اظهار مشکلات و موانع موجود برای اعزام کارشناس به منطقه شد. فرانسوا گیلیایی در این مصاحبه گفت که برای دبیر کل دشوار است که هیأتی را به درخواست یک دولت، به خاک کشور دیگر بفرستد! سرانجام یک روز پس از مصاحبه مطبوعاتی سخنگوی سازمان ملل، منابع رسمی در این سازمان اعلام کردند که هیأتی از کارشناسان به تهران اعزام خواهند شد تا درباره حملات شیمیایی اخیر عراق تحقیق کنند. (۳).

عراق که پیش از این در برابر بازتاب بمباران شیمیایی حلبچه سکوت اختیار کرده بود، پس از انعکاس وسیع این جنایت در رسانه های کشورهای غربی و احتمال اعزام کارشناسان سازمان ملل به منطقه، شدیداً واکنش نشان داد و در جلسه شورای فرماندهی انقلاب عراق به رهبری صدام، شورا و رهبری عراق اظهارات دایر بر استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی را نکوهش کردند و طبق گزارش خبرگزاری عراق، در این جلسه تأکید کردند:

«عراق هر آنچه اسلحه دارد در جهت دفاع از خود و در راه تحقق بخشیدن به صلح عادلانه به کار می برد!» (۴).

پس از تشکیل جلسه یاد شده، مقامات عراقی با انتشار یک بیانیه رسمی خاطر نشان ساختند که عراق نمی تواند ساکت بماند و با هر وسیله ای که در اختیار دارد از خود دفاع می کند. (۵) روزنامه البعث ارگان رسمی رژیم عراق

ص: ۲۲۰

۱- ۵۳۶. دبیر کل سازمان ملل پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ تلاشهایی را برای مذاکره با نمایندگان ایران و عراق انجام می داد. در همین روند قرار بود در دهه ی اول فروردین با نمایندگان ایران و عراق به صورت جداگانه ملاقات نماید.

۲- ۵۳۷. پیشین، خبرگزاری رویتر، ۵ / ۱ / ۶۷.

۳- ۵۳۸. پیشین، خبرگزاری فرانسه، ۵ / ۱ / ۶۷.

۴- ۵۳۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۷، ۷ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری عراق، ۶ / ۱ / ۶۷.

۵- ۵۴۰. پیشین، خبرگزاری فرانسه، ۶ / ۱ / ۶۷.

«محافل بین المللی تلاش می کنند موقعیت و اعتبار عراق را در صحنه جهانی خدشه دار نمایند.» (۱).

سایر روزنامه های عراق مانند الثوره و الجمهوریه نیز ضمن تأیید تصمیمات جلسه فرماندهی، با نکوهش کشورهای که عراق را به خاطر کاربرد سلاح شیمیایی محکوم کرده بودند، مجدداً تأکید کردند که عراق از هر گونه سلاحی که در اختیار دارد، استفاده خواهد کرد. (۲) در ادامه همین روند، رئیس دفتر خبرگزاری عراق در قاهره، نوری نایف، گفت:

«یک سخنگوی صلاحیت دار عراقی به وی گفته است که ممکن است عراق به عنوان یک اقدام بازدارنده و کیفری تعدادی از شهرهای بزرگ ایران را هدف حملات شیمیایی قرار دهد!» (۳).

طارق عزیز وزیر امور خارجه وقت عراق نیز طی نامه ای به دبیر کل، وی را به جهت اعزام هیأت کارشناسی به منطقه برای بررسی کاربرد سلاح شیمیایی از سوی عراق، به جانبداری از ایران متهم کرد. (۴) روزنامه القادسیه، ارگان وزارت دفاع عراق نیز شدیداً به دکوئیار دبیر کل سازمان ملل حمله کرد. (۵) لطیف جاسم، وزیر اطلاعات و فرهنگ عراق، در ادامه ی حملات مقامات رسمی و مطبوعات عراق به دکوئیار گفت که دبیر کل سازمان ملل در انجام وظایف خود ناتوان است و دیگر قابل اطمینان نیست. (۶).

سرانجام دکوئیار در پاسخ به وزیر امور خارجه عراق و سایر مسئولین آن کشور طی اطلاعیه ای با اظهار تأسف نسبت به این مواضع، با لحنی خشک پاسخ داد که وقت آن نیست که در خصوص جنگ ایران و عراق یک بحث علنی و عمومی انجام گیرد. (۷) همچنین دبیر کل سازمان ملل در ملاقات با نماینده وقت ایران در سازمان ملل، پس از مشاهده تصاویر گویا و تکان دهنده این جنایت هولناک ضمن ابراز تأسف از کاربرد سلاحهای شیمیایی در جنگ،

ص: ۲۲۱

۱- ۵۴۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۸، ۸ / ۱ / ۶۷، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷ / ۱ / ۷.

۲- ۵۴۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۹، ۹ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری عراق، ۶۷ / ۱ / ۸.

۳- ۵۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۱۰، ۱۰ / ۱ / ۶۷، آسوشیتدپرس، ۶۷ / ۱ / ۹.

۴- ۵۴۴. پیشین، خبرگزاری فرانسه، ۶۷ / ۱ / ۹.

۵- ۵۴۵. پیشین، خبرگزاری عراق، ۶۷ / ۱ / ۹.

۶- ۵۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۱، ۱۱ / ۱ / ۶۷، خبرگزاری فرانسه، ۶۷ / ۱ / ۱۰.

۷- ۵۴۷. پیشین.

اعلام کرد که برای بستری و مداوا کردن مصدومین اعزامی به امریکا و مراکز پزشکی و تحقیقاتی نیویورک، حاضر به هر گونه همکاری می باشد. (۱).

سرانجام دو تن از کارشناسان سازمان ملل در تاریخ ۹ / ۱ / ۶۷ به منطقه اعزام و پس از دیدار سه روزه و گفتگو با چند صد نفر از زخمیهای حادثه در بیمارستانهای تهران و بازدید از شهرهای نوسود و مریوان، ایران را ترک کردند. اظهار نگرانی چین از به کار گرفته شدن سلاحهای شیمیایی (۲) و اظهارات تاجر نخست وزیر وقت انگلیس مبنی بر تناقض آنچه رخ داده با کنوانسیون سال ۱۹۲۵ ژنو، نشان دهنده ی وسعت دامنه ی واکنش جهانی بود که در سطوح مختلف انجام گرفت. روزنامه لوس آنجلس تایمز با بررسی ابعاد این فاجعه هولناک نوشت:

«تا زمانی که تنها ایرانیان قربانی حملات شیمیایی عراق بودند چه در سازمان ملل متحد و چه در پایتختهای کشورهای بزرگ جهان عزم و اراده سیاسی کافی برای محکوم کردن این گونه عملیات وجود نداشت... اما این بار شهروندان کرد عراقی، بومیهای غیر عرب آن کشورند که قربانی گازهای سمی عراق شده اند از این رو واکنش رسانه های جمعی غرب به ویژه اروپا شدیدتر بوده است.» (۳).

روزنامه کریستین ساینس مانیتور نیز با اشاره به نتایج اقدامات اخیر عراق نوشت:

«اتهام استفاده از سلاحهای شیمیایی و روشهای تهاجمی که عراق اخیرا در جنگ با ایران پیش گرفته است حمایت گسترده جوامع بین المللی را از عراق خدشه دار ساخته و شانس تحریم تسلیحاتی علیه ایران را توسط سازمان ملل متحد کاهش داده است.» (۴).

برخی از کارشناسان بر این نظر بودند که عراق به دلیل اهدافی که دنبال می کرد هزینه سیاسی بمباران شیمیایی حلبچه را پذیرفته بود. در واقع، صدام

ص: ۲۲۲

۱- ۵۴۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۲، ۱۲ / ۱ / ۶۷، نیویورک، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷ / ۱ / ۱۱.

۲- ۵۴۹. مأخذ شماره ۵۸، توکیو، خبرگزاری جمهوری اسلامی ۶۷ / ۱ / ۱۰.

۳- ۵۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۵، ۱۵ / ۱ / ۶۷، رادیو امریکا، ۶۷ / ۱ / ۱۴.

۴- ۵۵۱. مأخذ شماره ۵۵، رادیو امریکا، ۶۷ / ۱ / ۹.

پیام دو گانه ای را به ایران و کردهای معارض گوشزد کرد. یکی از کارشناسان رادیو اسرائیل در مورد پیام به ایران می گوید:

«پیام عراق به ایرانیها دادن علائمی مبنی بر این امر است که در صورتی که به سد بسیار استراتژیک آن کشور در سواحل شمالی رودخانه دیاله نزدیکتر شوند عراقیها احتمالاً علیه شهرهای ایران از موشکهایی که مجهز به کلاهکهای شیمیایی می باشند استفاده خواهند کرد... دومین پیام صدام به اقلیتهای کرد عراق می باشد که اگر کسی بخواهد از جامعه اصلی عراق جدا گردد با چنین عقوبتی مواجه خواهد گردید.» (۱).

به مدت یک ماه کم و بیش بازتاب بمباران شیمیایی حلبچه در رسانه های خارجی مشاهده می شد. لیکن با اتمام حملات عراق به شهرهای ایران و همچنین ربودن هواپیمای کویتی و فرود اجباری آن در فرودگاه مشهد و نیز اعزام نمایندگان ایران و عراق به سازمان ملل و مذاکره با دکوئیر تدریجا از جنایات عراق در حلبچه تنها یک خاطره تلخ بر جای ماند و همه چیز به فراموشی سپرده شد.

نتیجه گیری

وضعیت حاکم بر جنگ در سال ۶۶ به رغم تمهیدات امریکا و سازمان ملل برای پایان بخشیدن به آن، ناظر بر این معنا بود که نظام بین الملل نه تنها در جستجوی راه حل عادلانه جنگ نیست، بلکه از ابزار لازم برای «تحمیل اراده سیاسی» خود نیز برخوردار نمی باشد. به عبارت دیگر، وضعیت سیاسی - نظامی جنگ و موقعیت برتر ایران ایجاب می کرد که نظام بین المللی خواسته های ایران را تأمین نماید، اما ابرقدرتها نتایج حاصل از به رسمیت شناختن حقوق ایران را به زیان منافع قدرتهای حاکم بر سازمان ملل ارزیابی می کردند. از سوی دیگر، ابرقدرتها به تنهایی فاقد توانایی لازم برای تحمیل خواسته های خود به

ص: ۲۲۳

۱- ۵۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، نشریه شماره ۱۷، ۱۷ / ۱ / ۶۷، بخش انگلیسی رادیو رژیم اشغالگر قدس، ۱۳ / ۱ / ۶۷.

ایران بودند. زیرا توانایی نظامی ایران در برابر رژیم عراق، این کشور را از موقعیت مناسبی برای پیگیری اهداف و خواسته هایش برخوردار کرده بود.

جمهوری اسلامی در موقعیت جدید در برابر وضعیت دو گانه و دشواری قرار داشت، از یک سو به دلیل برخورداری از موقعیت برتر نظامی و دیدگاههای اعتقادی و اسلامی، مایل به عقب نشینی از مواضع اصولی و بر حق خود نبود و از سوی دیگر برای پیگیری خواسته هایش اوضاع بسیار دشوار بین المللی و فشارهای سیاسی - اقتصادی رو به افزایش را فراروی خود داشت که فائق آمدن بر آنها یک «پیروزی نظامی تعیین کننده» را می طلبید که تحقق آن به سهولت امکان پذیر نبود و لزوما می بایست زیرساختها و مقدمات آن از سالها قبل فراهم می شد. پیدایش این وضعیت دشوار و پیچیده، موقعیت ایران را کاملا آسیب پذیر کرده بود. به همین دلیل هر گونه غفلت و تسامح می توانست موقعیت برتر ایران را که حاصل پنج سال تهاجم مستمر همراه با کسب پیروزی نظامی بود، دچار تغییر و تحول کند.

بنابراین گر چه جنگ در سال ۶۶ به رغم تمامی تحولات سیاسی - نظامی مانند تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ در شورای امنیت، اسکورت نفتکشهای کویت از سوی امریکا، درگیری ایران و امریکا در خلیج فارس، سلسله اقدامات نظامی ایران در منطقه غرب کشور، افزایش فوق العاده توان نظامی عراق، برخورداری روسها از موقعیت سیاسی قابل توجه در منطقه و بسیاری از مسائل دیگر به سرانجام مشخصی منتهی نشد، لیکن نطفه تحولات سیاسی - نظامی سال ۶۷ (۱) و خاتمه یافتن جنگ منعقد گردید.

با فرارسیدن سال ۶۷ و در موقعیتی که تهاجم موشکی عراق به شهر تهران همچنان ادامه داشت و قوای نظامی ایران در منطقه عملیاتی والفجر ۱۰، واقع

ص: ۲۲۴

در منطقه شمالی جبهه های جنگ، در گیر تثبیت و تحکیم منطقه و مقابله با آثار و نتایج ناشی از حملات شیمیایی عراق به شهر حلبچه بودند، نیروهای نظامی عراق در تاریخ بیست و هشتم فروردین، همزمان با حمله امریکا به دو سکوی نفتی ایران در خلیج فارس، تهاجم خود را به شهر فاو، با هدف باز پس گیری آن آغاز کردند.

غافلگیری ایران (۱) در فاو و به کارگیری سلاحهای شیمیایی از سوی عراق به صورت گسترده و پر حجم برای هجوم به این منطقه، فرصت و شرایط را برای پیشروی عراقیها فراهم کرد و منطقه ی عملیاتی فاو مجددا در اختیار عراق قرار گرفت. سهولت پیروزی عراق در فاو، حاصل تجربه عراقیها در حد فاصل فتح خرمشهر تا عملیات والفجر ۱۰ بود. بدین معنا که عراقیها در تجزیه و تحلیل عملیتهای رزمندگان اسلام به این نتیجه رسیده بودند که اگر قوای نظامی ایران منطقه ای را تصرف کردند، به دلیل تمرکز فرماندهی نیرو و امکانات، باز پس گیری منطقه امری دشوار و با هزینه و خسارات زیاد و احتمال عدم موفقیت همراه است. لذا به این نتیجه رسیدند که به جای ضد حمله به قوای متمرکز ایران، در یک منطقه دیگر به عملیات تهاجمی اقدام کنند. (۲) بر پایه این تجربه، عراقیها مترصد موقعیت مناسب بودند. لذا پس از آنکه با بررسی شواهد و قرائن به این نتیجه رسیدند که عملیات بزرگ و گسترده ایران که به صورت سالانه انجام می گرفت در منطقه عملیاتی والفجر ۱۰ انجام شده است، تهاجم

ص: ۲۲۵

۱- ۵۵۴. روزنامه نیویورک تایمز در تاریخ ۲۹ / ۲ / ۶۶ در مورد غافلگیری ایران در فاو می نویسد: «فرماندهی ایران در فاو فکر نمی کرد که عراقیها قادر خواهند بود به مواضع نیروهای ایرانی که به خوبی از آن دفاع می شد، حمله کنند. چنین اندیشه ای احتمالا به پیدا شدن یک احساس کاذب منجر شد و عراقیها با استفاده از آن و برتری خود، بامداد روز یکشنبه (۲۸ / ۱ / ۶۵) ایرانیها را غافلگیر کردند.» همچنین نشریه ایندیندنت طی گزارشی نوشت: «عراق اطلاعاتی داشته مبنی بر اینکه ایران مقداری از نیروهای خود را از اطراف بصره به جبهه های شمالی که در آنجا موفقیتهای قابل توجهی داشته، منتقل کرده، بنابراین عراق از این موقعیت استفاده کرده است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۴ / ۲ / ۶۷، رادیو لندن ۳ / ۶۷).

۲- ۵۵۵. مأخذ شماره ۳۵.

امریکاییها که از مدتها قبل با حضور نظامی گسترده در منطقه خلیج فارس و پیگیری تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ و تحریم نظامی ایران، در اندیشه پایان دادن به جنگ ایران و عراق بودند، از تحول نظامی اخیر استقبال کرده و چنین پیش بینی می کردند که تضعیف موقعیت نظامی ایران زمینه را برای پایان دادن به جنگ فراهم خواهد کرد. (۱) به همین دلیل و با توجه به همزمانی تهاجم امریکا به دو سکوی نفتی ایران با حمله عراق به فاو و همچنین نیاز امریکا به جبران ماجرای مک فارلین، به نظر می رسید که امریکاییها در اقدام نظامی عراق مشارکت داشته اند. (۲).

متعاقب باز پس گیری فاو موقعیت عراق بهبود یافت و در برابر ایران از موضع برتری برخوردار شد. (۳) پیدایش این وضعیت روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ را دستخوش تغییر کرد. با توجه به افزایش توان نظامی این کشور در سال ۶۶ و نقش مستشاری روسها، روند هجومهای نظامی عراق رو به افزایش نهاد به گونه ای که کمتر از سه ماه کلیه مناطقی را که ایران متصرف شده بود، مجددا در اختیار گرفت.

روند تحولات سیاسی نیز به موازات تحولات نظامی شتاب گرفت. ایران که

ص: ۲۲۶

۱- ۵۵۶. ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه ی وقت امریکا بلافاصله پس از اینکه عراق فاو را پس گرفت، اعلام کرد که اکنون موازنه ی نظامی برقرار شده است. وی در تاریخ ۲۱ / ۲ / ۶۷ با امیدواری به برقراری صلح اعلام کرد: «پیروزی ماه گذشته عراق در شبه جزیره ی فاو ممکن است امکان جدیدی را برای پیشرفت از کانال دیپلماتیک فراهم سازد.» (لوس آنجلس تایمز، نشریه هفتگی ایران تایمز، ۲۹ / ۲ / ۶۷).

۲- ۵۵۷. روزنامه نیویورک تایمز در مورد حمایت امریکا از عراق می نویسد: «امریکا درست در موقع و زمانی که ایران می رفت دست بالا را در جنگ داشته باشد به کمک عراق شتافت و در نتیجه موازنه ی قوای طرفین دوباره برقرار گردید.»

۳- ۵۵۸. خبرگزاری فرانسه: «عواقب از دست رفتن فاو دور از اهمیت نیست. به طوری که از فشارهای ایران می کاهد و به نیروهای بغداد امکان می دهد که از یک موضع استراتژیک برخوردار گردند.» (معاونت سیاسی سپاه، نشریه «بررسی»، شماره ۳، اردیبهشت ۶۷، ص ۲۰).

پیش از این بر پایه توانمندی نظامی بر سر پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ مشغول به چانه زنی سیاسی بود، در موقعیت جدید، به ویژه پس از حمله موشکی امریکا به هواپیمای مسافربری ایرباس (۱) و احتمال گسترش دامنه تهدیدات علیه ایران، سرانجام در تاریخ ۲۷ تیرماه سال ۶۷ قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت. صدای جمهوری اسلامی در ساعت ۱۴ آن روز اعلام کرد، جمهوری اسلامی ایران طی پیامی خطاب به خاویر پرز دکوئیار دبیر کل سازمان ملل، قطعنامه ی ۵۹۸ را رسماً پذیرفت. امام خمینی نیز در پیام خود که در تاریخ ۳۰ / ۴ / ۶۷ منتشر شد، پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ را مورد تأکید قرار دادند. (۲) یکی از کارشناسان مسائل ایران در مورد علت پذیرش قطعنامه از سوی ایران گفت:

«پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ توسط ایران، صرفاً به دلیل شکست این کشور در جبهه های جنگ و یا عدم استقامت در برابر امریکا نبود، بلکه نگرانیهایی که حیات انقلاب را تهدید می کرد، عامل اصلی پذیرش قطعنامه بود. رهبران ایران حداقل به ادعای خود تجاوز امریکا به خلیج فارس را مقدمه جنگ تمام عیاری می دانستند که پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ تنها راه مقابله با آن بود.» (۳)

اقدام ایران در پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ در وضعیت جدید سیاسی - نظامی و بر پایه پیش بینی احتمال افزایش فشار به ایران، یکباره روند تحولات را به سود ایران تغییر داد. عراق که در موقعیت جدید مایل به پایان جنگ نبود، به حملات خود ادامه داد و منافقین نیز تحت حمایت عراق عملیات نظامی خود را از یکی از محورهای غرب کشور، با ورود به داخل خاک ایران آغاز کردند.

ص: ۲۲۷

۱- ۵۵۹. در تاریخ ۱۲ / ۴ / ۶۷ با اصابت موشکی که از ناو امریکایی در خلیج فارس شلیک شد، هواپیمای مسافربری ایران با ۲۹۰ مسافر سقوط کرد، پس از آن ورنون والترز سفیر امریکا در سازمان ملل در تاریخ ۱۷ / ۴ / ۶۷ گفت: «انهدام هواپیمای ایرباس ایرانی می تواند انگیزه ای تازه برای پایان دادن به جنگ در خلیج فارس باشد.» (دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، فصلنامه «بررسیهای نظامی»، سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۷۲، ص ۱۱۰).

۲- ۵۶۰. پیام استقامت تیرماه ۱۳۶۷، پیام امام به مناسبت پذیرش قطعنامه ۵۹۸.

۳- ۵۶۱. روح الله کارگر رضوانی، نه شرقی - نه غربی، اصل بنیادین جمهوری اسلامی، دانشگاه یل، نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، بولتن شماره ۱۱.

بر پایه درک جدید جمهوری اسلامی نسبت به ماهیت تهاجمات عراق پس از پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ از سوی ایران، نیروهای مردمی با فراخوانی عمومی مجدداً به جبهه گسیل شدند و عراقیها که در اندیشه اشغال مجدد خوزستان بودند در برابر مقاومت نیروهای مردمی و انقلابی، زمین گیر شده و مجدداً به مواضع خود مراجعت و منافقین نیز با بجا گذاردن تلفات و خسارات قابل توجه به خاک عراق عقب نشینی کردند. فشار بین المللی بر عراق سبب گردید تا این کشور پس از ناکامی نظامی، سرانجام به پذیرش آتش بس که از تاریخ ۲۹ / ۵ / ۶۷ اعلام شد، تسلیم شود. بدین ترتیب جنگ ایران و عراق پس از گذشت هشت سال از تجاوز عراق که با هدف تجزیه استان خوزستان و براندازی نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران آغاز شده بود در وضعیتی به پایان رسید (۱) که عراقیها هیچگونه دستاورد قابل توجهی را کسب نکردند و همین مسئله منشاء تحولات بعدی در منطقه بود و زمینه های تهاجم عراق به کویت را فراهم ساخت.

ص: ۲۲۸

۱- ۵۶۲. تحولات سیاسی - نظامی جنگ پس از عملیات والفجر ۱۰ تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در تیرماه ۶۷ و برقراری آتش بس در مرداد همان سال، در جلد پنجم از مجموعه پنج جلدی سیری در جنگ ایران عراق، بررسی و منتشر خواهد شد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

